

نشریه علمی

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴

صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مدیر مسئول: محمود یزدان فام

سر دبیر: محمدباقر خرمشاد

دبیر: وحیده احمدی

فصلنامه مطالعات راهبردی، بنا بر نامه شماره ۳/۱۱/۳۷۳۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - کمیسیون نشریات علمی کشور، دارای درجه علمی - پژوهشی است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود.

به منظور تعمیق و گسترش پیوند دانشگاه با مراکز پژوهشی راهبردی و بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی در پژوهش‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای منتشر می‌شود.

تلفن واحد فروش و اشتراک ۸۸۸۰۲۴۷۶

نشانی: تهران، خیابان کریمخان، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر، پلاک ۷

صندوق پستی: ۵۱۸۹-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۱۲۸۳۰ دورنگار: ۸۸۸۹۶۵۶۱

تارنما: Quarterly.risstudies.org

پست الکترونیک: quarterly@risstudies.org

هیئت تحریریه (بر اساس حروف الفبا)

- وحیده احمدی / استادیار مطالعات راهبردی (دکتری اندیشه سیاسی)
- فرامرز تقی لو / دانشیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز
- محمد باقر خرمشاد / استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
- رضا خلیلی / استادیار دانشگاه خوارزمی (دکتری علوم سیاسی)
- مهدی رضایی / دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی
- عبداله قنبرلو / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (دکتری روابط بین‌الملل)
- سعیده لطفیان / دانشیار دانشگاه تهران (دکتری علوم سیاسی)
- مراد کاویانی راد / دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای سیاسی)
- الهه کولایی / استاد دانشگاه تهران (دکتری علوم سیاسی)
- حمیرا مشیرزاده / استاد تمام گروه روابط بین‌الملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- مهدی میرزاده کوشنهای / دانشیار گروه جغرافیای سیاسی در دانشگاه هرمزگان
- قدیر نصری / دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه)
- مرتضی نورمحمدی / دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی
- محمود یزدان‌فام / استادیار گروه مطالعات بین‌الملل در پژوهشکده مطالعات راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی از کلیه محققان و مترجمان محترم که علاقه‌مند به درج مطالب خویش در

این فصلنامه هستند، با رعایت شرایط زیر دعوت به همکاری می‌کند:

* مقالات در حوزه مطالعات راهبردی و مسایل ایران باشد.

* نام و نام خانوادگی مؤلف همراه با نشانی کامل و شماره تلفن در پایان مقاله ذکر شود.

* خلاصه‌ای از مقاله به زبان فارسی و انگلیسی تهیه و ارسال شود.

* مقالات بر یک روی صفحه و با فاصله مناسب با خطی خوانا نوشته شود.

* طول مقالات از ۲۰ صفحه تایپی (و یا معادل دست‌نویس آن) فراتر نرود.

* در نگارش مقالات اصول علمی - پژوهشی رعایت شود.

* فصلنامه در ویرایش مقالات پذیرفته شده آزاد است.

مطالب مندرج در فصلنامه مطالعات راهبردی بیانگر دیدگاه‌های پژوهشکده مطالعات راهبردی نیست.

نقل مطالب با ذکر منبع جایز است.

کلیه حقوق اثر برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.

مقاله پژوهشی برای فصلنامه مطالعات راهبردی باید بر اساس ویژگی‌های زیر نگارش شود:

- موضوع مقاله باید در چارچوب مطالعات راهبردی (مسائل و موضوعات مرتبط با مطالعات امنیتی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت بین‌الملل) باشد.
- ساختار مقاله: شامل عنوان، چکیده، مقدمه، چارچوب نظری، بدنه اصلی، نتیجه‌گیری و منابع است.
- عنوان مقاله باید کاملاً گویا و بیان‌گر کل محتوای مقاله باشد.
- **چکیده فارسی:** بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه همراه با کلیدواژگان (چهار تا پنج کلمه) باشد. چکیده باید تصویر کلی از مقاله باشد و شامل پرسش پژوهش، روش پژوهش و مهم‌ترین یافته‌های پژوهش باشد.
- چکیده انگلیسی باید پیوست شود.
- **مقدمه:** باید به طرح مسئله بپردازد. در این قسمت باید پرسش، فرضیه، هدف یا اهداف پژوهش و ضرورت یا اهمیت آن طرح شوند.
- **روش‌شناسی:** شامل روش گردآوری، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهبرد پژوهش باشد. در روش‌های تحقیقی مبتنی بر جامعه آماری و نمونه‌گیری باید روش نمونه‌گیری و آزمون اعتبار و پایایی باید مشخص شود.
- **پیشینه تحقیق:** در این قسمت باید پژوهش‌های مشابهی که انجام شده، به صورت دسته‌بندی بیاید و تمایزهای پژوهش نویسنده با پژوهش‌های انجام‌شده مشابه روشن و به صورت دقیق و صریح آورده شود.
- متن مقاله باید انسجام شکلی و محتوایی داشته باشد. به این معنا که اصول روش پژوهش و مقاله‌نویسی رعایت شده باشد؛ تیترا و بخش‌های مختلف متن با عنوان و موضوع مقاله هماهنگ باشند؛ بین جملات و پارگراف‌ها هماهنگی و ارتباط قوی وجود داشته باشد؛ و ترتیب طرح تیترا و بخش‌ها نیز به صورت منطقی باشد.
- **نتیجه‌گیری تحقیق:** پاسخ به سؤال تحقیق در قالب ارائه یافته‌های تحقیق است. نتیجه‌گیری نشان‌دهنده یافته‌های پژوهش، استدلال‌های نهایی نویسنده و بازتابی از مباحث متن مقاله است. علاوه بر این، پیشنهادها نویسنده در بخش پایانی نتیجه‌گیری طرح می‌شوند.
- رعایت آیین نگارش زبان فارسی و اصول ویرایش ادبی در مقاله الزامی است.
- **منابع و مأخذ:** به ترتیب حروف الفبا بر اساس نام‌خانوادگی نویسنده مرتب شود (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع لاتین).

- متن مقاله بین ۶ تا ۸ هزار کلمه و با قلم B-Nazanin اندازه ۱۲ و اصطلاحات و پانوشتهای انگلیسی با قلم Times New Roman اندازه ۱۰ تنظیم شود.
 - تصاویر، نمودارها و جداول مقاله باید با کیفیت مناسب (تصاویر با دقت ۳۰۰ dpi و با فرمت jpg)، ذکر منبع و تعیین محل مناسب باشد.
 - عنوان جدول در قسمت بالا و مأخذ آن در زیر جدول قسمت وسط آورده شود؛ عنوان تصویر در قسمت وسط پایین و مأخذ، زیر عنوان درج شود.
 - شیوه تنظیم منابع: به روش APA و به شکل زیر باشد:
در متن مقاله: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: صفحه)
در صورتی که منبع نویسنده مشخصی نداشته باشد، نام سازمان تهیه کننده یا منتشرکننده به جای نویسنده درج شود.
در فهرست منابع پایان مقاله:
 - **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار) عنوان کتاب. جلد. نام مترجم یا مصحح، نام ناشر.
 - **مقاله:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار) عنوان مقاله. عنوان مجله. دوره یا سال (شماره مجله در سال مورد نظر).
 - **سند اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ) عنوان سند، آدرس اینترنتی به طور کامل. بازیابی شده در تاریخ.
 - مسؤلیت محتوای مقاله با نویسنده مسؤل است. نویسنده مسؤل باید فرمهای تعهدنامه نویسندگان و تعارض منافع را همزمان با ارسال مقاله، تکمیل و ارسال کند.
 - با توجه به انتشار منظم فصلنامه مطالعات راهبردی و درج مقالات متنوع در حوزههای مختلف مطالعات راهبردی، لازم است نویسندگان محترم در مرحله نگارش مقاله خود به مقالات منتشرشده فصلنامه رجوع کنند و به مقالاتی که مرتبط به موضوع مقاله آنهاست، ارجاع دهند.
-
-

فهرست مطالب

مقالات

- ۷ - ۴۰ معناکاوی مفهوم امنیت در شاهنامه با رویکرد نشانه‌شناسی پیرس / فاطمه زمانی
- ۴۱ - ۶۴ آسیب‌شناسی سیاست‌های مرتبط با محصولات تراریخته در جمهوری اسلامی ایران
/ مسعود جبل‌عاملی، محمدرضا یزدانی زازرانی، مهناز گودرزی
- ۶۵ - ۸۸ اقتصاد سیاسی ناركوتیک و امنیت در استان سیستان و بلوچستان
/ رحیم سابق‌نژاد، شهروز شریعتی، محسن اسلامی
- ۸۹ - ۱۱۴ ایران و بالکانی‌ها در فضای پسامنازه (۲۰۰۸-۲۰۲۳) / ابوذر فتاحی زاده، سید محمد آردم
- ۱۱۵ - ۱۴۶ تبیین اجتماعی تروریسم در غرب آسیا؛ تأثیر اعتماد بر تروریسم در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ / ابوالفضل دلاوری، رضا خلیلی، حامد مهربان اینچه‌برون
- ۱۴۷ - ۱۴۷ تحلیل سیاست‌های آبی ترکیه در قبال کشورهای ایران و عراق با بهره‌گیری از مدل‌های های پوتیتکا و سوئین / رضا دولتی، سیدعباس احمدی، محمدباقر قالیباف، محمود واثق



انستیتو مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 24 January 2024
 Accepted 04 June 2024
 Published online 08 September 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 7-34



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

A Semiotic Analysis of the Concept of Security in the Shahnameh, Using Peirce's Framework

Fatemeh Zamani

Asistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran.

Corresponding author email address: f.zamani@kub.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Zamani, F. (2024). A Semiotic Analysis of the Concept of Security in the Shahnameh, Using Peirce's Framework. Strategic Studies Quarterly, 27(2), 7-40. doi: 10.22034/srq.2024.204532



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The word “security” has a broad meaning and encompasses everything from the innermost individual feelings to the widest international relations. It can include concepts such as freedom from doubt and anxiety on one side, and peace, trust, and well-being on the other. Barry Buzan considers “security” to be the intersection of foreign, economic, and military policies of countries. Arnold Wolfers believes a nation has security when it can protect its basic values without risk, avoid war, and maintain its values when challenged.

The issue of “security” is one of the topics that have always been the focus of Iranian intellectual elders such as Hakim Abulqasem Ferdowsi, Imam Muhammad Ghazali, Khawaja Nasir Toosi, Molana, and Saadi. Among them, Ferdowsi’s Shahnameh is undoubtedly the pioneer of the concept of “security.” He displays this concept, especially “national security” in different ways in the speech, behavior, and actions of the Shahnameh’s heroes. In this vein, the present paper tries to analyze this concept from various aspects in Ferdowsi’s Shahnameh - as one of the prominent epic texts of Iran - using Charles Sanders Peirce’s framework of semiotic theory. The goal is to develop a security model based on the Iranian national epic, drawing from Iran’s rich history and civilization. Through an analysis of the symbolic, iconographic, and profile signs of the “concept of security” in the Shahnameh, the primary questions are: Who are the referent objects of security? What defines security? And which dimensions and types of security are reflected in the Shahnameh?

Methodology

As one of the founders of semiotics, Peirce believes that man can only think through signs. In his model, a sign includes 'representation, interpretation, object': 'representation' is the form that the sign takes; 'interpretation' is the perception created by the sign; and 'object' is what the sign refers to. Peirce believes the relationship between the sign and the signified may be symbolic, iconic, or indexical. The meaning of the 'symbolic aspect' is that the signifier does not resemble the signified but is linked to it based on an arbitrary or conventional association. In the symbolic aspect, the relationship between the signifier and the signified is not direct (i.e., not based on physical or causal similarity), but rather it is determined by social or cultural conventions.

Result and discussion

In the Shahnameh, many words imply the concept of security based on the contractual relationship between the object and the representation. Some of the most important examples that indicate the issue of "security" include signifiers/words such as "safe", "wisdom", "calm", "assured", "peace/reconciliation", "developed", "verdurous", "fame" and so on. Another type of linguistic sign in the Shahnameh that conveys the concept of "security" through a cause-and-effect relationship is the "profile" sign. This means that the words/examples such as "terror", "faith", "covenant", "unity and integration", and "military power" are based on the causal relationship between "social, religious, psychological, political and national security". The cause of the emergence of individual, social and national insecurity is mentioned in the form of index signs such as immorality, unwiseness, violence, lack of strong political power, worldliness, lack of religious faith, magic, and war. In the symbolic sign, the relationship between the representation and the object is based on similarity. Thus, based on this type of sign, the sample has characteristics that evoke the concept of security based on the similarity. In the Shahnameh, various elements symbolize security, including kings and heroes, celestial realms, seasons like spring, and the juxtaposition of opposites such as sheep and wolves.

Conclusion

The semiotic analysis of the concept of "security" in the Shahnameh reveals that, although the term "security" and its modern classifications are not explicitly mentioned in the text; the word "safe" which has the same root as the word security and symbolic signs such as "wisdom", "peace", "goodness", "calm" and "comfort" and "fame" have been used in the concept of security.

Based on the semantic implications and the relationships between these signs, it can be inferred that the symbolic sign of "peace" represents political and national security; while signs like "improvement, prosperity, and comfort" represent economic security. Additionally, the sign "name" reflects mental and personal security. The sign of "wisdom" has a wide range of meanings and includes all aspects of security, including individual, psychological, social, economic, political, and national. In the ancient Iranian thought system and the Shahnameh, to ensure security in its broad sense, it depends on factors such as "faith", "giving", "treaty", "union", and "army", which can be used as index signs. Also, from the perspective of the Shahnameh, threats to security include "unruliness," "ingratitude," "war and grudges," and the "absence of a central government." In semiotic terms, these can be considered as anti-security index signs.

In the Shahnameh, there are two important security referent objects, "Kings" and "Warriors." Because their actions and behaviors are an embodiment of security, they can be referred to as symbolic signs of security. Similarly, the negative actions of "dragon", "demon" and "devil" introduce them as symbolic signs of anti-security. On the security referent object in the Shahnameh, the ancient Iranians believed that the king has "Farrah Yazidi" and that he relies on wisdom, forgiveness, and military power to expand comprehensive security over the country. Adherence to the "covenant" which includes the social and moral obligations of the members of the society towards each other, is considered to be the basis and factor for maintaining social and national security. But the signs that cause the emergence of insecurity include immorality, unwiseness, violence, lack of strong political power, worldliness, lack of Yazidi religion, magic, war, etc. These are index signs that disrupt individual, social, and national security.

Keywords: Security; Shahnameh; Semiotic Theory; Symbolic Sign; Iconic sign; Indexical sign; Charles Sanders Peirce.



دانشگاه کربلا
پژوهش‌های مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۰۴ بهمن ۱۴۰۲
اصلاح شده در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۷-۳۴



شاپای چاپی: ۰۷۲۷-۱۷۳۵
شاپای الکترونیکی: X-۹۱۰۰-۲۹۸

معناکاوی مفهوم امنیت در شاهنامه با رویکرد نشانه‌شناسی پیرس

فاطمه زمانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: f.zamani@kub.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی اصلی</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: زمانی، فاطمه. (۱۴۰۳). معناکاوی مفهوم امنیت در شاهنامه با رویکرد نشانه‌شناسی پیرس. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۴۰-۷. doi: 10.22034/srq.2024.204532</p> <p></p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>در شاهنامه فردوسی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین متون حماسی ایرانیان، مفهوم امنیت به صورت رمزگان‌های مختلفی بیان شده است که با بررسی و تحلیل آن‌ها می‌توان به نظام اندیشگانی ایرانیان در باب مفهوم امنیت و اشکال مختلف آن، نمادهای آن و عوامل مؤثر در آن پی برد. چارلز سندرس پیرس، یکی از بنیانگذاران نشانه‌شناسی، نشانه‌ها را به سه نوع نمادین (رابطه میان دال و مدلول قراردادی)، شمایی (رابطه دال و مدلول بر اساس شباهت) و نمایای (رابطه دال و مدلول علت و معلولی) تقسیم می‌کند. مقاله حاضر، می‌کوشد مفهوم امنیت را در شاهنامه فردوسی بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی پیرس واکاوی نماید تا بدین پرسش پاسخ دهد که در شاهنامه چگونه از نشانه‌های زبانی برای بیان مفهوم امنیت، مرجع امنیت و عوامل ضدامنیتی استفاده شده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که در شاهنامه هر سه صورت نشانه برای تعریف امنیت کاربرد داشته است. در این اثر اگرچه واژه «امنیت» به کار نرفته است لیکن از واژه‌هایی چون «یمن»، «آرام»، «خوبی»، «خرد»، «آبادانی» و «صلح» به معنای «امنیت» استفاده فراوانی شده است که از نوع نشانه‌های نمادین است. همچنین، در نشانه‌های زبانی چون قدرت، شهرت، داد و دهش، راستی، هنر، ساز و برگ جنگی، لشکر نیرومند و جان پرکف، فرمانبرداری تام، تقدس مرز و سرزمین و غیره از نشانه‌های نمایای به شمار می‌رود که در بسیاری از داستان‌های شاهنامه علت امنیت سیاسی و ملی محسوب می‌شود. کلماتی چون ستم، بیدادگری، بی‌خردی، آرز، بدی و اهریمنی، منیت و غرور، جادوگری از نشانه‌های نمایای هستند و رابطه دال و مدلول بر پایه علت و معلولی است. این نوع نشانه‌ها بر ضدامنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دلالت دارند. پهلوانانی چون زال، رستم، سپهراب و شاهزادگانی چون اسفندیار، سیاوش، کی‌خسرو نشانه‌های شمایی هستند که گفتار و رفتار و کردار آنان دال‌هایی هستند که مدلول امنیت را ترسیم می‌کنند. موجوداتی چون اژدها، دیو و اهریمن از نشانه‌های شمایی ضدامنیت دینی و اجتماعی در نظم نمادین شاهنامه به شمار می‌آیند.</p> <p>کلیدواژگان: امنیت، شاهنامه، نشانه‌شناسی، نشانه نمادین، شمایی، نمایای، پیرس.</p>

مقدمه

واژه «امنیت» اگرچه در فرهنگ لغت به معنی در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن است اما دایره معنایی بسیار وسیعی دارد و از درونی‌ترین احساسات فردی تا گسترده‌ترین روابط بین‌المللی را شامل می‌شود. از این منظر، «امنیت» می‌تواند دربرگیرنده مفاهیمی چون رهایی از تردید، رهایی از اضطراب، صلح، آزادی، اعتماد و سلامتی باشد. باری بوزان^۱ «امنیت» را فصل مشترک سیاست‌های خارجی، اقتصادی و نظامی کشورها می‌داند. آرنولد ولفرز^۲ در مقاله خود با عنوان «امنیت ملی» می‌نویسد یک ملت زمانی امنیت دارد که بتواند بدون خطر، از ارزش‌های اساسی خود حفاظت کند، از جنگ اجتناب نماید و بتواند در هنگام چالش، ارزش‌های خود را حفظ نماید. رابرت مک نامارا^۳ «امنیت» را به معنی توسعه می‌داند اما نه توسعه نظامی. جوزف بالاز^۴، «امنیت بین‌الملل» را تابع امنیت داخلی و خارجی سیستم‌های مختلف اجتماعی و توسعه سیستم هویتی مبتنی بر شرایط خارجی تعریف کرده است. وی «امنیت اجتماعی» را به عنوان «امنیت داخلی» تعریف می‌کند که کارکرد آن تضمین قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم یا بقای سیستم اجتماعی و درجه مساوی امنیت عمومی است. پنیلوپ هارتلند ثانبرگ^۵ «امنیت ملی» را در توانمندی یک ملت در تعقیب موفقیت‌آمیز منافع ملی‌شان تعریف نموده است (میرعب، ۱۳۷۹: ۱۳۵-۱۳۶).

مسئله «امنیت» از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه متفکران و اندیشمندان و ادیبان ایرانی همانند حکیم ابوالقاسم فردوسی، امام محمد غزالی، خواجه نصیر طوسی، مولانا، سعدی و غیره نیز بوده و در آثار آنان به ابعاد مختلف «امنیت» پرداخته شده است. از بین این متفکران، بی‌شک شاهنامه حکیم فردوسی طوسی طلیعه‌دار مفهوم «امنیت ملی» است. فردوسی به اشکال مختلف در گفتار، رفتار و اعمال قهرمانان اثرش مفهوم امنیت به‌ویژه «امنیت ملی» را به نمایش می‌گذارد. از این نظر، «شاهنامه بزرگترین نماد بیان ملیت ایرانی» (امیدسالار، ۱۳۹۶: ۳۳) نامیده شده است. لذا، مقاله حاضر می‌کوشد که مفهوم «امنیت» را از جنبه‌های گوناگون در شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از متون برجسته حماسی ایران با تکیه بر نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا بتواند الگوی امنیتی حماسه ملی ایرانیان را بر

1. Bozan

2. Arnold Wolfes

3. Robert Mecnamara

4. Jozef Balazs

5. Penelop Hartland Thunberg

مبنای پیشینه تاریخی و تمدنی ایران ارائه دهد. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که برپایه بررسی نشانه‌های نمادین، شمایی و نمایه‌ای «مفهوم امنیت» در شاهنامه، چه کسی یا کسانی مرجع امنیت هستند؟ چه چیزهایی امنیت محسوب می‌گردد؟ کدام یک از ابعاد و انواع امنیت در شاهنامه انعکاس یافته است؟.

الف) پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های چندی در زمینه مفهوم امنیت در شاهنامه انجام شده است. محمدصادق کرمزاده یزجی در کتاب *امنیت در شاهنامه* (۱۳۹۴) با گزینش ابیاتی از زبان شاهان شاهنامه از فریدون تا یزدگرد ساسانی، دیدگاه آنان را در خصوص امنیت کشور بررسی کرده است. در این اثر، صرفاً از جنبه سیاسی و ملی به «مفهوم امنیت» پرداخته شده و به دیگر بازیگران تأمین امنیت همانند وزیران، روحانیان، پهلوانان و مردم توجهی نشده است. همچنین، به عوامل ضدامنیتی مانند نیروهای اهریمنی، دشمنان خارجی و تمایلات نفسانی پرداخته نشده است. دانش پژوهان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه فرهنگ سیاسی و امنیت در شاهنامه» بر اساس نظریه آلmond و وربا^۱ بدین نتیجه دست یافته که بن‌مایه‌های سیاسی در شاهنامه بر پایه خردورزی، دینداری، دادگری و فره ایزدی نهاده شده است. در این پژوهش نیز به مرجع امنیت و ابعاد گوناگون امنیت پرداخته نشده است. علی‌اصغر نصیری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه امنیتی متعالی و متدانی شاهنامه فردوسی»، بر اساس عناصر هفت‌گانه مکاتب امنیتی (از جمله مفهوم، ابعاد، سطوح، استراتژی امنیت و...) پارادایم امنیت متدانی و متعالی را در شاهنامه مورد بررسی قرار داده است. عبدالحمید افراخته و نجف لکزایی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مرجع امنیت در شاهنامه» بر مبنای نظریه حکمت متعالیه و نظریه دو فطرت امام خمینی^(ع) پژوهش نصیری را در خصوص امنیت متعالی در شاهنامه گسترش داده و بدین نتیجه دست یافته است که در شاهنامه سه مرجع دین، کشور و شه‌ریار برای امنیت وجود دارد. رضازاده زوارم و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در حکومت کی‌خسرو در شاهنامه فردوسی با رویکرد به مبانی مکتب کپنهاگ» بدین نتیجه رسیده‌اند که کی‌خسرو توانسته است با رفع بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی و فرهنگی دوران کی‌کاوس به شکل مطلوب، «امنیت» را در کشور اجرا کند. بنابر آنچه از دستاوردهای تحقیقات پیشین حاصل می‌گردد، چنین به نظر می‌رسد که بیشتر توجه پژوهشگران متوجه مفهوم «امنیت» به‌ویژه

^۱. Almond and Verba

امنیت سیاسی و ملی در شاهنامه بوده است و کمتر به نشانه‌شناسی کلمات و عباراتی پرداخته‌اند که به مفهوم «امنیت» و زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و دینی آن دلالت دارند. لذا، پژوهش حاضر می‌کوشد بر مبنای رویکرد نشانه‌شناسی پیرس، نشانه‌های نمادین، نمایه‌ای و شمایی «امنیت» را در شاهنامه مشخص سازد و از رهیافت نشانه‌شناسی مؤلفه‌های انواع امنیت و مرجع امنیتی را در دنیای باستانی شاهنامه بررسی کند.

ب) مبانی نظری: نشانه‌شناسی پیرس

نشانه‌شناسی^۱ دانشی است که با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد (اکو، ۱۹۷۶: ۷؛ به نقل از چندلر، ۱۳۹۴: ۲۰). از منظر نشانه‌شناسی، نشانه‌ها می‌توانند به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، اطوار و اشیا ظاهر شوند. وظیفه نشانه‌شناسی توصیف قراردادهایی است که شالوده طبیعی‌ترین شیوه‌های رفتار و بازنمایی است (کالر، ۱۳۹۰: ۶۵). به عبارتی دیگر، از دیدگاه نشانه‌شناسی، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی انسان مبتنی بر مجموعه‌ای از نظام‌های نشانه‌ای است (کالر، ۱۳۹۰: ۶۶). نشانه‌شناسی علمی است که زندگی نشانه‌ها را در قلب زندگی اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌دهد (کریستوا و دریدا، ۱۳۹۸: ۲۸۰). چارلز سندرس پیرس و فردینان دو سوسور از بنیانگذاران نشانه‌شناسی در قرن بیستم هستند که آرای آنان توسط متفکرانی چون چارلز موریس^۲، رومن یاکوبسن^۳، رولان بارت^۴، آلژیرداس ژ. گرماس^۵، توماس ا. سیبیاک^۶ و اومبرتو اکو^۷ ادامه داده شد و دانش نشانه‌شناسی وسعت یافت.

پیرس به عنوان یکی از بنیانگذاران نشانه‌شناسی معتقد است که انسان فقط از طریق نشانه-هاست که می‌تواند بیاندهد (چندلر، ۱۳۹۴: ۴۱). وی یک الگوی سه‌تایی از نشانه ارائه می‌دهد. در الگوی پیرس، یک نشانه دربرگیرنده «نمود/بازنمون^۸، تفسیر^۹، موضوع^{۱۰}» است. «یک بازنمون چیزی است که برای کسی بنا به دلیلی به چیزی دیگر دلالت می‌کند. بازنمون در ذهن آن شخص، نشانه معادلی را پدید می‌آورد... من این نشانه دوم را تفسیر همان نشانه اول می‌نامم. این

1. semiotics

2. Charles Morris

3. Roman Jakobson

4. Roland Bathes

5. Algirdas J. Greias

6. Tomas. A. Sebeok

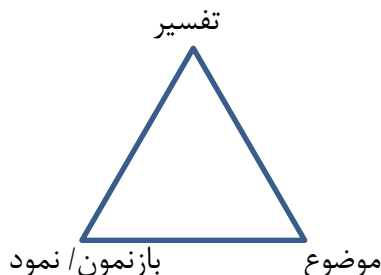
7. Umberto Eco

8. Representamen

9. interpretant

10. object

نشانه دلالت بر یک موضوع دارد» (Peirce, vol 2: 228؛ به نقل از صفوی، ۱۳۹۳: ۲۹). «نمود» شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد. «تفسیر» ادراکی است که توسط نشانه به وجود می‌آید و «موضوع» چیزی است که نشانه به آن ارجاع می‌دهد. الگوی پیرس را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



همچنین، پیرس معتقد است که رابطه بین نشانه و مدلول ممکن است نمادین^۱، شمایی^۲ و نمایه‌ای^۳ باشد. منظور از «وجه نمادین» این است که دال شباهتی به مدلول ندارد اما براساس یک قرارداد اختیاری به آن مرتبط شده است. از این روی، رابطه میان دال و مدلول می‌بایست آموخته شود. مانند حروف الفبا، علائم نقطه‌گذاری، کلمات، اعداد، چراغ راهنما و پرچم‌ها که هر یک دال‌هایی هستند که کاربران را به مدلول خاصی ارجاع می‌دهند. در «وجه شمایی» مدلول به خاطر شباهت به دال یا به علت اینکه تقلیدی از آن است، دریافت می‌شود. در واقع، در «وجه شمایی» تشخیص مدلول با نگاه کردن، گوش دادن، لمس کردن، چشیدن یا بویدن چیزی شبیه آن انجام می‌شود؛ مانند تقلید صدا، ماکت، فیلم و اشارات تقلیدی. در «وجه نمایه‌ای» دال / بازنمون اختیاری یا قراردادی نیست بلکه به صورت مستقیم (فیزیکی یا علی) به مدلول / مفهوم / موضوع مرتبط است. این ارتباط می‌تواند مشاهده یا استنتاج شود؛ مثل نشانه‌های طبیعی مانند دود، رعد، جای پا. علائم بیماری‌ها مانند درد، خارش، ضربان قلب؛ وسایل اندازه‌گیری مانند بادنما، دماسنج، ساعت؛ علائم شخصی، حروف اشاره (آن، این، اینجا، آنجا) (چندلر، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۷؛ صفوی، ۱۳۹۳: ۳۱). به «نشانه شمایی»، به واسطه شباهتی که بین صورت و معنی وجود دارد «نشانه تصویری» نیز گفته می‌شود. به «نشانه نمایه‌ای» که نوعی رابطه علی بین دال و مدلول وجود دارد، «نشانه طبیعی» نیز گفته می‌شود (صفوی، ۱۴۰۱: ۳۵).

1. symbol
 2. icon
 3. index

ج) بررسی و تحلیل نشانه‌شناسی «امنیت» در شاهنامه

همانطور که در مقدمه بدان اشاره شد، مفهوم «امنیت» در ابعاد گسترده آن در شاهنامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی نشانه‌شناختی «امنیت» در این اثر نشان می‌دهد که حکیم فردوسی علاوه بر امنیت سیاسی به انواع دیگر آن همانند امنیت اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و روانی نیز توجه داشته است. همچنین، در شاهنامه مرجع امنیت و عوامل مؤثر در حفظ و نابودی امنیت یاد شده است. بنابراین، بر مبنای نشانه‌شناسی پیرس می‌توان اشکال مختلف امنیت را در نشانه‌های نمایه‌ای، نمادین و شمایی شاهنامه واکاوی نمود.

نشانه‌های نمادین امنیت

پیرس نشانه‌هایی را که رابطه بین «بازنمون» و «موضوع» از نوع قراردادی باشد، نشانه «نمادین» می‌داند. در شاهنامه، واژه‌های فراوانی وجود دارد که بر مفهوم امنیت دلالت دارند. برخی از مهم‌ترین بازنمون‌هایی که بر موضوع «امنیت» در این اثر دلالت دارند؛ عبارتند از دال / کلماتی مانند «ایمن»، «خرد»، «آرام»، «امن»، «صلح / آشتی»، «آباد»، «خرم»، «نام» و غیره. در جدول زیر، نقش و کارکردی که هر یک از این واژگان در واکاوی مفهوم امنیت دارند ذکر شده و به برخی از نمونه‌های داستانی آن اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱. نشانه‌های نمادین امنیت و کارکردهای داستانی آن

واژه	نقش و کارکرد امنیتی	نوع امنیت	نمونه داستانی
ایمن	نابودکنندهٔ اهریمن، برقراری داد، شادمانی، آزادی، رهایی از رنج	امنیت ملی و دینی	داستان سیاوش، پادشاهی کی خسرو، پادشاهی اسکندر، پادشاهی همای چهرزاد، پادشاهی اردشیر، پادشاهی بهرام
خرد	هدایتگری، عامل شادمانی و غم‌زادایی، پیشرفت	امنیت ملی و جهانی، اقتصادی، امنیت روانی و اجتماعی	پیروزی فریدون بر ضحاک، در پادشاهی کی خسرو، نامه کسری به هرمزد، پادشاهی اسکندر
آبادانی	رفاه اقتصادی، تأمین شادمانی، تضمین فرمانبرداری	امنیت اجتماعی	دروان پادشاهی جمشید، فریدون، یزدگرد، نوشین‌روان، همای چهرزاد.
صلح و آشتی	ممانعت از جنگ و درگیری	امنیت ملی	پیشنهاد صلح ایرج به برادرانش سلم و تور، پیشنهاد صلح سهراب به رستم، پیشنهاد صلح رستم به اسفندیار، پیشنهاد صلح افراسیاب به کاوس، پیشنهاد صلح خوشنواز تورانی به ایرانیان، پیشنهاد صلح خاقان چین به انوشیروان.
آسایش	تأمین‌کننده نیازهای مادی	امنیت اقتصادی	پادشاهی انوشیروان، پادشاهی هرمزد، در داستان دوازده رخ، جنگ کی خسرو با افراسیاب، در نبرد با خاقان چین
نام	تأمین‌کنندهٔ احتیاجات روحی و معنوی	امنیت فردی و روانی	کیومرث، هوشنگ، جمشید، رستم، سیاوش، کی خسرو، گیو، فریبرز، اسفندیار، بهمن، نوشین‌روان
خوبی	تضمین فرهی، بی‌مرگی، فرمانبرداری، ضد اهریمن	امنیت روانی	جمشید، منوچهر، زوطهماسب، سیاوش، کی خسرو، شاپور پسر اردشیر، نوشین‌روان
آرام	تضمین قدرت و رفاه	امنیت ملی و اجتماعی و اقتصادی	جمشید، فریدون، منوچهر، نودر، سیاوش، لهراسب، شیروی، نوشین‌روان،

در ادامه چگونگی دریافت مفهوم «امنیت» از این واژه‌ها و کارکردهای امنیتی آنها بررسی و تبیین می‌گردد.

- ایمن: اولین نشانهٔ نمادین یا قراردادی در شاهنامه که بر موضوع/ معنی «امنیت» دلالت دارد، بازنمون/نشانه «ایمن» است. روابط همنشینی بازنمون/ دال «ایمن» با بازنمون‌ها/ دال‌های دیگر همانند «خرد»، «خوبی»، «داد»، «شادمانی» مفهوم «امنیت» اجتماعی و ملی در شاهنامه را آشکار می‌سازد. از نگاه شاهنامه خردمندی، دادگری، شادمانی و خوبی عین «امنیت» است. آنچه اما بیش از هر چیز تهدیدی برای «امنیت» محسوب می‌شود، «اهریمن» و «کیش اهریمنی» است. در داستان سیاوش، هنگامی که رستم به کین‌خواهی

خون سیاوش به توران زمین می‌رود؛ به هنگام صحبت با مردم توران خردمندی و ایمنی را هم‌پایه هم می‌داند و آنچه این امنیت را نابود می‌سازد؛ پیروی از کیش آهرمینی افراسیاب است:

کسی کاو خرد جوید و ایمنی نیازد سوی کیش آهرمینی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۱۹۱)

در نمونه‌ی متنی دیگر از شاهنامه، آغاز دوران پادشاهی کی‌خسرو این‌گونه توصیف شده است که کی‌خسرو برای جهانیان امنیت و خوبی به ارمغان می‌آورد و کنش‌های اهریمینی از بین می‌رود:

جهان شد پر از خوبی و ایمنی ز بد بسته شد دست اهریمینی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۴/۹)

اردشیر شاه نیز یکی از اقدامات مهم خود در راستای برقراری «امنیت» را از بین بردن کیش اهریمینی می‌داند:

بزرگی شما جستم و ایمنی نهان کردن کیش آهرمینی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۹/۱۸۱)

در وصف دوران پادشاهی همای چهارزاد آنچه که «امنیت» را فراهم می‌آورد «دادگری» پادشاه است:

جهانی شده ایمن از داد او به کشور نبودی جز از یاد او

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۶/۳۵۵)

اسکندر در نامه‌ای به قیدافه «خردمندی» را عامل حفظ «امنیت» در عرصه‌ی هستی می‌داند:

خردمندی و شرم نزدیک توست جهان ایمن از رای باریک توست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۷/۵۱)

• **خرد:** در اندیشه ایران باستان خرد جایگاه بسیار مهمی دارد. در آیین مزدایی، اورمزد^۱ سرور دانایی است که از منش خویش به انسان‌ها خرد بخشیده است: «آنگاه که از برای ما تو ای مزدا در آغاز جهان، دین آفریدی و از منش خویش خرد بخشیدی» (پورداود، ۱۳۸۴: ۴۶۴). در شاهنامه، از زبان بزروجمهر^۲ درباره‌ی خرد آمده است که خرد با ده دیو که عبارتند از آژ^۳،

۱. اورمزد (أهوره مزدا) به معنی سرور دانا، نامی است که زردشتیان به خدا داده‌اند (هینلز، ۱۳۷۵: ۶۹).

۲. بزورجمهر معرب بزرگمهر وزیر خردمند انوشیروان ساسانی است.

۳. آژ به معنی بداندیشی، پس از اهریمن بزرگترین دیو به شمار می‌رود (هینلز، ۱۳۷۵: ۷۲).

نیاز، خشم، رشک، ننگ، کین، دورویی، ناپاک دینی و ناسپاسی مبارزه می‌کند (فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۷/ ۲۹۰). بنابراین، دور از ذهن نخواهد بود، اگر اذعان داشت که شاهنامه فردوسی در واقع «خردنامه» است و فردوسی کاخ عظیم هنر خود را بر ستایش خرد بنا نهاده است. از نگاه فردوسی، «خرد» و «خردوزی» عین «امنیت» است. اگر صاحب‌خردانی چون فریدون، کی خسرو، انوشیروان در مقام پادشاه باشند، امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی را برای سرزمین‌شان فراهم می‌آورند. اگر مرجع امنیت، پهلوانان خردمندی مانند سام، زال، رستم و اسفندیار باشند به یاری خرد «امنیت ملی» و «امنیت نظامی» را برای سرزمین خود به ارمغان می‌آورند. اگر مرجع امنیتی در جایگاه رعیت باشد با استعانت از خرد می‌تواند امنیت فردی، روانی، اقتصادی خود را کسب کند. از این روست که در شاهنامه در ستایش خرد آمده است:

خرد رهنمای و خرد دلگشای	خرد دست گیرد به هر دو سرای
ازو شادمانی و زویت غمی است	وزویت فزونی و زویت کمی است
خرد تیره و مرد روشن روان	نباشد همی شادمان یک زمان
خرد چشم جان است چون بنگری	تو بی چشم شادان جهان نسپری

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۱۳)

بنابراین، خرد به‌واسطه بصیرت و بینشی که برای انسان به ارمغان می‌آورد، «امنیت» او را در جهان تضمین می‌کند. در نمونه‌های داستانی فراوانی از شاهنامه مشاهده می‌گردد که در دوران پادشاهانی که با صفت و ویژگی خردمندی ستوده شده‌اند مانند فریدون، زوطهماسب، کی خسرو، انوشیروان و غیره، «امنیت و رفاه» بر ایران حاکم بوده است. همچنین، پادشاهان در توصیه به جانشینان خود آنان را به خردوزی رهنمون کرده‌اند. به عنوان مثال، کسری در نامه‌ای به پسرش هرمزد او را به رفتار خردمندانه سفارش می‌کند:

تو بیدار باش و جهاندار باش	<u>خردمند</u> و راد و بی‌آزار باش
بدانش دو دست ستیزه ببند	چو خواهی که از بد نیایی گزند

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۸/ ۲۷۷)

- **آبادانی:** آباد، آبادی و آبادانی از واژه‌هایی است که در شاهنامه برای اشاره به «امنیت اقتصادی» با بسامد فراوانی به کار رفته‌اند. واژه «آباد» در فرهنگ لغت به معنی «معمور،

سالم، به‌سامان، منظم، پر و مشحون» (معین، ۱۳۹۱: ج ۱ / ۵) آمده است. نمونه‌های داستانی شاهنامه حاکی از این است که در دوران سلطنت هر پادشاهی که با صفت آبادانی وصف شده است، ایران از مناقشه و درگیری‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی به دور بوده است. پادشاهانی که به تأمین امنیت اقتصادی رعیت پرداخته‌اند، توانسته‌اند با قدرت بر قلمرو خود حکومت کنند. به عنوان مثال، در توصیف دوران پادشاهی جمشید اشاره شده است که به واسطه آبادانی کشور، آشوب و فتنه‌ای وجود نداشته است:

تن آزاد و آباد گیتی بروی
برآسوده از داور و گفتگوی
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۴۰)

همچنین، در ابیات مربوط به دوران سلطنت فریدون، «آبادی» برابر است با ثروت و قدرت. لذا، از دیدگاه ایرانیان، پادشاهی که همانند فریدون سرزمینی آباد دارد از امنیت اقتصادی و به تبع آن امنیت سیاسی و ملی برخوردار است:

مرا پادشاهی آباد هست
همان گنج و مردی و نیروی دست
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۸۴)

این دیدگاه که «آبادی» تضمین امنیت اقتصادی و سیاسی مملکت است، در بخش تاریخی شاهنامه نیز به چشم می‌خورد. در این بخش، پادشاهانی چون یزدگرد با تأمین «آبادی»، توانسته‌اند امنیت اقتصادی و اجتماعی ایران را حفظ کنند:

چو این بوم‌ها یکسر آباد کرد
دل مردم پرخرد شاد کرد
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۱۱)

همچنین، دال نمادین «آباد» در معنای «امنیت» در شمار دیگری از داستان‌های پهلوانی و تاریخی شاهنامه آمده است. برای نمونه، در دوران سلطنت انوشیروان «دادگری» و «آبادانی» از اهداف مهم انوشیروان بوده است:

جز از داد و آبادکردن جهان
نبودش بدل آشکار و نهان
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۱۵۵)

• **صلح / آشتی:** در اوستا «صلح» مورد تمجید قرار گرفته است: «رئیس مملکت و بزرگ مملکت که صلح و سازش از برای مملکت خواستار است، ستوده باد» (ایرانی، ۱۳۵۳: ۷۲). بنابراین، مادامی که بین افراد، گروه‌ها و کشورها صلح و آشتی برقرار باشد، امنیت حاصل می‌گردد. در شاهنامه، تورانیان از دشمنان سرسخت ایران به شمار می‌آیند که موجبات

کشتار و ویرانی بسیاری در ایران شده‌اند. لذا، هرگاه که برای مدتی بین این دو کشور صلح برقرار می‌شده است، آسایش و امنیت فراهم می‌آمد. اولین صلح تورانیان با ایرانیان در روزگار پشنگ - پادشاه تورانی - و دوران پادشاهی کی قباد بسته می‌شود:

بنوی یکی باز پیمان نوشت به باغ بزرگی درختی بکشت

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۲، ۷۱)

در این بیت صلح به درخت و سرزمین به باغ تشبیه شده است. همانطور که باغ بدون درخت معنایی ندارد، سرزمین بدون صلح نیز امنیت نخواهد داشت. این تشبیه ضرورت برقراری صلح برای حفظ موجودیت و امنیت جوامع انسانی را مشخص می‌سازد. در همین راستا؛ یکی از داستان‌های شاهنامه که به اهمیت صلح در برقراری امنیت توجه شده است، داستان سیاوش است. در این داستان، افراسیاب تورانی پس از سالها جنگ و خونریزی آنگاه که تاج و تخت و به نوعی امنیت سرزمین خود را در معرض نابودی می‌بیند از شاه ایران تقاضای صلح می‌کند:

که گر من به جنگ سیاوش سپاه نرانم نیاید کسی کینه خواه
نه او کشته آید به جنگ و نه من برآساید از گفتگو انجمن
به جای جهان جستن و کارزار مبادم به جز آشتی هیچ کار

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۳، ۵۲)

داستان دیگری در شاهنامه که بر لزوم برقراری صلح برای حفظ امنیت تأکید دارد، در رزم رستم و اسفندیار است که رستم از اسفندیار تقاضای صلح و سازش دارد:

جز از آشتی ما نبینیم روی نه بالا بود مردم جنگجوی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۶، ۲۴۵)

• **رفاه و آسایش:** در شاهنامه عباراتی چون «جشن‌گاه ساختن»، «دل از کین و نفرین بپرداختن»، «از درد و رنج آگه نبودن»، «تن‌آسانی داشتن»، «تخت و تاج و نگین داشتن» و مانند آن به معنی آسایش و رفاه است که می‌تواند دلالت بر امنیت اقتصادی و سیاسی داشته‌باشد. برای نمونه، توصیفاتی که فردوسی از دوران پادشاهی کوتاه‌مدت زوطهماسب دارد، به برپایی جشن، نبود رنج و درد و جنگ اشاره شده است. مجموعه این موارد آسایشی را فراهم می‌آورد که هم متضمن امنیت اجتماعی بر ایران است و هم امنیت اقتصادی را محافظت می‌کند:

به هر سو یکی جشن‌گاه ساختند دل از کین و نفرین پرداختند
چنین تا برآمد بر این سال پنج نبودند آگه کس از درد و رنج

به بد وقت ایرانیان کندرو
شد آن دادگستر جهاندار زو
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۴۶)

یا سیاوش برای حفظ امنیت اقتصادی و اجتماعی که بر قلمرو ایران حاکم است، از کیکاوس می‌خواهد پیشنهاد صلح افراسیاب را بپذیرد و با برافروختن جنگ این امنیت را نابود نگرداند:

چه جستی جز از تخت و تاج و نگین
تن آسانی و گنج ایران زمین
همه یافتی جنگ خیره مجوی
دل روشنت به آب تیره مشوی
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۶۳)

همچنین، در وصف پادشاهی خسرو انوشیروان واژه «آسایش» مترادف با خوبی و همنشین با دال/ کلماتی چون داد و بخشایش به کار رفته‌است که معنای «امنیت فردی و اجتماعی» را متداعی می‌سازد:

وگر شاه با داد و بخشایشست
جهان پر ز خوبی و آسایشست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۸/ ۵۴)

در بیت دیگری از دوران پادشاهی هرمزد، واژه «آسایش» با همنشین شدن با واژه «بخشایش و بخشش» در معنای امنیت اقتصادی و اجتماعی به کار رفته است:

که سرمایه شاه بخشایشست
زمانه ز بخشش به آسایشست
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۸/ ۳۱۷)

• **نام و ننگ:** پاسداشت نام و ننگ نیز در شاهنامه از اهمیت بسزایی در حفظ «امنیت فردی، روانی و ملی» برخوردار است. می‌توان گفت تمام هویت قهرمان در حفظ «نام» او نهفته است. در واقع «مرگ» عنصری است که «امنیت فردی و روانی» اشخاص را مختل می‌کند. از این روی، قهرمانان شاهنامه با حفظ «نام» می‌کوشند ثبات و پایداری روحی و معنوی خود را در جهان هستی حفظ کنند. بدین ترتیب، می‌توان گفت برای «امنیت روانی» است که رستم به جنگ با دیوان مازندران می‌رود:

کسی کاو جهان را بنام بلند
گذارد به رفتن نباشد نژند
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۹۰)

و همو برای حفظ «نام سیاوش» (یعنی امنیت فردی و روانی) که با ارزش‌تر از گنج است، توران را به خاک و خون می‌کشد:

اگر جاودانه نمائی بجای
همی نام به زین سپنجی سرای

به رنج است گنج و به نام است رنج
همانا که نامت به آید به گنج
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۲۰۲)

همچنین، یکی از پرسش‌هایی که بزرگان کشور از نوشیروان می‌پرسند، این است که چگونه «نام» نیک از خویش به جای بگذارند:

یکی گفت کاندرا سرای سپنج
چه سازیم تا نام نیک آوریم
بدو گفت شو دور باش از گناه
نباشد خردمند بی درد و رنج
در آغاز فرجام نیک آوریم
جهان را همه چون تن خویش خواه
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۸/ ۱۲۳)

بنابراین، براساس این ابیات می‌توان دریافت که به‌دست آوردن نام نیک و حفظ آن در اندیشه ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به نوعی امنیت روانی و دینی افراد را تأمین می‌کند.

- **خوبی:** در متون ایران باستان بر دو نوع آفرینش خوب (امشاسپندان^۱ و مینوی خرد^۲) و بد (اهریمن^۳ و دروجان^۴) اشاره شده است (تفضلی، ۱۳۸۵: ۳۱). هرگاه که آفرینش خوب بر جهان تسلط دارد، امنیت برقرار است و هرگاه آفرینش بد قدرت بگیرد، امنیت نیز از بین می‌رود و رنج و مرگ را به همراه دارد. ابیات زیر بر شرایطی دلالت دارد که نیروهای خیر غلبه یافته و مردم در شادمانی، بی‌مرگی و آرامش به سر می‌برند:
- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| چنین تا برآمد برین روزگار | ندیدند جز خوبی از کردگار |
| جهان سر به سر گشت او را رهی | نشسته جهاندار با فرهی |
| چنین سال سیصد همی رفت کار | ندیدند مرگ اندران روزگار |
| ز رنج و ز بدشان نبد آگهی | میان بسته دیوان به سان رهی |

۱. امشاسپندان (آمشه سپننه‌ها) هفت وجود یا جلوه خداوند در دین زردشت هستند که عبارتند از: سپنه مینو (سپند مینو)، وُهومنه (بهمن)، آشه (اردیبهشت)، خشته ویریه (شهریور)، آرمیتی (اسپندارمد)، هوروات (خرداد)، امرتات (مرداد). به ترتیب معنی آنها عبارت است از روح نیکوکار، اندیشه نیک، راستی، شهریاری مطلوب، اخلاص، کمال و بیمرگی (هینلز، ۱۳۷۵: ۷۰).

۲. مینوی به معنی روح است و مینوی خرد لقب اهورامزداست.

۳. اهریمن (انگره مینوی) که رهبر گروه دیوان است. هدف او ویران کردن و تخریب جهان است. نادانی، زبان‌رسانی و بی‌نظمی از ویژگی‌های اهریمن است (هینلز، ۱۳۷۵: ۸۰-۸۱).

۴. اصطلاح «دروج»، «دروغ» یا «فریب» به عنوان لقبی است که به اهریمن به کار می‌رود (همان: ۸۲).

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۴۲)

در ابیات دیگری از شاهنامه واژه «خوبی» در محور همنشینی با واژه «داد» به کار رفته است که دلالت بر کاربرد نمادین این واژه در معنای «امنیت» دارد:

کجا هست مردم همه یاد اوست	به ایران همه خوبی از داد اوست
به رزم اندرون تیز چنگ ازدهاست	ببزم اندرون آسمان سخاست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۲۷)

همچنین، در دوران پادشاهی نوشین‌روان، «جهان پر از خوبی و آسایش» است. پیداست نشانه نمادین «خوبی» در بخش تاریخی شاهنامه نیز به معنی «امنیت» به کار رفته است:

وگر شاه با داد و بخشایش است جهان پر ز خوبی و آسایش است

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۵۵)

• **آرام:** نشانه نمادین «آرام» نیز در شاهنامه بر موضوع/مدلول «امنیت» دلالت دارد. بزرگمهر

در پاسخ بدین پرسش انوشیروان که وظیفه رعیت در قبال شاه چیست؟، چنین می‌گوید:

چنان دان که آرام‌گیتیست شاه	چو نیکی کنیم او دهد دستگاه
بنیک و بد او را بود دسترس	نیازد بکین و به آزم کس

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۱۴۳)

در ابیات فوق، گذشته از اینکه نشانه نمادین «آرام» به معنی «امنیت» آمده است، به این اندیشه باستانی ایرانیان نیز اشاره دارد که اطاعت از فرامین پادشاه همچون دستورات الهی لازم‌الاجراست؛ چراکه مرجع امنیت و تضمین‌کننده تمام نیازهای مادی و معنوی رعیت در دستان پادشاهان/حاکمان است. در ابیات دیگری از همین دوران نوشین‌روان، «آرام» بر معنای امنیت از نوع اقتصادی دلالت دارد:

بدو گفت کسری که رامش کراست	که دارد بشادی همی پشت راست
چنین داد پاسخ که هر کو ز بیم	بود ایمن و باشدش زر و سیم

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۲۰۱)

بنابراین، بررسی مهمترین نشانه‌های نمادین «امنیت» در شاهنامه حاکی از این است که هر یک از این نشانه‌ها به یک نوع از انواع امنیت دلالت دارند. نشانه نمادین «صلح» بر امنیت سیاسی و ملی، نشانه‌هایی چون «آبادانی، رفاه و آسایش» بر امنیت اقتصادی و نشانه «نام» بر

امنیت روانی و فردی دلالت دارد. حال آنکه نشانه «خرد» دامنه معنایی گسترده‌ای دارد و تمام ابعاد امنیت شامل فردی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ملی را در برمی‌گیرد. همچنین، براساس ابیات فوق، در شاهنامه شاهان مرجع حفظ صلح، آبادانی، رفاه، خوبی و خرد هستند.

نشانه‌های نمایه‌ای امنیت

نوع دیگری از نشانه‌های زبانی در شاهنامه که براساس رابطه علت و معلولی مفهوم «امنیت» را منتقل می‌سازند، نشانه‌های «نمایه‌ای» هستند. بدین معنی که واژه‌ها/بازنمون‌هایی همانند «داد و دهش»، «ایمان»، «پیمان»، «اتحاد و یکپارچگی»، «قدرت نظامی» بر پایه رابطه علیت بر موضوع «امنیت اجتماعی، دینی، روانی، سیاسی و ملی» دلالت دارند.

جدول شماره ۲. نشانه‌های نمایه‌ای امنیت در شاهنامه

واژه/ عبارت	مفهوم	نقش امنیتی	نمونه داستانی
داد	عدالت	ایجاد امنیت اجتماعی	پادشاهان دادگر: مرداس، فریدون، منوچهر، سیاوش، کی‌خسرو، لهراسب، پیروز، نوشین‌روان، یزدگرد، همای چهارزاد، اردشیر، شاپور، بهرام گور
پیمان	وفاداری	حفظ امنیت ملی	فریدون، منوچهر، نوذر، سیاوش، لهراسب، اسکندر، رستم و اسفندیار، پادشاهی خسرو پرویز، پادشاهی قباد، داستان دوازده رخ
فرمانبرداری	اطاعت	حفظ امنیت ملی	پادشاهی کی‌خسرو
دین	ایمان	امنیت دینی و فردی	پادشاهی اردشیر شیروی، پادشاهی بهرام گور، پادشاهی یزدگرد
پهلوی، پارس و کوچ و بلوچ	اتحاد	امنیت سیاسی و ملی	پادشاهی کی‌خسرو، انوشیروان
جنگ، سپاه، سوار	قدرت نظامی	عامل امنیت سیاسی و ملی	پادشاهی فریدون، منوچهر شاه، کی‌خسرو، انوشیروان
یکی کارورز و یکی گرزدار	تفکیک مشاغل	امنیت اجتماعی	پادشاهی جمشید

- **داد و دهش:** بسامد فراوانی که واژه‌های «داد»، «دهش» و «دادگری» در شاهنامه دارد بر این امر دلالت دارد که مهمترین عاملی که می‌تواند امنیت در مفهوم گسترده آن را فراهم سازد؛ برقراری «داد» یا همان «عدالت» است. از دیدگاه فردوسی، مادامی که پادشاه دادگر باشد، «امنیت» نیز بر جامعه حاکم است:

اگر دادگر باشی و پاک‌دین
و گر بدنشان باشی و بد کنش
جهاندار اگر دادگر باشدی
ز هر کس نیابی به جز آفرین
ز چرخ بلند آیدت سرزنش
ز فرمان او کی گذر باشدی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۱۱۰)

• **فرمانبرداری:** عامل دیگر در برقراری امنیت، فرمانبرداری و تبعیت زیردستان از پادشاه است. در شاهنامه، نمونه‌های فراوانی از فرمانبرداری مردم از پادشاه یا پهلوانان به چشم می‌خورد که عامل حفظ امنیت و ثبات کشور است. برای نمونه، در بخش اساطیری شاهنامه می‌خوانیم:

همه پیر و برناش فرمان‌بریم یکایک زگفتار او نگذریم

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۱۵)

و در بخش پهلوانی شاهنامه، گرسیوز در پاسخ به افراسیاب می‌گوید هر آنچه تو فرمان دهی با دل و جان آن را فرمان می‌بریم:

که تو شهریاری و ما چون رهی بران دل نهاده که فرمان دهی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۵۳)

بنابراین، در شاهنامه فرمانبرداری بی‌چون و چرا از دستورات پادشاهی که صاحب فره ایزدی است، از هرج و مرج و آشوب جلوگیری می‌کند و عاملی برای حفظ امنیت اجتماعی و ملی تلقی شده است.

• **پیمان وفاداری:** پایبندی به «پیمان» که دربردارنده تعهدات اجتماعی و اخلاقی افراد جامعه نسبت به یکدیگر است، زمینه‌ساز و عامل حفظ «امنیت» در شاهنامه محسوب می‌شود. ایرانیان باستان کشور خود را سرزمین «پیمان» می‌دانستند (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۲۱). با وفاداری به پیمان «مردمان با هم پیوستگی می‌یابند و دروغ مغلوب می‌شود و اجرای معتقدانه وظایف مرتبط با مناسک موجب می‌شود که خورشید بتابد و باران بیارد» (هینلز، ۱۳۷۵: ۷۴). در داستان‌های شاهنامه نیز پیمان‌شکنی، عامل مرگ پهلوانان، جنگ‌های طولانی و ویرانی سرزمین آنان شده است. از این روی، همه پهلوانان ایرانی، وفاداری به عهد و پیمان را نشانه جوانمردی می‌دانند و پیمان‌شکنی را گناهی نابخشودنی به شمار می‌آورند. نمونه بارز این پایبندی به عهد و سوگند تا پای جان را در وجود پهلوانانی چون افریث و سیاوش می‌توان مشاهده کرد. سیاوش با در نظر گرفتن عقوبت پیمان‌شکنی، با درخواست پدرش مبنی بر شکستن پیمان صلح با افراسیاب مخالفت می‌کند:

به خیره همی جنگ فرمایدم بترسم که سوگند بگزایدم
بدین‌گونه پیمان که من کرده‌ام به یزدان و سوگندها خورده‌ام
اگر سر بگردانم از راستی فراز آید از هر سوی کاستی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۶۷)

بیشتر پیمان‌ها و سوگندها در داستان‌های پرآشوب شاهنامه مانند داستان سیاوش، پادشاهی خسرو پرویز، داستان دوازده رخ، داستان منوچهر، رستم و اسفندیار، پادشاهی کسری به چشم می‌خورد. در واقع، پیمان‌بستن در این داستان‌ها راهکاری برای بازیابی «امنیت» به‌خطرافتاده است.

• **اتحاد و یکپارچگی:** عامل دیگری که نقش مهمی در حفظ تمامیت ارضی و به تبع آن امنیت سیاسی و ملی دارد، اتحاد و یکپارچگی بین اقوام مختلف ساکن در یک سرزمین است. در شاهنامه از اقوام مختلفی چون پارس، پهلوی، کوچ، بلوچ نام برده شده که همه آنها در بدنه نیروهای نظامی و سپاهی حضور دارند. از این روی، تمام اقوام خود را در امور مملکتی سهیم می‌دانند و از برانگیختن فتنه و آشوب پرهیز می‌کنند. به عنوان نمونه، سیاوش برای مقابله با افراسیاب از تمام اقوام ایرانی در سپاه خود بهره می‌برد:

گزين كرد از آن نامداران سوار
هم از پهلوی پارس و کوچ و بلوچ
دليران جنگی ده و دو هزار
ز گیلان جنگی و دشت سروچ

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۴۲)

• **قدرت نظامی:** برخورداری از سپاه نیرومند و کارآزموده و مجرب، عامل دیگری است که موجب امنیت برون‌مرزی می‌شود. برای یک کشور هیچ چیز بیشتر از حفظ تمامیت ارضی اش ارزشمند نیست. در شاهنامه، ایران هر زمان که از سپاهیان مجهز و مجرب برخوردار بوده، از امنیت سیاسی نیز بهره‌مند بوده است:

سپاهی ز ایران چو باد دمان
چو نیزه بدست و چه تیر و کمان

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/ ۴۹)

و هرگاه تعداد سپاهیان و تجهیزات جنگی ایران در مقابل دشمن کم و ناچیز بوده، صدمات و خسارات فراوانی به نیروهای جنگی و به تبع آن ایران وارد شده است. برای نمونه، افراسیاب تورانی که دشمن سرسخت ایرانیان است، در جنگ با شاه نوذر چهارصد هزار نیروی جنگی دارد، در حالی که سپاهیان شاه نوذر ۱۴۰ هزار تن بیشتر نیستند. این امر دلالت بر ضعف «امنیت سیاسی و نظامی» ایرانیان در برابر تورانیان دارد:

سپه را که دانست کردن شمار
بجوشید گفתי همه ریگ و شیخ
بر او چهار صد بار بشمر هزار
بیابان سراسر چو مور و ملخ
همانا که بودند جنگی سوار

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۱۵)

- **تفکیک مشاغل اجتماعی:** تفکیک‌نکردن وظایف هر یک از طبقات اجتماعی می‌تواند عامل ایجاد ناهماهنگی، اغتشاش و ناامنی اجتماعی در جامعه شود. برای نمونه، در شاهنامه در روزگار ضحاک چنین هرج و مرجی در ایران پدید می‌آید و اولین اقدام فریدون بعد از سلطنت اصلاح ساختار نهادهای اجتماعی و وظایف هر یک از آنان است:

بفرمود کردن بدر بر خروش	که هر کس که دارید بیدار هوش
نباید که باشید با ساز جنگ	نه زین گونه جوید کسی نام و ننگ
سپاهی نباید که با پیشه‌ور	به یک روی جویند هر دو هنر
یکی کارورز و یکی گرزدار	سزاوار هر کس پدیدست کار
چو این کار آن جوید آن کار این	پر آشوب گردد سراسر زمین

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۷۶)

- **ایمان:** در نهایت فردوسی بر این باور است که آنچه می‌تواند موجب امنیتی همیشگی و پایدار شود، ایمان و آموزه‌های دینی است. وی در ابیاتی چند، راهکار رهایی از بدی، بلایا، نژندی و کسب آرامش درونی و رستگاری را در گرو ایمان می‌داند:

چو خواهی که یابی ز هر بد رها	سر اندر نیاری به دام بلا
نگه کن بدین گنبد تیز گرد	که درمان ازویست و زویست درد
از او دان فزونی از و هم شمار	بد و نیک نزدیک او آشکار
ترا دانش و دین رهاند درست	در رستگاری ببایدت جست
و گر دل نخواهی که باشد نژند	نخواهی که دائم بوی مستمند
به گفتار پیغمبرت راه جوی	دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۱۸)

نشانه‌های نمایه‌ای ضدامنیت

در شاهنامه، به علت و عامل پدیدآمدن وضعیت ناامنی فردی، اجتماعی و ملی اشاره شده است که به صورت نشانه‌های نمایه‌ای همچون بی‌اخلاقی، نابخردی، بیدادگری، فقدان قدرت سیاسی نیرومند، دنیاطلبی، فقدان فره ایزدی، طلسم و جادو، جنگ و غیره بازنمایی شده است. در جدول زیر، پس از اشاره به نقش و کارکرد هر یک از این نشانه‌ها به ذکر نمونه‌هایی داستانی آن در شاهنامه پرداخته و سپس نمونه‌هایی از ابیات شاهنامه تحلیل و بررسی می‌شود:

جدول ۳. نشانه‌های نمایه‌ای ضد امنیت در شاهنامه

نمونه داستانی	نقش ضد امنیتی	نشانه نمایه‌ای
دروان پادشاهی یزدگرد، دوران پادشاهی هرمزد، پادشاهی شیرویه	امنیت اجتماعی و روانی، امنیت دینی	ناسپاسی
دوران پادشاهی دارای داراب، دوران پادشاهی یزدگرد بزه‌کار، دوران پادشاهی خسرو پرویز، پادشاهی دارای داراب	امنیت اجتماعی	بیداد
مرگ لهراسب شاه	امنیت سیاسی و ملی	فقدان حکومت مرکزی
پادشاهی بهمن، پادشاهی دارای داراب	امنیت ملی	جنگ و کین
جمشید	امنیت ملی	فقدان فره ایزدی

- **ناسپاسی:** در شاهنامه هر زمان پادشاهان پایبند به اصول اخلاقی نبوده‌اند و ناپاکی، آز و طمع بر آنان غلبه داشته، امنیت درونی جامعه نیز مختل شده است. به عنوان نمونه، ضحاک با ویژگی‌هایی چون گستاخی و ناپاکی و سبک‌سری معرفی شده‌است:

جهانجوی را نام ضحاک بود دلیر و سبکسار و ناپاک بود

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۴۵)

این خصایص اخلاقی باعث می‌شود که ضحاک از ابلیس فریب بخورد و با کشتن پدر خود مرداس و سپس با خوردن مغز جوانان به مارهای روی دوشش، نهایت ناامنی و بیدادگری را در دوران تاریک حکومت خود رقم بزند.

تیرگی درون و آز از دیگر رذایل اخلاقی است که موجب ازبین‌رفتن امنیت دینی و روانی جامعه می‌شود. در شاهنامه هرگاه شاهان و شاهزادگان مغلوب آز و خواسته‌های نفسانی شده‌اند؛ ابتدا امنیت و آرامش روانی خود را از دست داده‌اند و به تبع آن موجبات ازبین‌رفتن آرامش اجتماعی شده‌اند. به عنوان نمونه، زیاده‌خواهی سلم و تور عامل اختلاف آنان با پدر و در نهایت مرگ برادرشان ایرج می‌شود:

چون آمد به کار اندرون تیرگی گرفتند پرمایگان خیرگی
دلش گشت غرقه به آز اندرون به اندیشه بنشست با رهنمون

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۹۱)

علاوه براین، ناپاکی، بدمهری و گستاخی، بازنمون/ دال‌های دیگری است که عامل نابودی امنیت در بین ساختارهای اجتماعی می‌گردد. چنانکه فریدون بعد از آشوبی که پسرانش سلم و تور برپا می‌کنند، آنها را چنین می‌نامد:

بگو آن دو بی‌شرم ناپاک را دو بیداد و بدمهر و ناپاک را

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۱۱۴)

شدن تنگدل در سرای سپنج

وگر آزمندیست و اندوه و رنج

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/۷۱)

مبادا به تو دست دشمن دراز

ز تو دور باد آز و چشم نیاز

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/۸۳)

همچنین، دلبستگی به دنیا و خواسته‌های دنیایی نیز عاملی است که در شاهنامه باعث از بین رفتن امنیت روانی افراد می‌شود. از این نظر فردوسی بعد از روایت داستان‌هایی که شخصیت‌های آن به خاطر دلبستگی به جاه و مقام سرنوشت شومی را برای خود رقم زدند، بر دل بریدن از مهر دنیا تأکید می‌کند:

دل از مهر گیتی نباید بشست

یکی پند گویم ترا من درست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۱۰۵)

نبود حکومت مرکزی: مرجع اصلی امنیت در نظام اندیشگانی ایران باستان «شاه»

است. از این روی، در شاهنامه حتی پهلوانانی چون سام، زال، رستم و اسفندیار، با وجود آنکه در جنگاوری بسیار دلاور هستند و بعضاً از سمت مردم و درباریان پیشنهاد نشستن بر تخت سلطنت را دریافت می‌کنند اما هیچ‌گاه داعیه پادشاهی ندارند. از این نظر، در شاهنامه هر زمان که حکومت مرکزی ضعیف شده یا برای مدتی پادشاهی وجود نداشته است، نامی در ایران زیاد می‌شود و هر کس که اندکی قدرت به دست می‌آورد، ادعای پادشاهی می‌کند. برای مثال، در پادشاهی جمشید آنگاه که فره ایزدی از او می‌گریزد، جمشید، قدرت مرکزی خود را از دست می‌دهد و در هر ناحیه‌ای فردی برپا می‌خیزد و ادعای پادشاهی می‌کند:

یکی نامجوئی ز هر پهلوی

پدید آمد از هر سوی خسروی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۴۹)

- **بیداد:** همانطور که «داد» عامل امنیت است، «بیدادگری» ضدامنیت است و زمینه فتنه و آشوب را در جامعه فراهم می‌آورد. از دیدگاه فردوسی، هرگاه که پادشاهان بیدادگری چون ضحاک، افراسیاب بر جهان حاکم بودند، نه تنها امنیت سیاسی مملکت خود را مختل نموده‌اند بلکه امنیت، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه را نیز ویران کرده‌اند. در ابیات زیر مشاهده می‌شود چگونه «بیدادگری» عامل اصلی تزلزل در لایه‌های امنیتی کشور شده است:

همه نیکوی باشد اندر نهان	ز بیدادی شهریار جهان
شود بچه باز را دیده کور	نزاید به هنگام در دشت گور
شود آب در چشمه خویش تیر	نپرد ز پستان نخچیر شیر
نگیرد بنافه درون بوی مشک	شود در جهان چشمه آب خشک
پدید آید از هر سوی کاستی	ز کژی گریزان شود راستی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳/۵۳)

بعد از مرگ منوچهر در دوران پادشاهی پسرش نوذر به این علت که نوذر بیدادگری آغاز

می‌کند، فتنه و آشوب در جهان به پا می‌شود و امنیت مملکتش از بین می‌رود:

که بیدادگر شد سر شهریار	برین بر نیامد بسی روزگار
جهان را کهن شد سر از شاه نو	ز گیتی برآمد به هر جای غو
ابا موبدان و ردان تیز گشت	چو او رسم‌های پدر در نوشت
دلش برده گنج و دینار شد	همی مردمی نزد او خوار شد

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/۷)

- **جنگ و کین:** مجموعاً ۲۰۱ مورد جنگ در شاهنامه رخ داده است (سرامی، ۱۳۹۲: ۴۳۰). بنابراین، شاید بتوان گفت بازنمون/ نشانه «جنگ» و «کین» اصلی‌ترین عامل ضدامنیتی در شاهنامه محسوب می‌شود. جنگ‌های بخش اساطیری شاهنامه در ارتباط با نیروهای اهریمنی و دیوان است؛ مانند جنگ کیومرث، هوشنگ و سیامک با دیوان که این جنگ‌ها ماهیت دینی دارند و به نوعی امنیت دینی جامعه را تحت تأثیر می‌گذاشتند. بیشتر جنگ‌های شاهنامه مربوط به بخش پهلوانی آن است؛ مانند جنگ ایران با توران، مازندران، هاماوران و جنگ پهلوانان ایرانی با انیرانی مانند جنگ رستم و افراسیاب، رستم و اشکبوس، فرامرز با آزاد تورانی یا با سرخه و غیره. در بخش تاریخی نیز جنگ ایران با رومیان و یونانیان و اعراب مشاهده می‌گردد. جنگ‌های بخش پهلوانی و تاریخی بیشتر امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند؛ گرچه این جنگ‌ها رنگ و بوی دینی نیز دارند و بر امنیت دینی جامعه ایرانی تأثیرگذار بوده‌اند. برای نمونه، هنگامی که اغریث، برخلاف میل افراسیاب اسیران ایرانی را رها می‌کند، افراسیاب به او می‌گوید در جنگ جای گذشت و بخشش نیست و مرد جنگجو از روی کین می‌جنگد و خردمندانه نمی‌اندیشد:

بفرمودمت کای برادر بکش که جای خرد نیست و هنگام هش

بدانش نیاید سر جنگجوی
نیاید به جنگ اندرون آبروی
سر مرد جنگی خرد نسپرد
که هرگز نیامیخت کین با خرد

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۲)

کینه و نفرت چنان در دل افراسیاب جای گیر شده است که حتی نزدیکترین افراد خانواده او نیز از آتش خشم او در امان نیستند. افراسیاب برادرش اغریث و دخترش فرنگیس و دامادش سیاوش را می‌کشد.

همچنین، در بخش پهلوانی شاهنامه جنگ با دیوان که سمبل و نماد دشمنانی هستند که از قدرتی برتر برخوردارند، توصیه نشده است. به عنوان نمونه، آن‌گاه که کیکاوس تصمیم می‌گیرد که به جنگ با دیوان مازندران برود. تمام پهلوانان ایرانی، مانند طوس، گودرز، گشواد، گیو، خراد، گرگین و ... اظهار نگرانی می‌کنند؛ چراکه می‌دانند شاهان پر قدرت تر از کیکاوس مانند ضحاک و کی‌قباد و فریدون هیچ یک به جنگ با دیوان نرفته‌اند:

ز ما و ز ایران برآمد هلاک
نماند برین بوم و بر آب و خاک
که جمشید با فر و انگشتی
بفرمان او دیو و مرغ و پری
ز مازندران یاد هرگز نکرد
نجست از دلیران دیوان نبرد

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۲)

جنگ علاوه بر کشتار فجیع انسانی که امنیت فردی و اجتماعی را مختل می‌سازد، باعث ویرانی و نابودی شهرها و روستاها می‌شود. در نتیجه امنیت اقتصادی مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد:

بشد تا در شهر مازندران
ببارید شمشیر و گرز گران
زن و کودک و مرد با دستوار
نیافت از سر تیغ او زینهار
همی کرد غارت همی سوخت شهر
بپالود بر جای تریاک زهر

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/۲)

• **فقدان فره ایزدی:** فره فروغی است ایزدی که برای صاحبش زندگی طولانی، موفقیت، قدرت و ثروت و دارایی، برکت و اقبال را به همراه می‌آورد. همچنین، فره نماد مشروعیت لاهوتی شاه آرمانی و نشان فروزان شهریار است (Bailey, 1971: 29-31). در اوستا از سه فره زرتشت، فره آریایی و فره کیانی یاد شده است. فره زرتشت جنبه و صبغه‌ای تماماً دینی و لاهوتی دارد، اما فره آریایی وجهه ملی فره به شمار می‌رود که خاص عموم ایرانیان بوده و سبب برخورداری آنان از مواهبی مانند چهارپایان، گله، رمه، ثروت، شکوه، خرد و دولت

می‌شود (بهار، ۱۳۹۰: ۱۰۹). فره کیانی نیز همان فره شاهی است، فروغ الهی و خدادادی است که هر کس آن را به دست آورد، به تقدس معنوی و شکوه شاهی می‌رسد. در شاهنامه، هرگاه پادشاه دچار غرور و خودبرزگ‌بینی شود، فره ایزدی از او دور و آشوب و فتنه در قلمرو وی آغاز می‌شود. برای مثال جمشید آن‌گاه که به توانایی‌های خود مغرور می‌شود، قدرت و به تبع آن امنیت سیاسی ایران را به خطر می‌افکند:

چو این گفته شد فرّ یزدان ازوی
منی چون بپیوست با کردگار
به یزدان هر آنکس که شد ناسپاس
بگشت و جهان شد پر از گفتگوی
شکست اندر آورد و برگشت کار
به دلش اندر آید ز هر سو هراس
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۴۳)

نشانه‌های شمالی امنیت

در نشانه شمالی رابطه بین بازنمون و موضوع مبتنی بر شباهت است. بدین ترتیب، بر اساس این نوع نشانه، بازنمون از ویژگی‌هایی برخوردار است که بر پایه رابطه مشابهت مفهوم امنیت را تداعی می‌کند. در شاهنامه، برخی از شاهان و پهلوانان، مکان‌هایی مانند بهشت، زمان‌هایی مانند بهار، اتحاد اضدادی همچون میش و گرگ، نشانه‌های شمالی هستند که امنیت را بازنمایی می‌کنند:

جدول ۴. نشانه‌های شمالی امنیت در شاهنامه

واژه	نقش امنیتی	نمونه داستانی
شاه	امنیت ملی	پادشاهی اردشیر، پادشاهی شاپور، پادشاهی اردشیر نیکوکار، پادشاهی نوشین‌روان
پهلوان	امنیت ملی	سام، زال، رستم، اسفندیار، گیو، گودرز، فرامرز، قارن، گسته‌م
بهشت	امنیت روانی، اجتماعی	دوران پادشاهی کی‌خسرو، دوران پادشاهی نوشین‌روان.
میش و گرگ	امنیت ملی و اجتماعی	پادشاهی گشتاسب، پادشاهی نوشین‌روان، پادشاهی منوچهر، پادشاهی کی‌خسرو
بهار	امنیت اقتصادی، امنیت روانی	پادشاهی بهرام گور، انوشیروان، خسرو پرویز

- **پادشاه:** پادشاه مرجع تمام و کمال امنیت در شاهنامه است. هرگاه پادشاهان اهل داد، مردانگی، نیکی، پاکي، خردمندی، جنگاوری، صلح‌دوستی، شکوه و عظمت باشند، مظهر و شمالی از امنیت در معنای گسترده آن محسوب می‌شوند:

چو دیهیم شاهی به سر بر نهاد
به داد و به آیین و مردانگی
منم گفت بر تخت گردان سپهر
جهان را سراسر همه مزده داد
به نیکی و پاکي و فرزاندگی
همم خشم و جنگ است و هم داد و مهر

زمین بنده و چرخ یار من است
همم دین و هم فره ایزدیست
سر تاجداران شکار من است
همم بخت نیکی و هم بخردی است
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۱۳۴)

• **پهلوان:** پهلوان کسی است که با کنش‌هایی قهرمانانه و سلحشورانه از حریم مرزهای کشور دفاع می‌کند. بنابراین، پهلوانانی چون سام، زال، رستم، اسفندیار، گیو، قارن، گشواد، طوس، خراد، بیژن و غیره با قدرت و نیروی جنگاوری خود می‌توانند در برابر دشمنان ایران ایستادگی کنند و حافظ جان و مال و ناموس ایران باشند:

جهان ایمن از تیر و شمشیر توست
سر ماه با چرخ در زیر توست
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳ / ۴۲)

در شاهنامه، زال به ویژگی‌هایی چون تنومندی، آرامش، فر، خردمندی و جنگاوری توصیف شده است که این ویژگی‌ها و خصلت‌های رفتاری نمایانگر تجسم امنیت در وجود زال است:

پس آراسته زال را پیش شاه
گرازان بیاورد سالار بار
به زرین عمود و به زرین کلاه
بران برز بالای آن خوب‌چهر
شگفتی بماند اندر او شهریار
که فر کیان دارد و جنگ شیر
تو گفتی که آرام جان است و مهر
دل هوشمندان و آهنگ شیر
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۱۴۸)

همچنین، پهلوانی چون زال ننگه‌بان کشور و پشت‌وپناه پادشاه به شمار می‌آید. لذا، می‌توان گفت پهلوانان بازوهای حفظ قدرت و امنیت ملی هستند:

همیدون مرا پشت‌گرمی به دوست
نگه‌بان کشور به هنگام شاه
که هم پهلوان است و هم شاه دوست
ازویست رخشنده فرخ کلاه
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲ / ۷)

و هرگاه پادشاهی راه بیدادگری و بی‌خردی را در پیش می‌گرفت، این پهلوانان بودند که عدل‌وداد (یعنی امنیت) را مجدداً به ایران بازمی‌گرداندند. در نبود شاه نیز، اداره کشور و محافظت از آن بر عهده پهلوانان بوده است:

به میلاد بسپرد ایران‌زمین
بدو گفت گر دشمن آید پدید
کلید در گنج و تاج و نگین
ز هر بد بزال و به رستم پناه
ترا تیغ کینه باید کشید
که پشت سپاهند و زیبای گاه
(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲ / ۸۴)

• **بهشت:** در شاهنامه، برای توصیف امنیت از مکان‌هایی که منتهی‌الیه آروزی بشری است، نظیر واژه «بهشت» استفاده شده است. بنابراین، هر زمان که امنیت بر کشور حاکم بوده، آن را به بهشت تشبیه کرده است. در دوران فریدون، دنیا همچون بهشت، محل آسایش و آرامش است:

بیاراست گیتی بسان بهشت به جای گیا سرو گلبن بکشت

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۸۱)

• **بهار:** واژه بهار با تصاویر دل‌انگیز و خوشایندی که در جان و روح ایجاد می‌کند، در شاهنامه به عنوان نشانه‌ای شمایی از امنیت به کار رفته است. همان‌گونه که در بهار هوا متعادل و دلپذیر است، در سرزمینی که امنیت حاکم است، همه پدیده‌ها مطلوب و زیبا به نظر می‌رسد. بنابراین، امنیت همچون بهار موجب پدیدآمدن آرامش، زیبایی، طراوت در جامعه می‌شود:

که مازنداران شهر ما یاد باد همیشه بر و بومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است به کوه اندرون لاله و سنبلست
هوا خوشگوار و زمین پرنگار نه گرم و نه سرد و همیشه بهار

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲ / ۷۷)

نمونه دیگر از این نوع نشانه را در ابیات مربوط به پادشاهی کی‌خسرو می‌شود که دوران پادشاهی او نمونه تمام عیار امنیت در شاهنامه است:

بکشید و خوبی به کار آورید چو دیدند سرما بهار آورید

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۴ / ۲۳۰)

• **میش و پلنگ / گرگ و میش:** نشانه شمایی دیگری که دلالت بر وجود امنیت در جامعه دارد، حضور عناصر متضادی چون میش و پلنگ در کنار یکدیگر است. به عنوان مثال، سام در نامه‌ای که به منوچهرشاه می‌نویسد از او به عنوان کسی یاد می‌کند که میش و گرگ را با یکدیگر دوستی داده است؛ بدین معنی که توانسته است هر نوع اختلاف و درگیری را حل کند و امنیت برقرار سازد:

همان از دل پاک و پاکیزه کیش به آبشخور آری همی گرگ و میش

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱ / ۲۰۲)

از این پس نه آشوب خیزد نه جنگ به آبشخور آیند میش و پلنگ

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۳ / ۸۳)

این نوع توصیف امنیت در خصوص دوران پادشاهی گشتاسب، پادشاهی اورمزد، پادشاهی نوشین‌روان نیز در شاهنامه به کار رفته است.

نشانه‌های شمالی ضدامنیت

در شاهنامه «اژدها»، «دیو و اهریمن» با خصایص و ویژگی‌هایی توصیف شده‌اند که امنیت دینی، فردی و روانی، اقتصادی و ملی را تهدید می‌کنند. از این روی، این موجودات را می‌توان نشانه‌های شمالی ضدامنیت به شمار آورد.

واژه	ویژگی	نقش ضدامنیتی	نمونه داستانی
اژدها	ناپاک، پدیدآورنده ترس، خشکسالی	ضد امنیت اقتصادی	داستان ضحاک، مبارزه سام با اژدها، مبارزه رستم با اژدها، جنگ اسفندیار با اژدها، رزم اردشیر، اسکندر، بهرام چوبین با اژدها.
دیو	افسونگر و جادوگری	ضد امنیت ملی، ضد امنیت روانی، امنیت دینی	جنگ رستم با دیوان مازندران، جنگ رستم با اکوان دیو، پادشاهی یزدگرد، پادشاهی قباد.
اهریمن	بدکنش و ریمن	ضد امنیت فردی و روانی، امنیت ملی، امنیت دینی،	داستان کیومرث، سیامک، هوشنگ، ارجاسب تورانی، نوش‌زاد پادشاهی شیرویه

- **اژدها:** واژه اژدها در زبان سانسکریت و ایران باستان به گونه‌ی اهی (ahi)، اوستایی، اژی (azi) فارسی میانه و اژدهاک (azdahag) آمده است (امیدسالار، ۱۳۸۴: ۱/ ۳۵۷). در روایات ایرانی، اژدها موجودی کوه‌پیکر، دم‌آهنج، آتش‌گام، دودافکن، دوزخ‌دهن و زهرافشان، با موهای آویزان و کشان چون کمند، زبانی سیاه و بزرگ، چشمان پر خون، دندان‌های دراز و شاخ‌مانند، بانگی بلند، تنی پرپشیزه، دمی گره در گره توصیف شده است (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۷۳۲). براساس باور ایرانیان باستان، اژدهاکشی از نشانه‌های مشروعیت و سزاواری پادشاه است (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۸: ۳۳۱). در شاهنامه، شاهان و پهلوانان اژدهاکشی وجود دارند که با نابودی اژدها می‌توانند امنیت را به ارمغان بیاورند. به عنوان مثال، فریدون با غلبه بر ضحاک باری دیگر جهان را از ناپاکی و پلیدی نجات می‌دهد:

ببرم بی اژدها را ز خاک بشویم جهان را ز ناپاک پاک

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۷۰)

سام با کشتن اژدهای کشف‌رود، به ترس و وحشت مردم پایان می‌دهد:

جهان را ازو بود دل پهراس همی داشتندی شب و روز پاس

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۲۷۲)

رستم در خون سوم خود با اژدها مبارزه می‌کند و آن را می‌کشد:

چو رستم بر آن اژدهای دژم نگه کرد برزد یکی تیز دم

بیابان همه زیر او بود پاک روان خون گرم از بر تیره خاک

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱۲/ ۹۷)

اسفندیار برای رهایی خواهران خود از چنگ ارجاسب، در خون سوم با اژدهای مخوفی رویاروی می‌شود و آن را می‌کشد:

همی گفت کین اژدها را که کشت مگر آنکه بودش جهاندار پشت

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱۶/ ۱۷۶)

اسکندر در شاهنامه برای اینکه مشروعیت پادشاهی بر ایران را داشته باشد همچون شاهان و پهلوانان ایرانی، اژدهایی را می‌کشد:

یکی اژدهایست زان سوی کوه که مرغ آید از رنج زهرش ستوه

سکندر بفرمود تا لشکرش یکی تیرباران کنند از برش

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱۷/ ۷۱)

بهرام چوبین با کشتن اژدهایی موسوم به شیر کبی و نجات دختر خاقان چین به عنوان شاه ایران خوانده می‌شود:

وزان پس بشمشیر یازید مرد تن اژدها را به دو نیم کرد

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱۹/ ۱۴۵)

نبرد اردشیر با کرم هفتواد که در زمره ستیز با خشکسالی به شمار می‌آید (بهار، ۱۳۷۶: ۳۸) در واقع می‌تواند نشانه‌ای شمایی از عدم امنیت اقتصادی در دوران پادشاهی اردشیر باشد. کشته‌شدن این کرم اژدهاوش توسط اردشیر می‌تواند دلالت بر اقدامات وی برای تجدید «امنیت اقتصادی» باشد:

چون آن کرم را بود گاه خورش از ارزیر جوشان بدش پرورش

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱۷/ ۱۵۲)

- **دیو**: واژه «دیو» که از ریشه «دوا» گرفته شده، به معنی «خدای دروغین» است (کرتیس، ۱۳۸۶: ۲۲). در واقع پس از جدایی ایرانیان از هندیان، خدایان مشترک قدیم یعنی دیوان که مورد پرستش هندوان بودند، نزد ایرانیان گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده شدند (برزگرخالقی، ۱۳۷۹: ۷۷). در شاهنامه دیو به معنی ایزدان باطل، مهاجمان و دشمنان و ویژگی‌های زشت و اهریمنی انسان آمده است. بنابراین، دیوها با ویژگی افسونگری و

جادوگری، نشانه‌ای شماییلی از «ضد امنیت فردی، دینی، اجتماعی و سیاسی» به شمار می‌روند. به عنوان مثال، در داستان کیومرث دیوها با کشتن سیامک فرزند کیومرث می-کوشند «امنیت دینی» را به خطر بیندازند و با از بین بردن سیامک از گسترش دین اهورایی جلوگیری کنند:

همه نره دیوان و افسونگران
شددن انجمن دیو بسیار مر
برفتند جادو سپاهی گران
که پر دخته مانند از او تاج و فر

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۳۷)

یا در داستان مبارزه رستم با دیوان مازندران، دیو شماییلی از نیروهای مهاجم و دشمن است که با به اسارت گرفتن کی کاوس، «امنیت ملی» را که شاه حفظ و نگاهبان آن است، به مخاطره بیفکنند:

نه ارژنگ مانم نه دیو سپید
به نام جهان آفرین یک خدای
نه سنجه نه پولاد غندی نه بید
که رستم نگرداند از رخس پای

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۹۰)

• **اهریمن:** اهریمن، سر کرده همه دیوان است که به دیوان دیو معروف است (داعی الاسلام، ۱۹: ۴۲-۴۳). اهریمن قدرت آفرینش‌گری دارد و پتیاره و پرگزند است. وی در برابر آفرینش نیک اهورامزدا، آفرینش اهریمنی خود را آشکار می‌کند و جهان بدی را می‌آفریند (داعی الاسلام، ۱۹: ۶). او در سرزمین‌های نیک آفریده اهورامزدا، اژدها، زمستان، گرمای سخت، خرفستان، سست‌باوری، ناهنجاری‌های اخلاقی و انواع گناه را می‌آفریند (داعی الاسلام، ۱۹: ۱. ۲-۲۰). بر این اساس، در شاهنامه اهریمن، نشانه شماییلی «ضد امنیت» به شمار می‌رود که با کنش‌های ناپسند خود، اولین موجود/ دشمنی است که امنیت حاکم بر سرزمین‌های اهورایی را برهم می‌زند. در بخش اساطیری شاهنامه، رویارویی کیومرث، سیامک و هوشنگ با اهریمن مشاهده می‌شود. برای مثال، در بیت زیر به کنش گناه‌آلود اهریمن اشاره شده است:

به گیتی نبودش کسی دشمن
مگر بدکنش ریمن آهرمن

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۲۹)

اهریمن با کشتن سیامک، مرگ که مفهومی ضد امنیتی است، برای انسان‌ها پدید می‌آورد. علاوه بر این، اولین جنگی که در شاهنامه رخ می‌دهد، مربوط به کین‌خواهی کیومرث از اهریمن و دیوان است. می‌توان گفت کنش‌های اهریمنی امنیت روانی و اجتماعی جوامع انسانی را تهدید

می‌کند. همچنین، اهریمن به عنوان یک نشانه شمایل‌ی ضدامنیتی در بخش پهلوانی و بخش تاریخی شاهنامه کاربرد دارد. به عنوان مثال، در بخش پهلوانی شاهنامه، ارجاسب تورانی از زرتشتیان و آتش‌پرستان ایرانی با عنوان اهریمن یاد کرده است که تهدیدی برای امنیت ملی و دینی توران به شمار می‌رود:

نگر تا کرایایی از دشمنان از آتش‌پرستان و آهرمنان

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۶/ ۱۳۸)

یا در آغاز پادشاهی شیرویه آمده است که به ایرانیان می‌گوید جهان را از کردار اهریمنی پاک خواهد کرد:

جهان را بداریم با ایمنی بیریم کردار آهرمنی

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۹/ ۲۵۵)

همانطور که مشاهده می‌شود، اهریمن در بیت فوق در تضاد و تقابل با ایمنی قرار گرفته است. شیرویه آشوب و ناآرامی که در آغاز سلطنتش بر ایران حاکم است را نتیجه کردار و کنش اهریمن می‌داند. مطابق با باورها و اعتقادات باستانی ایرانیان، تنبل و جادویی و طلسم (نیروهای اهریمنی) عاملی برای از بین رفتن امنیت سیاسی و روانی است. برای نمونه، در دوران پادشاهی ضحاک، جادو و طلسم امنیت ایرانیان را به مخاطره افکنده است و با پیروزی فریدون بر ضحاک، باری دیگر آرامش و امنیت به این سرزمین باز می‌گردد:

بدو گفت شاه آفریدون توئی که ویران کنی تنبل و جادویی

کجا هوش ضحاک بر دست تست گشاد جهان بر کمر بست توست

(فردوسی، ۱۳۹۳: ج ۱/ ۷۰)

نتیجه‌گیری

بررسی نشانه‌شناختی مفهوم «امنیت» در شاهنامه نشان می‌دهد اگر چه واژه «امنیت» و انواع تقسیم‌بندی‌های کنونی از آن به کار نرفته است؛ لیکن واژه «ایمن» که هم‌ریشه با کلمه امنیت است و نشانه‌های نمادینی چون «خرد»، «صلح»، «خوبی»، «آرام»، «آسایش» و «نام» به مفهوم امنیت کاربرد داشته است. بنابر دلالت‌های معنایی و روابط هم‌نشینی این نشانه‌ها می‌توان گفت نشانه نمادین «صلح» بر امنیت سیاسی و ملی؛ نشانه‌هایی چون «آبادانی، رفاه و آسایش» بر امنیت اقتصادی؛ نشانه «نام» بر امنیت روانی و فردی دلالت دارد. نشانه «خرد» دامنه معنایی گسترده‌ای دارد و تمام ابعاد امنیت شامل فردی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ملی را

در برمی‌گیرد. در نظام اندیشگانی ایران باستان و شاهنامه، تأمین امنیت در مفهوم وسیع آن به عواملی چون «ایمان»، «داد»، «پیمان»، «اتحاد»، «سپاه» بستگی دارد که از آنها می‌توان به عنوان نشانه‌های نمایه‌ای امنیت یاد کرد. همچنین، از دیدگاه شاهنامه‌شناسی که امنیت را از بین می‌برد، عبارتند از «بیدادگری»، «ناسپاسی»، «جنگ و کین» و «نبود حکومت مرکزی» که از حیث نشانه‌شناسی، می‌توان آنها را نشانه‌های نمایه‌ای ضدامنیتی نامید. علاوه بر این، در شاهنامه دو مرجع مهم امنیتی «شاهان» و «پهلوانان» هستند که چون کردار و کنش رفتاری آنان تجسمی از امنیت به شمار می‌رود، می‌توان از آنان به عنوان نشانه‌های شمایی امنیت یاد کرد. همانطور که اعمال و کردار منفی «اژدها»، «دیو» و «هریمن» آنان را به عنوان نشانه‌های شمایی ضد امنیت معرفی می‌کند. آنچه از حیث مرجع امنیتی در شاهنامه حائز اهمیت است، باور ایرانیان باستان به بر خورداری پادشاه به عنوان مرجع امنیتی کشور از «فرّه ایزدی» و استعانت از خرد، داد و بخشایش و قدرت نظامی برای گستراندن امنیتی همه‌جانبه بر کشور است. پایبندی به «پیمان» که در بردارنده تعهدات اجتماعی و اخلاقی افراد جامعه در قبال یکدیگر است، زمینه‌ساز و عامل حفظ امنیت اجتماعی و ملی در شاهنامه محسوب می‌شود. عامل دیگری که نقش مهمی در حفظ تمامیت ارضی و به تبع آن امنیت سیاسی و ملی دارد، اتحاد و یکپارچگی بین اقوام مختلف ساکن در یک سرزمین است. در شاهنامه اقوام مختلفی چون پارس، پهلوی، کوچ، بلوچ وجود دارند که از همه آنها در ساختار نیروهای نظامی و سپاهی استفاده شده است. تفکیک وظایف هر یک از طبقات اجتماعی می‌تواند عامل ایجاد هماهنگی و امنیت اجتماعی در جامعه شود. بر خورداری از سپاه نیرومند و کارآموده و مجرب، عامل دیگری است که موجب امنیت برون‌مرزی می‌شود. برای یک کشور هیچ‌چیز بیشتر از حفظ تمامیت ارضی اش ارزشمند نیست؛ اما نشانه‌هایی که علت و عامل پدیدآمدن وضعیت ناامنی می‌شوند شامل بی‌اخلاقی، نابخردی، بیدادگری، فقدان قدرت سیاسی نیرومند، دنیاطلبی، فقدان فرّه ایزدی، طلسم و جادو، جنگ و غیره نشانه‌های نمایه‌ای هستند که عامل اختلال در امنیت فردی، اجتماعی و ملی می‌گردند.

منابع

- افراخته، عبدالحمید و نجف لک‌زایی (۱۴۰۱)، «مرجع امنیت در شاهنامه»، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌متعالیه، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص: ۶۰-۸۴.
- امیدسالار، محمود (۱۳۸۴)، دانش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، جلد ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، مدخل اژدها، صص: ۳۵۸-۳۵۷.

- امیدسالار، محمود (۱۳۹۶)، *بوطیقا و سیاست در شاهنامه*، ترجمه فرهاد اصلانی و معصومه پورتقی، تهران: سخن.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۰)، *دفتر خسروان*، برگزیده شاهنامه فردوسی، تهران: سخن.
- برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «دیو در شاهنامه»، *مجله متن پژوهی ادبی*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۳، صص: ۱۰۰-۷۶.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگاه.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۸۴)، *گت‌ها*، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۴) *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۸۸)، *بندهش*، تهران: توس.
- داعی‌الاسلام، سیدمحمدعلی (۱۹۴۸)، *وندیداد (حصه سوم کتاب اوستا)*، دکن: حیدرآباد.
- دانش‌پژوهان، منوچهر (۱۳۹۵)، «رابطه فرهنگ سیاسی و امنیت در شاهنامه»، *فصلنامه امنیت‌پژوهی*، شماره ۵۴، صص: ۱۸۷-۲۰۰.
- ایرانی، دینشاه (۱۳۵۳)، *اخلاق ایران باستان*، چاپ چهارم، بمبئی: موسسه اقتان.
- رضازاده، زوارم، بتول فخر اسلام و رضا اشرف‌زاده (۱۴۰۲)، «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های امنیت در حکومت کی‌خسرو در شاهنامه فردوسی با رویکرد به مبانی مکتب کپنهاگ»، *نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، آذر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۱، صص ۱۳۷-۱۷۱.
- صفوی، کورش (۱۴۰۱)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
- صفوی، کورش (۱۳۹۳)، *آشنایی با نشانه‌شناسی ادبیات*، تهران: علمی.
- فرنیغ‌دادگی (۱۳۹۰)، *بندهش*، گردآورنده مهرداد بهار، تهران: توس.
- کالر، جاناناتان (۱۳۹۰)، *در جستجوی نشانه‌ها*، ترجمه لیلا صادقی و تینا امرالهی، تهران: نشر علم.
- کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۸۶)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- کرم‌زاده یزجی، محمدصادق (۱۳۹۴)، *امنیت در شاهنامه*، تهران: فقه الصادق.
- کریستوا، ژولیا و ژاک دریدا (۱۳۹۸)، «*نشانه‌شناسی و گراماتولوژی*»؛ *نمونه‌هایی از نقد پسامدرن: سرگشتگی نشانه‌ها*، گزینش و ویرایش مانی حقیقی، تهران: مرکز.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، «*نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت*»، مترجم سید عبدالقیوم سجادی، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم، دوره ۳، سال ۳، شماره ۹، صص: ۱۳۳-۱۴۲.
- مینوی خرد، (۱۳۸۵)، *ترجمه احمد تفضلی*، چاپ چهارم: توس.
- نصیری، علی اصغر (۱۳۹۸)، «*وجوه امنیتی متعالی و متدانی شاهنامه فردوسی*»، *فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه*، سال ۷، شماره ۲۴، صص: ۱۵۹-۱۷۶.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- هینلز، جان (۱۳۷۵)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.

- Bailey, Harold Walter (1971). *Zoroastrian problems in the ninth century*



انستیتو مطالعات استراتژیک
Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 14 January 2024
Accepted 16 May 2024
Published online 28 May 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 1, pp 41-64



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Pathology of the Policy Framework for Transgenic Products in the Islamic Republic of Iran

Masoud Jabalameli ¹, Mohammad Reza Yazdani Zazerani ^{2*}, Mahnaz Goodarzi ³

¹ Ph.D student of Public Policy, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Iran

² Faculty member of Islamic Azad University, Political Science Department, Khorasgan Branch, Iran

³ Faculty member of Islamic Azad University, International Relations Department, Khorasgan Branch, Iran

* Corresponding author email address: yazdani.mrz@khuisf.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Jabalameli, M., Yazdani Zazerani, M. R., & Goodarzi, M. (2024). Pathology of Transgenic Products Policies in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 27(2), 41-64. doi: [10.22034/srq.2024.433574.4128](https://doi.org/10.22034/srq.2024.433574.4128)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Today, the rapid advancement of biotechnology has become an essential force, bringing significant positive impacts globally. By altering the genes of living organisms and producing those with enhanced traits, such as transgenic products, biotechnology opens up new possibilities and paves the way for groundbreaking innovations. However, in the era of globalization, the nature of threats and the tools used to address them have undergone significant transformation. Among these, biological agents have garnered increasing attention from both nations and terrorist organizations due to their unique properties. One of the major threats in this globalized age is biological terrorism, which involves the deliberate misuse of microbial agents or their byproducts.

Since the beginning of the Islamic Revolution, Iran has faced severe threats including imposed war, terrorism, and various forms of violence. Currently, due to the emergence of new dimensions to these threats, such as genetically modified products, national defense management and the evolution of national security architecture, have become increasingly important. In this regard, some have repeatedly emphasized the importance of the pathology of security policies as one of the most important challenges of policymaking in Iran. So, this paper seeks to diagnose the policies related to new biological threats against the Islamic Republic of Iran, focusing on genetically modified products. To be more specific, the primary question is: "What are the risks associated with policies addressing new biological threats to the Islamic Republic of Iran?".

Methodology

This study utilized a combination of interviews, library research, and field methods for data collection, alongside Philipp Mayring's qualitative content analysis approach, which involves three stages: open, central, and selective coding. The data were also analyzed inductively. Approximately 40 scientific texts were reviewed and qualitatively analyzed. Semi-structured interviews were conducted, and theoretical saturation was achieved after interviewing 25 government managers and biotechnology experts. Participants were chosen through snowball sampling. Following the initial coding, the researcher grouped similar codes into broader categories, which were then organized at a higher conceptual level to identify the main classes. Theoretical saturation marked the conclusion of this process. To ensure the validity and reliability of the findings, some participants reviewed the analysis and categorization process, providing feedback that refined the results and addressed both the primary and secondary research questions.

Discussion and Results

On the whole, policies related to new biological threats, particularly transgenic products, have been formulated in alignment with international regulations and integrated into Iran's development programs and codified laws. However, the absence of comprehensive policies or the inadequacy of existing ones, coupled with a lack of continuous evaluation, has led to inconsistencies and disagreements in academic research. For instance, Iran's biosafety law - the primary legislation governing transgenic products - contains significant flaws and shortcomings. These weaknesses in the law have caused numerous issues in the executive guidelines and procedures formulated by relevant authorities. Moreover, while various institutions have developed and approved their own guidelines, inconsistencies and unresolved problems have hindered their implementation.

Conclusion

According to the research findings, the risks within Iran's policies regarding modern biological threats, particularly those related to transgenic products, can be categorized into four key areas: functional, structural, contextual, and communication. However, the policy-making process in this area has become marked by a lack of coherence and consistency in decision-making.

Keywords: *Biological Threats; Emerging Threats; Policies on New Biological Threats; Transgenic Products.*



دانشگاه تربیت مدرس
پژوهش‌های مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۲۴ دی ۱۴۰۲
اصلاح شده در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۰۸ خرداد ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۴۱-۶۴



شابای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شابای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

آسیب‌شناسی سیاست‌های مرتبط با محصولات تراریخته در جمهوری اسلامی ایران

مسعود جبل عاملی^۱، محمدرضا یزدانی زازانی^۲، مهناز گودرزی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: yazdani.mrz@khuif.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

جبل عاملی، مسعود، یزدانی زازانی، محمدرضا، و گودرزی، مهناز. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی سیاست‌های مرتبط با محصولات تراریخته در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۴۱-۶۴.

doi:

10.22034/srq.2024.433574.4128



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

تهدیدات در عصر جهانی‌شدن دولت‌محور نبوده و دارای ویژگی‌های فراملی هستند و تمرکز بر تهدیدات نظامی کمرنگ‌تر شده است. ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون درگیر جنبه‌های سخت تهدیداتی نظیر جنگ تحمیلی، ترور و سایر اقدامات خشونت‌آمیز بوده، لیکن با ظهور و بروز جنبه‌های نوین این تهدیدات نظیر محصولات تراریخته، امنیت کشور دچار تهدیدات و دگرگونی‌های فراوانی گردیده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آسیب‌های سیاست‌های مرتبط با تهدیدات نوین زیستی علیه جمهوری اسلامی ایران چیست. پژوهش حاضر به دنبال آسیب‌شناسی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نوین زیستی با تمرکز بر محصولات تراریخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه در قالب قوانین مدون یا ذیل برنامه‌های توسعه کشور صورت پذیرفته است، لیکن فقدان سیاست‌های جامع یا ضعف سیاست‌های کنونی و همچنین عدم آسیب‌شناسی آن‌ها موجب بروز اختلاف‌نظر یا خلأهایی در این زمینه شده است؛ لذا قوانین فعلی نیازمند به‌روزرسانی و انطباق بیشتری با تهدیدات موجود است. علاوه بر آن در برخی حوزه‌ها کاستی‌های موجود نیز بایستی با قانون‌نگاری‌های جدید جبران شود. نتایج پژوهش آسیب‌های موجود در سیاست‌گذاری کشور در حوزه تهدیدات محصولات تراریخته را به چهار دسته از عوامل کارکردی، ساختاری، زمینه‌ای و ارتباطی تقسیم نموده است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژگان: سیاست‌گذاری، آسیب‌شناسی، تهدید زیستی، سیاست‌های تهدیدات نوین زیستی، محصول تراریخته.

مقدمه

در عصر جهانی‌شدن، هم در منابع تهدید و هم در نوع تهدید و هم در ابزارهای مورد استفاده، تحولی شگرف به وجود آمده است. جهانی‌شدن، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های امنیتی متعددی را متوجه کشورها و جوامع انسانی ساخته که در گذشته یا مورد اعتنا قرار نمی‌گرفتند یا به سادگی قابل تحقق نبودند (درویشی، ۱۳۸۲: ۳). ایجاد تحولات نوین در حوزه علوم و فناوری‌ها و بروز تحولات سیاسی و نظامی سبب توجه کشورهای مختلف به حوزه‌های نوین تهدیدات به خصوص توسعه عوامل و روش‌های تهاجم نوین علیه اهداف زیربنایی کشورها شده است که در این بین عوامل بیولوژیک^۱ به دلیل ویژگی‌های خاص خود بیش از پیش مورد توجه کشورها و گروه‌های تروریستی قرار گرفته است (حاتمی، ۱۳۷۹: ۶۹-۴۹).

عوامل بیولوژیک شامل میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا (ویروس‌ها، باکتری‌ها و قارچ‌ها) یا سموم تولیدکننده آنهاست که می‌تواند به شکل طبیعی یا تغییر شکل یافته باشد (علی‌ملائتی و صفات، ۱۴۰۱: ۲). از سوی دیگر نباید نسبت به حجم عظیم تحولات علوم زیستی نظیر گسترش علوم بیولوژی مولکولی^۲، مهندسی ژنتیک^۳، بیوتکنولوژی^۴، سنتتیک بیولوژی^۵ و توان گسترده علمی جهت دستکاری و نوترکیبی‌زنی‌ها، در چند دهه گذشته غافل بود (کازرونی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷).

یکی از تهدیدات مهم عصر جهانی‌شدن، تروریسم زیستی^۶ است که انتشار عمدی میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا در بین جمعیت‌های انسانی، دامی و حتی محصولات غذایی تعریف شده است که با ایجاد بیماری و مرگ باعث ایجاد رعب، وحشت و خسارت‌های گسترده اقتصادی می‌شود (علی‌ملائتی و صفات، ۱۴۰۱: ۱). این تهدیدات، امنیت ملی و سلامت زیرساخت‌های اساسی کشور، یعنی نیروی انسانی، منابع آب، غذا، محصولات کشاورزی، دامی و نهاده‌های ملی را مورد تهدید قرار داده و اگرچه به‌کارگیری آن‌ها را می‌توان با دستگاه‌ها و ابزارهای حساس، حتی در مقادیر بسیار کم تشخیص داد لیکن تشخیص عوامل بیولوژیک و تفکیک عمدی یا غیرعمدی بودن، شیوع و همه‌گیری‌های عفونی و سموم بسیار دشوار بوده و ریشه‌یابی نگرديده به نحوی که در بیشتر موارد مشخص نشده که آیا عامل یک بیماری خاص با اهداف و نیت قبلی وارد

1. Biologic
2. Molecular biology
3. Genetic Engineering
4. Biotechnology
5. Synthetic biology
6. Biological terrorism

کشور شده یا به طور تصادفی یا در نهایت به طور طبیعی شیوع یافته است؟ هرچند افکار و بعضاً اعمال بیوتروریستی^۱ در سطح محدودی از دیرباز سابقه داشته ولی به تازگی در سطح وسیعی از محافل پزشکی و بهداشتی بیش از ۲۰ جنگ‌افزار بیولوژیک شناسایی و بر اساس میزان کارائی آن‌ها طبقه‌بندی گردیده است (رایان^۲، ۱۳۹۸: ۵-۱).

در دنیای امروز توسعه روزافزون زیست‌فناوری^۳ به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر، آثار فزاینده مثبتی در بهبود تغذیه و رفع فقر و گرسنگی در سطح جهان داشته است. زیست‌فناوری نوین توانسته با دست‌ورزی در ژن موجودات زنده و تولید موجودات واجد صفات برتر نظیر محصولات تراریخته^۴ با ویژگی‌هایی نظیر مقاومت به شوری و خشکی و افزایش بازدهی زمین‌های کشاورزی، در گسترش و ایجاد امنیت غذایی و تولید غذای بیشتر و رفع گرسنگی و فقر و ایضاً تولید داروهای نو ترکیب در راستای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج افق‌های نوینی را فراروی بشر قرار دهد. با این وصف نگرانی‌های متعددی از آثار احتمالی این دست‌ورزی‌ها وجود دارد لذا دغدغه‌های برخی دانشمندان و افکار عمومی در خصوص آثار احتمالی محصولات این دانش جدید بر تنوع زیستی و سلامت بشری در کنار دغدغه‌های اخلاقی ناشی از زیست‌فناوری، عمده دلایل مخالفان بهره‌برداری از محصولات این فناوری خصوصاً در حوزه محصولات زراعی نو ترکیب را شکل می‌دهند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱).

ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون درگیر جنبه‌های سخت تهدیدات نظیر جنگ تحمیلی، ترور و سایر اقدامات خشونت‌آمیز بوده لیکن با ظهور و بروز جنبه‌های نوین این تهدیدات نظیر محصولات تراریخته، امنیت کشور دچار تهدیدات و دگرگونی‌های فراوانی گردیده است. شرایط خاص ایران در منطقه و تهدیدات بکارگیری آشکار و مخفیانه از این سلاح‌ها علیه کشور ضرورت برنامه‌ریزی مناسب برای دفاع از منابع، تأسیسات و تجهیزات ملی را در زمان صلح برای بهره‌برداری در زمان بحران ضروری ساخته است. تصمیم‌گیری در حوزه امنیت و دفاع ملی کشور در چنین شرایطی چالش‌برانگیز و مشکل‌آفرین بوده و مدیریت دفاع ملی و معماری امنیت ملی را از اهمیت بالایی برخوردار نموده است. به علاوه صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه مکرراً بر اهمیت مسئله آسیب‌شناسی سیاست‌های امنیتی به عنوان یکی از چالش‌های مهم کنونی سیاستگذاری در ایران تأکید و این مسئله را تا حدود زیادی زمینه‌ساز رفع سایر مشکلات و

1. Bioterrorist

2. Ryan

3. Biotechnology

4. Transgenic product

چالش‌ها حتی در حوزه‌های اجتماعی هم قلمداد نموده‌اند. با این حال دغدغه‌های مذکور سبب گردیده سیاست‌گذاری‌هایی در داخل کشور به موازات تدوین مقررات و قواعدی در عرصه‌های بین‌الملل صورت پذیرد. وجود حلقه گمشده در فرایند سیاست‌گذاری موجب ایجاد گسست میان تولیدکنندگان دانش سیاستی و کاربران یا مشتریان آن شده است. در نتیجه مشاهده می‌شود که یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش، به ندرت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌ها به کار بسته می‌شوند. به بیان بهتر نوعی ناهمگرایی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این قلمرو پدید آمده است. علاوه بر آن فقر منابع لازم و نپرداختن مراکز علمی، پژوهشی و سیاست‌گذاری کشور به آسیب‌شناسی تهدیدات مذکور می‌تواند منجر به غفلت راهبردی و ضربه‌پذیری کشور از ناحیه این تهدیدات شود. لذا در وهله کنونی، آسیب‌شناسی سیاست‌های مرتبط با تهدیدات زیستی به‌خصوص محصولات تراریخته در کشورمان امری ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری افق‌های جدید در حوزه امنیت داخلی و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تهدیدات زیستی نوین به‌ویژه محصولات تراریخته تاکنون در قالب قوانین مدون یا ذیل برنامه‌های توسعه کشور صورت پذیرفته است، لیکن فقدان سیاست‌های جامع یا ضعف سیاست‌های کنونی و همچنین عدم آسیب‌شناسی آن‌ها موجب بروز خلأهایی در تحقیقات علمی موجود شده است. علاوه بر آن، سایر قوانین فعلی نیز نیازمند به‌روزرسانی و انطباق با تهدیدات موجود است و می‌بایست کاستی‌های موجود از مجرای قانون‌نگاری‌های جدید جبران شود. این پژوهش درصدد است ضمن بررسی سیاست‌های حاکم در این حوزه با تمرکز بر محصولات تراریخته به آسیب‌شناسی سیاست‌ها پرداخته تا راهکارهایی متوازن و هماهنگ با راهبردهای ملی در زمینه سیاست‌گذاری‌های زیستی و امنیتی ارائه نماید. به عبارت دیگر پژوهشگر به دنبال آن است تا سیاست‌های مرتبط با تهدیدات نوین زیستی علیه جمهوری اسلامی ایران را با تمرکز بر محصولات تراریخته، آسیب‌شناسی و با توجه به خلأهای پیش رو، راهکارهایی به منظور کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از این محصولات به ذی‌نفعان ارائه نماید. به‌طور مشخص سؤال اصلی پژوهش آن است که آسیب‌های سیاست‌های مرتبط با تهدیدات نوین زیستی علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟

الف) پیشینه پژوهش

علی‌ملائی و صفات (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «سوء استفاده از عوامل بیولوژیکی زئونوز در بیوتروریسم: تهدید بالقوه»، ضمن تشریح مفهوم بیوتروریسم، ارتباط عوامل بیولوژیک زئونوز مورد

استفاده احتمالی در بیوتروریسم و آمادگی در حل سریع بحران‌های محتمل را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش مذکور به توصیف مفاهیم مربوط به بیوتروریسم و عوامل بیولوژیک و دسته‌بندی آن‌ها پرداخته لیکن سیاست‌های مرتبط با این تهدیدات را مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار نداده است.

جفری آر رایان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «امنیت زیستی و بیوتروریسم؛ مهار و پیشگیری از تهدیدات زیستی» ضمن معرفی مقوله امنیت زیستی و ابعاد آن به صورت نظری، با عملیاتی‌نمودن مثال‌هایی در عرصه کشاورزی و اجتماعی، ابعاد اجتماعی و امنیتی تهدیدات زیستی را به بحث گذاشته است. نقطه افتراق پژوهش مورداشاره با پژوهش فعلی عدم بررسی و آسیب‌شناسی سیاست‌های مرتبط با تهدیدات مورد اشاره است.

صالحی جوزانی و سلیمانی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با عنوان «بررسی وضعیت قوانین و مقررات حوزه محصولات تراریخته و ایمنی زیستی در کشور» به بیان کاربردهای مهندسی ژنتیک، مزایا و منافع و مخاطرات احتمالی محصولات تراریخته پرداخته و قوانین و مقررات بین‌المللی و داخلی در این حوزه را مورد بررسی قرار داده است. تفاوت آن با پژوهش جاری در عدم ارائه راهکارهای اجرائی و عملیاتی در راستای رفع نقایص یا کمبودهای موجود در قوانین مورد اشاره است.

روحانی‌نژاد و معظمیان‌فر (۱۳۹۶) در پژوهشی دیگر با عنوان «سموم به عنوان سلاح‌های زیستی؛ رویکرد متن‌کاوی ادبیات زیست پزشکی» بیوتروریسم را حمله حساب‌شده‌ای عنوان نموده که منجر به ایجاد بیماری یا مرگ در انسان، با استفاده از ویروس‌ها، باکتری‌ها یا مواد سمی گردیده است. هدف از این مطالعه، بررسی اهمیت سموم به عنوان سلاح‌های زیستی با جستجو در متون پزشکی و پایگاه‌های اطلاعاتی پزشکی بیان شده است. نقطه افتراق آن با پژوهش حاضر، رویکردی متن‌کاوانه در متون پزشکی و با تأکید بر حوزه نظری خاصی برای تشریح این رویکرد است.

رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی»، ضمن تبیین، تعریف، رهیافت‌ها، مراجع و پیشران‌های امنیتی به ضرورت و اهمیت مسئله‌شناسی امنیتی پرداخته و در ادامه، مجریان مسئله‌شناسی را تعیین نموده و در پایان نیز در پاسخ به سؤال اصلی که چگونگی شناخت مسئله و آسیب‌های امنیتی در سیاستگذاری امنیتی است، شیوه و روش اقدام در فرایند مسئله‌شناسی را با تأکید بر ایجاد سازمان‌هایی با وظیفه تخصصی شناسایی مسائل امنیتی ارائه نموده‌اند. پژوهش مذکور صرفاً به

توصیف فرایند مسئله‌شناسی امنیتی پرداخته، در حالی که پژوهش حاضر به دنبال مسئله‌شناسی امنیتی نبوده بلکه از آن به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف اصلی استفاده نموده است.

کامتان و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «محصولات اصلاح‌شده ژنتیکی: نقاط عطف و پیشرفت‌های جدید در بهبود محصول»، دستاوردهای گوناگون فناوری تراریخته در بهبود محصول را خلاصه نموده و پیشرفت‌های اخیر و جدید در زمینه تولید انواع این محصولات بهبودیافته را با هدف پذیرش بهتر مصرف‌کننده مورد توجه قرار داده‌اند.

بروکس و بارفوت^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر جهانی محصولات زراعی بیوتکنولوژی: اثرات زیست محیطی»، تأثیر بیوتکنولوژی بر کشاورزی جهانی را ارزیابی نموده و با استفاده از آمار به تغییرات استفاده از سموم دفع آفات و انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از استفاده از محصولات بیوتکنولوژی و اثرات زیست محیطی پرداخته‌اند.

کلايو^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بیستین سالگرد تجارت جهانی محصولات بیوتکنولوژی (۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵) و نکات برجسته محصول بیوتکنولوژی در سال ۲۰۱۵»، ضمن تشریح آمار و ارقام تجارت محصولات تراریخته طی ۲۰ سال منتهی به سال ۲۰۱۵ میلادی، برخی مزایای زراعی، زیست محیطی، اقتصادی و بهداشتی مورد توجه کشاورزان و به طور فزاینده جوامع هدف خود را مورد بررسی قرار داده است.

راسکو و بلدسو^۴ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «بیوتروریسم و ایمنی مواد غذایی» بر ایجاد استراتژی‌ها و برنامه‌های منطقی و عملی برای امنیت غذایی متمرکز شده‌اند. مسائل امنیت مواد غذایی، تحولات فناوری و قابلیت ردیابی، تجزیه و تحلیل حقوقی مقررات فعلی و در حال تعقیب را با رویه‌های خوب تجاری، ادغام و سپس این عناصر را با توسعه برنامه‌های مؤثر و قابل اجرا در زمینه امنیت غذایی برای مشاغل غذایی مرتبط کرده‌اند. این پژوهش خطرات بیولوژیکی و شیمیایی مرتبط با آلودگی عمدی مواد غذایی را در بر گرفته و در مورد مسائل حقوقی اساسی، انطباق مقررات و تحلیل هزینه / فایده بحث نموده است. همچنین استراتژی‌هایی را برای کاهش خطرات امنیتی مواد غذایی، پیشرفت ردیابی و کاهش خطر آلودگی عمدی و بهبود اعتماد مصرف‌کننده به ایمنی مواد غذایی راهکارهایی ارائه داده است.

1. Kamthan and et al

2. Brooks and Barfoot

3. Clive

4. Rasco and Bledsoe

نگاهی گذرا بر پیشینه پژوهش‌های انجام‌گرفته تاکنون مؤید این مطلب است که هرچند پژوهش‌هایی در زمینه امنیت زیستی به انجام رسیده است، با وجود این تاکنون پژوهشی با رویکردی آسیب‌شناسانه در حوزه سیاست‌گذاری‌های داخلی مرتبط با تهدیدات نوین زیستی علیه جمهوری اسلامی ایران چه در منابع داخلی و چه در منابع خارجی به چشم نمی‌خورد و بخش عمده پژوهش‌های موجود با رویکردهای توصیفی و نظری پیرامون تهدیدات مذکور انجام گرفته‌اند؛ ثانیاً بخش عمده پژوهش‌های خارجی، در زمینه بستری نامرتب با سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تهدیدات نوین زیستی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته و از این نظر و با توجه به خاص بودن متغیرهای تأثیرگذار در سیاست‌گذاری‌های ایران، نمی‌توان یافته‌های مربوط به این پژوهش‌ها را جامع و قابل‌تعمیم به سیاست‌گذاری‌های داخلی دانست. به عبارت دیگر این پژوهش‌ها، راهکارهای بومی را برای سیاست‌گذاری و مقابله کشورهای هدف تهدیدات زیستی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران ارائه نمی‌دهند؛ ثالثاً در بسیاری از پژوهش‌های مورد اشاره، ایالات متحده آمریکا به عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های زیستی است و بالطبع راهکارها و سیاست‌های ارائه‌شده در خصوص مقابله با تهدیدات این حوزه‌ها، به‌رغم امکان بهره‌برداری از آن‌ها، با هدف صیانت از آن کشور طراحی و اجرا گردیده‌اند.

ب) مفاهیم کلیدی پژوهش

۱. **آسیب‌شناسی**^۱: عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در آرگانیسم انسانی (الیاسی و دباغی، ۱۳۸۹: ۱۵). به عقیده صفری (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی؛ شناسایی علل و ریشه عواملی است که در بروز بحران در پدیده‌های مختلف نقش دارند و این عوامل می‌تواند روند بالندگی و کارآمدی پدیده‌ها را مختل سازند.

۲. **عامل زیستی**^۲: یک ویروس، میکروارگانیسم^۳ یا ماده سمی مشتق از یک آرگانیسم زنده یا تولیدات آن است. برخی از عوامل زیستی اثرات منفی روی سلامت انسان دارند و در نتیجه تهدید امنیت زیستی محسوب می‌شوند. از طرف دیگر برخی از عوامل زیستی برای جلوگیری، تشخیص یا درمان بیماری‌ها استفاده می‌شوند (اسکندری، ۱۳۹۱: ۹۶).

1. Pathology
2. Biological Agent
3. Microorganism

۳. **تهدید^۱**: مفهومی انتزاعی است که درهم‌تنیدگی عمیقی با امنیت ملی دارد. تهدیدات امنیت ملی را می‌بایست از تهدیدهای روزمره حاصل کارهای عادی زندگی در جو رقابت‌آمیز بین‌المللی تفکیک کرد. تعریف دقیق از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباط آن با امنیت ملی، منافع ملی، اهداف و راهبرد، پیچیده و مشکل است (تولایی و مرادسیف، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۵). در تعریفی دیگر تهدید «هر عنصر یا وضعیتی که موجودیت منافع، امنیت ملی یا ارزش‌های حیاتی کشور را به خطر اندازد، تهدید محسوب می‌شود» (جلالی و عراقی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۰).

۴. **تهدید زیستی^۲**: عبارت است از میکروب زنده یا سم تولیدشده توسط میکروب‌ها که قادر به ایجاد بیماری یا مرگ در انسان‌ها، حیوانات و گیاهان است (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۶). به عبارت دیگر «هر نشانه، رویداد یا حادثه طبیعی یا غیرطبیعی یا استفاده از عوامل زیستی که موجب تضعیف و نابودی سرمایه‌های انسانی یا آسیب‌های اقتصادی از طریق تخریب و نابودی محصولات کشاورزی، گیاهی، دام و طیور، آب آشامیدنی، صنایع غذایی و محیط‌زیست در کشور شود و ثبات و امنیت جامعه را به خطر اندازد، تهدید زیستی محسوب می‌شود» (قنبری، ۱۳۹۲: ۶۰).

۵. **تهدیدات نوین^۳**: این تهدیدات که ذاتاً غیرنظامی و فراملی هستند و در نتیجه جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات به سرعت پخش می‌شوند، نهادهای حکومتی و جمعیت‌های غیرنظامی (مدنی) را تهدید می‌کنند و خاستگاه آن‌ها انسان غیردولتی و عوامل طبیعی است. از این رو ممکن است نتیجه اعمال مشخص اشخاص و گروه‌های اجتماعی باشند تا اقدامات دولتی (سازمندب و سازمندم، ۱۳۹۳: ۱). در تعریفی دیگر «توانایی و استعداد دشمن در استفاده از سلاح غیرمتعارف از جمله زیستی، شیمیایی، هسته‌ای، الکترومغناطیس، سایبری و فناوری‌ها برای ایجاد خطر و آسیب به جمعیت، محیط زیست و حیات انسانی و موجودات زنده تهدیدات نوین گفته می‌شود» (ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۷).

۶. **سیاست‌های تهدیدات نوین زیستی^۴**: به عقیده زین‌العابدینی (۱۳۹۴) سیاست‌ها و قوانینی که به‌طور مستقیم به حوزه تهدیدات نوین زیستی پرداخته، در دو بخش سیاست‌ها و

1. Threat

2. Biological Threat

3. New Threats

4. New Biological Threats Policies

اسناد بالادستی و قوانین ارائه شده‌اند. سیاست‌ها و اسناد بالادستی، اهداف کلان و بلندمدت را ترسیم می‌کنند و قوانین مصوّب عموماً گروه‌های هدف خاصی را پوشش می‌دهند.

۷. محصول تراریخته: به موجودات زنده تراریخته یا ترکیبات غذایی، دارویی یا علوفه‌ای اطلاق می‌شود که در تولید آن‌ها از موجودات زنده تراریخته استفاده شده است (مهاجر و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶).

ج) روش پژوهش

این پژوهش از ابزار مصاحبه، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی برای گردآوری داده‌ها و از روش تحلیل محتوای کیفی مایرینگ^۱ بر اساس کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره برده است. تحلیل استقرایی داده‌ها با رویکردی پائین به بالا صورت پذیرفت و در این راستا حدود ۴۰ متن علمی برای جمع‌آوری داده‌ها مورد بررسی و تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. همچنین از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که در نهایت با اشباع نظری ناشی از انجام مصاحبه با ۲۵ نفر از مدیران ارشد یا میانی فعلی یا سابق در رده‌ها و پُست‌های مختلف دولتی و همچنین تعدادی از متخصصین حوزه زیست‌فناوری داده‌های لازم گردآوری و تحلیل شد. مشارکت‌کنندگان بر اساس روش نمونه‌گیری «گلوله برفی» انتخاب شدند. داده‌ها به‌طور متناوب و مستمر مورد بازبینی و پالایش قرار گرفت و بر اساس تشابهات و سنخیت داده‌ها در فرایندی استقرایی داده‌های مشابه ذیل یک مفهوم گرد آمد و این امر تا تحقق اشباع نظری تحقیق و پرکردن حفره‌های مفهومی الگو، تداوم یافت. پس از کدگذاری اولیه، پژوهشگر کدها را با یکدیگر ترکیب کرد و کدهای مشابه را در دسته‌بندی انتزاعی‌تری به نام مقولات قرار داد و در نهایت با قراردادن مقولات مشابه در یک سطح مفهومی خاص، طبقات اصلی استخراج شد. برای حصول اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست‌آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز نمودند؛ همچنین به‌طور همزمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد تا نهایتاً داده‌هایی برای دستیابی به اهداف نهایی پژوهش حاصل و به سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق پاسخ داده شد و جمع‌بندی نهایی صورت پذیرفت.

^۱. Mayring

د) گزارش یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از تحلیل و مقایسه‌های مستمر بر اساس تشابه‌های معنایی به سطوح انتزاعی تری ارتقا یافت و در نهایت چهار طبقه کلی احصا گردید. در این بخش بر اساس آنچه مشارکت‌کنندگان در پژوهش ابراز داشته‌اند هر یک از این طبقات توصیف شده و همزمان با ادبیات موضوع انطباق داده شد. دلیل اصلی شکل‌گیری هر طبقه، سنخیتی بود که کدهای اولیه بر اساس آن در یک مجموعه گردآوری شد و در نهایت یک برچسب مفهومی دریافت نمودند. سپس مقولات به وجود آمده بر اساس بار معنایی خاص از یکدیگر متمایز و به نوبه خود تشکیل‌دهنده طبقات شدند. پژوهشگر نیز با توجه به اینکه مقوله‌های مختلف شکل گرفته چه مضامین مشترکی را القا می‌کند، آن‌ها را به طبقات تخصیص داد و نهایتاً طبقات اصلی شامل عوامل ارتباطی، عوامل زمینه‌ای، عوامل ساختاری و عوامل کارکردی بر این اساس شکل گرفت. عنوان‌های انتخابی توسط خود پژوهشگر انتخاب شد و سعی بر این بود تا بیشترین ارتباط و همخوانی را با داده‌هایی که نمایانگر آن است، داشته باشد. مرحله ساخت طبقات اصلی و توصیف هر یک از طبقات به شرح ذیل است:

۱. احصای گدهای اولیه و مقولات

در این مرحله، گدهای استخراجی (به علت تعداد بالای آن‌ها) به مقولات تبدیل شده‌اند. بر این اساس، چندین کُد به یک مقوله تبدیل شد که در جدول زیر نتایج این فرایند (کُدگذاری و مقوله‌بندی) ارائه شده است:

جدول ۱. گدهای اولیه و مقولات

مقوله	گدهای اولیه
بهره‌بردن از فرصت‌های بین‌المللی	استفاده‌نکردن از پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی
	مشخص نبودن شرح وظایف دستگاه‌های مختلف در قبال برخی تعهدات بین‌المللی
	ناهمخوانی قوانین داخلی با معاهدات بین‌المللی الزام‌آور
	تطبیق‌نداشتن قوانین داخلی با ضوابط بین‌المللی ناشی از سهل‌گیری یا سخت‌گیری بیش از حد نبود اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع به مراجع بین‌المللی
	عضویت نداشتن ایران در پروتکل الحاقی ناگویا - کوالامپور
عضویت بین‌المللی بی‌هدف	رفع تکلیف نمودن با عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی
نبود هماهنگی بین دستگاهی	ناهماهنگی در استفاده از استانداردهای موجود برای ردیابی محصولات تراریخته
	بروکراسی‌های اداری موجود در دستگاه‌های اجرایی
	لزوم همکاری سازمان‌های مختلف برای مبارزه با قاچاق محصولات تراریخته
نبود مزیت نسبی وارداتی	ناهماهنگی میان نهادهای متولی سیاست‌گذاری برای محصولات تراریخته
	اقتصادی نبودن واردات محصولات تراریخته نسبت به محصولات دیگر

رفع نکردن نقایص محصولات تراریخته	نبود نقیصه زدایی
تهدیدبودن واردات بی رویه محصولات تراریخته	آسیب واردات بی رویه
نبود قانون لازم در حوزه محصوربودن مراکز تحقیقاتی مربوط به محصولات تراریخته	خلأهای قانونی
تعیین نکردن مقررات برای آزمایشات میدانی	
پیش بینی نکردن قوانین لازم برای برخورد با متخلفین	
نداشتن سیاست مدون در برخی حوزه های محصولات تراریخته	
اجرا نکردن صحیح دستورالعمل نظارت بر فرآورده های غذایی تراریخته	ضعف های اجرایی و نظارتی
ضعف در نظارت و اجرای سیاست ها	
نبود آشنایی و آموزش های لازم به بدنه اجرایی نسبت به قوانین موجود	
نبود نقش آفرینی صحیح و کامل مجریان یا متولیان قانونی در عرصه محصولات تراریخته	
اجرای نشدن برخی قوانین موجود	واردات بی رویه
تعیین نکردن میزان استاندارد برای واردات محصولات تراریخته	
نبود فرهنگ سازی به منظور جلوگیری از اسراف محصولات کشاورزی	
نبود اطلاع رسانی و آموزش صحیح به ذی نفعان	
پنهان کاری و مخفی نمودن حقایق از مردم	کتمان
مسئولیت ناپذیری و پنهان کاری های مدیریتی	
تهدید صاحب نظران و دانشمندان این حوزه برای اظهار نظر کردن در مورد محصولات تراریخته	نبود آزادی بیان
خلأ در مورد برچسب گذاری محصولات تراریخته در قانون ایمنی زیستی	نبود شفافیت
نبود برچسب گذاری محصولات تراریخته غیرزنده	
نبود برچسب گذاری محصولات غذایی تولید شده از محصولات تراریخته	
منتشر نشدن آمار صحیح در حوزه واردات محصولات تراریخته	
نبود اطلاع رسانی شفاف به مردم و برچسب زدن محصولات تراریخته	
نداشتن زیرساخت های مناسب برای کشت محصولات تراریخته	
نداشتن زیرساخت مناسب برای ارزیابی و مدیریت مخاطرات احتمالی	
پیش بینی ساختار (سازمانی) لازم برای واکنش سریع در قانون	
نداشتن زیرساخت مناسب برای ردیابی محصولات تراریخته	
نبود منافع اقتصادی برای باندها و شرکت های واردکننده محصولات تراریخته	رانت ها و امضاهای طلایی
نظارت نداشتن بر واردات محصولات تراریخته به کشور	ناکارآمدی نظارتی هوشمند
ناکارایی سازمان استاندارد برای تایید محصولات تراریخته	
مسلط شدن سازمان محیط زیست بر فعالیت مهندسی ژنتیک در کشور	تسلط ساختار بر فرایند
منفعت داشتن متولیان نظارت و اجرای قوانین برای اجرانشدن قوانین مربوطه (فساد اداری)	تعارض منافع
یکسان بودن عوامل اجرا و نظارت بر اجرای قانون	
فشارهای سیاسی برون سازمانی برای دورزدن ممنوعیت واردات	
نبود ساختار مناسب حقوقی در خصوص بررسی خسارات محصولات تراریخته	فقدان ضمانت اجرای حقوقی
نبودن ساختار حقوقی در قانون در مورد بررسی خسارات، تخلفات و جرائم	فقدان زیرساخت های حقوقی
ضعیف بودن دبیرخانه شورا (سازمان محیط زیست) در حوزه برچسب گذاری	تأثیر ضعف سازمانی در عدم شفافیت
انتقال ژن از گیاهان تراریخته به سایر گیاهان	

ایجاد شدن مقاومت به آنتی‌بیوتیک توسط محصولات تراریخته	نگرانی‌ها در خصوص تهدید سلامت انسان و دام (ایمنی غذایی)
احتمال انتقال افقی ژن از محصولات تراریخته به ریزسازواره‌های معده	
احتمال حساسیت‌زای بودن محصولات تراریخته	
احتمال ایجاد سمیت توسط محصولات تراریخته	
عدم بررسی عمیق و ارزیابی ریسک، ایمنی و سلامت محصولات تراریخته	
داشتن عوارض جانبی محصولات تراریخته	
استفاده از محصولات تراریخته غیرمستقیم برای انسان در کشور	
سیاسی شدن محصولات تراریخته در کشور	سیاسی کاری و نگاه حزبی
نداشتن نگاه مثبت نسبت به محصولات تراریخته	نگاه منفی به تراریخته‌ها
اظهار نظر کردن اشخاص بدون تخصص در حوزه محصولات تراریخته	عدم وجود تخصص علمی و عملی
نبود اعتبار برای راه‌اندازی آزمایشگاه‌های تخصصی	فقدان بودجه و اعتبارات مالی
نبود بودجه کافی و اعتبارات لازم به حوزه (تولید) محصولات تراریخته	
فکاهی بودن استانداردهای اعلام شده برای محصولات تراریخته به جای علمی بودن	بی‌اعتباری علمی استانداردها
اجرایی نشدن تحقیقات و غیرمیدانی بودن آزمایشات بر روی محصولات تراریخته	پژوهش‌های غیرعملیاتی
پائین بودن میزان مجازات مالی برای متخلفین در قوانین موجود	قوانین غیربازدارنده
نبود حفاظت قانونی مؤثر از منابع و نهاده‌های ژنتیکی کشور	
تسهیل‌گری قوانین بازدارنده حقوقی و قضائی	
کارشناسانه نبودن قوانین در حوزه محصولات تراریخته	قوانین غیرکارشناسی
فقدان ضمانت اجرایی قوانین در حوزه محصولات تراریخته	قوانین بدون ضمانت اجرا
وجود فاصله میان تصویب قانون (در حوزه محصولات تراریخته) و تهیه آیین‌نامه اجرایی	شکاف (گپ) زمانی
تدوین نکردن دستورالعمل‌های جداگانه و دقیق برای ارزیابی مخاطرات محصولات تراریخته	قوانین فاقد دستورالعمل
کلی‌ودن قوانین و مقررات در حوزه محصولات مشتق شده از موجودات زنده تراریخته	فقدان جامعیت قوانین
قدیمی و منسوخ بودن قوانین موجود	
نبود جامعیت و مانعیت قوانین به خصوص قانون ایمنی زیستی	
فقدان شمولیت قانون ایمنی زیستی در مورد محصولات تراریخته غیرمستقیم	فقدان شمولیت قوانین
اصلاح نکردن قوانین متناسب با نیازهای روز	به‌روز نبودن قوانین
ارائه نکردن شرح وظایف سازمان‌ها در قبال برخی از تعهدات جانی	فقدان تقسیم کار سازمانی
ابهام در وظایف و اختیارات سازمان محیط‌زیست	
تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده بر اساس اختیارات احکام یا مواد قانونی	
امکان موازی کاری دستگاه‌های درگیر در اجرای قوانین موجود	
وجود برخی منافع برای مصرف‌کنندگان این محصولات	نگاه فرصت‌محور به محصولات تراریخته
کاهش آلودگی محیط زیست	
استفاده نکردن از سموم برای تولید این محصولات	
تولید گیاهان زراعی مقاوم به علف‌کش‌ها	
تولید کردن گیاهان مقاوم به آفات گیاهی	
تولید گیاهان مقاوم به بیماری‌های گیاهی	
مقاومت به تنش‌های غیرزنده	

سرطان زنبودن محصولات تراریخته	
افزایش کیفیت محصولات باغی و زراعی	
نداشتن قوانین ملی قبل از پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی	بومی نبودن قوانین
طراحی نکردن استانداردهای ملی براساس واقعیت‌ها و نیاز کشور	
سخت‌گیرانه بودن سیاست‌ها نسبت به محصولات تراریخته	
وجود حُب و بُغض در نوع نگاه به محصولات تراریخته	افراط یا تفریط در سیاست‌گذاری
نبود رویکرد احتیاطی در مورد قوانین موجود در حوزه محصولات تراریخته	
مستثنی نشدن موضوع تحقیقات آزمایشگاهی و گلخانه‌ای در قوانین مربوط به محصولات تراریخته	استثنائات بی‌ضابطه
فقدان برنامه‌ریزی به منظور داشتن فناوری کشت محصولات تراریخته	عدم نگاه فرصت‌محور
فقدان برداشت یکسان از مفاد قوانین مربوط به محصولات تراریخته به دلیل گنگ و غیرشفاف بودن	
ارائه نکردن تعریف مناسب از اصطلاحات مطرح شده در قانون ایمنی زیستی	
فقدان برداشت یکسان از مفاد قانون ایمنی زیستی	تفاسیر چندگانه
سخت‌گیری‌های قضائی در اثبات جرائم مربوطه	
طولانی شدن تدوین و تصویب آئین‌نامه‌های مربوطه	

۲. توصیف طبقات اصلی

۲-۱. عوامل ارتباطی

در جدول ۲ مقولات و طبقه اصلی عامل ارتباطی ارائه شده است:

جدول ۲. مقولات و طبقه اصلی عامل ارتباطی

فقدان بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی	عوامل ارتباطی
عضویت بین‌المللی بی‌هدف	
ناهماهنگی بین دستگاهی	

منظور از عوامل ارتباطی، عواملی هستند که به‌طور مستقیم به ارتباط و تعامل داخلی یا بین‌المللی نهادهای سیاستگذار یا مجریان سیاست باز می‌گردند. به دلیل گستردگی و تعداد بالای نهادهای سیاستگذار در حوزه بخشی و فرابخشی و فقدان تعامل و هماهنگی این نهادها، بسیاری مواقع این چالش منجر به ناکارآمدی سیاست‌گذاری در حوزه محصولات تراریخته می‌شود. فقدان بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی، ناهماهنگی بین دستگاهی و عضویت بین‌المللی بی‌هدف را می‌توان به عنوان مهمترین آسیب‌های احصاشده در عوامل ارتباطی برشمرد.

۲-۲. عوامل زمینه‌ای

جدول ۳، مقولات تشکیل‌دهنده طبقه عامل زمینه‌ای را نشان داده است:

جدول ۳. مقولات و طبقه اصلی عامل زمینه‌ای

عدم مزیت نسبی وارداتی	عوامل زمینه‌ای
عدم نقیصه‌زدایی	
آسیب واردات بی‌رویه	
خلأهای قانونی	
ضعف‌های اجرایی و نظارتی	
واردات بی‌رویه	
نبود فرهنگ‌سازی	
کتمان	
عدم وجود آزادی بیان	

منظور از عوامل زمینه‌ای، تمام شرایط و عوامل محیطی خارج از فضای سازمان یا نهاد سیاستگذاری است. عوامل زمینه‌ای می‌تواند آسیب‌های فرهنگی نظیر کتمان، فقدان فرهنگ‌سازی و نبود آزادی بیان، آسیب‌های زمینه‌ای ساختاری شامل خلأهای قانونی، فقدان نقیصه‌زدایی و ضعف‌های اجرایی و نظارتی و مسائل شناختی را دربرگیرد. نبود مزیت نسبی واردات یا واردات بی‌رویه نیز جزو عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار هستند.

۲-۳. عوامل ساختاری

در جدول ۴ طبقه عامل ساختاری به همراه کلیه مقولات زیرمجموعه آن ارائه شده است: جدول ۴. مقولات و طبقه اصلی عامل ساختاری

نبود شفافیت	عوامل ساختاری
فقدان زیرساخت‌ها	
رانت‌ها و امزاهای طلایی	
ناکارآمدی نظارتی هوشمند	
تسلط ساختار بر فرایند	
تعارض منافع	
نبود ضمانت اجرای حقوقی	
فقدان زیرساخت‌های حقوقی	
تأثیر ضعف سازمانی در عدم شفافیت	

در این پژوهش منظور از عوامل ساختاری، علل و عواملی است که به ساختار نهادهای سیاستگذار یا مجری سیاست در حوزه محصولات تراریخته مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، ساختارها، مسیرها، کانال‌ها و ظرف‌هایی هستند که فرایندها و عملیات سازمانی در آن‌ها جاری

می‌شود و نبود یا وجود مُعضل در هر کجای این ساختارها می‌تواند منجر به ایجاد کاستی‌های جدی در انجام کارکردها و کارویژه‌ها شود. عوامل ساختاری، نهادها و مجریان متولی سیاست‌گذاری و ساختارهای مربوط به اطلاعات را شامل می‌شود. در اینجا شفافیت کلیدواژه بسیار مهمی در آسیب‌های ساختاری موجود است. عدم شفافیت موجب تعارض منافع و رانت‌ها و امضاهای طلایی گردیده و فرایندهای نظارتی کارکرد و هوشمندی لازم را برای کنترل و برخورد با تخلفات و جرائم احتمالی ندارند. تأثیر ضعف سازمانی و تسلط ساختار بر فرایند در عدم شفافیت به وضوح قابل مشاهده است. فقدان زیرساخت‌های لازم به خصوص تضامین اجرایی حقوقی ساختارهای مرتبط را با چالش‌های جدی مواجه نموده است.

۲-۴. عوامل کارکردی

در جدول ۵ مقولات و طبقه اصلی عامل کارکردی قابل مشاهده است:

جدول ۵. مقولات و طبقه اصلی عامل کارکردی

نگرانی‌ها در خصوص تهدید سلامت انسان و دام (ایمنی غذایی)	عوامل کارکردی
سیاسی کاری و نگاه حزبی	
نگاه منفی به تراریخته‌ها	
نبود تخصص علمی و عملی	
فقدان بودجه و اعتبارات مالی	
بی‌اعتباری علمی استانداردها	
پژوهش‌های غیرعملیاتی	
قوانین غیربازدارنده	
قوانین غیرکارشناسی	
قوانین بدون ضمانت اجرا	
شکاف (گپ) زمانی	
قوانین فاقد دستورالعمل	
فقدان جامعیت قوانین	
شمول ناپذیری قوانین	
به‌روزی نبودن قوانین	
نبود تقسیم کار سازمانی	
نگاه فرصت‌محور به محصولات تراریخته	
عدم بومی‌سازی قوانین	
افراط یا تفریط در سیاست‌گذاری	

استثنائات بی‌ضابطه	
فقدان نگاه فرصت‌محور	
تفاسیر چندگانه	

عوامل کارکردی، آن دسته از علل و عواملی هستند که به نوع رفتارهای کارکنان و اعضای سازمان‌های سیاست‌گذار یا مجری و نوع کارکردهای سیاست‌های موجود مربوط می‌شوند. براینده این رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و همچنین میزان کارکرد قوانین فعلی، خود را در موفقیت در رسیدن به مأموریت‌ها و اهداف از پیش تعیین‌شده سازمان‌های سیاست‌گذار و هم‌راستایی با ماهیت وجودی و فلسفه مبنایی تشکیل آن‌ها، نشان می‌دهد. قوانین غیربازدارنده، غیرکارشناسی، غیربومی، فاقد ضمانت اجرایی لازم و دستورالعمل‌های مشخص، عدم جامعیت، به‌روزرسانی و شمول‌پذیری قوانین موجود در کنار برخی سیاسی‌کاری‌ها و نگاه‌های حزبی و جناحی، استثنائات بی‌ضابطه و تفاسیر چندگانه، بی‌اعتباری علمی استانداردهای موجود را دربرداشته است. نگاه افراطی منفی به تراریخته‌ها هم‌زمان با نگرانی‌ها در خصوص تهدید سلامت انسان و دام (ایمنی غذایی) و از طرف دیگر نگاه مطلق‌گرایانه فرصت‌محور به این محصولات باعث ایجاد دوقطبی حتی در سطح جامعه علمی کشور در خصوص این محصولات شده است. عوامل دیگری نظیر فقدان تخصص علمی و عملی متولیان امر، فقدان بودجه و اعتبارات مالی، پژوهش‌های غیرعملیاتی، شکاف (گپ) زمانی، نبود تقسیم کار در سازمان‌های مرتبط با موضوع نیز مسئله را حاد و پیچیده نموده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا برای پاسخ نهایی به سؤالات تحقیق، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای جهت‌دار و از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با صاحب‌نظران فعال در این حوزه به تشریح و تحلیل کیفی تجارب، دیدگاه‌ها و عقاید آن‌ها نسبت به موضوع پژوهش پرداخته شود. برای جمع‌آوری داده‌ها حدود ۴۰ متن علمی به منظور گردآوری اطلاعات مورد بررسی و تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت که مقالات و پژوهش‌های منتشرشده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در میان سایر متون علمی موجود دارای بیشترین تناسب با موضوع و هدف این پژوهش بود و توانست منابع خوبی برای پاسخ به سؤالات مورد بحث در این پژوهش باشد. همچنین، به منظور منحرف‌نشدن از موضوع و چارچوب اصلی، پاسخ به پرسش اصلی پژوهش بر اساس ابعاد آسیب‌شناسانه ماهوی، ساختاری و شکلی سیاست‌ها قرار داده شد و بر مبنای پاسخ‌های صاحب‌نظران، نتایج که شامل آسیب‌های موجود در سیاست‌های کشور در حوزه

تهدیدات نوین زیستی با تأکید بر محصولات تراریخته است، گزارش شد. بر اساس یافته‌های پژوهش؛ آسیب‌های مذکور به ترتیب (بر اساس فراوانی گد‌های احصاشده) در چهار دسته کارکردی، ساختاری، زمینه‌ای و ارتباطی طبقه‌بندی گردید که شمایی کلی از این آسیب‌ها در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است:



شکل ۱. آسیب‌های احصاشده از سیاست‌های مرتبط با محصولات تراریخته
بر اساس نتایج یافته‌های پژوهش و آسیب‌های احصاشده در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تهدیدات زیستی نوین به‌خصوص محصولات تراریخته به موازات تدوین مقررات و قواعدی در عرصه‌های بین‌الملل در قالب قوانین مدون یا ذیل برنامه‌های توسعه کشور صورت پذیرفته است، لیکن فقدان سیاست‌های جامع یا ضعف سیاست‌های کنونی و همچنین نبود آسیب‌شناسی مستمر آن‌ها موجب بروز اختلاف‌نظرها یا خلأهایی در تحقیقات علمی موجود شده است. بررسی وضعیت قوانین و مقررات ایران در خصوص محصولات تراریخته نشان داد که سیاست‌گذاری کشور در راستای تولید، واردات، صادرات و مصرف محصولات تراریخته است. با این حال، قانون ایمنی زیستی ایران به عنوان مهمترین قانون در خصوص این محصولات، خود دارای ایرادات و کاستی‌هایی است. به‌رغم اینکه در مقررات داخلی ایران قانون ایمنی زیستی به عنوان اصلی‌ترین مرجع در حوزه سیاست‌گذاری محصولات تراریخته به شمار می‌آید، متن این قانون ضعف‌هایی دارد که منجر شده است دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی تهیه‌شده در دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح نیز دارای اشکالات فراوانی شوند. علاوه بر این، هر دستگاه شیوه‌نامه و دستورالعمل خاص خود را تهیه و به تصویب رسانیده که ناهماهنگی‌ها و اشکالات به‌وجودآمده موجب غیراجرایی شدن آن‌ها شده است. همچنین به دلایل مختلفی که در این پژوهش به آن‌ها

اشاره شد، نه تنها از تولید تجاری گیاهان تراریخته در کشور جلوگیری به عمل آمده، بلکه در خصوص واردات این نوع محصولات نیز کنترل و نظارتی دقیقی صورت نمی‌گیرد؛ لذا در فرایند سیاست‌گذاری، نوعی ناهمگرایی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این قلمرو پدید آمده است.

با توجه به نتایج پژوهش و اخذ نظرات خبرگان، به ارائه راهکارهای کلی و خاص (با توجه به آسیب‌های شناسایی‌شده در پژوهش) جهت ارتقای سیاست‌گذاری در زمینه تهدیدات نوین زیستی بالاخص در حوزه محصولات تراریخته می‌پردازیم:

- در کنار تخصیص بودجه برای اجرای سیاست‌ها، می‌بایست ساماندهی قوانین موجود به عنوان یکی از مهمترین مسائل در زمینه سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد تا از موازی‌کاری در این حوزه جلوگیری به عمل آمده و ضمن مشخص شدن تکالیف و وظایف هر دستگاه در اجرای احکام قانونی مربوط به آن‌ها، اجرایی شدن قوانین امکان‌پذیرتر و سهل‌تر شود.

- در حال حاضر برخی از محصولات تراریخته یا فرآورده‌های آن‌ها به صورت رسمی یا غیررسمی (و بدون طی فرایند برچسب‌گذاری) وارد کشور می‌شوند که این موضوع در راستای مصالح و منافع ملی کشور نیست؛ از این رو تعیین و اجرای صحیح و دقیق سازوکارهای نظارت کارآمد در بحث واردات ضروری است. تخصیص مشوق‌های لازم برای تحقیق و تولید این محصولات، در شرایط ایمن و تحت کنترل می‌تواند وابستگی به واردات محصولاتی که احتمال تراریخته‌بودن آن‌ها وجود دارد را پایین آورد.

- عدم اجرای قوانین موجود و نبود ضمانت‌های اجرایی لازم و همچنین عدم تولید بومی این محصولات ناشی از اجرایی‌نشدن قانون ایمنی زیستی، توان پژوهشگران، تولیدکنندگان و کشاورزان ایرانی را برای رقابت در برابر محصولات وارداتی گرفته است. از این رو اجرای کامل و دقیق قانون به خصوص قانون ایمنی زیستی گامی مهم در راستای قانونمندشدن تولید، واردات، صادرات، تجاری‌سازی و حتی مصرف محصولات تراریخته خواهد بود. پیشنهاد می‌شود دستورالعمل‌های اجرایی این قانون و سایر قوانین موجود در بازه‌های زمانی مشخص مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار گیرند.

- علاوه بر معضل قاچاق محصولات تراریخته، مشکلات عدیده‌ای نیز در گمرکات و مرزهای کشور وجود دارد که سبب واردات غیرمجاز این محصولات به کشور شده است. امحای بی‌قید و شرط، بازگرداندن محصولات کشاورزی و غذایی توقیف‌شده به مبدأ، جلوگیری از ورود هرگونه

محصولات تراریخته به صورت مسافری و بازرسی در مبدأ از مهمترین پیشنهادات در تقویت نظارت و کنترل واردات محصولات تراریخته در قوانین گمرکی است.

- راهنمای گدکس و استانداردهای ملی که در زمینه ارزیابی مخاطرات احتمالی تراریخته‌ها تدوین شده‌اند، فقط در زمینه ایمنی سلامت این مواد به عنوان ماده غذایی انسان کاربرد دارد و تهیه دستورالعمل‌های ارزیابی ایمنی و احتمال خطر محصولات تراریخته به عنوان کود زیستی و خوراک دام نیز ضروریست و باید مورد توجه قرار گیرد.

- دامنه شمول قانون ایمنی زیستی تنها مدیریت مخاطرات ایمنی زیست محصولات زنده تراریخته در امور تولید، مصرف، واردات و صادرات این محصولات را پوشش می‌دهد و از مدیریت مخاطرات ایمنی غذایی ناشی از مواد غذایی مشتق از موجودات غیرزنده تراریخته در قانون‌نگاری غفلت شده است. از این رو ضروری می‌نماید نسبت به ارزیابی ایمنی غذایی، برچسب‌گذاری محصولات وارداتی یا تولیدی غیرزنده ناشی از موجودات تغییر یافته ژنتیکی در قوانین و مقررات تکمیلی نیز تمهیدات لازم از سوی قانونگذار اتخاذ شود.

- با توجه به اقتضائات جدید، بازنگری در قانون ایمنی زیستی با تأکید بر تقویت ابعاد نظارتی و کنترلی و ایجاد وحدت رویه بین دستگاه‌های ذی‌ربط در اجرای قانون می‌تواند از اولویت‌های مجلس شورای اسلامی به‌خصوص کمیسیون‌های کشاورزی و بهداشت باشد. به نظر می‌رسد قانون ایمنی زیستی نیازمند آیین‌نامه اجرایی جامع‌تر و کامل‌تری است تا تقسیم وظایف و فرایند کارها پیرامون محصولات تراریخته به شکل متمرکز و منسجم در آن دیده شود. از این رو پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های مختلف به‌ویژه دستگاه‌های تخصصی این حوزه نظیر وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و بهداشت و درمان، اشکالات و نواقص آیین‌نامه اجرایی قانون (مصوب ۱۳۹۲) را احصا و برای اصلاح پس از طرح در هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه نمایند. قطعاً نتایج و یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشا بوده و تصمیم‌سازان و سیاستگذاران را در حل مسائل این حوزه یاری کند.

- شیوه‌نامه‌های دستگاه‌های اجرایی در خصوص بسته‌بندی و برچسب‌گذاری محصولات تراریخته شفاف نیست. با توجه به اهمیت فراوان این موضوع پیشنهاد می‌شود دستگاه‌ها، شیوه‌نامه‌های اجرایی خود را در کمیسیون مشترکی شامل نمایندگان دولت و مجلس شورای اسلامی (ترجیحاً کمیسیون‌های مرتبط در مجلس شورای اسلامی نظیر کمیسیون جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان، امنیت ملی یا...) به تصویب برسانند.

- جمهوری اسلامی ایران باید در خصوص ادامه عضویت یا عدم عضویت در پروتکل الحاقی ناگویای کوالامپور که در خصوص مسئولیت‌پذیری و جبران خسارات تصویب گردیده و حدود ۴۰ کشور در آن عضو می‌باشند، تصمیم‌گیری نماید.
- با توجه به مفاد قانون برنامه ششم توسعه که در آن تنها به ممنوعیت تولید، رهاسازی، صادرات و واردات این قبیل محصولات اشاره شده و این موضوع بسیار گنگ و غیرگویا است، پیشنهاد می‌شود که این جمله در قوانین اصلاحی بعدی به شکل زیر اصلاح شود:
«رهاسازی، تولید، واردات و مصرف محصولات تراریخته در چارچوب قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸/۵/۷ با رعایت مقررات و موازین ملی و بین‌المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، مجاز است».
- یکی از مواردی که دولت باید در تدوین قوانین آتی به آن بپردازد، تقویت زیرساخت‌ها، توانمندسازی و آموزش نیروی انسانی در زمینه ارزیابی ایمنی محصولات تراریخته و همچنین اقدام عملی برای ارزیابی محصولات وارداتی است. در این میان، وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی بسیار حائز اهمیت است.
- دولت در قانون فعلی مکلف شده است تا تدابیر و اقدامات لازم را برای تشخیص و ردیابی مواد تراریخته انجام دهد. در این راستا، باید دستگاه‌های اجرایی مرتبط با قانون اقدامات مقتضی را در ایجاد زیرساخت‌های لازم نظیر آزمایشگاه‌های پیشرفته تشخیصی با همکاری بخش خصوصی (آزمایشگاه‌های امین دستگاه‌های اجرایی) انجام دهند.
- در قانون، دولت مکلف شده تا اطلاع‌رسانی مناسب به مردم را در خصوص مواد غذایی تراریخته انجام دهد و آگاهی لازم در خصوص مخاطرات احتمالی این مواد را که بر اساس آزمایشات معتبر اثبات می‌شود، به عموم جامعه اطلاع‌رسانی نماید. در این راستا برچسب‌گذاری شفاف این محصولات به همراه تهیه اطلاعات و اخبار مستند بر پایه ارزیابی‌های علمی با بهره‌گیری از نظرات متخصصان امر برای جلوگیری از انتشار اخبار غیرعلمی و غیرمستند و جهت‌گیری‌های دارای افراط و تفریط مخالفان یا موافقان دارای اهمیت زیادی است.

منابع

- اسکندری، حمید (۱۳۹۱)، فرهنگ واژگان موضوعی پدافند غیرعامل، چاپ اول، تهران: نشر بوستان حمید.
- امیری فرح‌آبادی، جعفر، محمد ابوالقاسمی و محمد قهرمانی (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۸، ص ۱۷۱-۱۳۹.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تولایی، محمد و الله‌مراد سیف (۱۳۹۰)، تبارشناسی تهدیدات نرم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۱۱۴ (۵۰)، ص ۱۲۸-۱۲۵.
- حاتمی، حسین (۱۳۷۹)، پیدمیولوژی بیوتروریسم. اولین کنگره ملی بهداشت عمومی و طب پیشگیری، کرمانشاه، کتاب رایانه‌ای کنگره‌ها، معاونت تحقیقات و فن‌آوری وزارت بهداشت، ویرایش ششم، ص ۶۹-۴۹.
- دباغی، پرویز و محمدحسین الیاسی (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی اجتماعی- نظامی، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۲)، پیامدهای امنیتی جهانی شدن (تهدیدات و فرصت‌ها)، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۴، ص ۳.
- رایان، جفری (۱۳۹۸)، امنیت زیستی و بیوتروریسم: مهار و پیشگیری از تهدیدات زیستی، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- رضوی‌نژاد، سیدامین و حمیدرضا ملک‌محمدی (۱۳۹۶)، درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاستگذاری عمومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹ (۲۷)، ص ۱.
- زین‌العابدینی، اکبر (۱۳۹۴)، آشنایی با سیاست‌ها و قوانین حوزه فناوری و نوآوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش علمی شماره ۱۴۴۰۵.
- سازمند، بهاره و مریم سازمند (۱۳۹۳)، تهدیدات جدید امنیتی و ظهور بیوتروریسم، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴۰۰۴۰، ص ۱.
- ستاد کل نیروهای مسلح (۱۳۹۷)، آئین‌نامه اجرائی ماده ۵۸ قانون احکام دائمی و بند (پ) ماده ۱۰۶ و ماده ۱۰۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ابلاغ: ۱۶۰۱۱/۱۰۴۵.
- صالحی جوزانی، غلامرضا و الهه سلیمانی (۱۳۹۷)، بررسی وضعیت قوانین و مقررات حوزه محصولات تراریخته و ایمنی زیستی در کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش علمی شماره ۱۵۹۷۱.
- صادقی، کمیل (۱۳۹۵)، ابعاد حقوقی ایمنی زیستی: مطالعه موردی نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- صفری، سیاره (۱۳۹۳)، آسب‌شناسی عوامل مؤثر بر ترک خدمت نخبگان از دیدگاه مدیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- علی ملائی، مجتبی و امیر اسدآبادی صفات (۱۴۰۱)، سوء استفاده از عوامل بیولوژیکی زئونوز در بیوتروریسم: تهدید بالقوه، مجله بیماری‌های قابل انتقال بین انسان و حیوان، شماره ۲(۲)، ص ۱-۲.
- قنبری، علی (۱۳۹۲)، بررسی نقش آموزش پدافند غیرعامل زیستی بر عملکرد کارکنان نیروی پلیس، مطالعات مدیریت برآموزش انتظامی، شماره ۴(۶)، ص ۶۰.
- کازرونی، مرتضی، محمدجعفر نجف زاده و محسن میگلی (۱۴۰۰)، بررسی و مدل‌سازی اثر مخرب پالس EM روی برج کنترل مجهز به VTS، مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۲۱، ص ۶۷-۱۰۰.
- معظمیان فر، رضا و حمیده روحانی‌نژاد (۱۳۹۶)، سموم به عنوان سلاح‌های زیستی؛ رویکرد متن‌کاوی ادبیات زیست پزشکی، مجله پزشکی پلیس، شماره ۷، ص ۵۰-۴۵.
- مهاجر، مینا، حسین صفایی و عبدالمجید مهدوی دامغانی (۱۳۹۰)، ملاحظات اخلاقی و حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۱، ص ۴۲-۳۵.
- Brooks, Graham & Peter Barfoot (۲۰۱۵), Global Impact of Biotech Crops: Environmental Effects, 1996- 2013 , PG Economics Ltd, UK.
- Clive, James (2015), 20th Anniversary (1996-2015) of the Global Commercialization of Biotech Crops and Biotech Crop Highlights in 2015, ISAAA BRIEF No: 51, ISAAA: Ithaca, NY.
- Kamthan, Ayushi, Abira Chaudhuri, Mohan Kamthan & A Datta (2016), Genetically modified (GM) crops: milestones and new advances in crop improvement, *Theoretical and applied genetics*, 129 (9) .
- Mayring, Philipp (2005), *Qualitative content analysis. Qualitative Social Research* [online], 1(2), Retrieved March 10, Available from <http://www.qualitative-research.net/fqs-texte/2-0/0200-mayring-e.htm>, [Accesse5May2000].
- Rasco, Barbara A & Gleyen Bledsoe (2004), *Bioterrorism and Food Safety*, 1 st edn, United States: CRC Press.
- Ryan, Jeffrey (2016), *Biosecurity and Bioterrorism*, 2nd Edn, United States: Butterworth-Heinemann



انستیتو مطالعات استراتژیک
پژوهشگاه مطالعات استراتژیک

Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 07 September 2023
Accepted 24 December 2023
Published online 13 February 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 65-88



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

The Political Economy of Narcotics and Security in Sistan and Baluchestan Province, Iran

Rahim Sabeghinejad ¹, Shahrooz Shariati ^{2*}, Mohsen Eslami ³

¹ Ph.D. student of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Faculty member of Tarbiat Modares University, Political Science Group, Tehran, Iran

³ Faculty member of Tarbiat Modares University, International Science Group, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: shariati@modares.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

sabeghinejad, R., Shariati, S., & eslami, M. (2024). Political Economy of Drugs and Security in Sistan-Baluchistan Province, Iran. Strategic Studies Quarterly, 27(2), 65-88. doi: [10.22034/srq.2023.415314.4098](https://doi.org/10.22034/srq.2023.415314.4098)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Security theories have evolved significantly over time. Traditionally, pre-Cold War theories regarded security as a one-dimensional concept, primarily focused on military strength and defense. However, after the collapse of the Soviet Union and the end of the Cold War, these traditional views lost prominence due to their inability to address and resolve emerging security challenges. In response, more comprehensive approaches emerged, framing security as a multidimensional concept that encompasses economic, political, social, and environmental factors. Among these modern theories is the concept of “sustainable security.” This theory argues that the problems and issues of human societies have economic, political, and social roots.

In this context, drug trafficking has emerged as a significant issue within Iran's political economy, impacting both domestic and global security over recent decades. The province of Sistan and Baluchistan, which shares borders with Afghanistan and Pakistan, has become a critical entry point for drugs into Iran. Each year, large quantities of narcotics are smuggled across its borders.

This paper examines the political economy of narcotics, specifically the dynamics of drug trafficking. The central research question is “How does the political economy of narcotics in Sistan and Baluchestan province affect security and stability in Iran?” The innovative aspect of this study lies in its focus on a localized, provincial level of analysis. By applying a political economy framework to drug trafficking, the research aims to elucidate the phenomenon of narcotics trafficking and its security implications.

Methodology

This research employs a “conventional content analysis” methodology to examine news coverage of insecurity in Sistan and Baluchestan province over the past decade. Additionally, a “post-event analysis” was utilized to evaluate security trends in the province. Data sources include library materials and both official and unofficial reports from the Iranian police. To ensure reliability and validity, these reports were qualitatively validated through field interviews with experts and local residents.

Result and discussion

According to a 2018 official report, 75% of the heroin and 75% of the morphine found in Iran originated from Pakistan, with the remaining portion entering directly from Afghanistan. In 2020 alone, police seized 311,136 kilograms of drugs and arrested 67,994 individuals on drug-related charges. These figures underscore the significant role that drug trafficking plays in the political economy of Sistan and Baluchestan province.

The production, distribution, and consumption of opiates have profoundly impacted the economic conditions and livelihoods of the people in this Iranian province. From this perspective, the political economy of narcotics emerges as a survival strategy for some citizens who lack adequate social security and welfare, forcing them to turn to the drug trade as a means of earning a living. Here, the term “political economy” refers to the dominant mode of production in a society, which encompasses both political and economic spheres, with a dynamic and reciprocal relationship between the two. This interplay directly and indirectly affects other societal domains, including security. The political economy of Sistan and Baluchestan province has a unique structure that significantly influences Iran's security. The province's production system includes both formal sectors, such as industry, agriculture, and services, and informal sectors, such as trafficking in humans, goods, fuel, weapons, and drugs.

Conclusion

This paper shows that the political economy of narcotics has significantly contributed to the escalation of violence in Sistan and Baluchestan province and its neighboring areas. This includes the proliferation of weapons, kidnappings, hostage-taking, addiction, and murder, culminating in organized violence. The findings indicate that, although an exact estimate of the narcotics economy's scale remains elusive, it closely aligns with the official statistics for the province. The shortcomings of the official political economy have enabled the informal one - particularly the narcotics trade - to expand substantially, leading to severe negative security impacts.

Keywords: *Iran; Political Economy; Narcotics; Sustainable Security; Sistan and Baluchestan Province.*



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۴۰۲
اصلاح‌شده در تاریخ ۰۳ دی ۱۴۰۲
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۰ دی ۱۴۰۲
منتشرشده در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۶۵-۸۸



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

اقتصاد سیاسی نارکوئیک و امنیت در استان سیستان و بلوچستان

رحیم سابقی نژاد^۱، شهروز شریعتی^{۲*}، محسن اسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: shariati@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی اصلی</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: سابقی نژاد، رحیم، شریعتی، شهروز، و اسلامی، محسن. (۱۴۰۳). نسبت اقتصاد سیاسی نارکوئیک و امنیت در استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۶۵-۸۸. doi: 10.22034/srq.2023.415314.4098</p> <p> © ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>اقتصاد سیاسی، چارچوبی برای فهم کنش‌های اقتصادی در بستر سیاست است؛ اقتصادهای سیاسی رسمی و غیررسمی هر کدام، اثربخشی و پیامدهای متفاوتی در سطوح اجتماعی دارند. بر مبنای نظریه امنیت پایدار، اقتصاد سیاسی به‌ویژه بخش غیررسمی آن می‌تواند بر امنیت ملی کشورها تأثیر منفی بگذارد. در این پژوهش، پرسش اصلی ناظر بر این مسئله است که متغیر اقتصاد سیاسی قاچاق مواد مخدر چگونه بر امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر با استفاده از دو مفهوم «امنیت پایدار» و «اقتصاد سیاسی نارکوئیک» و همچنین جمع‌بندی تجربیات جهانی پیرامون این دو مفهوم، نشان می‌دهد اقتصاد سیاسی قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان چگونه این استان را مستعد پیامدهای امنیتی نظیر آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، قتل، گسترش خرید و فروش اسلحه و سرقت مسلحانه کرده است. روش این پژوهش تحلیل پسا‌رویدادی از طریق تحلیل تطبیقی آمارهای موجود اقتصادی و امنیتی استان سیستان و بلوچستان و تحلیل محتوایی اظهارات فرماندهان نیروی انتظامی کشور درباره پیامدهای امنیتی مرتبط با موضوع مواد مخدر است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اقتصاد سیاسی نارکوئیک در استان سیستان و بلوچستان با وجود آنکه نمی‌توان تخمین دقیقی را درباره گردش مالی آن برآورد کرد اما رقابت بسیار نزدیکی با آمار اقتصاد سیاسی رسمی در این استان دارد و ضعف اقتصاد سیاسی رسمی موجب شده است رشد اقتصاد سیاسی نارکوئیک پیامدهایی امنیتی نظیر افزایش قتل، آدم‌ربایی و قاچاق اسلحه را بر امنیت ملی کشور تحمیل کند.</p> <p>کلیدواژگان: ایران، اقتصاد سیاسی، قاچاق، مواد مخدر، امنیت پایدار، سیستان و بلوچستان.</p>

مقدمه

چگونگی تأمین امنیت ملی همواره جزو دغدغه‌های اساسی و ضروری دولت‌ها به شمار می‌رود. برای این منظور، نظریات و مکاتب مختلفی در حوزه امنیت مطرح شده است. یکی از این نظریات، نظریه «امنیت پایدار» است و این استدلال را مطرح می‌کند که مشکلات و مسائل جوامع انسانی هر یک دارای ریشه‌های خاص هستند و نمی‌توان همه عواقب ناامنی را با موفقیت واپایش کرد. مطابق با نظریه امنیت پایدار که رویکردی پیشگیرانه و غیرپسینی دارد، امنیت دارای ابعاد مختلفی شامل اقتصادی و سیاسی است و مسائل امنیتی جوامع انسانی را فقط می‌توان با در نظر گرفتن مقتضیات آن‌ها حل و فصل کرد. در همین ارتباط، می‌توان موضوع قاچاق مواد مخدر را یکی از مسائل امنیتی با ماهیت اقتصاد سیاسی دانست که در دهه‌های اخیر توانسته امنیت بین‌المللی و امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. از آنجایی که استان سیستان و بلوچستان در مرز با دو کشور افغانستان و پاکستان قرار دارد، سالانه حجم زیادی از مواد مخدر کشور از مرزهای این استان به داخل وارد می‌شود. بر اساس آخرین گزارش «مرکز آمار ایران» که در تارنمای این مرکز منتشر شده است و تا سال ۱۴۰۰ را پوشش می‌دهد، مقدار کشفیات انواع مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان، ۲۱۵۴۸۴ کیلوگرم اعلام شده است که این رقم در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیشترین میزان و بیش از چهار برابر استان تهران بوده است (مرکز آمار ملی ایران - سالنامه آماری امور قضایی، ۱۴۰۰: ۵۶۴). در همین حال، بنابر اظهارات فرمانده مرزبانی وقت فراجا، کشفیات مواد مخدر کشور در سال ۱۴۰۲، ۲۴ درصد نسبت به سال پیش از آن افزایش داشته است (خبرگزاری مهر، ۲۲ اسفند ۱۴۰۲). همچنین مطابق با گفته‌های جانشین فرمانده کل انتظامی وقت، بیش از ۷۰ درصد کشفیات مواد مخدر در مرزهای مشترک با کشور پاکستان بوده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ دی ۱۴۰۲) که این آمار همگی نشان از گستره مواد مخدر در این استان دارد. بنا بر ارزیابی مؤسسه دانش اعتیاد، اقتصاد مواد مخدر، ستون اصلی پول‌شویی در کشور است و پول‌شویی حاصل از مواد مخدر در ایران به اندازه بودجه چند وزارتخانه است. (ایرنا، ۱۱ آذر ۱۳۹۷). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قاچاق مواد مخدر که دارای وجوه مادی و مشتمل بر فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات است (مندل، ۱۳۸۶: ۸)، صرف‌نظر از قضاوت‌های ارزشی دارای ماهیت اقتصاد سیاسی است و از سوی برخی شهروندان فاقد تأمین اجتماعی و رفاه مناسب برای کسب درآمد و تأمین معاش، انجام می‌شود. لازم به توضیح است که مراد از اقتصاد سیاسی در این نوشتار به معنای شیوه تولیدی حاکم در یک جامعه است که از دو حوزه کلان سیاست و اقتصاد متشکل شده است و بین دو حوزه مذکور ارتباط و

تأثیر متقابل وجود دارد و درعین حال روی سایر شئون جامعه از جمله امنیت، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (صرف نظر از مثبت و منفی) می‌گذارد. در همین ارتباط، اقتصاد سیاسی استان سیستان و بلوچستان نیز دارای ساختار یا شیوه تولیدی خاصی است که روی امنیت و ناپایداری آن نقشی تعیین کننده دارد؛ به بیان دیگر اقتصاد سیاسی استان سیستان و بلوچستان هم مشتمل بر ساختارهای رسمی مانند صنعت، کشاورزی و خدمات و هم شامل ساختار غیررسمی قاچاق در زمینه‌های مختلفی از جمله قاچاق انسان (به ویژه پناهندگان و مهاجران افغانی)، کالا، سوخت، اسلحه و به ویژه مواد مخدر است. این پژوهش بر اقتصاد سیاسی نارکوئیک یا همان پدیده قاچاق مواد مخدر متمرکز است؛ چراکه بخش مذکور از سوئی در بخش اقتصاد غیررسمی گستره بیشتری دارد و از سوی دیگر سایر بخش‌های اقتصاد غیررسمی و رسمی و امنیت استان را به صورت مشخص تحت تأثیر قرار داده است. پرسش اصلی این پژوهش ناظر بر این مسئله است که اقتصاد سیاسی قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان چگونه روی امنیت و ناپایداری امنیت در این استان مرزی ایران اثرگذاری می‌کند؟ مقاله در پاسخ به این پرسش و با استناد به آمار میدانی نشان می‌دهد که پیامدهای اقتصاد سیاسی نارکوئیک که به مثابه اقتصاد سیاسی غیررسمی استان سیستان و بلوچستان است، موجب ایجاد چرخه خشونت و خدشه بر امنیت پایدار در این استان شرقی کشور شده است. این پژوهش از منظر هدف کاربردی است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که طی آن تلاش شده تا حد امکان از تمامی اطلاعات پژوهشی موجود و دسترس در این حوزه استفاده شود. این پژوهش همچنین از روش «تحلیل محتوای متعارف»^۱ و تحلیل محتوایی اظهارات فرماندهان نیروی انتظامی کشور درباره خبرهای ناامنی استان سیستان و بلوچستان در رسانه‌های داخلی به همراه «تحلیل پسا رویدادی» روندهای امنیتی در این استان بهره برده است. داده‌های مورد نیاز در این پژوهش افزون بر منابع کتابخانه‌ای، از طریق ارزیابی گزارش‌های آماری رسمی و غیررسمی جمع‌آوری شده است.

در فرایند تحلیل داده‌های این مقاله به منظور مطالعه مفاهیم آشکار و پنهان در دیدگاه فرماندهان نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان درباره پیامدهای مرتبط با مواد مخدر از روش تحلیل محتوایی متعارف (Mayring, 2023) و مدل پیشنهادی «براون و کلارک» (Braun & Clarke, 2006: 77-101) استفاده شد. طبق این روش، پس از چند بار بازخوانی مصاحبه‌ها، کدهای اولیه استخراج شد و سپس کدها بر اساس شباهت‌ها در طبقات و زیر طبقه‌ها دسته‌بندی می‌شوند تا محتوای نهفته در آن‌ها مشخص شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، ۴۷

1. Conventional Content Analysis

مصاحبه رسانه‌ها با فرماندهان نیروی انتظامی طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ بررسی؛ و پس از شناسایی و بررسی مصاحبه این افراد در ابتدا هجده کد اولیه به‌عنوان پیامدهای اقتصاد سیاسی مبتنی بر خرید و فروش مواد مخدر استخراج شد. کدهای هر مصاحبه با یکدیگر و سایر مصاحبه‌های قبلی مقایسه شدند تا تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها مشخص شود و سپس کدها بر اساس شباهت‌هایی که باهم داشتند در یک طبقه قرار گرفتند. زیر طبقات به‌دست‌آمده چندین بار بازبینی و باهم مقایسه شدند و در پایان این مرحله، کدهای اولیه مرتبط با جرائم مربوط به مواد مخدر استان سیستان و بلوچستان در چهار زیرطبقه تولید، توزیع، سوء مصرف و پیامدهای امنیتی، قرار گرفتند.

الف) پیشینه پژوهش

در خصوص ابعاد امنیتی تجارت مواد مخدر در سطح دنیا (از جمله کشورهایی که درگیر آن هستند)، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است؛ افرادی مانند «گران و واردلا»^۱ (۱۹۸۸)، «الوین کنتزل»^۲ (۱۹۹۲)، «راشل ارنفلد»^۳ (۱۹۹۰)، «پیتر ا. لوشا»^۴ (۱۹۸۹)، «اما بجنورنهد»^۵ (۲۰۰۴) و «تامارا مکرنکو»^۶ (۲۰۰۴) هر کدام در آثار خود به چگونگی ارتباط بین ترور و مواد مخدر، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین گروه‌های قاچاق مواد مخدر با گروه‌های تروریستی و چیستی مفهوم نارتوتوریسم پرداخته‌اند. «جولیا بوکستون»^۷ نیز در کتاب اقتصاد سیاسی مواد مخدر با روش تاریخی به تولید، مصرف و بازار جهانی مواد مخدر پرداخته و علت گسترده شدن تولید و مصرف مواد مخدر را در تجاری‌سازی آن می‌داند که عواملی مانند جهانی شدن و تسهیل نقل و انتقال مواد مخدر، ناموفق بودن سیستم کنترل مواد مخدر (در سمت تولید و عرضه) و عدم وجود دولت‌های قوی با حاکمیت انحصاری و مطلق در برخی کشورها به این امر کمک کرده است (Buxton, 2006).

هاشمی و محمدی (۱۳۹۸) در مقاله با عنوان قاچاق مواد مخدر و خشونت‌های تروریستی در آسیای مرکزی معتقدند قاچاق مواد مخدر از مسیر آسیای مرکزی زمینه‌ساز خشونت در منطقه

1. Grant Wardlaw

2. Alvin D. Cantrell

3. Rachel Ehrenfeld

4. Peter A. Lupsha

5. Emma Bjornehed

6. Tamara Makarenko

7. Julia Buxton

بوده اما این خشونت‌ها بیشتر از اینکه در ارتباط با گروه‌های تروریستی فراملی باشد؛ تحت تأثیر فعالیت گروه‌های ستیزه‌جوی محلی هستند که در این بین تجارت مواد مخدر نقش اصلی ندارد. «سیگفرد وولف» در مقاله «نقشه‌های بزرگ‌تر پاکستان از مواد مخدر»، به نقش و مشارکت اسلام‌آباد در نارکو تروریسم اشاره می‌کند و آن را بخش جدایی‌ناپذیر حمایت این دولت از تروریسم فرامرزی برای ایجاد بی‌ثباتی در جوامع محلی هند می‌داند (Wolf, 2020). مهاجرانی و همکاران وی نیز در اثر خود به ارزیابی اقتصاد قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته پرداخته‌اند و نشان می‌دهند که رونق گسترده تجارت مواد مخدر و سود بسیار زیاد حاصل از آن سبب شکل‌گیری باندهایی می‌شود که سیاست و اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مهاجرانی و دیگران، ۱۳۹۵). مروری بر آثار منتشرشده در ایران نشان می‌دهد به‌جز پژوهشی که توسط صالحیان و دیگران (۱۳۹۹) با سطح تحلیل منطقه‌ای در موضوع نارکو تروریسم انجام‌شده، تاکنون پژوهشی با محوریت پیامدهای امنیتی اقتصاد سیاسی نارکو تیک در ایران انجام نشده است. لازم به ذکر است پژوهش صالحیان نیز به بررسی پیامدهای نارکو تروریسم در آسیای مرکزی، تهدیدهای پیش رو و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه می‌پردازد و در واقع اشتراک چندانی با موضوع این مقاله ندارد. البته پژوهش‌های متعددی از سوی پژوهشگران درباره پیامدهای قاچاق مواد مخدر در ایران انجام شده است که بیشتر پژوهش‌های موجود به تأثیرگذاری قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی پرداخته‌اند و جدا از پژوهش زرقانی و دیگران که بر سطح محلی، با مطالعه موردی منطقه مرزی خراسان رضوی تمرکز داشته، سطح تحلیل دیگر پژوهش‌های موجود کلی و کلان بوده است. به‌عنوان نمونه یآوری بافقی و دیگران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه دسته یافته است که بین قاچاق مواد مخدر و اثرپذیری منفی ابعاد امنیت ملی از آن، رابطه وجود دارد. در واقع، قاچاق مواد مخدر با ممانعت از توسعه انسانی بیشترین تأثیر منفی را بر بعد فرهنگی و کم‌ترین اثر منفی را بر امنیت اقتصادی دارد. به‌علاوه، قاچاق مواد مخدر با افزایش جرائم در بعد اجتماعی و خدشه‌دار کردن اعتبار نظام سیاسی در منطقه و جهان در بعد سیاسی اثرگذاری منفی دارد. در پژوهشی دیگر زرقانی و رضوی‌نژاد (۱۳۹۱)، به بررسی ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی با افغانستان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند تولید مواد مخدر در افغانستان دارای آثار زیان‌باری برای جمهوری اسلامی ایران بوده و موجب به‌چالش کشیدن امنیت مناطق مرزی از منطقه موردنظر شده است (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۱). مقاله «تأثیر ترانزیت مواد مخدر از مرزهای شرقی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مرز افغانستان»

نوشته نظریان و دیگران با استفاده از روش پرسشنامه‌ای و با جامعه آماری ۱۰۰ نفر از کارشناسان مبارزه با مواد مخدر، به این نتیجه دست یافته است که میان ترانزیت مواد مخدر و امنیت اقتصادی رابطه منفی و معناداری وجود دارد (نظریان و دیگران، ۱۳۹۸). عارفی مسکونی و دیگران (۱۳۹۸) نیز در مقاله «تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» هرچند به نظر می‌رسد نتوانسته‌اند پاسخ مشخصی را ارائه دهند اما به دنبال پاسخ برای این سؤال بودند که قاچاق مواد مخدر بر امنیت جمهوری اسلامی چگونه تأثیرگذار بوده است. در مقاله دیگر، هادی ویسی و شهناز محمدی‌نژاد، «تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت اجتماعی مطالعه موردی: استان کرمان» را بررسی قرار کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شهرهای شرقی و هم‌مرز با استان سیستان و بلوچستان که در آن‌ها قاچاق مواد مخدر بیشتری صورت می‌گیرد به نسبت سایر شهرهای استان کرمان، شاخص‌های ناامنی اجتماعی بیشتری دارند (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۴). جلالی و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان تروریسم مواد مخدری و رویکرد پیشگیرانه حقوقی جهانی و جمهوری اسلامی ایران در مقابل با آن به دنبال بررسی تروریسم مواد مخدر و رویکردهای پیشگیرانه حقوقی سازمان‌های جهانی و منطقه با تأکید بر اقدامات جمهوری اسلامی در مبارزه با آن است و به این نتیجه دست یافته که جمهوری اسلامی اقدامات پیشگیرانه مؤثری در جهت مبارزه با مواد مخدر انجام داده؛ ولی اقدامات مذکور در ایجاد نظام حقوقی مدون کافی نبوده و می‌طلبد اقدامات جامع، مدون و همه‌جانبه مورد قبول همه کشورهای منطقه‌ای و جهانی تدوین شود. به علاوه، پژوهش‌هایی با هدف ارزیابی اقدامات مرزی در جلوگیری از مواد مخدر در مرزهای شرقی به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان انجام شده است از جمله: هنرجو و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر اقدامات مرزی و ارائه الگوی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)» با جامعه آماری متخصصان حوزه امنیت (مرزبانان نظامی و انتظامی، نیروهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، فرمانداری‌ها و اساتید حوزه علوم جغرافیایی) به این نتیجه دست یافته که الگوی گشت‌زنی و بازرسی نیروهای ایران، پاکستان و افغانستان الگوی مناسبی برای حفاظت از مرزهای شرقی است. قاسمی و صفی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب‌نظران»، نشان می‌دهند که بهره‌گیری از اقدامات انسدادی مانند نصب سیم‌خاردار، دیوارکشی، استفاده از تجهیزات مدرن، حفر کانال و ایجاد پاسگاه بیشترین تأثیر را در کاهش تردهای غیرمجاز، تحرکات اشراق، ورود مواد مخدر و خروج محصولات تولید داخل داشته و شاخص‌های مانند افزایش سطح درآمد مرزنشینان، اشتغال‌زایی و تولید ملی

کمترین تأثیر را در امنیت استان داشته‌اند. همچنین، افضلی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی اقدامات مرزی در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان پرداخته و به این نتیجه دست یافته است: اقداماتی که تاکنون در حوزه مدیریت مرزی انجام شده دارای جنبه امنیتی بوده و تأثیر چندانی در کاهش قاچاق مواد مخدر نداشته و عوامل اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری و عوامل امنیتی - نظامی کمترین میزان را در کاهش مواد مخدر دارند. نوآوری این پژوهش در کنار توجه به سطح تحلیل محلی - استانی و تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان، کاربرد رویکرد اقتصاد سیاسی ناکوتیک در تبیین پدیده قاچاق مواد مخدر و پردازش پیامدهای امنیتی این پدیدار است.

ب) چارچوب نظری: امنیت پایدار

امنیت، مفهومی سیال و نسبی است که تا پیش از پایان جنگ سرد، «پارادایم کنترل»^۱ بر آن حاکم بود. این بن‌سازه فکری (پارادایم) بر این نکته تأکید داشت که ناامنی را می‌توان از طریق نیروی نظامی یا سیاست موازنه قدرت، واپایش (کنترل) و مهار؛ و در نتیجه وضع موجود را حفظ کرد. بارزترین نمونه جهانی این رویکرد، اصطلاح «جنگ علیه ترور»^۲ بوده است که با هدف «سرپوش نگه‌داشتن»^۳ بر تروریسم و ناامنی بدون پرداختن به علل ریشه‌ای آن مطرح می‌شود. چنین رویکردهایی برای امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی عمیقاً ناقص است و توجه سیاستمداران جهان را از ایجاد راه‌حل‌های واقع‌بینانه و پایدار برای تهدیدات غیرسنستی که جهان با آن مواجه است، منحرف می‌کند (Abbot & Phipps, 2009: 1). طی سال‌های اخیر سطوح و ابعاد امنیت در مقایسه با مسائل بن‌سازه واپایشی پیشین، گسترش قابل توجهی یافته است. درواقع، ابعاد امنیت در کنار بُعد نظامی، ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز پیدا کرده است که نه بر اقدامات نظامی یک‌جانبه برای «کنترل تهدیدها»^۴ (حمله به علائم)^۵ در زمان بروز بحران، بلکه بر حل منابع اساسی ناامنی (یعنی درمان بیماری)^۶ با استفاده از توانمندی انسانی استفاده‌نشده و فرصت‌های دیپلماتیک و محیطی برای افزایش امنیت جمعی تأکید می‌کند (k. levy, 2009: 391). در همین ارتباط، فرض اصلی امنیت پایدار

1. Control Paradigm

2. War on Terror

3. Keep the lid

4. Control Threats

5. Attacking the symptoms

6. Curing the Disease

این است که نمی‌توان با موفقیت تمام عواقب ناامنی را واپایش کرد و باید برای حل ناامنی، ریشه‌های شکل‌گیری را یافت. به عبارت دیگر «مبارزه با علائم» کارساز نخواهد بود و باید «بیماری درمان شود». چنین چارچوبی باید مبتنی بر تحلیل یکپارچه تهدیدات امنیتی و رویکردی پیشگیرانه برای پاسخ باشند (Abbot & Phipps, 2009: 2). بر همین اساس از دیدگاه این مکتب، باید قبل از ایجاد بحران و استفاده از نیروی نظامی با در نظر گرفتن و توجه به ابعاد اقتصادی و سیاسی امنیت از رسیدن به این مرحله جلوگیری کرد. از منظر این رویکرد در عین حال، امنیت هیچ کشوری مستقل از منطقه خود یا جامعه بین‌المللی نیست و محرک‌های احتمالی ناامنی به مرزهای ملی توجهی نمی‌کنند (brock, 2011: 1,2). بر این اساس، عوامل به هم پیوسته‌ای نظیر جابه‌جایی دسته‌جمعی مردم، رقابت بر سر کمبود منابع، شکاف‌های اقتصادی و احساس تبعیض از جمله محرک‌های اقتصادی ایجاد ناامنی کشورها خواهند بود (Abbott & Marsden, 2009: 2) و در واقع، اقتصاد سیاسی با گسترده‌تر شدن تعریف امنیت به عامل بسیار مهمی در مباحث امنیتی تبدیل شده است.

ج) نسبت اقتصاد سیاسی نارکوتیک و نارکوتروریسم

اقتصاد سیاسی نارکوتیک و پدیده «نارکوتروریسم» را می‌توان دوروی یک سکه دانست؛ اصطلاح نارکوتروریسم برای اولین توسط «فرناندو بلاوند تری»^۱ رئیس جمهوری وقت پرو در سال ۱۹۸۳ برای توصیف حملات چریک‌های «راه درخشان»^۲ به پلیس مبارزه با مواد مخدر استفاده شد (Lupsha, 1989: 62). این اصطلاح به صورت کلی برای توصیف اقدامات سازمان‌یافته قاچاقچیان مواد مخدر علیه نیروهای پلیس با استفاده از روش‌های تروریستی مانند استفاده از خودروهای بمب‌گذاری شده، ترور و آدم‌ربایی به کار برده می‌شود. (Björnehed, 2006: 306). البته نارکوتروریسم بعدها سویه‌های سیاسی نیز پیدا کرد و برای مثال سرمقاله منتشر شده از سوی نشریه وال‌استریت ژورنال به قلم «راشل ارنفلد»^۳ و «مایکل کاهان»^۴ که در مورد نقش دولت شوروی سابق در قاچاق بین‌المللی مواد مخدر برای تجهیز گروه‌های تروریستی جهت تضعیف غرب به رشته تحریر درآمد، تبلیغی مهم برای مفهوم نارکوتروریسم بود (Miller & Damask, 1996: 115) وزارت دفاع آمریکا (DOD)^۵ نیز نارکوتروریسم را اقدامی برای پیشبرد

1. Belaunde Terry

2. The Shining Path

3. Rachel Ehrenfeld

4. Michael Kahan

5. U.S. Department of Defense

اهداف قاچاقچیان مواد مخدر با بهره‌گیری از روش‌های ترور، اخاذی، هواپیماربابی، بمب‌گذاری و آدم‌ربایی علیه قضات، دادستان‌ها، مقامات منتخب یا مأموران اجرای قانون و اخلال در نظم عمومی یک دولت قانونی معرفی می‌کند (Giuseppe, 2022: 4). پس از پایان جنگ سرد و با گسترش دسترسی بالنسبه نامحدود باندهای مواد مخدر به پیشرفت‌های فناوری و دولت‌های ضعیفی که با جنگ داخلی مواجه بودند (Koiremba singh & Nuns, 2013: 71; Navi, 2022: 232)، زمینه عینی و واقعی جهت شکل‌گیری، بروز و تثبیت پدیده نارکو تروریسم در سراسر دنیا ایجاد شد. از این منظر، مفهوم نارکو تروریسم بر این نکته تأکید دارد که دو پدیده قاچاق مواد مخدر و تروریسم به هم مرتبط هستند (Wolf, 2020: 1) و باندهای قاچاق و تجارت مواد مخدر فعالیت‌های خود را از طریق تروریسم اجرا و تضمین می‌کنند (Karimi, 2010: 155).

بر اساس تعاریف فوق، مفهوم نارکو تروریسم هم به باندها و گروه‌های قاچاق مواد مخدر که از روش‌های مانند آدم‌ربایی، قتل، ترور، بمب‌گذاری و... که دارای ماهیت تروریستی هستند و هم به گروه‌های تروریستی که برای تأمین مالی نیازهای خود به کشت، تولید و توزیع مواد مخدر دست می‌زنند، اطلاق می‌شود (Braun, 2008:1). از این منظر دو نوع متداول از نارکو تروریسم را می‌توان در وهله نخست تروریست‌هایی دانست که برای تأمین مالی عملیات خود مواد مخدر را تولید و قاچاق می‌کنند و در ادامه نیز کارتل‌های مواد مخدر که از فعالیت‌های تروریستی برای حمایت از منافع خود در تجارت مواد مخدر استفاده می‌کنند (Navi, 2022: 232). این نوشتار اقتصاد سیاسی نارکو تیک را بخش غیررسمی اقتصاد سیاسی می‌داند که از سوی برخلاف امنیت ملی و از سوی دیگر موجب آسیب به اقتصاد سیاسی رسمی کشور می‌شود.

د) ابعاد اقتصاد سیاسی قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان

اقتصاد هر جامعه یا کشور دارای ساختارهای رسمی یا ساختارهای غیررسمی مختص به خود است که منظور از ساختارهای رسمی و متعارف، بخش‌هایی است که به‌نوعی توسط جامعه و به‌ویژه نهادهای قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند و به‌طور مشخص وجود آن‌ها در قوانین رسمی حکومت منعکس شده است (Guha-Khasnabis et al., 2006: 83). برخلاف ساختارهای رسمی، ساختارهای غیررسمی آن ساختارهایی هستند که در قوانین و نهادها جایگاهی برای آن‌ها تعریف نشده است. ساختار غیررسمی فعالیت‌های گسترده‌ی را شامل می‌شود از جمله تجارت مواد مخدر، قمار، قاچاق و کلاهبرداری، تجارت با کالاهای مسروقه که به‌صورت پولی و غیرپولی معامله می‌شوند (Chambwera et al., 2011: 1,6). به‌علاوه، اقتصاد غیررسمی در محیطی با نرخ بالای

بیکاری، اشتغال ناقص، فقر، نابرابری جنسیتی و... رشد می‌کند (سازمان بین‌المللی کار دفتر بین‌المللی کار (ژنو)، ۲۰۱۴: ۷) و برخلاف مناسبات رسمی اقتصادی، بخش‌های غیررسمی فاقد شناسنامه برای بررسی‌های علمی هستند و این ابهام کارهای پژوهشی را درباره این روندها پیچیده می‌سازد. نمودار ذیل سهم اشتغال در سه بخش عمده رسمی اقتصاد استان سیستان و بلوچستان را در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد:



نمودار شماره یک: سهم اشتغال در بخش‌های رسمی اقتصاد استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۴۰۰

منبع: سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان - بخش نیروی انسانی، ۱۴۰۰: ۱۹۴.

نمودار فوق نشان‌دهنده ساختارها یا به تعبیری بهتر بخش‌های اصلی اقتصاد سیاسی رسمی استان مذکور است که به ترتیب از بزرگ به کوچک، بخش خدمات (۴۷ درصد) بیشترین سهم را در اقتصاد سیاسی رسمی استان دارد و سپس بخش صنعت (۳۸ درصد) و در نهایت بخش کشاورزی (۱۵ درصد) است. با وجود این بخش مهم و در عین حال پنهان اقتصاد استان سیستان و بلوچستان را بخش غیررسمی شامل قاچاق اعم از مواد مخدر، سوخت، انسان و کالا تشکیل می‌دهد که بر مبنای ارزیابی استنباطی و مقایسه‌ای مستند به جداول مختلف گزارش مرکز آمار ایران و کشفیات فراجا به نظر می‌رسد دستکم گردش مالی حاصل از قاچاق، حجم بزرگتری از اقتصاد رسمی استان را به خود تخصیص داده باشد. به‌طور کلی، قاچاق و به‌ویژه قاچاق مواد مخدر محصول عوامل متعدد بخش‌های مختلف اقتصاد سیاسی یک جامعه است. به بیان دیگر، این پدیده حاصل وضعیت اقتصادی است که می‌توان شاخص‌هایی نظیر اشتغال و نیز وجود

فقر و بی‌عدالتی اقتصادی را برای آن مورد استناد قرارداد. فقدان اشتغال کافی و به دنبال آن افزایش سطح بیکاری در سطح جامعه زمینه‌گرایش به فعالیت‌های غیرقانونی در جهت کسب درآمد و تأمین معاش را فراهم می‌کند (Demombynes, 2011: 2). بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران در تابستان ۱۴۰۲ استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌ها بیشترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده است که به‌طور مشخص در جدول ذیل درصد بیکاری استان‌ها به تفکیک نشان داده می‌شود.

جدول شماره یک: نرخ بیکاری جمعیت پانزده ساله و بیشتر^۱ به تفکیک استان - تابستان ۱۴۰۲

۷/۹	کل کشور
۱۲/۵	سیستان و بلوچستان
۷/۵	تهران

منبع: شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور آبان ۱۴۰۲: ۳۲.

به‌علاوه، مطابق با پژوهش انجام‌شده توسط ربیعی و کفایی در سال ۱۴۰۱ استان سیستان و بلوچستان در دوره شانزده ساله؛ یعنی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ بیشترین نرخ فقر^۲ (هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی) در بین استان‌های کشور را داشته و استان مازندران پایین‌ترین نرخ را به خود اختصاص داده است. فاصله استان مازندران با استان‌های بعدی خود از لحاظ مقدار شاخص چندان تفاوتی ندارد، در حالی‌که فاصله استان سیستان و بلوچستان با استان‌های قبلی خود بسیار زیاد بوده است (ربیعی و کفایی، ۱۴۰۱: ۲۱۶) که به‌نوعی نشان‌دهنده میزان فقر و به‌ویژه محرومیت در استان مذکور است. بر اساس آمارهای منتشرشده نسبت اشتغال (نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت در سن کار ضرب در ۱۰۰) در استان سیستان و بلوچستان با نرخ ۲۹/۶ بدترین وضعیت را در بین سایر استان‌های کشور داشته است (چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، تابستان ۱۴۰۱: ۷). مطابق آمارهای جدول شماره سه که در آن به وضعیت

۱. تمام افراد ۱۵ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند.

۲. برای سنجش فقر از ابعاد رفاه اقتصادی (با نماگر فقر درآمدی، اشتغال، دارایی‌ها، ارتباطات)، مسکن (امکانات محل سکونت، نوع اسکلت بنای محل، مساحت سرانه مسکن، تعداد سرانه اتاق)، سلامت (دسترسی به بیمه بهداشت و درمان، کفایت کالری دریافتی از غذا)، و آموزش (سطح تحصیلات سرپرست خانوار، شاخص سواد خانوار، محرومیت از تحصیل کودکان) استفاده شده است.

درآمدی استان‌های کشور پرداخته شده، استان سیستان و بلوچستان در تمامی سال‌های مورد بررسی، کمترین نرخ درآمدی را در بین سایر استان‌های کشور داشته است.

جدول شماره دو: نرخ درآمدی کل کشور و استان سیستان و بلوچستان ایران

(۲۰۲۱-۲۰۱۹)

سال	منطقه
۲۰۲۱	کل کشور
۲۰۲۰	کل کشور
۲۰۱۹	کل کشور
۲۰۲۱	سیستان و بلوچستان
۲۰۲۰	سیستان و بلوچستان
۲۰۱۹	سیستان و بلوچستان

Source: Global Data Lab (Different Years)

بر اساس آمارهای فوق، استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین نرخ یا بدترین وضعیت را در زمینه شاخص درآمد و رفاه اقتصادی در کل کشور دارد. به علاوه، نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)^۱ استان مذکور در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ به ترتیب ۳۱/۱، ۳۰/۷، ۳۳/۹، ۳۷/۵، ۳۳/۸ و ۳۴/۵ بوده که در مقایسه با سایر استان‌های کشور پایین‌ترین رتبه را داشته است (سالنامه آماری کشور، بخش نیروی انسانی ۱۴۰۰). همان‌طور که اشاره شد، استان مذکور در بسیاری از شاخص‌های مربوط به توسعه و رفاه اقتصادی وضعیت نامطلوبی داشته است. این وضعیت در کنار فقر و عقب‌ماندگی منطقه، زمینه را برای گرایش بسیاری از بومیان استان به فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر برای تأمین معیشت و برآورده کردن نیازهایشان فراهم کرده است. در واقع، اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی استان زمینه‌ای برای گرایش به فعالیت‌های غیرقانونی را فراهم نموده که این به نوبه خود پیامدهای منفی متعددی داشته که توانسته بر امنیت پایدار کشور به ویژه استان تأثیر بسزایی بگذارد.

به علاوه از منظر امنیت پایدار، امنیت دارای سطوح مختلفی از جمله محلی، ملی و منطقه‌ای است و امنیت مناطق از هم جدا نیست. در معنای دیگر، در بسیاری از مواقع امنیت کشورها تحت تأثیر عواملی است که ریشه در تحولات و حوادث سایر کشورها دارند. کشورهای پاکستان و به ویژه افغانستان به عنوان همسایگان شرقی ایران در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف سیاسی (نبود حاکمیت مستقل، قدرتمند و یکپارچه) و اقتصادی (وجود بیکاری، فقر و نبود رفاه) زمینه را برای کشت، تولید و صادرات مواد مخدر توسط افراد بومی و گروه‌های موجود در آن‌ها به اکثر کشورهای دنیا از جمله ایران به میزان گسترده فراهم کرده‌اند. بر اساس گزارش‌های دفتر مبارزه با مواد مخدر

^۱ نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار (۱۵ ساله بیشتر) ضرب در ۱۰۰ است

و جرائم سازمان ملل متحد^۱، کشور افغانستان بیشترین (۸۶ درصد) تولید غیرقانونی تریاک جهان را به خود اختصاص داده است (گزارش سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲). ارزش کل بالقوه کاشت تریاک در افغانستان می‌تواند تا ۳/۱ میلیارد دلار در سال برسد (Chandra, 2020: 77). کاشت هدفمند مواد مخدر به میزان گسترده در کشور افغانستان به‌ویژه توسط طالبان در سال‌های اخیر برای تأمین نیازهای مالی و تسلیحاتی خود، ایران و استان سیستان و بلوچستان را به‌طور خاص به کانونی برای ترانزیت مواد مخدر و حتی مصرف آن تبدیل کرده است. مطابق این گزارش‌ها بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی در کشورهای همسایه شرقی ایران یعنی افغانستان و پاکستان در دهه‌های اخیر، سبب ایجاد شرایطی شده که در بخش‌های از این کشورها کاشت و تولید مواد مخدر در سطح گسترده انجام و انتقال آن به سایر کشورهای دنیا از جمله ایران صورت می‌گیرد. بیشترین حجم ورود قاچاق مواد مخدر به ایران از مرز سیستان و بلوچستان صورت می‌گیرد؛ به‌طور مشخص مواد مخدر از افغانستان وارد پاکستان می‌شود و سپس از طریق استان سیستان و بلوچستان (به دلیل هم‌جواری با پاکستان) وارد ایران؛ و سپس به سایر کشورها قاچاق یا ترانزیت می‌شود. جدول شماره سه، انواع مواد مخدر و روان‌گردان کشف‌شده در ایران را به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد که جایگاه نخست استان سیستان و بلوچستان با بیش از یک‌چهارم مجموع ارقام قاچاق مواد مخدر مکشوفه کشور در این میان قابل‌تأمل است.

جدول شماره سه: انواع مواد مخدر و روان‌گردان کشف‌شده در کشور و استان

سیستان و بلوچستان سال ۱۴۰۰

سال و استان	جمع	مواد افیونی			سایر موارد
		تریاک	هروئین	مرفین	
کل کشور	۱۰۰۸۱۸۳	۷۵۷۱۶۹	۲۲۶۲۹	۳۲۱۸۸	۲۷۲۴۰
سیستان و بلوچستان	۲۱۵۴۸۴	۱۶۲۴۹۰	۳۰۸۲	۴۴۷۴	۶۷۱۸

منبع: سالنامه آماری کشور - فصل امور قضایی، ۱۴۰۰: ۵۵۶.

مطابق اظهارات «غاده والی»، مدیر دفتر اجرایی دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد، قاچاق مواد افیونی از مرزهای افغانستان بی‌وقفه ادامه دارد و بر اساس یافته‌های دفتر

¹. The United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، کشت خشخاش در افغانستان در سال ۲۰۲۲ به نسبت سال گذشته ۳۲ درصد افزایش داشته و سطح کشت این محصول در افغانستان به ۲۳۳۰۰۰ هکتار رسیده است (اخبار سازمان ملل، ۱ نوامبر ۲۰۲۲). از آنجایی که این پژوهش اقتصاد سیاسی نارکوتیک را دارای بیشترین پیامدهای منفی امنیتی می‌داند، در ادامه به زمینه‌ها و پیامدهای این‌گونه از قاچاق در استان سیستان و بلوچستان پرداخته می‌شود.

ه) پیامدهای امنیتی اقتصاد سیاسی نارکوتیک در استان سیستان و بلوچستان

همان‌طور در مباحث فوق اشاره شد عناصر متعدد داخلی (فقر، محرومیت و به‌طور کلی توسعه‌نیافتگی استان) و خارجی (نبود حاکمیت مستقل و باثبات و اقتصاد پویا در دو کشور پاکستان و افغانستان) شرایط مناسبی برای گسترش اقتصاد سیاسی مواد مخدر و روی آوردن افراد و گروه‌ها به آن، به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان را فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که امروزه قاچاق مواد مخدر یکی از ابعاد تشکیل‌دهنده اقتصاد سیاسی استان است. مطابق با آموزه‌های امنیت پایدار، امنیت در کنار بعد نظامی، دارای ریشه‌ها و ابعاد مختلفی از جمله اقتصادی و سیاسی است و در بسیاری از مواقع این ابعاد هم در ایجاد امنیت و در هم ناپایداری آن نقش بسزایی دارند. در معنای دیگر، وجود و گسترش ساختارها و بخش‌های رسمی و به‌تبع آن افزایش شغل‌های متعارف در اقتصاد سیاسی زمینه برای شکل‌گیری یا گرایش به شغل‌های غیرقانونی (مانند قاچاق مواد مخدر) مختل‌کننده امنیت را به میزان زیادی کاهش می‌دهد و بالعکس، عدم وجود ساختارها و بخش‌های رسمی و به‌تبع آن نبود شغل‌های متعارف (و فقر) گرایش به انجام فعالیت‌های غیرقانونی در سطح گسترده را افزایش می‌دهد. در همین راستا، اقتصاد سیاسی نارکوتیک در شکل‌گیری خشونت و رواج اسلحه، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری، اعتیاد و قتل و در نهایت ایجاد خشونت و بی‌نظمی در استان سیستان و بلوچستان و مناطق مجاور این استان نقش مؤثری داشته است. طبق نتایج یکی از پژوهش‌های داخلی به‌طور مشخص شهرستان‌های کرمان، بم، کهنوج، جیرفت و عنبرآباد بیشترین آمار مربوط به کشفیات مواد مخدر در بین شهرستان‌های هم‌جوار با استان سیستان و بلوچستان را دارند و همچنین، شاخص‌های ناامنی شهرستان‌های مذکور، مانند سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، قتل عمد و سرقت به‌عنف بدترین وضعیت را در مقایسه با سایر شهرستان‌های کشور دارد (ویسی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش‌های دیگر نیز نشان می‌دهد جرائم امنیتی مرتبط با مواد مخدر بیشترین میزان را در استان‌هایی نظیر کرمانشاه و لرستان داشته‌اند (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۰ و نامداریان و جانی‌پور رباطی، ۱۳۹۹). بر

اساس آمارهای در دسترس، قریب به ۵۰ درصد آدم‌ربایی‌های استان مستقیم و غیرمستقیم با موضوع مواد مخدر ارتباط داشته است (سالارزایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱) و علل عمده قتل‌ها در این استان نیز وجود گسترده اسلحه و مسائل مربوط به قاچاق مواد مخدر بوده است (گمشادزهی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹-۱۰). اهمیت قتل بدین جهت است که شیوع آن به ویژه در سطح گسترده در یک جامعه و تبدیل شدن به عنوان یک روش در حل مسائل و اختلافات موانعی جدی برای امنیت پایدار است. مهم‌ترین پیامد قتل، رواج چرخه خشونت و انتقام‌گیری‌های گسترده در جامعه است تا جایی که به عنوان یک اصل و هنجار بر رفتار افراد جامعه حاکم شود و افراد در حل تضادها از آن استفاده کنند. بر اساس آمارهای منتشرشده، استان سیستان و بلوچستان با ۲۵۸ قتل، بعد از استان تهران با ۳۲۳ و خوزستان با ۲۷۵ بیشترین نرخ قتل را در کشور داشته است که با در نظر داشتن سرانه جمعیتی استان تهران و خوزستان در مقایسه با سیستان و بلوچستان، این استان در رتبه نخست قرار می‌گیرد (سالنامه آماری کشور- بخش امور قضایی، ۱۴۰۱: ۵۵۰). به بیان بهتر درحالی‌که به ازای حدود هر ۴۱ هزار نفر یک قتل در تهران و در خوزستان به ازای هر هفده هزار نفر یک قتل رخ می‌دهد، این رقم در استان سیستان و بلوچستان به ازای هر ۱۰۷۵۵ نفر، یک قتل است که نشان از چهاربرابری بودن سرانه قتل در استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با تهران دارد.

یکی دیگر از پیامدهای منفی اقتصاد سیاسی نارکوئیک استان، گسترش سرقت‌ها شامل سرقت‌های مسلحانه است. سرقت مسلحانه یکی دیگر از شاخص‌هایی است که در سنجش امنیت پایدار به کار می‌رود که در کنار رواج خشونت؛ ترس و ناامنی را به همراه دارد. ارزیابی نویسندگان این مقاله از خروجی خبرگزاری‌های معتبر کشور نشان می‌دهد از تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۰۱ تا ۱۴۰۲/۱۲/۳۰ بیشترین تعداد خبر از سرقت‌های مسلحانه در کشور نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است که به طور مشخص، در تمامی سرقت‌ها (خرد یا کلان) از سلاح گرم استفاده شده است. در واقع، از سرقت‌های مربوط به گوشی گرفته تا سرقت از بانک، طلافروشی و... سارقین از سلاح گرم استفاده کرده‌اند (ایرنا، ۱۴۰۲). حال آنکه قاچاق به ویژه قاچاق مواد مخدر و اسلحه پیامدهای منفی زیادی را برای جامعه به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین این پیامدها، تلفات جانی و مالی به ویژه برای نیروهای نظامی که با قاچاق مبارزه می‌کنند، است. مطابق آمار اعلامی از سوی نیروی انتظامی کشور مبارزه با تجارت مواد مخدر در چهار دهه گذشته جان نزدیک به چهار هزار نفر از نیروهای انتظامی کشور را گرفته است (گزارش ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۴۰۲) که نیمی از این آمار در استان سیستان و بلوچستان به وقوع

پیوسته است (خبرگزاری صداوسیما، هشتم بهمن ۱۳۹۹). بنا بر اعلام رئیس وقت ستاد مبارزه با قاچاق مواد مخدر، هزینه مستقیم و غیرمستقیم مبارزه با قاچاق مواد مخدر را می‌توان معادل با حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی دانست (گفتگوی اسکندر مؤمنی با خبرگزاری فارس ۱ ژوئن ۲۰۲۰). بدین ترتیب در یک اقتصاد سیاسی نارکوتیک دولت افزون بر هزینه‌های مالی، هزینه‌های جانی زیادی را نیز متحمل می‌شود. در مجموع، با توجه به ابعاد امنیت در نظریه امنیت پایدار، گسترش اقتصاد سیاسی مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان و سایر مناطق داخلی پیامدهای منفی متعددی از جمله قتل، آدم‌ربایی، سرقت داشته و توانسته به نوعی در کنار ایجاد خشونت، باعث ناپایداری امنیت و بی‌نظمی در استان و سایر شهرهای کشور (به‌ویژه شهرهای هم‌جوار) شود. بر مبنای تحلیل محتوایی اظهارات فرماندهان نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان درباره پیامدهای امنیتی مرتبط با مواد مخدر می‌توان فرایند چگونگی تأثیرگذاری اقتصاد سیاسی نارکوتیک بر امنیت پایدار را در قالب جدول ذیل ترسیم کرد:

جدول شماره چهار: پیامدهای امنیتی آشکار و پنهان اقتصاد سیاسی نارکوئیک در ایران

ملاحظات انتظامی	زیر طبقه
کشت مواد مخدر تولید صنعتی مواد مخدر	تولید مواد مخدر
ترانزیت مواد مخدر واردات مواد مخدر صادرات مواد مخدر خرده‌فروشی مواد مخدر	توزیع موارد مخدر
استفاده از مواد مخدر (افراد غیر معتاد) استفاده از مواد مخدر (افراد معتاد) اخفای مواد مخدر	سوء مصرف مواد مخدر
قتل عمد سرقت مسلحانه در جاده‌ها و منازل مسکونی آدم‌ربایی گروگان‌گیری	پیامدهای امنیتی مواد مخدر

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر اقتصاد سیاسی نارکوئیک بر امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان پرداخته شد. پژوهش نشان داد که بخش غیررسمی اقتصاد سیاسی استان مذکور به ویژه با در نظر گرفتن مرزهای این استان با دو کشور همسایه شرقی به صورت عمده در قالب قاچاق کالا، سوخت، انسان و به خصوص مواد مخدر قابل شناسایی است. مقاله بر این نکته تأکید کرد که اقتصاد سیاسی نارکوئیک بزرگ‌ترین بخش اقتصاد سیاسی غیررسمی استان را تشکیل می‌دهد و توانسته بر امنیت استان و کشور اثرات منفی بگذارد. هم‌جواری استان مذکور با دو کشور پاکستان و افغانستان (به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان) زمینه‌ای برای ورود حجم گسترده مواد مخدر به داخل مرزهای شرقی ایران شده که به نوبه خود پیامدهای منفی برای امنیت استان و سایر مناطق کشور از جمله شهرهای هم‌جوار به همراه داشته است. افزون بر این در کنار سودآوردن پدیده قاچاق، وجود زمینه‌های داخلی مانند بیکاری و وجود فقر (نبود امکانات رفاهی) و در قعر بودن شاخص‌های توسعه انسانی در این استان به ضعف اقتصاد سیاسی رسمی دامن زده است و گرایش به قاچاق مواد مخدر در بین بومیان استان را دوچندان کرده است تا جایی که امروزه می‌توان شاهد وجود بخش غیررسمی بزرگی مبتنی بر قاچاق مواد مخدر در اقتصاد سیاسی استان در کنار بخش رسمی آن بود. گسترده شدن اقتصاد سیاسی غیررسمی به ویژه مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان پیامدهای منفی متعدد امنیتی،

سیاسی و فرهنگی داشته است. در حوزه امنیتی قتل عمد، سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری و تلفات جانی و مالی برای جامعه و نیروی‌های نظامی و در نهایت تروریسم از مهم‌ترین پیامدهای امنیتی گسترش این اقتصاد سیاسی در استان مذکور هستند و در حوزه سیاسی پیامدهای مانند نافرمانی، تمایل به تجزیه‌طلبی، ایجاد حفره و شکاف بین دولت و مردم و در نهایت کاهش کنترل دولت در این منطقه را موجب شده است. همچنین، می‌توان تغییر باورهای فرهنگی و ایجاد هنجارهای اخلاقی نامناسب برای کارهای مولد مؤثر بر اقتصاد تا ایجاد اختلال در شاخص‌های ملموس امنیت ملی را پیامدهای فرهنگی این نوع اقتصاد سیاسی دانست. در مجموع این مقاله پژوهشی حامل این هشدار راهبردی است که رواج اقتصاد سیاسی نارکوئیک که خود در بیشتر موارد از فقر و ضعف اقتصاد سیاسی رسمی منبث می‌شود، دارای پیامدهای منفی امنیتی، سیاسی و فرهنگی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای کشور است. بر اساس، آموزه‌های نظریه امنیت پایدار می‌توان برای حل مسائل و مشکلات مختل‌کننده امنیت استان سیستان و بلوچستان بر این مهم تأکید کرد که انجام و افزایش هرگونه اقداماتی که از سوی دولت بتواند معطوف به ایجاد اشتغال متعارف و تأمین معیشت در این استان شود، می‌تواند با تقویت اقتصاد سیاسی رسمی موجب کاهش گرایش به سمت فعالیت‌های غیرقانونی قاچاق و به‌ویژه قاچاق مواد مخدر در اقتصاد سیاسی غیررسمی این استان شود. به‌بیان‌دیگر افزایش و تسریع در اجرای طرح‌های زیرساختی مناسب در زمینه‌های آموزش، بهداشت و درمان و حمل‌ونقل؛ تخصیص بودجه جهت برطرف کردن نیازهای آبی استان برای کشاورزان و انجام تمهیداتی جهت حمایت از دامداران برای تأمین نهاده‌ها و خرید تضمینی دام‌مازاد آن‌ها در کنار ایجاد صنایع تبدیلی و بازرچه‌های مرزی از جمله اقدامات زیربنایی و زیرساختی هستند که اجرایی شدن آن‌ها به ویژه در مناطق پرجمعیت‌تر افزون بر توانمندسازی شهروندان استان می‌تواند موجب تقویت اقتصاد سیاسی رسمی و در نتیجه بهره‌مندی از دستاوردهای امنیتی آن باشد.

منابع

- ایزدی، حسن و علی‌اکبر دبیری (۱۳۹۲). ارزیابی تروریسم در جنوب شرقی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، ۹۱-۱۲۶.
- افضل‌ی، رسول (۱۳۹۷). بررسی اقدامات مرزی در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، طرح تحقیقاتی، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری.
- بار، رمون (۱۳۷۵). اقتصاد سیاسی، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: سروش، چاپ دوم.
- جلالی، محمود، جعفر حیدر قلی‌زاده و مهدی مقیمی (۱۳۹۶). تروریسم مواد مخدری و رویکرد پیشگیرانه حقوقی جهانی و جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۴۴، ۱۲۵.
- چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار (تابستان ۱۴۰۱). دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.
- ربیعی، حسین و سید محمدعلی کفایی (۱۴۰۱). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران با روش تحلیل تناظر چندگانه، دو فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۹، شماره ۱، ۱۸۷-۲۰۲.
- زرقانی، سید هادی و مرتضی رضوی نژاد (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی: نمونه موردی: مرز خراسان رضوی با افغانستان، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، سال اول، شماره اول، ۱-۲۸.
- سالارزایی، امیر حمزه، شهرناز جهانگیری کوشاهی و حسین شوریایی (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های وقوع جرم آدم‌ربایی در استان سیستان و بلوچستان، نشریه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال هشتم، شماره ۴، ۳۱-۴۷.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان - بخش نیروی انسانی (۱۳۹۹). مرکز آمار ملی.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان - امور قضایی (۱۴۰۰). مرکز آمار ملی.
- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان - امور قضایی (۱۴۰۱). مرکز آمار ملی.
- سالنامه آماری کشور - بخش نیروی انسانی (۱۴۰۰). مرکز آمار ملی.
- سازمان بین‌المللی کار دفتر بین‌المللی کار (ژنو) (۲۰۱۴). گذر از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی اجلاس ۱۰۴ کنفرانس بین‌المللی کار، ترجمه مرجانه سلطانی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه.
- شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور آبان ۱۴۰۲ (۱۴۰۲). مرکز آمار ایران، چاپ اول.
- صالحیان، تاج‌الدین، مهدی پادروند و سجاد بهرامی‌مقدم (۱۳۹۹). نارکوتروریسم در آسیای مرکزی، تهدیدهای پیش رو و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه برای مقابله با آن، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره سیزده، شماره ۲، ۵۱۴ - ۴۹۱.
- طغرانتگار، حسن (۱۳۹۷). قاچاق مواد مخدر: نامشروعیت مواد مخدر یا نامشروعیت قاچاق مواد مخدر، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید پاییز و زمستان، شماره ۱۶، ۲۴۸-۲۲۳.

- عارفی مسکونی، محمد، علی نجفی توانا و باقر شاملو (۱۳۹۸). تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره ۳، ۱۲۳-۱۰۵.
- علایی، حسین (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۴۸-۱۱۹.
- قاسمی، محمد و محسن صفی‌پور (۱۳۹۲). بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب‌نظران، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، سال اول، شماره چهارم.
- گمشادزهی، حمید، محمد شریف حسین‌بر، عنایت‌الله بهرامی مقدم و فرزانه میرمراذزهی (۱۳۹۴). بررسی علل قتل‌های طایف‌های در استان سیستان و بلوچستان، همایش: کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و فناوری، دوره برگزاری: ۱).
- مرکز آمار ملی کل کشور - بخش جمعیت، ۱۳۹۹.
- مندل، ارنست (۱۳۸۶). *اقتصاد سیاسی*، ترجمه کمال خالق پناه، تهران: گل‌آذین.
- مهاجرانی، سید مجید، محمود جهان‌تیغ، مهدخت ذاکری، مجید علانی و فرنگیس بیات (۱۳۹۵). *اقتصاد قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته*، تهران: سخنکده، چاپ اول.
- نامداریان، سیده مه‌ری و رامین جانی پور رباطی (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین اعتیاد به مواد مخدر و ارتکاب جرم، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال بیستم، شماره ۷۷، ۲۱۳-۱۸۱.
- نظریان، علیرضا، مسعود مطلبی و محمد نبی سلیم (۱۳۹۸). تأثیر ترانزیت مواد مخدر از مرزهای شرقی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مرز افغانستان، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال دهم، شماره ۳۹، ۸۶-۵۹.
- ویسی، هادی و شهناز محمدی‌نژاد (۱۳۹۵). تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت اجتماعی استان کرمان، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۴۲، ۱۲۶-۱۰۷.
- هاشمی، سکینه و زهرا محمدی (۱۳۹۸). قاچاق مواد مخدر و خشونت‌های تروریستی در آسیای مرکزی، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۶، ۱۸۲، ۱۵۲.
- هنرجو، امین، حجت مهکویی، مهدی مؤمنی و امیر گندم‌کار (۱۴۰۰). تحلیلی بر اقدامات مرزی و ارائه الگوی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، سال نوزدهم، شماره یک، شماره پیاپی ۳۶، ۲۶۳-۲۹۱.
- یاوری بافقی، امیرحسین، جمشید صالحی صدقیانی و صدیقه السادات هاشمی (۱۳۸۹). تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال پنجم، شماره چهارم، ۶۰۷-۵۸۵.
-، خبرگزاری ایرنا، ۲۶ دی ۱۴۰۲، بیشترین کشفیات مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان / انهدام ۱۸ باند شرارت در نقطه صفر مرزی، قابل دسترسی به صورت بر خط: <https://www.ima.ir/news/85355545/%D8>

-، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۴ دی ۱۴۰۲، ۵۰۰ تن مواد مخدر از ابتدای امسال کشف شد/۷۰ درصد کشفیات در مرز پاکستان، قابل دسترسی به صورت بر خط:
<https://www.irna.ir/news/85332546/>
-، خبرگزاری ایرنا، ۲۵ اسفند ۱۴۰۲، قابل دسترسی به صورت بر خط:
<https://www.irna.ir/page/search.xhtml?dt=1402%2F12%2F30&q>
- ۸۰ هزار میلیارد تومان پول کثیف مواد مخدر در بازار، خبرگزاری ایرنا، ۱۱ آذر ۱۳۹۷،
<https://www.irna.ir/news/83119818/80->
-، خبرگزاری دنیای اقتصاد، ۴ تیر ۱۴۰۱، پرمصرف‌ترین مواد مخدر در ایران چیست؟
 قابل دسترسی به صورت بر خط: <https://donya-e-eqtasad.com/3876341/>
-، خبرگزاری ایسنا (۲۶ بهمن ۱۴۰۱)، شش استان دارای بالاترین نرخ شیوع اعتیاد بین دانش
 آموزان، قابل دسترسی به صورت بر خط: <https://www.isna.ir/news/98060402008/>
-، خبرگزاری آخرین خبر (۲۰ شهریور ۱۴۰۱)، کشف ۱۵۲ هزار لیتر سوخت قاچاق در
 سیستان و بلوچستان، قابل دسترسی به صورت بر خط: <https://akharinkhabar.ir/local/9277192>
- Abbott, Chris, Marsden, Sophie (2008). *Tigers & Dragons: Sustainable Security in Asia and Australasia*, Oxford Research Group.
- Abbott, Chris & Phipps, Thomas (2009). *Beyond Dependence and legacy: Sustainable Security in Sub-Saharan Africa*, Oxford Research Group.
- Abraham H. Miller & Nicholas A. Damask (1996). The dual myths of 'narco-terrorism': How myths drive policy, *Terrorism and Political Violence*, 8:1, 114-131
- Buxton, Julia (2006). *The political economy of narcotics: Production, consumption and global markets* Canada: Fernwood Publishing Ltd, 32 Oceanvista Lane.
- Björnehed, Emma (2004). *Narcho-Terrorism: The Merger of the War on Drugs and the War on Terror*, *Global Crime*.
- Braun, Michael (2008). *Drug Trafficking and Middle Eastern Terrorist Groups: A Growing Nexus?* Featuring, Policy Watch #1392: Special Forum Report, The Washington Institute for Near East Policy.
- Braun, Virginia & Clarke, Victoria (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brock, Hannah (2011). *Bridging The North- South Divide: Sustainable security for all*, Oxford Research Group: buiding bridges for global security.
- Buxton, Julia (2006). *The political economy of narcotics: Production, consumption and global markets* Canada: Fernwood Publishing Ltd, 32 Oceanvista Lane.
- Chambwera, Muyeye; James MacGregor, & Antonia Baker (2011). *The Informal Economy A primer for development professionals on the importance of the informal economy in developing countries*, International Institute for Environment and Development.
- Cantrell, Alvin D. (1992). *Drug and Terror: A Threat to U.S. National Security*, U.S. Army War College Carlisle Barracks, Pennsylvania 17013.
- Chandra, Yashasvi (2020). *Illicit Drug Trafficking and Financing of Terrorism The Case of Islamic State, Al Qaeda and their Affiliate Groups*, *Manohar Parrikar Institute for Defense Studies and Analyses Journal of Defense Studies*, Vol. 14, No. 1-2, pp. 69-91.
- Demombynes, Gabriel (2011). *Drug Trafficking and Violence in Central America and Beyond*. World Development Report 2011 Background Papers; *World Bank, Washington, DC*.

- K. Levy, Janson (2009). A Case for Sustainable Security Systems Engineering: Integrating National, Human, Energy and Environmental Security, *Journal of Systems Engineering Society of China*, 18(4): 385-402.
- Makarenko, Tamara (2004). The Crime-Terror Continuum: Tracing the Interplay between Transnational Organized Crime and Terrorism, *Global Crime*, 6:1, 129-145.
- Mayring, Philipp A.E. (2023). Qualitative content analysis, *International Encyclopedia of Education (Fourth Edition)*, Pp 314-322
- Navi, Alexander Joshua (2022). Uprooting the Source of Narcoterrorism: Detering, Preventing, and Punishing Precursor Chemical Diversion, *South western Journal of International Law*, Vol. XXVIII:1.
- Lupsha, Peter A. (1989). Towards an Etiology of Drug Trafficking and Insurgent Relations: The Phenomenon of Narco-Terrorism, *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 13:2, 61-75,
- Ehrenfeld, Rachel (1990), Narco-Terrorism, Basic Books, p.ix.
- Singh, Ningthoujam Koiremba, William Nunes (2013). Drug Trafficking and Narco-terrorism as Security Threats: A Study of India's North-east, *India Quarterly: A Journal of International Affairs*, 69: 65.
- United Nations Office on Drugs and Crime (2002). Illicit Drugs Situation in the Regions Neighbouring Afghanistan and the Response of ODC.
- Wardlaw, Grant (1989), Linkages Between the Illegal Drugs Traffic and Terrorism, *Conflict Quarterly*.
- Wolf, Sigfried o. (2020). Comment 196 – Pakistan's bigger plans of narco- terrorism, *South Asia Democratic Forum (SADF)*



انستیتو مطالعات استراتژیک
پژوهشگاه مطالعات استراتژیک

Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 12 February 2024
Accepted 22 April 2024
Published online 28 April 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 89-114



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Iran and the Balkans in the Post-Conflict Era (2008-2023)

Abouzar Fattahizadeh ¹, Seyed Mohammad Ardām ^{2*}

¹ Faculty member of Yasouj University, Political Science Group, Yasouj, Iran

² M.A. graduate in European Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: afattahizadeh@ut.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Fattahizadeh, A., & Ardām, S. M. (2024). Iran and the Balkans in the Post-Conflict Space (2008-2023). *Strategic Studies Quarterly*, 27(2), 89-114. doi: [10.22034/srq.2024.442888.4143](https://doi.org/10.22034/srq.2024.442888.4143)



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The quest for establishing and preserving peace has been a constant in human societies, giving rise to a multitude of theories and viewpoints. Among these, Norwegian peace researcher Johan Galtung introduced a novel perspective on the concept of peace in 1969, challenging the modern definitions. He argued that peace extends beyond the mere absence of war. Instead, it requires the eradication of all forms of violence and the establishment of enduring peace through the creation of new societal and political institutions, attitudes, and structures.

Galtung distinguished between two types of peace: negative and positive. Negative peace, he explained, is focused on preserving peace through diplomatic means. On the other hand, positive peace is about building non-exploitative social structures, irrespective of the likelihood of war. Thus, while negative peace is about upholding the status quo, positive peace aims toward the formation of new structures, which are the outcome of peaceful interactions among individuals and the management of their differences with due regard to the legitimate needs and interests of everyone involved in important matters.

Given the extensive body of Galtung's work and the wide range of his views, this paper attempts to answer the question, "What are the key elements of achieving positive peace in Galtung's thought?" Furthermore, we seek to develop a conceptual model that explores the potential intellectual foundations for achieving positive peace as perceived by other scholars.

Methodology

This study, devoid of any preconceived hypothesis, aims to uncover and elucidate a pattern of relationships among the conceptual elements that constitute positive peace in Galtung's thought. The research is qualitative, exploratory, and employs a descriptive-analytical approach. Initially, Galtung's works are examined in the context of positive peace using a document analysis method, which is part of a targeted descriptive study. Subsequently, an effort is made to pinpoint the crucial conceptual elements for achieving this kind of peace using an analogy method grounded in logical reasoning. Finally, a conceptual model is suggested by forming a logical linkage among these elements.

Result and discussion

The research findings show that Galtung, through his unique approach to peace, posits that the objective of peace is not merely to halt war, but also to unify human society by eradicating the roots of structural violence. In fact, he advocates for the development of harmonious and peaceful relationships that integrate the economy, identity, and various groups within society.

Within the context of Galtung's positive peace theory, social harmony cannot be achieved unless a country's domestic policies address the growing human needs. Without this, the international environment could also become more tense. Thus, by drawing parallels between peacemaking/peace stabilization and the health approaches in disease prevention and treatment, he divides the concept of peace into two types: positive and negative.

Galtung proposes at least two therapeutic interventions in the realm of peace: firstly, the remedial measures of negative peace aimed at eradicating violence, and secondly, the preventive measures of positive peace intended to avert the onset of violence. In this context, negative peace underscores the importance of diplomatic peacekeeping initiatives, while positive peace (even in the face of unlikely warfare) concentrates on fostering peace and creating non-exploitative societal structures.

Thus, the causes of war should not be solely attributed to the actions of individual or group decision-makers. Instead, the objectives of peace influence a multitude of issues that hinge on fulfilling basic human needs and enhancing the quality of life. In this regard, Galtung advances two topics in parallel. Firstly, he identifies four types of societal relationships - positive harmony, negative harmony, disharmony, and neutrality - and assesses the achievement of positive peace based on the outcomes of these relationships. Secondly, he examines the dynamics of violence and underscores the need to replace the "good" with the "evil".

In summary, this paper strives to draw logical connections among various themes in Galtung's pacifist thoughts. The concluding remarks suggest that the resolution of structural contradictions, such as exploitation, colonialism/imperialism, discrimination, and poverty, should go hand in hand with corrective efforts to transform violent structures. This transformation requires the collective participation of all society members to shape their own future and to institute political equality and economic justice. Ultimately, if these efforts lead to the establishment of positive harmony and foster a sense of unity within society, then the goal of achieving positive peace will be realized.

Keywords: Johan Galtung; Positive Peace; Structural Violence; Cultural Violence



دانشگاه تهران
پژوهش‌های مطالعات راهبردی

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۴۰۲
اصلاح‌شده در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۰۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۸۹-۱۱۴



شاپای چاپی: ۰۷۲۷-۱۷۳۵
شاپای الکترونیکی: X-۹۱۰۰-۲۹۸

ایران و بالکانی‌ها در فضای پسامنازعه (۲۰۲۳-۲۰۰۸)

ابوذر فتاحی‌زاده^{۱*}، سیدمحمد آردم^۲ ID

۱. استادیار علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
* ایمیل نویسنده مسئول: afattahizadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی/اصیل</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: فتاحی زاده، ابوذر، و آردم، سیدمحمد. (۱۴۰۳). ایران و بالکانی‌ها در فضای پسامنازعه (۲۰۲۳-۲۰۰۸). فصلنامه مطالعات راهبردی، (۲)۲۷، ۸۹-۱۱۴. doi: 10.22034/srq.2024.442888.4143</p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>ایران پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰م همواره تلاش کرده است از پیوندهای فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی برای حضور و کسب نفوذ در بالکان استفاده کند، اما با استقلال کوزوو و فروکش کردن نسبی بحران ۲۰۰ ساله، ماهیت فضای سیاسی در بالکان دگرگون شده است. تغییر در محیط سیاسی منطقه و ایجاد فضای کنشگری جدید باعث تغییر در محیط سیاسی داخلی بازیگران منطقه‌ای و همچنین تغییر در ترکیب و اولویت‌های بازیگران فرامنطقه‌ای حاضر در آن شده است. در این مقاله قصد داریم به این پرسش پاسخ دهیم که سیاست خارجی ایران در طول سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۳ با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در فضای کنشگری جدید در بالکان مواجه بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که ایران با توجه به گسترش ناتو و اتحادیه اروپا در میان بالکانی‌ها در فضای پسامنازعه نتوانسته است از ابزارهای نظامی و اقتصادی خویش برای افزایش نفوذ خود استفاده کند. از این‌رو با اتکا بر پیوندهای فرهنگی کوشیده است دیپلماسی فرهنگی خاصی را با راهبردهای استفاده از حضور مسلمانان در منطقه، افزایش نفوذ زبان فارسی و در مقطعی بهره‌گیری از سنت سلطه‌ستیزی چپ سیاسی در بالکان به اجرا بگذارد. این حضور و نفوذ نیز به نوبه خود مسبب شکل‌گیری تهدیدهای نوینی در بالکان علیه ایران شده است که از مهمترین آنها می‌توان به گسترش ناتو، استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا، رشد سلفی‌گرایی و استقرار مجاهدین خلق در این منطقه اشاره کرد. در اینجا با رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک، از مدل SWOT برای شناسایی و تحلیل این فرصت‌ها و چالش‌ها استفاده شده است.</p> <p>کلیدواژگان: ایران، بالکان، سیاست خارجی، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدل SWOT</p>

مقدمه

در سیاست بین‌الملل، دولت‌ها همواره به دنبال افزایش نفوذ در سایر کشورها و مناطق هستند. ضرورت ایجاد توازن قوا میان دولت با دول متخاصم یا رقیب مسبب پیدایش چنین گرایشی در میان دولت‌ها در عصر نظام دولت‌های ملی بوده است. بنابراین دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند برای غلبه بر تهدیدات ناشی از آرایش نیروها و ائتلاف‌های بین‌المللی دول متخاصم، نیروهای موازنه‌بخشی در پیرامون خود بیابند. با این حال گاهی دولت نمی‌تواند این نیروهای موازنه‌بخش را در همسایگی قلمرو سرزمینی خود پیدا کند. از این رو به دنبال موازنه‌گری در ورای منطقه خویش می‌گردند تا با تغییر دادن زمین بازی، از حجم فشارها بر خود بکاهند.

توجه فزاینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دول غیرهمسایه و همچنین دولت‌های خارج از منطقه خاورمیانه را می‌توان در قالب این منطق فهم کرد. رقبا و متخاصمین منطقه‌ای در طول چهار دهه گذشته فشارهای کمرشکنی را به ایران وارد کرده‌اند؛ فشارهایی که در یک مورد به جنگ تحمیلی هشت‌ساله‌ای انجامید و در موردی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی گسترده‌ای را متوجه ایران کرد. دستگاه سیاست خارجی ایران از همان سال‌های اول پس از انقلاب در پاسخ به این فشارها و برای کاستن از آنها سعی کرده است با یافتن مؤتلفانی در آسیای مقدم، شمال آفریقا، شبه‌جزیره عربستان، آمریکای جنوبی و در یک دهه گذشته منطقه غرب آفریقا، توجه رقبا از مرزهای خود را به سوی این مناطق و منافعی که در آنجا دارند جلب کند. اروپای جنوب شرقی یا همان منطقه بالکان^۱ یکی از آماج این سیاست در این مدت بوده است.

شبه‌جزیره بالکان با حدود ۵۰۵۰۰۰ کیلومترمربع مساحت در جنوب شرقی اروپا واقع شده است. بیشترین طول آن از مشرق به مغرب ۱۲۶۰ کیلومتر و بیشترین عرض آن از شمال به جنوب ۹۵۰ کیلومتر است. از مغرب به دریای آدریاتیک و دریای یونان و از مشرق به دریای سیاه و دریای مرمره و تنگه‌های بوسفور و داردانل و دریای اژه محدود است. مرز قراردادی آن در اروپا رود دانوب تا دهانه رود ساوا و سپس خطی است که به بالای خلیج

^۱. ناگفته نماند که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ و با آغاز جنگ در بالکان، برخی سعی کردند که برای به فراموشی سپردن تروماهای تاریخی هم‌پیوند با نام بالکان، به جای این اصطلاح از اصطلاح منطقه اروپای جنوب شرقی (South East Europe) استفاده کنند.

تریست می‌رسد. بلغارستان، [دولت‌های جانشین] یوگسلاوی [سابق]، آلبانی، یونان، نواحی جنوب رومانی، مناطق غربی ترکیه و بخش کوچکی از ناحیه شمال شرقی ایتالیا در شبه جزیره بالکان واقع‌اند (اینالچق، ۱۳۷۷: ۳۷). این منطقه از نظر سیاسی کشورهای آلبانی، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، یونان، کوزوو، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، رومانی، صربستان و اسلوانی را در برمی‌گیرد؛ تا جایی که این کشورها به بالکانی‌ها^۱ مشهور هستند (Allcock & et al., 2021). این یازده کشور نزدیک به ۶۰ میلیون نفر جمعیت دارند و تنها ۸/۳ درصد از جمعیت اروپا در آنها ساکن هستند (World Population Review, 2023). با این حال، تنوع اقوام و ملت‌ها، موقعیت جغرافیایی و تنوع فرهنگی در این منطقه باعث شده که از نیمه دوم قرن نوزدهم، بالکان جایگاه مهمی در معادلات ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل پیدا کند.

بالکان به سبب موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای که از قرن نوزدهم میلادی پیدا کرده، همواره محل مناقشه و درگیری‌های نیابتی میان قدرت‌های بزرگ بوده است. اعلام اصلاحات سلطان عبدالمجید را می‌توان نقطه شروع این مناقشه دوسده‌ای دانست. در سال ۱۸۳۹، سلطان عثمانی که پیش‌تر یونان را از کف داده بود، منشوری صادر کرد که به همه طبقات تابع امپراتوری حق برابری در مقابل قانون می‌داد. این منشور آتش ملی‌گرایی را که پیش‌تر با انقلاب فرانسه و همچنین متأثر از ملی‌گرایی ایتالیایی و استقلال یونان جرقه آن زده شده بود شعله‌ور ساخت و به استقلال صربستان، رومانیایی‌های مولداوی و والاکیا انجامید (تامسن، ۱۳۹۹: ۳۰۳-۳۰۴). در نیمه دوم قرن نوزدهم، صرب‌ها، رومانیایی‌ها و یونانی‌ها سرمشقی برای بلغارها، مردمان جان‌سخت و کوه‌نشین مونته‌نگرو و سایر ملت‌های بالکان شدند و شورش‌های دهه‌های ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰م. را پدید آوردند (تامسن، ۱۳۹۹: ۴۹۴-۴۸۹). این خیزش‌های ملی‌گرایانه باعث شکل‌گیری بحرانی در سیاست اروپایی شد که در تاریخ به مسئله شرق معروف است؛ مسئله‌ای که از سال ۱۸۷۵م. تا ۱۹۱۴م. به طول انجامید و دلیل اصلی شروع جنگ جهانی اول شد (تامسن، ۱۳۹۹: ۷۰۶-۶۶۷). این بحران اما در اینجا متوقف نماند و پس از فروپاشی یوگسلاوی، باقیمانده ملت‌های بدون دولت تلاش کردند دولت ملی

۱. Balkans: این یازده کشور یا به عبارتی بالکانی‌ها تنها بخشی از کشورهای واقع در شبه‌جزیره بالکان هستند. پژوهش حاضر صرفاً به این گروه از کشورها می‌پردازد.

خود را داشته باشند و بحران دوباره سرباز کرد. جنگ‌های یوگسلاو^۱ آخرین مرحله این بحران تقریباً دو سده‌ای بودند. در تمامی این ادوار، هر یک از قدرت‌های بزرگ بالکان را تبدیل به جولانگاهی برای اعمال نفوذ و نمایش قدرت خود ساختند و با حمایت از یک یا چند حرکت ملی‌گرایانه بر آتش ناآرامی‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در بالکان دمیدند.

حرکت‌های ملی‌گرایانه ملت‌های مسلمان منطقه یعنی آلبانیایی‌ها و بوشنیاک‌ها در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰م. زمینه‌ای برای حضور جمهوری اسلامی ایران در بالکان فراهم آوردند. در تمامی این سال‌ها، ایران با عنایت به همبستگی‌های فرهنگی و دینی با محدود ملت‌های مسلمان بالکان کوشید با حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی از این حرکت‌ها از نسل‌کشی و قتل عام بیشتر این مردمان جلوگیری و خود را به عنوان یکی از بازیگران جدید در بالکان مطرح کند. پس از استقلال کوزوو در سال ۲۰۰۸م، آخرین مناقشات خشونت‌آمیز ملی‌گرایانه نیز در عمل پایان یافتند و شرایط سیاسی و اقتصادی در بالکان به صورت چشمگیری تغییر یافت. این تغییر چشمگیر ایران را با محیط جدیدی مواجه ساخت که با راهبردهای پیشین نمی‌شد در آن اعمال نفوذ کرد و نمایش قدرت داشت. از سوی دیگر نیز در این محیط جدید، بازیگران جدیدی نیز فرصت عرض اندام یافته‌اند؛ بازیگرانی که تعدادی از آنها در زمره دولت‌های متخاصم با ایران دسته‌بندی می‌شوند. از این رو ایران ناگزیر از بازاندیشی در فرصت‌ها و چالش‌های خود در بالکان است. در این مقاله قصد داریم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که سیاست خارجی ایران در طول سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۳ با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در منطقه بالکان مواجه بوده است. از کدامیک از این فرصت‌ها استفاده کرده و برای مقابله با هر یک از این چالش‌ها و تهدیدها چه سیاست‌هایی در پیش گرفته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نخست سعی خواهیم کرد در قالب حوزه مطالعاتی برنامه‌ریزی استراتژیک^۲، چارچوبی نظری برای بررسی و شناسایی این فرصت‌ها و چالش‌ها فراهم آوریم. سپس براساس این چارچوب نظری، وضعیت کنونی ایران در بالکان را از نظر نقاط قوت و

۱. Yugoslav Wars: به جنگ‌های اطلاق می‌شود که میان اقوام ساکن در یوگسلاوی در جریان فروپاشی این کشور از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۱م به وقوع پیوستند و کشورهای جدیدی از دل آنها سربرآوردند. جنگ ۱۰ روزه استقلال اسلونی (۱۹۹۱م)، جنگ استقلال کروواسی (۱۹۹۵م-۱۹۹۱م)، جنگ بوسنی (۱۹۹۵م-۱۹۹۲م)، جنگ کوزوو (۱۹۹۸-۱۹۹۹م)، قیام دره‌ی پریشوو (Preševo) (۲۰۰۱-۱۹۹۹م) و قیام در جمهوری مقدونیه (۲۰۰۱م) مهمترین این مناقشات بودند.

۲. Strategic planning

نقاط ضعف آن بررسی کنیم. آن‌گاه در ادامه، فرصت‌ها و تهدیدهای برآمده از این نقاط ضعف و قوت را شناسایی و بازگو خواهیم کرد.

الف) چارچوب نظری

دولت‌ها همواره به دنبال افزایش سطح توانایی‌های خود در حوزه‌های موضوعی مختلف هستند، با این نیت که سطح نسبی قدرت خود را در قیاس با سایر دولت‌ها به حدی افزایش دهند که دست‌کم قادر به پاسخگویی به تهدیدات آنها شوند یا در حالت بیشینه، آنها را وادار به همراهی با نیت خود کنند. از این‌رو در گام نخست سعی می‌کنند توانایی‌های موجود خود را ارزیابی نمایند و در گام بعد با تدوین سیاست‌هایی بر میزان این توانایی‌ها بیفزایند. این رویه رایج مسبب توجه عمیق و دائمی است که دولت‌ها از دهه‌ی ۱۹۶۰ به برنامه‌ریزی‌های استراتژیک در سیاست خارجی خود دارند. البته ناگفته نماند که مفهوم برنامه‌ریزی استراتژیک در اینجا عام‌تر از مفهوم رویکرد استراتژیک^۱ است؛ چرا که به تعبیر مورگنتا، اهداف غایی و همچنین اهداف خاص سیاست خارجی دولت‌ها می‌توانند متفاوت باشند و بنا به این تمایز در برنامه‌ریزی برای سیاست خارجی، برای کسب منافع ملی لزوماً نگاه خود را محدود به توانایی‌های نظامی نمی‌کنند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۵). بنابراین نمی‌توان خود را به رویکرد نظامی حوزه مطالعات استراتژیک^۲ محدود ساخت. حال آنکه به‌رغم اهمیت موضوع، تاکنون چارچوب و مدل‌های منسجمی برای بررسی برنامه‌ریزی استراتژیک دولت در سیاستگذاری خارجی تدوین نشده است. به نظر می‌رسد که حوزه مطالعاتی برنامه‌ریزی استراتژیک در دانش مدیریت سازمانی و برخی از مدل‌های آن، این ظرفیت را دارند که از آنها برای تحلیل سیاست خارجی استفاده کرد.

مفهوم برنامه‌ریزی استراتژیک در دهه ۱۹۵۰ در حوزه مدیریت کسب‌وکارها مطرح و از نیمه دهه ۱۹۶۰ تا نیمه دهه ۱۹۷۰ تبدیل به رویکردی محبوب شد. برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است که در آن یک سازمان به تعریف استراتژی یا جهت‌گیری خود می‌پردازد و تصمیماتی برای اختصاص منابع خود برای تعقیب این استراتژی یا جهت‌گیری اتخاذ می‌کند. برنامه‌ریزی استراتژیک همچنین نوعی فعالیت مدیریتی تعریف شده است که اولویت‌ها را مشخص می‌کند،

^۱ رویکرد استراتژیک یا Strategic approach مفهومی است که ریچارد هاوارد در میانه‌ی دهه ۱۹۷۰ برای پرداختن نظام‌مند به چگونگی استفاده از نیروی نظامی در روابط بین‌الملل به کار گرفت. روشن است که این مفهوم، سویه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سیاستگذاری خارجی را پوشش نمی‌دهد (نک: Howard, 1976).

^۲ Strategic studies

انرژی و منابع را تجمیع می‌نماید، ظرفیت عملیات‌ها را تقویت می‌کند، به ذی‌نفعان و کارگزاران اهداف مشترکی می‌بخشد و سازمان را برای تغییر در جهت‌گیری خود در محیط متغیر آماده می‌سازد (David, 2011; Dyer & et al., 2017; Kabeyi, 2019). جانسون و شولز معتقد هستند که «برنامه‌ریزی استراتژیک کمک می‌کند که جهت‌گیری و دامنه عمل یک سازمان در دوره‌ای بلندمدت را تعیین کرد؛ منابع محدود آن را با محیط در حال تغییرش منطبق ساخت... تا به انتظارات ذی‌نفعانش پاسخ دهد» (Johnson & Scholes, 1993: 6). به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی استراتژیک به سیاستگذار کمک می‌کند که در گام نخست توانایی‌های سازمان متبوع خویش را ارزیابی کند و در گام بعد با شناختی که از این توانایی‌ها به دست آورده است، سازمان را با تغییر در اوضاع و احوال سازگار سازد و بقای سازمان را تضمین کند.

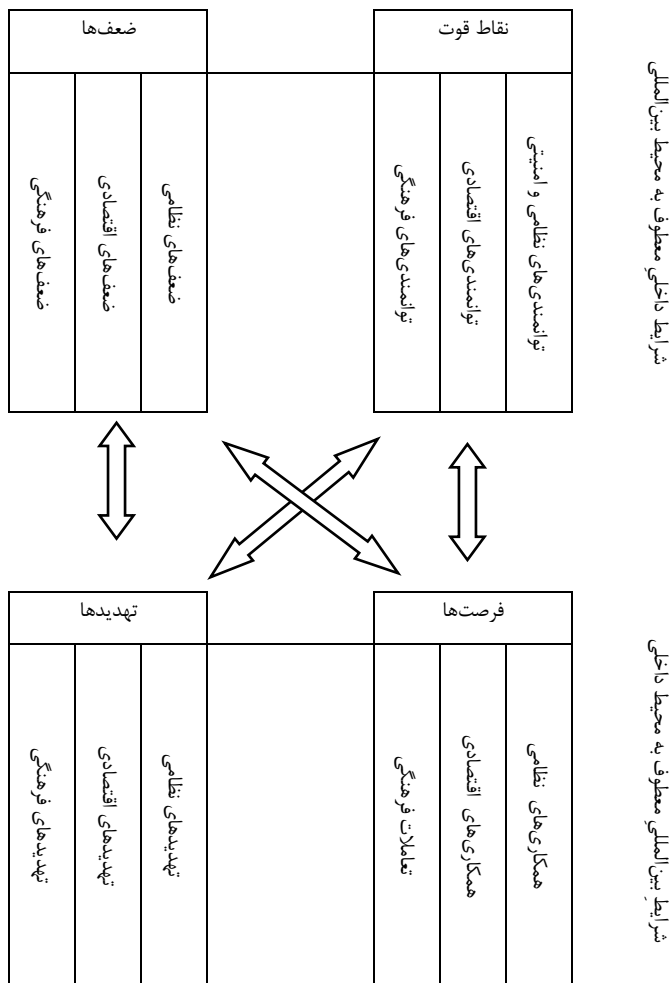
دولت به عنوان بزرگترین سازمان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همواره در قلمرو سیاست بین‌الملل با چنین نگاهی به سیاستگذاری می‌پردازد. نخست منافع ملی خود را تعریف می‌کند. سپس با توجه به شرایط محیطی، استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای را برای نیل به این منافع تدوین می‌نماید. در ادامه به ارزیابی منابع و شیوه تخصیص آنها برای تحقق نهایی استراتژی‌ها می‌پردازد و در نهایت از کارگزاران سیاست خارجی می‌خواهد که با این تخصیص منابع به کنشگری در محیط بین‌الملل دست بزنند. اگر در شرایط محیطی تغییری صورت پذیرد، دولت مجبور است این چرخه را از نو تکرار کند. به تعبیر سیستماتیک، دولت بازخوردهای^۱ محیط را دریافت می‌کند و متناسب با آنها، کنشگری خویش را بازآرایی می‌کند. نکته اینجاست که برخلاف مفروضات رویکرد استراتژیک، تمامی این روندها و برآوردها صرفاً در حوزه نظامی اتفاق نمی‌افتند، بلکه سیاستگذار خارجی همزمان به حوزه‌های موضوعی دیگر یعنی اقتصاد و فرهنگ نیز نظر دارد. به عبارت دیگر دولت مدام درگیر برنامه‌ریزی استراتژیک در حوزه‌های موضوعی مختلف است و می‌کوشد در کنار محاسبات عقلایی نگاهی استراتژیک به هنجارها، ایده‌ها و جهان‌بینی‌ها نیز داشته باشد. این همان نکته‌ای است که تئودور بیرد^۲ از آن به سازه‌انگاری استراتژیک^۳ تعبیر می‌کند (Baird, 2018: 120). به نظر می‌رسد که با انطباق مدل SWOT در مطالعات برنامه‌ریزی

1. feedbacks

2. Theodore Baird

3. Strategic constructivism

استراتژیک با تحلیل سیاستگذاری خارجی^۱ می‌شود نگاهی استراتژیک و چندجانبه به توانایی‌ها و در عین حال شرایط محیطی دولت در عرصه سیاست خارجی داشت.



شکل ۱: ماتریس SWOT برای برنامه‌ریزی استراتژیک دولت در سیاستگذاری خارجی (منبع: نگارندگان)

^۱ Foreign Policy Analysis (FPA)

در مدل SWOT نخست نقاط قوت سازمان شناسایی می‌شوند و براساس این نقاط قوت، فرصت‌های کنشگری بیشینه‌ساز سازمان در محیط شناسایی می‌گردند. سپس نقاط ضعف سازمان فهرست می‌شوند تا پیش‌بینی شود که محیط با استعانت از چه عواملی قادر است بقای سازمان را به خطر اندازد. بنابراین رابطه مستقیمی میان دو گروه از خصیصه‌های داخلی سازمان یعنی نقاط قوت و نقاط ضعف آن با فرصت‌ها و تهدیدهای سازمان در محیط خارجی آن وجود دارد (نک: Gasparini, 2010: 2-11; Sarsby, 2016). منطق این مدل را می‌توان به سیاستگذاری خارجی دولت در ارتباط با یک دولت دیگر، یک سازمان بین‌المللی یا یک منطقه بسط داد. به این صورت که دولت سعی می‌کند توانمندی‌ها و ضعف‌های نظامی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خود در محیط تعاملی با کنشگر مقابل را ارزیابی کند تا هم فرصت‌های پیش‌رو را بهتر بشناسد و هم اجازه ندهد محیط تعاملی - که به قصد انتفاع بدان پا گذاشته است - تبدیل به تهدیدی برای بقای آن شود. علاوه بر این، دولت در فرایند تعامل دیپلماتیک می‌کوشد از فرصت‌های پیش‌رو برای مرتفع‌ساختن ضعف‌های داخلی خود نهایت بهره‌برداری را به عمل آورد و با اتکالی بر توانمندی‌های داخلی خویش، تهدیدهای ناشی از فرایند تعامل دیپلماتیک را خنثی کند. در شکل ۱ کوشیده‌ایم مدل SWOT را متناسب با شاخص‌ها و همبستگی‌های مفروض در حوزه تحلیل سیاستگذاری خارجی دولت بازتعریف کنیم.

براساس این مدل، برای تحلیل سیاست خارجی ایران در محیط جدیدی که از سال ۲۰۰۸ در بالکان پدید آمده است، ابتدا باید نقاط قوت و نقاط ضعف درونی این کشور در محیط تعاملی مذکور با سایر دولت‌های کنشگر در این محیط ارزیابی شوند؛ سپس فرصت‌ها و تهدیدهای برآمده از این میدان دیپلماتیک فهرست شوند. در آخر نیز بررسی شود که چگونه ایران در بالکان از فرصت‌های بین‌المللی ایجادشده برای از میان برداشتن ضعف‌های داخلی خود استفاده کرده و چگونه با اتکالی بر توانمندی‌های خود به تهدیدهای برآمده از این منطقه پاسخ داده است؟

ب) نقاط قوت و ضعف ایران در محیط تعاملی با بالکان

۱. **نظامی:** هر قدرت منطقه‌ای برای به‌کارگیری نیروی نظامی در خارج از منطقه نفوذ سنتی خود با مقدرات و محذوراتی مواجه است. ایران نیز به مثابه یک قدرت منطقه‌ای نظامی در استفاده از توانمندی‌های نظامی خود در خارج از خاورمیانه از جمله در منطقه بالکان با محدودیت‌هایی مواجه است و البته توانمندی‌های خاصی نیز دارد. ایران در چهار دهه گذشته تلاش کرده است با نقش‌آفرینی در مناطقی چون آفریقا و آمریکای جنوبی از حجم فشارهای

همسایگان و قدرت‌های بزرگ بر خود بکاهد. از این رو حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش در مناطق نفوذ قدرت‌های بزرگ و نیز در مجاورت همسایگان معارض را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. تجارب ۴۰ سال گذشته به ایران این امکان را می‌دهد که از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه بالکان حمایت کند. آموزش، مشاوره و پشتیبانی در جنگ‌های نامتقارن مهم‌ترین توانمندی ایران در این زمینه هستند (Wehrey & et al., 2009: 46)؛ توانمندی‌هایی که با حضور در جنگ‌های سوریه و یمن تقویت شده‌اند (Defence Intelligence Agency, 2019: 33). افزون بر این، توانمندی‌های ایران در حوزه ساخت جنگ‌افزارهایی که گروه‌های شبه‌نظامی و دولت‌ها به آسانی می‌توانند به آنها دسترسی پیدا و از آنها استفاده کنند این سال‌ها رشد چشمگیری داشته‌اند. از یک سو ایران در حال تبدیل شدن به یکی از تأمین‌کنندگان تسلیحات سبک در خاورمیانه است. از سوی دیگر توسعه صنایع موشکی نه تنها به خودکفایی دفاعی نسبی ایران انجامیده، بلکه این کشور را به یکی از تأمین‌کنندگان تسلیحات موشکی در جنگ‌های کنونی در خاورمیانه تبدیل کرده است (نک: SIPRI Defence Intelligence Agency, 2019: 44 Database). حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن با در اختیار گرفتن موشک‌های ایرانی توانسته‌اند عدم تقارن نظامی خود با اسرائیل و عربستان سعودی را کمتر کنند. همچنین صنایع پهپادی ایران رشد خیره‌کننده‌ای داشته‌اند و این کشور را به یکی از تولیدکنندگان پهپادهای نظامی ارزان قیمت تبدیل کرده‌اند (Rubin, 2020)؛ کما اینکه جنگ اوکراین شاهد اولین عرض‌انداز ایران در این حوزه در خارج از خاورمیانه بوده است. در کنار این توانمندی‌ها، ایران برای نفوذ نظامی در بالکان با محدودیت‌های مهمی نیز مواجه است که توانمندی‌های اعمال نفوذ آن را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. نخست اینکه به دلیل فاصله جغرافیایی با بالکان قادر نیست همچون قدرت‌های بزرگ به مداخله نظامی مستقیم در بالکان بپردازد. افزون بر این، بالکان در قلب قلمرو جغرافیایی ناتو واقع شده و این موقعیت حضور نظامی مستقیم ایران در آنجا را تقریباً ناممکن ساخته است. از این رو قدرت‌های بزرگ غربی همواره نسبت به تلاش‌های پراکنده ایران برای افزایش نفوذ نظامی در بالکان حساسیت نشان داده‌اند. این حساسیت تا حدی بوده است که ماده سه موافقتنامه دیتون برای اخراج نیروهای ایرانی از خاک بوسنی در این موافقتنامه گنجانده شد (نک: UN Peacemaker, 2024). این حساسیت محدود به این کشورها نمی‌شود. روسیه نیز که از قرن نوزدهم تحولات بالکان را به عنوان منطقه مردمان اسلاو با حساسیت ویژه‌ای دنبال می‌کند، مانع این اعمال نفوذ شده یا خواهد شد. ترکیه هم براساس گفتمان نوع‌نمایی‌گرایی خود خواهان

گسترش در بالکان است (Koppa, 2021) و به همین دلیل رقبای جدید در این منطقه را بر نمی‌تابد.

۲. اقتصادی: ایران دست‌کم در هشت حوزه می‌تواند روابط خود با کشورهای بالکان را توسعه دهد. حوزه اول توانمندی‌های ایران در زمینه تأمین انرژی است. ایران جزو ۲۰ صادرکننده بزرگ نفت خام و دومین کشور دارنده بیشترین حجم ذخایر گاز طبیعی در دنیا است. کشورهای حوزه بالکان نیز به جز رومانی از جمله کشورهایی هستند که منابع فسیلی اندکی در اختیار دارند و از این رو به واردات نفت و گاز و فرآورده‌های آنها وابسته هستند (OPEC Database, 2023; World Bank Database, 2023). افزون بر این، بالکان در سال‌های گذشته یکی از مقصدهای کالاهای نفتی چون محصولات پتروشیمی و میعانات گازی بوده است (داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲). حوزه دوم توانمندی ایران در زمینه زیرساختی است. شرکت‌های ایرانی در چند دهه گذشته توانسته‌اند تجارب خوبی در زمینه ساخت سد، ساختمان، راه، تونل و سایر زیرساخت‌ها کسب کنند. این شرکت‌ها از توانمندی‌های خود در کشورهای همسایه‌ای چون ارمنستان، عراق و افغانستان استفاده کرده‌اند و حتی دامنه فعالیت‌های خود را به کشورهای دوردستی چون ونزوئلا گسترش داده‌اند. قاعدتاً این شرکت‌ها می‌توانند به کشورهای حوزه بالکان در زمینه ساخت زیرساخت‌های شهری و روستایی کمک کنند. افزون بر این، ایران در زمینه کشاورزی و محصولات غذایی نیز نسبت به کشورهای بالکان دارای مزیت‌های نسبی بسیاری است و می‌تواند محصولات گرمسیری یا وابسته به مناطق خشک چون انار، زرشک، کشمش، کیوی، رب گوجه فرنگی، گوشت ماکیان (قرقاول و بلدرچین)، زعفران، انجیر، دام زنده، بادام‌زمینی، لوبیا چیتی، گلاب، میوه خشک، گیاهان دارویی، خرما، مرکبات و پسته را روانه بازارهای این منطقه کند (نک: شجری، حسنی و صلاح، ۱۴۰۰: ۲۸۶؛ داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲). حوزه چهارمی که می‌توان برای همکاری‌های دوجانبه متصور شد، گردشگری است. هر ساله ایرانیان بسیاری برای گردش راهی اروپای غربی و جنوب شرق آسیا می‌شوند و کشورهای حوزه بالکان در زمره مقاصد عمده آنها نیستند. با هدایت بخشی از تحرک اجتماعی در این زمینه به سمت بالکان نه تنها پیوندهای فرهنگی تقویت می‌شوند، بلکه گردشگران فرصت‌های تجاری جدیدی برای توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه پیدا می‌کنند. علاوه بر این، ایران به صورت متقابل تبدیل به یکی از مقاصد گردشگری مردمان بالکان خواهد شد. حوزه پنجم سرمایه‌گذاری است. عواملی چون چشم‌انداز روشن عضویت در اتحادیه اروپا، ثبات اقتصاد کلان، موقعیت استراتژیک، مالیات اندک، نیروی کار ارزان، تنوع اقتصادی و نیروی انسانی آموزش‌دیده،

کشورهای بالکان را به مکانی جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل کرده‌اند (European Bank for Reconstruction and Development, 2023). داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸، جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای کرواسی و صربستان بیش از دو برابر، به رومانی بیش از سه برابر و در اسلوانی بیشتر از سیزده برابر شده‌اند؛ تا آنجا که حجم این سرمایه‌گذاری‌ها از حجم تولید ناخالص داخلی خود آنها پیشی گرفته است (Maček & et al., 2021: 1017). خود این کشورها نیز مشوق‌های گسترده‌ای را برای جذب سرمایه‌های خارجی در نظر گرفته‌اند. به عنوان نمونه، یارانه‌های سخاوتمندانه‌ای که مقدونیه شمالی، صربستان و تا حد کمتری بوسنی و هرزگوین برای تحقق این امر در نظر گرفته‌اند، باعث شده است جریان فزاینده‌ای از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روانه این کشورها شود؛ جریانی که باعث توسعه صنایع تولیدی به‌ویژه صنایع ماشین‌سازی و تجهیزات حمل‌ونقل در سال‌های اخیر شده است (Krasniqi & et al., 2022: 3). خدمات مالی و بانکی ششمین حوزه‌ای است که ایران می‌تواند در آن به همکاری با کشورهای بالکان و سرمایه‌گذاری در آنجا بپردازد. به عنوان نمونه، ۸۰ درصد از دارایی‌های سیستم بانکی رومانی در اختیار بانک‌های خارجی است. بانک‌های اتریشی و شرکت‌های تابعه بانک‌های یونانی به ترتیب با در اختیار داشتن ۳۸ و ۱۴ درصد از این دارایی‌ها، بیشترین کنترل را بر نظام بانکی این کشور دارند (Hafizi & Bushi, 2014: 348). تعاملات تکنولوژیک هفتمین حوزه‌ای است که برای همکاری ایران با کشورهای بالکان می‌توان متصور شد. براساس گزارش‌های بانک جهانی و گزارش‌های ملی، این کشورها در حوزه‌های تکنولوژی‌های اطلاعاتی، انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت آب و محیط زیست، تولید نوآورانه، سلامت و زیرساخت به شدت به انتقال فناوری از خارج از مرزهایشان نیاز دارند (برای نمونه نک: World Bank, 2018; World Bank, 2019). آخرین و مهم‌ترین حوزه همکاری‌های دوجانبه‌ای که می‌توان تصور کرد، مشارکت دادن این کشورها در کریدورهای تجاری است که ایران برای اتصال مسیرهای تجاری شرق به غرب محتمل است در نظر داشته باشد. به‌رغم همه این توانمندی‌ها، ایران برای تعامل اقتصادی در محیط بالکان از چند ضعف عمده در رنج است که بسیاری را برای گسترش این تعاملات ایجاد می‌کنند. تحریم‌های نفتی و تحریم سیستم بانکی و سرمایه‌گذاری مهمترین موانع مشارکت اقتصادی ایران در بالکان هستند. دوم اینکه ایران در بالکان با رقبای اقتصادی بزرگی مواجه است. اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه مهمترین این رقبای هستند. ترکیه و یونان نیز به عنوان تأمین‌کنندگان اقتصادی عمده منطقه‌ای در بالکان به فعالیت مشغول‌اند. سوم اینکه پس از خروج ایران از بوسنی در دهه ۱۹۹۰ براساس توافقنامه دیتون،

تبلیغات گسترده‌ای علیه حضور ایران در بالکان به راه افتاد؛ تبلیغاتی که به گونه‌ای ایران‌هراسی در برخی از کشورهای منطقه همچون مقدونیه شمالی را منجر شده و همین امر نیز مانع بزرگی برای گسترش روابط اقتصادی با آنها است (نک: بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، سخنرانی ۲۷ اسفند ۱۳۸۳). البته ناگفته نماند که عکس این قضیه در برخی کشورهای منطقه نیز صادق است. در مناطق صرب‌نشین به دلیل رویکرد ضدآمریکایی‌اش و در مناطق مسلمان‌نشین نیز به سبب حمایت تاریخی از بوشنیاک‌ها و تا حد کمتری آلبانیایی‌تبارها، به ایران نگاه نسبتاً مثبتی وجود دارد.

۳. فرهنگی: توانمندی‌های فرهنگی ایران در محیط تعاملی بالکان را می‌توان در چهار حوزه دسته‌بندی کرد. اول اینکه بخش زیادی از جمعیت مردمان کشورهای بالکان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. از جمعیت ۶۰ میلیون نفری یازده کشور مورد مطالعه، ۹۰۳۶۰۰۰ نفر یا بیش از ۱۵ درصد مسلمان هستند. مسلمانان در کشورهای آلبانی، بوسنی و کوزوو به ترتیب با ۷۰، ۴۱ و ۹۱ درصد از کل جمعیت در اکثریت قرار دارند و در جمهوری مقدونیه با ۳۴ درصد از کل جمعیت این کشور در رقابت با اکثریت ۴۶ درصدی مسیحیان ارتدوکس هستند. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که مسلمانان در آلبانی، بوسنی، کوزوو و مقدونیه در سال ۲۰۳۰ به ترتیب بیش از ۸۳، ۴۲، ۹۳ و ۴۰ درصد از کل جمعیت این کشورها را تشکیل خواهند داد (World Population Review, 2023؛ داده‌های جمع‌آوری و سازماندهی شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲). دین عامل پیوندهای این گروه از جمعیت کشورهای یادشده با ایران از دهه ۱۹۹۰ بوده است. این پیوندهای دینی خود را در مشارکت مسلمانان منطقه در رویدادهای فرهنگی مشترک یا رویدادهای فرهنگی که ایران بانی برگزاری آنهاست، نشان می‌دهد. به عنوان مثال همواره قاریانی از بالکان در مسابقات قرآنی که ایران برگزار می‌کند، شرکت می‌کنند، یا در سطح کلان، کشورهای آلبانی و بوسنی به ترتیب اعضای کامل و ناظر در سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی هستند. دوم اینکه پیوندهای تاریخی مشترکی میان کشورهای حوزه بالکان به‌ویژه بخش جنوبی آن که فرهنگی متأثر از یونان دارند با ایران وجود داشته است. ادبیات فارسی گواه وجود چنین پیوندهایی در ادوار مختلف تاریخی است. سوم اینکه بنا به این پیوندهای مذهبی و تاریخی، از قرن بیستم میلادی علاقه خاصی به زبان فارسی در میان بخشی از مردمان بالکان شکل گرفته است (شادآرام، ۱۳۹۵). چهارم اینکه در یک قرن و اندی گذشته، سنت چپ در ایران و کشورهای بالکان، گفتمان مسلط سیاسی و اجتماعی بوده و همین عامل نیز به نزدیکی مردمان ایران پس از انقلاب با دولت‌های یوگسلاوی سابق (و برخی دولت‌های جانشین آن یعنی آلبانی، بلغارستان و رومانی) و

تا حدی یونان انجامید. این توانمندی‌ها با نقاط ضعفی نیز همراه هستند. درست است که مسلمانان بخش زیادی از جمعیت بالکان را تشکیل می‌دهند، اما بخش عمده‌ای از مسلمانان منطقه اهل سنت هستند؛ مذهبی که مدارای اندکی نسبت به شیعیان از خود نشان می‌دهد. افزون بر این، نفوذ سلفی‌گرایی در میان مسلمانان منطقه نیز این شکاف را عمیق‌تر می‌کند (Petrović, 2016). سوم اینکه پیوندهای تاریخی میان این منطقه با ایران قریب ۵۰۰ سال است که به واسطه حضور امپراتوری عثمانی و دولت جانشین آن یعنی ترکیه گسسته شده است. امپراتوری اتریش نیز در دوره تسلط بر بخش غربی آن رابطه سیاسی و فرهنگی چندانی با ایران نداشته و این گسست را افزون‌تر کرده است. از سوی دیگر روسیه نیز در دو سده گذشته بالکان را به حوزه نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود تبدیل نموده است. بنابراین از این پیوندهای تاریخی صرفاً می‌توان در ژست‌های دیپلماتیک بهره برد؛ چراکه پیوندهای تاریخی-اجتماعی پیشین دیگر وجود خارجی ندارند. همین عامل هم مسبب چهارمین و مهم‌ترین نقطه ضعف فرهنگی ایران در تعامل با بالکان یعنی تفاوت‌های زبانی است. یونانی‌تباران و اسلاوتباران در بالکان به زبان‌هایی سخن می‌گویند که مشترکات تاریخی اندکی با زبان فارسی دارند. نفوذ زبان‌ها و فرهنگ‌های ترکی، روسی و اروپایی در چند قرن گذشته امکان یافتن بنیادهای فرهنگی مشترک را بسیار کمتر کرده است. پنجمین نقطه ضعف فرهنگی ایران، کمرنگ‌شدن تدریجی نفوذ سنت فکری چپ سیاسی در کشورهای بالکان در دوره پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق است.

ج) فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در محیط تعاملی با بالکان

۱. **نظامی:** تمامی کشورهای بالکان به استثنای صربستان و کوزوو از اعضای ناتو هستند یا چون بوسنی در شرف عضویت در آن هستند و به همین دلیل ایران در فضای پسمنازعه در بالکان نتوانسته است سهم چندانی از همکاری‌های نظامی داشته باشد. اسلونی، بلغارستان و رومانی در سال ۲۰۰۴ و در بحبوحه مناقشات در بالکان به این سازمان پیوستند تا مانع اعمال نفوذ ملی‌گرایان افراطی و روسیه شوند. ناتو در پی استقلال کوزوو و به منظور جلوگیری از افزایش نفوذ روسیه، ایران و عربستان در میان مسلمانان بالکان، اقدام به پذیرش درخواست عضویت آلبانی، بوسنی و کرواسی نمود. در سال‌های بعد نیز با پذیرش مونته‌نگرو (۲۰۱۷) و جمهوری مقدونیه (۲۰۲۰) به شمار اعضای خود در بالکان افزود. بنابراین در فضای پسمنازعه، شرایط امکان نفوذ نظامی ایران در بالکان به محاق رفت و به همان کمک‌های نظامی اندکی محدود ماند

که در دهه ۱۹۹۰ روانه بوسنی ساخته بود؛ هرچند پس از جنگ اوکراین، زرمه‌هایی از علاقه صربستان به خرید پهپاد شاهد ۱۳۳ به گوش می‌رسد.

گسترش ناتو در بالکان نه تنها مانع گسترش نفوذ نظامی ایران در منطقه شد، بلکه تهدیدات جدیدی را متوجه آن ساخته است. نخست اینکه ایالات متحده و ناتو از دهه ۲۰۱۰ تلاش کرده‌اند بر میزان تسلیحات متعارف و تعداد پایگاه‌های نظامی خود در بالکان بیفزایند و فرایند گسترش ناتو به شرق را تقویت کنند. در این راستا، در سال ۲۰۱۵ کار ساخت پایگاه دوسلو^۱ در جنوب رومانی را به اتمام رساندند؛ پایگاهی که در آن برای نخستین بار، نسخه زمینی سیستم دفاعی موشکی بالستیک به کار گرفته شد و ۲۰۰ تا ۵۰۰ کارمند نظامی و غیرنظامی آمریکایی به کار در آن مشغول شدند. قرار بود سایت دوم این سامانه تا سال ۲۰۱۸ در لهستان مستقر شود که به دلیل فشارهای روسیه تاکنون دو بار به تعویق افتاده است. این سامانه بر عمق استراتژیک ناتو در برابر موشک‌های ایرانی می‌افزاید و در عین حال، در کنار سایر پایگاه‌های بالقوه در خاورمیانه، امکان بیشتری برای هدف قراردادن ایران از پایگاه‌های زمینی فراهم می‌کند.

دوم اینکه آمریکا در سال ۲۰۱۳ موفق شد نظر آلبانی برای استقرار مجاهدین خلق در خاک این کشور را جلب کند. این گروه شبه‌نظامی پس از اخراج از کمپ اشرف، در نزدیکی تیرانا در کمپ دیگری با نام اشرف ۳ مستقر شده‌اند و از این پایگاه به حملات سایبری و همچنین تبلیغات سیاسی علیه جمهوری اسلامی مشغول هستند. به رغم رایزنی‌های بسیار، ایران تا سال ۲۰۲۲ موفق نشد نظر آلبانی برای اخراج اعضای این گروه از خاک آن کشور را جلب کند. از این رو در این سال، هکرهای ایرانی دست به حملات سایبری علیه زیرساخت‌های این کشور زدند. این حمله باعث شد ادی راما، رئیس‌جمهور آلبانی، بحث توسل به ماده پنج منشور ناتو را برای تهدید ایران مطرح کند؛ طرحی که با توجه به اینکه باعث گسترش تعهدات اعضای ناتو از جنگ کلاسیک به جنگ سایبر خواهد شد با واکنش سرد سایر اعضای این سازمان مواجه گردید. به نظر می‌رسد که یکی از اهداف آمریکا از استقرار مجاهدین خلق در آلبانی، استفاده از توانایی‌های اطلاعاتی این گروه برای رصد فعالیت‌های خرد ایران در بالکان باشد. از یک سو، آمریکا با تعقیب سیاست گسترش ناتو به شرق و همچنین استقرار سپر دفاع موشکی در بالکان، فضایی برای گسترش نفوذ نظامی ایران در سطح میان‌دولتی باقی نگذاشته است و از سوی دیگر، با استقرار این سازمان در منطقه قصد دارد در صورت محقق شدن امکان نامحتمل توسل ایران به نیروهای اسلام‌گرا در بالکان، نیروی نیابتی مشابهی برای مقابله با آنها در اختیار داشته باشد. در یک جمع‌بندی کلی،

^۱. Deveselu

به جز صادرات تسلیحاتی چون پهپاد و موشک‌های با برد کوتاه، به نظر نمی‌رسد که فرصت‌های نظامی چندانی برای اعمال نفوذ ایران در بالکان باقی گذاشته شده باشند. در عین حال بر میزان و نوع تهدیدهای نظامی که از جانب این منطقه متوجه ایران هستند، افزوده شده است. به همین دلیل ایران در یک دهه گذشته عاقلانه ترجیح داده است موضعی مشابه موضع روسیه در قبال تحولات نظامی-امنیتی در بالکان اتخاذ کند. بر همین اساس است که برخلاف رویه رایج حمایت از کشورهای مسلمان، از شناسایی کوزوو سر باز زد و همکاری‌های اقتصادی خود با صربستان را گسترش داده است؛ دولتی که ایران در دهه ۱۹۹۰ برای مقابله با آن به کمک بوشنیاک‌ها شتافته بود.

۲. اقتصادی: خاتمه‌یافتن بحران ۲۰۰ ساله بالکان در سال ۲۰۰۸ با آغاز تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران مقارن بود. از آنجا که ایالات متحده و اتحادیه اروپا واضعان این تحریم‌ها بودند و در عین حال گسترش اتحادیه و ناتو در رأس سیاست‌های این دو در بالکان بود، ایران نتوانست سهم چندانی از بازار این کشورها داشته باشد. جدول‌های یک و دو حجم صادرات ایران به بالکانی‌ها و واردات از این کشورها در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۲ را نشان می‌دهند. شیشه، محصولات ریخته‌گری، مواد معدنی (به‌ویژه سنگ آهن هماتیت)، محصولات پتروشیمی (اوره، پروفیل، پلی‌اتیلن و...)، سنگ‌های ساختمانی و محصولات کشاورزی (خرما، انگور و پسته)، عمده‌ترین محصولات صادراتی ایران به یازده کشور یادشده بوده‌اند. همچنین در همین بازه زمانی، کالاهایی چون ماشین‌آلات کشاورزی، ماشین‌آلات و قطعات یدکی صنعتی، موتورها و قطعات برقی، دارو، تجهیزات پزشکی، شیرآلات، لوازم خانگی، تجهیزات آزمایشگاهی و بالابرها مهمترین کالاهای وارداتی ایران از این کشورها بوده‌اند. تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که در دوره مورد مطالعه ما، روابط تجاری ایران با بالکانی‌ها ناچیز بوده و هیچ‌گاه صادرات آن به این کشورها از ۰/۵ درصد کل صادرات و واردات از آنها از ۱ درصد کل واردات فراتر نرفته است. بدتر اینکه تراز تجاری ایران با آنها تا سال ۱۳۹۶ منفی بوده است (نمودار ۱). در مقابل، رقبای سنتی یعنی کشورهای اتحادیه اروپا و روسیه و رقبای جدید یعنی چین، اسرائیل و عربستان توانسته‌اند از فرصت‌های اقتصادی به وجودآمده بهره بیشتری ببرند.

جدول ۱. آمار صادرات به کشورهای بالکان (میلیون دلار)

کشور	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
آلبانی	۰/۶	۰/۶	۰/۳	۱/۳	۰/۳	۰/۹	۱/۳	۵/۲	۴/۹	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳۵/۸
اسلونی	۲/۵	۲/۴	۴۷/۲	۲۸/۹	۲/۴	۰/۴	۰/۷	۱۴/۸	۲	۷/۳	۰/۳	۰/۴	۱/۸	۲/۴
بلغارستان	۱۱/۲	۱۰/۲	۷/۵	۱۰/۷	۶/۹	۵	۳۰/۳	۵۴/۹	۴۴/۴	۷۱/۳	۵۳/۷	۳۴/۴	۱۰۲/۲	۹۵/۲
بوسنی	۱/۵	۰/۵	۰/۹	۰/۴	۰/۷	۰/۷	۱/۱	۱	۴/۴	۳	۴/۳	۴/۶	۸/۹	۴/۹
رومانی	۲۴/۴	۲۶/۲	۳۱	۳۲/۲	۱۳	۱۳/۱	۱۱/۷	۲۲/۴	۵۹/۸	۴۹/۶	۲۸/۴	۲۷/۱	۸۴/۴	۶۳/۹
صربستان	۰/۱	۰/۲	۰/۴	۰/۹	۰/۵	۰/۲	۱/۹	۲/۹	۱۲/۶	۱۸/۸	۹/۶	۸/۳	۲۴/۸	۱۹/۳
مونته‌نگرو ^۱	۰/۵	۲/۳	۲/۹	۲/۵	۴/۶	۳/۴	۱	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
کرواسی	۴/۸	۱/۷	۸/۴	۴	۰/۴	۰/۵	۰/۳	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
کوزوو ^۲	۰/۲	۰/۲	۰/۵	۰/۳	۰/۳	۰/۴	۰/۲	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
مقدونیه	۳/۳	۲/۶	۳/۱	۲/۶	۳/۴	۱/۵	۲/۵	۳/۵	۳/۶	۵/۱	۴/۸	۴/۸	۶	۵
یونان	۱۶/۲	۱۲/۸	۱۵/۳	۱۲/۸	۶	۵/۸	۶/۶	۲۶/۲	۳۴/۹	۲۸/۷	۸/۶	۵/۶	۱۲/۹	۹/۱
ارزش کل	۸۲	۹۱/۶	۱۱۸	۹۷/۸	۴۴/۶	۳۲/۳	۵۸/۳	۱۲۴/۹	۱۸۱/۵	۱۹۳/۶	۱۱۳/۹	۹۰/۱	۲۴۶/۷	۲۳۷/۸
کل صادرات ایران	۱۸۳۳۳	۴۳۷۸۲	۲۶۵۰۰	۳۳۸۱۸	۳۲۵۶۷	۳۱۵۵۲	۳۶۵۵۵	۴۴۰۴۱	۴۶۹۸۲	۴۶۹۸۲	۴۱۴۳۳	۳۳۸۶۰	۴۴۴۴۰	۱۰۸۱۱۳
درصد از کل صادرات ایران	۰/۴	۰/۲	۰/۴	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۲	۰/۲	۰/۵	۰/۲

منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ داده‌های گردآوری و سازماندهی شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲.

جدول ۲. آمار واردات از کشورهای بالکان (میلیون دلار)

کشور	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
آلبانی	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	۰/۳	نامعلوم	۰/۲	نامعلوم	نامعلوم	۰/۲
اسلونی	۵۴/۳	۳۳/۵	۲۶/۴	۲۳/۴	۱۴/۱	۱۲/۴	۱۴	۳۹/۸	۳۵	۲۴/۶	۲۲/۷	۲۲/۴	۲۷/۳	۲۵/۹
بلغارستان	۶/۵	۶/۸	۱۴/۳	۷/۳	۹/۹	۲۵/۱	۹۶/۳	۱۴/۸	۲۲/۷	۱۴/۳	۱۲/۹	۸/۷	۷/۳	۱۱/۴
بوسنی	۱/۶	۴/۳	۱	۱/۶	۰/۳	۰/۵	۰/۹	۱/۱	۰/۴	۰/۷	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۵
رومانی	۱۵۳/۲	۱۷۳/۳	۲۰۲/۱	۴۰۸/۱	۱۹۵/۶	۳۴/۴	۲۳/۶	۲۲۰/۲	۶۴/۴	۳۷/۳	۳۱/۵	۹	۲۰/۷	۲۰/۸
صربستان	۰/۱	۶/۴	۱/۹	۱۲/۳	۹/۲	۰/۸	۵/۳	۴۶/۷	۱۱/۹	۱۴/۲	۴/۳	۵/۷	۳/۸	۲/۵
مونته‌نگرو ^۱	۱۲/۸	۸	۲/۲	۱	۱/۴	۰/۱	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
کرواسی	۴۳/۶	۷/۴	۵/۱	۴/۶	۲۲/۴	۱۴/۳	۱۱/۴	۲/۴	۳/۵	۳	۳/۲	۵/۹	۴/۸	۲/۷

۱. در آمار سال ۱۳۹۴ گمرک تنها آمار ۵۰ واردکننده عمده از ایران را منتشر کرده است که هیچیک از کشورهای بالکان در بین آنها نیستند.

۲. ایران روابط خود با مونته‌نگرو را از ۲۸ جولای ۲۰۰۶ آغاز کرد. اما در ماه می ۲۰۱۶ بود که آن را مورد شناسایی رسمی قرار داد. اما به دلایلی نامعلوم، گمرک از سال ۲۰۱۶ ترجیح داده است داده‌های صربستان و مونته‌نگرو را به صورت یکجا منتشر کند.

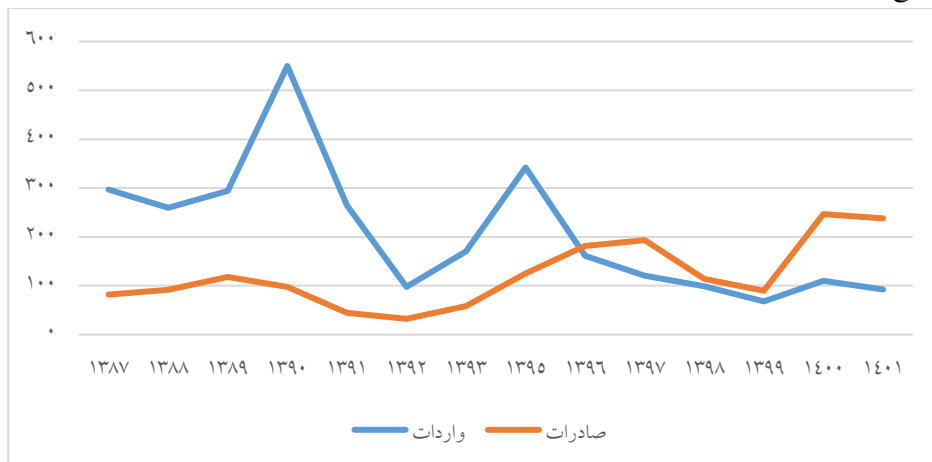
۳. ایران تاکنون کوزوو را به رسمیت نشناخته است. اما گمرک تا سال ۱۳۹۳ آمار تجارت خارجی با این کشور را منتشر می‌کرد.

۴. در آمار سال ۱۳۹۴ گمرک تنها آمار ۵۰ واردکننده عمده از ایران را منتشر کرده است که هیچیک از کشورهای بالکان در بین آنها نیستند.

۵. ایران روابط خود با مونته‌نگرو را از ۲۸ جولای ۲۰۰۶ آغاز کرد. اما در ماه می ۲۰۱۶ بود که آن را مورد شناسایی رسمی قرار داد. اما به دلایلی نامعلوم، گمرک از سال ۲۰۱۶ ترجیح داده است داده‌های صربستان و مونته‌نگرو را به صورت یکجا منتشر کند.

کوزوو ^۱	مقدونیه	یونان	ارزش کل	کل واردات ایران	درصد از کل واردات ایران	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم	نامعلوم
۱۱/۳	۰/۹	۱۳/۳	۲۹۷	۵۶۰۴۲	۰/۵۳	۱۹/۵	۱/۳	۰/۱	۰/۰۶	۲/۵	۰/۸	۰/۸	۰/۷	۰/۱	۰/۵
۱۸/۴	۱۱/۴	۲۱/۱	۲۹۴	۵۵۲۸۶	۰/۴۶	۱۱/۴	۱۸	۹/۶	۰/۰۶	۱۱/۴	۱۶/۳	۱۶/۳	۲۰/۹	۲۱/۸	۱۵/۳
۲۶۴/۷	۵۴۹/۹	۲۶۴	۲۹۴	۵۵۲۸۶	۰/۴۶	۲۶۴/۷	۵۴۹/۹	۲۶۴	۰/۰۶	۲۶۴/۷	۵۴۹/۹	۲۶۴	۲۹۴	۲۹۴	۲۹۴
۴۹۷/۰۹	۵۳۵۶۹	۳۵۰۴۱	۴۹۷/۰۹	۵۳۵۶۹	۰/۳۱	۴۹۷/۰۹	۵۳۵۶۹	۳۵۰۴۱	۰/۱۹	۴۹۷/۰۹	۵۳۵۶۹	۳۵۰۴۱	۴۹۷/۰۹	۵۳۵۶۹	۳۵۰۴۱
۰/۱۹	۰/۴۹	۰/۸۸	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۵۳	۰/۱۹	۰/۴۹	۰/۸۸	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۵۳	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۵۳	۰/۴۵

منبع: داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ داده‌های گردآوری و سازماندهی شده توسط نویسندگان، ۱۴۰۲



نمودار ۱. تراز تجاری ایران با کشورهای بالکان (میلیون دلار)

کشورهای بالکان به‌ویژه کشورهای حوزه رود دانوب از اواخر قرن هجدهم میلادی تبدیل به بخشی از منطقه پیرامونی اقتصادی دولت‌های بالادست رودخانه به‌ویژه آلمان شدند. کشورهای بالادست در دو قرن گذشته مجموعه روابط اقتصادی هم‌بسته‌ای را با کشورهای پایین دست دانوب یا همان کشورهای بالکان ایجاد کردند (Yao, 2022: 106). درست است که این پیوندهای اقتصادی در دوره جنگ سرد تا حدی تضعیف شدند، اما هیچ‌گاه به صورت کامل قطع نشدند. به‌ویژه با تأسیس اتحادیه اروپا به مثابه اتحادیه‌ای اساساً اقتصادی-امنیتی، این نهاد به همراه کشورهای عضو تلاش کردند بالکان را به مدار چرخه‌های اقتصادی-سیاسی سابق بازگردانند. هرچند پیش‌تر یونان هفت سال پس از سقوط رژیم نظامی یعنی در سال ۱۹۸۱ به عضویت اتحادیه درآمد، اما روند ادغام کامل همه بالکانی‌ها از سال ۲۰۰۷ بود که آغاز شد. در این سال رومانی و بلغارستان به اتحادیه پیوستند. شش سال بعد یعنی در ۲۰۱۳، کرواسی دومین

^۱ ایران تاکنون کوزوو را به رسمیت نشناخته است. اما گمرک تا سال ۱۳۹۳ آمار تجارت خارجی با این کشور را منتشر می‌کرد.

دولت جانشین یوگسلاوی سابق پس از اسلونی شد که به عضویت اتحادیه درآمد. این میل به گسترش بازار اروپایی در بالکان همچنان فروکش نکرده است. کشورهای عضو اتحادیه قصد دارند با کاستن از نفوذ روسیه در سایر کشورهای بالکان، زمینه الحاق آنها به اتحادیه را فراهم آورند. مذاکرات مربوط به الحاق مونته‌نگرو و صربستان به ترتیب از سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ آغاز شد و آلبانی و مقدونیه شمالی نیز در سال ۲۰۲۰ چراغ سبز شروع مذاکرات را دریافت کردند؛ هرچند این مذاکرات هنوز آغاز نشده‌اند. تنها بوسنی و کوزوو باقی مانده‌اند که آنها نیز نامزدهای بالقوه الحاق به اتحادیه به شمار می‌روند.

روسیه نیز در این سال‌ها کوشیده است پیوندهای اقتصادی خود با کشورهای مصب دانوب و روابط اقتصادی دوران جنگ سرد را احیا کند. بنابراین همچنان بازار انرژی منطقه را در دست دارد و حضور گسترده کشورهای دیگری چون ایران را تحمل نخواهد کرد. افزون بر این، رقبای جدیدی برای ایران در بالکان نیز به وجود آمده‌اند که مهمترین آنها اسرائیل و عربستان سعودی هستند. به عنوان مثال، سالی بریسا نخست‌وزیر سابق آلبانی از سال ۲۰۱۲ تلاش کرد به اسرائیل نزدیک‌تر شود و همین امر باعث روانه‌شدن سرمایه‌های اسرائیلی به این کشور گردید؛ یا در نمونه‌ای دیگر، صربستان همزمان با پذیرش سرمایه‌گذاری‌های ایران، هر ساله به تعداد گردشگران خود به مقصد اسرائیل افزوده است (نک: Progonati, 2017). چین هم از دهه ۲۰۱۰ میلادی در راستای ابتکار کمربند و راه فعالانه تلاش کرده است سهم چشمگیری از بازار داخلی بالکانی‌ها را از آن خود کند. در این راستا، در پروژه‌های بزرگی در صربستان و مونته‌نگرو پروژه‌های کوچک‌تری در آلبانی، بوسنی و مقدونیه شمالی مشارکت کرده است. چین در فاصله سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۲۱ در قالب شرکت‌های دولتی و خصوصی و وام، به صورت مستقیم ۲/۵ میلیارد دلار در زیرساخت‌های امنیتی، دیجیتال، حمل‌ونقل، انرژی، ذوب فلزات و معدن‌کاوی بالکانی‌ها سرمایه‌گذاری کرده است؛ چراکه بندر یونانی پیرائوس، یکی از مقاصد مهم راه ابریشم نوین و کمربند آن برای ورود کالاهای چینی به اروپا است (Stanicek & Tarpova, 2022: 2-3).

۳. فرهنگی: ایران در چند دهه گذشته تلاش کرده است از طریق قدرت نرم و دیپلماسی عمومی بر نفوذ خود در بالکان بیفزاید. از این رو عقد معاهدات همکاری علمی و فرهنگی، ایجاد مراکز تبلیغی و اسلامی در کشورهای منطقه و نیز مراکز و کرسی‌های ایران‌شناسی را در دستور کار خود قرار داده است. به عنوان مثال، در این راستا در سال ۱۳۹۰، در جریان سفر علی اکبر صالحی وزیر وقت امور خارجه به اسلونی، سند مبادله فرهنگی، علمی و آموزشی به امضای مقامات دو کشور رسید. همچنین در این مدت کرسی‌های ایران‌شناسی دانشگاه صوفیه بلغارستان،

دانشگاه ساریوو بوسنی، دانشگاه بخارست رومانی و... در این راستا توسعه داده شده‌اند. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی متولی دیپلماسی فرهنگی - علمی ایران با کشورهای منطقه بوده است و جامعه المصطفی در مأموریتی متفاوت، توسعه دیپلماسی مذهبی - علمی در بالکان را بر عهده داشته است. با وجود این فرصت‌ها، نقاط ضعف فرهنگی ایران در منطقه باعث شده‌اند که نتواند از این توانمندی‌ها به نحو معناداری استفاده کند. مهمترین دلیل تأثیرگذاری اندک دیپلماسی فرهنگی - مذهبی ایران این است که اسلام عامل کلیدی در معادلات مردمان بالکان نیست (8: 204; Kyuchukov, 2018; Progonati, 2017: 204) و ناسیونالیسم قومی مهمترین نیروی پیشران سیاسی در این منطقه است. ضمن اینکه ناسیونالیسم پس از فروپاشی بلوک شرق و یوگسلاوی، سنت سیاسی چپ را کاملاً به حاشیه راند؛ به نحوی که امروزه نقش چندان چشمگیری در سیاست خارجی بالکانی‌ها ایفا نمی‌کند. از این رو بود که تلاش‌های محمود احمدی‌نژاد رئیس دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری از این سنت مشترک برای ایجاد پیوندهای سیاسی با بوسنی و سایر بالکانی‌ها راه به جایی نبرد. به همین دلیل، مردمان منطقه به فعالیت‌های دیپلماسی عمومی ایران به دیده تردید می‌نگرند و آنها را در راستای تقویت بنیادگرایی مذهبی تفسیر می‌کنند. افزون بر این، شکاف‌های مذهبی داخلی در این کشورها به همراه تفاوت‌های مذهبی با ایران، دامنه تأثیرگذاری این سیاست‌ها را به شدت محدود ساخته‌اند. بنابراین برخلاف تصور سیاستگذاران ایرانی، مذهب به جای اینکه برای سیاست خارجی ایران در بالکان فرصت‌سازی کند، خود در حال تبدیل شدن به منبع تهدیدهای جدیدی است.

با رصد تحولات آلبانی، بوسنی، کوزوو و مقدونیه به عنوان کشورهایی که میزبان بیشترین جمعیت مسلمان در بالکان هستند، می‌توان روند تبدیل نقاط ضعف پیشین به تهدیدهای نو در پانزده سال گذشته را رصد کرد. بوسنی به عنوان مهمترین کشور مسلمان منطقه، در سال ۲۰۰۸ در قیاس با ۱/۵ میلیون شهروند مسلمان اهل سنت خود تنها ۲۳ هزار و ۴۰۰ شهروند شیعه داشته است. به عبارت دیگر شیعیان کمتر از ۰/۵٪ جمعیت آن را تشکیل می‌دادند (Progonati, 2017: 203). جالب اینکه در این سال‌ها این نسبت جمعیتی نیز کاهش یافته است. اکثریت اهل سنت نیز پیرو مذهب حنبلی و کلام ماتریدی هستند؛ مذهبی که مدارای چشمگیری در برابر سایر فرق و ادیان از خود نشان می‌دهد. بنابراین پس از مرگ علی عزت بگوویچ و در سال‌های بعد از استقلال کوزوو، ایران نتوانسته آن‌گونه که در نظر داشته است نفوذ فرهنگی خود را در این کشور بسط دهد.

در آلبانی نیز شکاف‌های مذهبی توان تأثیرگذاری فرهنگی ایران در این مدت را محدود کرده‌اند. بکتاشیه به عنوان فرقه‌ای عرفانی که نزدیکی بسیاری به تشیع دارد، قدرت معنوی-سیاسی پیشین خود در دوره عثمانی را از دست داده است و طرفداران آن که با پیدایش دولت ترکیه جدید و سیاست‌های ضدمذهبی آتاتورک مجبور به مهاجرت به مناطق مرکزی آلبانی امروز شدند، فاقد نگره‌های سیاسی-مذهبی سابق هستند. مهم‌تر اینکه فرقه‌های اهل سنت حنفی و سلفی مهمترین جریان‌ها در سپهر عمومی در آلبانی هستند؛ جریان‌هایی که نگاهی عمدتاً منفی به ایران و سیاست خارجی آن دارند. سلفی‌ها تحت نفوذ عربستان سعودی هستند و حنفی‌ها رویکردی لیبرال و مدرن به سیاست دارند. گروه دوم حتی تلاش دارند بکتاشی‌ها را با خود در زیر چتر یک اسلام پان‌آلبانیایی درآورند. به همین دلیل هم سالی بریسا در سال ۲۰۱۲ روابط دیپلماتیک آلبانی با اسرائیل را برقرار ساخت و سرمایه‌های اسرائیلی روانه آلبانی شدند (Progonati, 2017: 205).

در کوزوو حساسیت‌ها نسبت به فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی ایران شدیدتر بوده است. ایران از دهه ۲۰۰۰ و در رقابت با عربستان تلاش کرد بر نفوذ فرهنگی خود در میان مسلمانان کوزووایی بیفزاید، اما با جنگ کوزوو و استقلال این کشور ورق به سود آمریکایی‌ها برگشت. ایران تشکیل این کشور را پروژه‌ای آمریکایی می‌داند؛ چراکه پس از پایان جنگ اقدام به تأسیس یک پایگاه نظامی در آنجا نمود. بنابراین این کشور را مورد شناسایی رسمی قرار نداده است. همین امر هم باعث حساسیت مقامات کوزوو به فعالیت‌های فرهنگی ایران و حضور سازمان‌های به ظاهر مردم‌نهاد وابسته به آن شده است. دادستانی کوزوو مدعی است که بسیاری از این سازمان‌ها با مطرح شدن لزوم افشای منابع مالی و اهداف مخارجی این منابع تلاش می‌کنند از شر صدها هزار یورویی که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ از ایران و عربستان دریافت کرده‌اند، خلاص شوند. وزارت اداره عمومی کوزوو در جولای ۲۰۱۶ فعالیت پنج مؤسسه «قرآن»، «نساء»، «ابن‌سینا»، «ساحل آفتاب» و «انجمن اهل بیت^(ع)» را به دلیل تعارض این فعالیت‌ها با قانون اساسی ممنوع اعلام کرد. این وزارت‌خانه پیش‌تر در سال ۲۰۱۵ مدعی شد که این مؤسسات وابسته به ایران به دنبال گسترش تشیع، آمریکاستیزی و یهودستیزی در کوزوو هستند و جامعه المصطفی به ریاست علیرضا اعرافی آنها را کنترل می‌کند (Progonati, 2017: 207).

حساسیت‌های مشابهی از دهه ۲۰۱۰ نسبت به فعالیت‌های فرهنگی ایران در مقدونیه شمالی نیز پدید آمده است. آلبانیایی‌ها ۳۵ درصد از جمعیت مقدونیه شمالی را تشکیل می‌دهند و بزرگترین اقلیت این کشور هستند. دولت مقدونیه این اقلیت را تهدیدی برای اکثریت یعنی

اسلاوها تلقی می‌کند و بنابراین به اختلافات میان پیروان بکتاشیه و اهل سنت در میان این اقلیت دامن می‌زند. ایران در مقدونیه نیز تلاش کرده است از قدرت نرم خود برای نفوذ در بین این اقلیت استفاده کند و نه تنها ارتباطاتی را با احزاب آلبانیایی در مقدونیه برقرار ساخته، بلکه در دانشگاه توفولا^۱ یک مرکز ایران‌شناسی تأسیس کرده است.

جدای از این موارد، دست کم در یک دهه گذشته، تهدید فرهنگی نوینی از جانب کشورهای مسلمان بالکان متوجه ایران شده است و آن رشد سلفی‌گرایی در آنها است. برآوردها نشان می‌دهند که از ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲، ده‌ها هزار جنگجوی مسلمان عمدتاً از کشورهای عربی برای حمایت از مسلمانان بالکان وارد این منطقه شدند که براساس اسناد رسمی نزدیک به ۳۰ هزار نفر از آنها بوسنی را ترک نکردند. پس از پایان جنگ، بسیاری از این جنگجویان در بوسنی، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، کوزوو و... با تأسیس مساجد سفیدبی‌مناره مشهور خود به سازماندهی گروه‌های وهابی به‌ویژه در میان جوانان طبقات پایین مشغول شدند و طی دو دهه گذشته موفق شدند وهابیت را به عنوان جنبش اسلامی جدیدی در بالکان مطرح نمایند. جالب اینکه این جنبش بخشی از نیروهای رزمنده القاعده و از دهه ۲۰۱۰ بخشی از جنگجویان داعش را تأمین کرده است (Sakovic & Aleksandar, 2017: 78). مورد آخر از این جهت اهمیت دارد که گروه‌های سلفی از جمله داعش به‌رغم کاهش تهدید نظامی آنها، همچنان یکی از چالش‌های بسیار جدی امنیتی در کشورهای اطراف ایران به شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری

داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که ایران در فضای پسامنازه در بالکان تلاش کرده است از توانمندی‌های نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود برای افزایش نفوذ در این منطقه استفاده کند. در حوزه‌ی نظامی-امنیتی عواملی چون گسترش ناتو به شرق و تلقی روسیه و ترکیه از این منطقه به مثابه منطقه نفوذ سنتی خود باعث شده‌اند که ایران نه تنها نتواند از توانمندی‌های خود در زمینه حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا و صادرات تسلیحات استفاده کند، بلکه با استقرار سپر دفاع موشکی و همچنین اسقرار مجاهدین خلق در آلبانی، تهدیدهای نوینی از جانب این نقطه مهم ژئوپلیتیک متوجه آن شود. در حوزه اقتصادی نیز با وجود توانمندی‌های هشت‌گانه‌ای که از آنها سخن گفتیم، پیوستن تدریجی بالکانی‌ها به اتحادیه اروپا و حضور رقاباتی چون چین، عربستان و اسرائیل، موانعی مستحکم در برابر بهره‌گیری از این توانمندی‌ها بوده‌اند. مهم‌تر اینکه تحریم‌های

^۱. Tetova

بین‌المللی امکان بهره‌برداری از این توانمندی‌ها را به شدت کاهش داده‌اند. در حوزه فرهنگی نیز تأکید بیشتر بر ایجاد پیوندهای ایدئولوژیک به جای تأکید بر جذابیت‌های ایران فرهنگی و زبان فارسی و همچنین پیوندهای تاریخی باعث ایجاد حساسیت‌هایی نسبت به ترویج گفتمان اسلام سیاسی ایران در کشورهایی چون مقدونیه شمالی و کوزوو گردیده است. افزون بر این، خود این ایدئولوژی‌گرایی در گسترش و تقویت سلفی‌گرایی سنی در میان مسلمانان منطقه بی‌تأثیر نبوده است. البته نمی‌توان منکر شد که این رویکرد باعث تقویت نفوذ فرهنگی ایران در فضای پسامنازعه تأثیر چندانی بر تقویت پیوندهای سیاسی و اقتصادی با دولت‌های مستقر در کشورهای مسلمان منطقه نداشته است و دولت‌هایی چون بوسنی و آلبانی ترجیح داده‌اند اتحادیه اروپا و آمریکا را به عنوان مهمترین شرکای اقتصادی خود برگزینند. به نظر می‌رسد که با بازاندیشی در رویکرد دیپلماسی فرهنگی و تأکید بیشتر بر جذابیت‌های ایران فرهنگی و زبان فارسی بتوان فرصت‌های سیاسی و اقتصادی جدیدی در این کشورها ایجاد کرد.

منابع

- اینالجق، خلیل (۱۳۷۷). «بالکان». در *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۲، صص ۴۱-۳۷.
- تامسن، دیوید (۱۳۹۹). *اروپا از دوران ناپلئون؛ ۱۷۸۹-۱۹۷۰*، ج ۲، ج ۶، تهران: نشر نی.
- داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). دسترسی پذیر در: https://irica.ir/web_directory/55334
- شادآرام، علیرضا (۱۳۹۵). «بررسی سیر زبان و ادبیات فارسی در بالکان از گذشته تاکنون»، *مجله تاریخ ادبیات*، ۷۹ (۳)، ۹۰-۶۹.
- شجری، شاهرخ، لیلا حسنی و عباس صلاح (۱۴۰۰)، *تجارت بخش کشاورزی ایران*، تهران: سازمان آموزش، تحقیقات و ترویج کشاورزی ایران.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴). *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- Allcock, John B., Loring Danforth & J. Richard Crampton (2023). "Balkans". *Encyclopedia Britannica*, Invalid Date, <https://www.britannica.com/place/Balkans>. Accessed 5 November 2023.
- invalid Date, <https://www.britannica.com/place/Balkans>. Accessed 5 November 2023.
- Baird, T. (2018). Interest groups and strategic constructivism: business actors and border security policies in the European Union. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 44(1), 118-136.
- David, F. R. (2011). *Strategic management concepts and cases*. Pearson.
- Defence Intelligence Agency. (2019). *Iran Military Power*. Accessed 6 September 2023 at: <https://www.dia.mil/Military-Power-Publications/>
- Dyer, J. H., P. Godfrey, R. Jensen & D. Bryce (2017). *Strategic Management: concepts and cases*. John Wiley & Sons.
- European Bank for Reconstruction and Development. (2023). 7 reasons to invest in Western Balkans. . Accessed 18 October 2023 at: <https://www.ebrd.com/documents/comms-and-bis/pdf-7-reasons-invest-western-balkans.pdf>
- Gasparini, A. (2010). Swot analysis and planning for cross-border co-operation in Northern Europe. In *SWOT2. Analysis and planning for cross-border co-oration in Northern Europe* (pp. 1-75). Council of Europe.
- Hafizi, D., & I. Bushi (2014). Banking Regulation of Western Balkan Countries. *European Journal of Sustainable Development*, 3(3), 345-345.
- Howard, M. (1976). The strategic approach to international relations. *Review of International Studies*, 2(1), 67-75.
- Johnson, G., & K. Scholes (1993). *Exploring Corporate Strategy: text and cases* (3-rd edn), London, Prentice Hall.
- Kabeyi, M. (2019). Organizational strategic planning, implementation and evaluation with analysis of challenges and benefits. *International Journal of Applied Research and Studies*, 5(6), 27-32.
- Koppa, M. E. (2021). Turkey, Gulf States and Iran in the Western Balkans: more than the Islamic factor?. *Journal of Contemporary European Studies*, 29(2), 251-263.
- Krasniqi, B., J. Ahmetbasić & W. Bartlett (2022). Foreign direct investment and backward spillovers in the Western Balkans: the context, opportunities and barriers to the development of regional supply chains. *Southeastern Europe*, 46(1), 1-22.
- Kyuchukov, Lyubomir (2018). "Balkan Islam and Radicalisation: a Barrier". In *Balkan Islam: a Barrier or a Bridge for Radicalisation?* Sofia: Friedrich-Ebert-Stiftung. Access at: https://library.fes.de/pdf-files/bueros/sofia/15331-balkan_islam_eng.pdf

- Maček, A., R Ovin, M. Divjak, H. Skoko & T. Horvat (2021). Foreign direct investments' openness in local communities—the case of Slovenia and Serbia. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 34(1), 1013-1032.
- OPEC Database. (2023). Access at: https://asb.opec.org/data/ASB_Data.php
- Petrović, P. (2016). Islamic radicalism in the Balkans. *European Union Institute for Security Studies (EUISS)*, 10.
- Progonati, E. (2017). The Balkan Region as a New Target for the Iranian-Israeli Political Rivalry. *Bölgesel Araştırmalar Dergisi*, 1(2), 199-219.
- Rubin, M. (2020). *A short history of the Iranian drone program*. American Enterprise Institute.
- Sakovic, Radisa & Petrovic Aleksandar (2017). "The Wahhabi Movement in the Western Balkans". Paper presented in Security and Crisis Management- Theory and Practice, Belgrade: Regional Association for Security and Crisis Management.
- Sarsby, A. (2016). *Swot analysis: a guide to SWOT for students of business studies*. Leadership Library.
- SIPRI Databases (2023). Stockholm: International Peace Research Institute. Access at: <https://www.sipri.org/databases>
- Stanicek, Branislav & Tarpova, Simona. (2022). China's strategic interests in the UN Peacemaker. (2024). Dayton Agreement. Accessed 8 April 2024 at: https://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/BA_951121_DaytonAgreement.pdf
- Wehrey, F., Thaler, D. E., Bensahel, N., Cragin, K., & Green, J. D. (2009). Dangerous but not omnipotent: exploring the reach and limitations of Iranian power in the Middle East. Santa Monica: RAND.
- Western Balkans. Report to European Parliament. Access at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2022/733558/EPRS_BRI\(2022\)733558_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2022/733558/EPRS_BRI(2022)733558_EN.pdf)
- World Bank Database. (2023). Access at: <https://data.worldbank.org/>
- World Bank. (2018). "Bosnia and Herzegovina - Environmental Management Project". Accessed 10 November 2023 at: <https://documents1.worldbank.org/curated/en/238581522849458043/pdf/Bosnia-and-Herzegovina-Sarajevo-Waste-Water-for-Mun-Dev.pdf>
- World Bank. (2019). "North Macedonia: Public Investment Program 2019-2021." Accessed 10 November 2023 at: <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/705311555590000225-0080022019/original/NorthMacedoniaCPF2019.pdf>
- World Population Review (2021) Total Population by Country. Accessed 6 November 2021 at: <https://worldpopulationreview.com/countries>.
- Yao, Joanne. (2022). *The Ideal River*. Manchester: Manchester University Press.



انستیتو مطالعات استراتژیک
پژوهشگاه مطالعات استراتژیک

Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 09 January 2024
Accepted 30 June 2024
Published online 07 September 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 115-146



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Trust and Terrorism: A Sociological Study of West Asia (2007-2020)

Abolfazl Delavari ¹, Reza Khalili ², Hamed Mehraban inchebroun ^{2*}

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Ph.D. candidate of political science at Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: h_mehraban97@atu.ac.ir

Article Info

Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Delavari, A., Khalili, R., & Mehraban inchebroun, H. (2024). Trust and Terrorism: A Sociological Study of West Asia (2007-2020). *Strategic Studies Quarterly*, 27(2), 115-146. doi: 10.22034/srq.2024.434713.4125



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The rise of West Asia as a hub for various terrorist groups, many of which are linked to Islam and operate on a global scale, has led to a growing connection between global terrorism and Islam. According to data from the “National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START),” between 2012 and 2017, 17 terrorist groups conducted attacks in Europe, compared to 148 in the West Asia and North Africa. A key concern, beyond the number of active terrorist groups, is the severity of their violence. For instance, during this period, ISIS alone was responsible for 5,646 terrorist attacks, resulting in 39,744 deaths and 856 injuries. In 2012, Europe saw 13 attacks, while Iraq recorded 319. By 2017, Europe experienced 40 attacks (14 in Russia), whereas Iraq faced 1,160 attacks.

In explaining the factors behind the rise of terrorist groups and the intensity of their violence, particularly in West Asia, experts and analysts have pointed to various causes such as political instability, economic conditions, cultural characteristics, and psychological disorders. While each of these factors can shed light on aspects of the issue, it is essential to recognize that “terrorism is primarily linked to social factors.” Unlike criminal activities driven by selfish motives, terrorists often believe their actions serve a collective, altruistic goal, highlighting a deeply social dimension. Therefore, social factors, especially community-level trust, play a crucial role in understanding the formation of terrorism and the behavior of terrorists.

Methodology

The paper adopts a quantitative approach, is periodical in nature, and relies on secondary data sources such as The Legatum Prosperity Index, the Global Terrorism Database, and START. Trust and terrorism are examined as the independent and dependent variables, respectively. Data analysis was conducted using SPSS version 22. The study focuses on West Asian countries, with sampling performed using the hierarchical clustering method known as “Ward.”

Result and discussion

Qatar ranks highest in institutional trust, with an impressive average score of 98, while Yemen lags far behind with a score of just 11, indicating the weakest institutional trust. In terms of generalized interpersonal trust, Yemen surprisingly leads with a score of 81, whereas Iraq records the lowest score at 31. On the international trust front, Qatar again performs well with an average score of 60, contrasting sharply with Iraq, which has the lowest score of 20.

Throughout the studied period, Iraq experienced a total of 6,205 terrorist attacks, averaging 443 attacks per year. Syria had the highest number of terrorist groups, with a total of 74 operating in the country, resulting in an average of over five groups conducting terrorist operations annually. Iraq also recorded the highest intensity of violence, with approximately 53,000 casualties, meaning that around 4,000 people were killed or wounded in the country each year.

Out of the nine possible correlations between the three levels of trust and various components of terrorism, five showed significant relationships. Specifically, there was a significant correlation between interpersonal trust and the number of attacks; institutional trust was significantly related to both the intensity of violence and the number of attacks; and international trust had a significant connection with both the number of terrorist groups and their attacks.

Conclusion

In general, this research aligns with the findings of other scholars in showing that in societies with high levels of interpersonal trust, the formation of terrorist groups is more likely, while an increase in institutional trust correlates with a decrease in violence. However, a unique finding of this study is that a rise in international trust has led to an increase in both the number of terrorist groups and their attacks in West Asia. This divergence from other research may be attributed to the deep roots of Islamic culture in the region and the anti-social tendencies of authoritarian rulers in West Asian countries, who, while engaging with globalization, lean toward liberalism. Therefore, it can be concluded that the lack of mature institutional structures in the region prompts citizens to respond by forming or joining terrorist groups, escalating both the number of attacks and the intensity of violence

Keywords: *Interpersonal Trust; Institutional Trust; International Trust; Sociological Analysis of Terrorism; West Asia*



فصلنامه مطالعات راهبردی
ریسک و بحران

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۲
اصلاح‌شده در تاریخ ۰۱ خرداد ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۰ تیر ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۱۱۵-۱۴۶



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تبیین اجتماعی تروریسم در غرب آسیا؛

تأثیر اعتماد بر تروریسم در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰

ابوالفضل دلاوری^۱، رضا خلیلی^۲، حامد مهربان اینجه‌برون^{۳*}

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
 ۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
 ۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- * ایمیل نویسنده مسئول: h_mehraban97@atu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

برای تبیین تروریسم در غرب آسیا به‌ویژه پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تلاش‌های بسیاری صورت گرفته، اما حاصل این تلاش‌ها عمدتاً منجر به تبیین‌های اقتصادی، سیاسی یا روان‌شناختی شده و تبیین اجتماعی تروریسم، به‌ویژه با تمرکز بر مولفه اعتماد، مورد توجه چندانی نبوده است. بر این اساس، در مقاله حاضر این پرسش مورد توجه قرار گرفته که اعتماد چه تأثیری بر تروریسم در غرب آسیا داشته است؟ در پاسخ به پرسش مذکور فرض بر این است که میان اعتماد به عنوان یک متغیر اجتماعی و تروریسم در غرب آسیا رابطه معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه میزان همبستگی میان داده‌های اعتماد به عنوان متغیر مستقل و تروریسم به عنوان متغیر وابسته با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندمتغیره از نوع گام به گام حاکی از آن است که اعتماد بین‌المللی به ترتیب ۳۶ و ۸۲ درصد از تغییرات تعداد گروه‌های تروریستی و تعداد حملات آنها را تبیین می‌کند، در حالی که اعتماد نهادی تقریباً ۳۳ درصد از تغییرات شدت خشونت اعمالی توسط گروه‌های تروریستی را توضیح می‌دهد. با توجه به مقادیر پتانسیل، می‌توان گفت اعتماد بین‌المللی بر تعداد گروه‌های تروریستی و تعداد حملات آنها تأثیر مثبت و اعتماد نهادی بر شدت خشونت گروه‌های تروریستی تأثیر منفی داشته است.

کلیدواژگان: اعتماد بین‌فردی، اعتماد نهادی، اعتماد بین‌المللی، تبیین اجتماعی تروریسم، غرب آسیا.

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

دلاوری، ابوالفضل، خلیلی، رضا، و مهربان اینجه‌برون، حامد. (۱۴۰۳). تبیین اجتماعی تروریسم در غرب آسیا؛ تأثیر اعتماد بر تروریسم در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۱۱۵-۱۴۶. doi: 10.22034/srq.2024.434713.4125



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

انفجار برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد مسئله تروریسم در مرکز توجه جهانی قرار گیرد. پس از آن بود که این موضوع با بنیادگرایی اسلامی در منطقه غرب آسیا پیوند خورد و با شدت و ضعف همواره مورد توجه جامعه بین‌المللی و همچنین پژوهشگران قرار گرفت. تبدیل شدن غرب آسیا به کانون گروه‌های مختلف تروریستی منتسب به اسلام که برخلاف سایر گروه‌های تروریستی، خشونت را در سطح جهانی اعمال می‌کنند، باعث پیوند اقدامات تروریستی در سطح جهانی با اسلام شده است. به طوری که بر اساس داده‌های «کنسرسیوم ملی مطالعه تروریسم و پاسخ به آن یا استارت»^۱ بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷،

هفده گروه تروریستی در اروپا حملات تروریستی انجام داده‌اند، در حالی که این تعداد در خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۴۸ مورد بوده است. بنابراین، می‌توان گفت تعداد گروه‌های تروریستی فعال در منطقه مذکور تقریباً نه برابر اروپا بوده است. نکته مهم علاوه بر تعداد گروه‌های تروریستی فعال، میزان شدت خشونت اعمالی از سوی آنها بوده است؛ به طوری که در حد فاصل سال‌های مورد بررسی، داعش به تنهایی ۵۶۴۶ حمله تروریستی را به ثبت رسانده که در نتیجه آن به ترتیب ۳۹۷۴۴ و ۸۵۶ کشته و مجروح بر جای گذاشته است. از حیث تعداد حملات نیز، در سال ۲۰۱۲ در اروپا سیزده حمله رخ داد، در حالی که در عراق ۳۱۹ حمله به ثبت رسید. در سال ۲۰۱۷، مجموع حملات تروریستی ثبت شده در اروپا ۴۰ مورد بود (از این تعداد، چهارده حمله در روسیه بود)، در حالی که این حملات فقط در عراق ۱۱۶۰ مورد بود^۲ (START, 2019).

گروه‌های تروریستی در غرب آسیا اصولاً جمعیت زیادی از مسلمانان تندرو را جذب می‌کنند. بنابراین به دلیل تعداد زیاد گروه‌های تروریستی و شمار زیاد پیروان آنها در این منطقه

^۱. National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START)

^۲. ذکر این نکته مهم است که کنسرسیوم مذکور از حیث گفتمانی کاملاً در زمره کشورهای غربی قرار دارد که از بنیان با با گفتمان جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تروریسم تضاد دارند. به طوری که برخلاف نگرش نویسندگان، این کنسرسیوم گروه‌هایی مانند انصارالله یمن (حوثی‌ها) را به عنوان تروریست معرفی می‌کند. در حالی که ما معتقدیم گروه‌هایی مانند حوثی‌ها در محور مقاومت قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در مقابل دخالت نابجای قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مسائل داخلی و منطقه‌ی غرب آسیا، استعمار کشورهای منطقه و... مقاومت را در پیش می‌گیرند. نویسندگان اما سعی دارند فقط داده‌های ارائه شده توسط استارت که مربوط به مکان، زمان، تعداد مجروحان و مرگومیر ناشی از حملات تروریستی و... بود را مورد استفاده قرار دهند. بنابراین، از حیث گفتمانی کاملاً با دیدگاه آن مخالف است.

در مقایسه با سایر مناطق جهان، شدت اعمال خشونت و تعداد حملات آنها، فعالیت تروریستی اغلب این گروه‌ها با اسلام به عنوان ایدئولوژی غالب در جوامع منطقه پیوند خورده و بدین ترتیب نوع خاصی از اسلام‌گرایی به نوعی تداعی‌کننده تروریسم در سطح جهانی شده است.

دانشمندان علوم سیاسی و پژوهشگران این حوزه در توصیف و تبیین عوامل و دلایل شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و شدت خشونت آنها به‌ویژه در غرب آسیا، از علل سیاسی (آذین و سیف‌زاده، ۱۳۹۴؛ صنوبر، ۱۳۹۳: ۲۳؛ عطوان، ۱۳۹۵؛ Rotberg, 2002؛ Cinar, 2009: 114-115) و شرایط اقتصادی (Gurr, 1970؛ Taylore, 2002: 15؛ شیخی، ۱۳۹۶؛ دمیرجان، ۱۳۹۴) و گاه ویژگی‌های فرهنگی (کلانتری و نوری، ۱۳۹۳: ۱؛ نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴؛ علی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) و اختلالات روان‌شناختی (Frings, 2015: 210؛ Bozorgmehri, 2019؛ پورسعید، ۱۳۹۳: ۷-۹) سخن گفته‌اند. گرچه هر کدام از این عوامل و دلایل قادر به تبیین بخشی از مسئله هستند، اما واقعیت این است که «تروریسم در وهله نخست با عوامل اجتماعی پیوند خورده است؛ زیرا برخلاف فعالیت‌های جنایت‌کارانه که به دلایل خودخواهانه انجام می‌شوند، تروریست‌ها غالباً عقیده دارند که اقدامات آنها برای یک هدف جمعی نوع‌دوستانه صورت می‌پذیرد» (Helfstein, 2014: 363) که این نوع نگرش حاکی از برداشتی کاملاً اجتماعی است. به همین جهت، عوامل اجتماعی، به‌ویژه اعتماد در سطح جامعه، می‌تواند در توضیح شکل‌گیری تروریسم و اقدامات تروریست‌ها نقش برجسته‌ای داشته باشد.

با توجه به اینکه کشورهای غرب آسیا از تفاوت‌های درونی و بیرونی بسیاری برخوردارند و به‌ویژه طی دو دهه نخست قرن ۲۱ در کانون فعالیت‌های تروریستی قرار داشته‌اند، بررسی زمینه‌های اجتماعی چنین فعالیت‌هایی از منظر تأثیر و تأثرات اعتماد برون‌گروهی و درون‌گروهی بر شکل‌گیری تروریسم، میزان اعمال خشونت و تعداد حملات آنها بسیار حائز اهمیت است. به همین جهت، پژوهش حاضر بر آن است تا نوع رابطه و میزان اثرگذاری اعتماد بر تروریسم را در دوره‌ای از تاریخ غرب آسیا که تروریسم رشد بی‌سابقه‌ای داشته است، مورد بررسی قرار دهد.

الف) پیشینه پژوهش

تروریسم از جنبه‌های مختلف مورد توجه اندیشمندان بوده است. برخی سعی در تبیین عوامل و زمینه‌های گرایش به تروریسم داشته‌اند (خلیلی و دست‌افشان، ۱۳۹۹؛ بهرامی، ۱۳۹۶)؛ برخی بر پیامدهای آن تمرکز کرده‌اند (شاپوری، ۱۳۹۶) و برخی بر راهبردهای مقابله با آن متمرکز شده‌اند (کلاهیجان و محمدی‌لرد، ۱۳۹۶). با این حال، مهم‌ترین موضوع در ارتباط با تروریسم احتمالاً

ریشه‌یابی و تبیین علل و عوامل گرایش به آن است. در این راستا، برخی اعتماد را به عنوان متغیر مستقل در ارتباط با دو جنبه از تروریسم مورد کندوکاو قرار داده‌اند که عبارتند از: تعداد گروه‌های تروریستی و شدت خشونت اعمالی از سوی آنها که در ادامه با جزئیات بیشتر به آنها می‌پردازیم:

۱. اعتماد و تعداد گروه‌های تروریستی

سیجمن^۱ (۲۰۰۴) در کتاب «درک شبکه‌های ترور»، بر اساس شرح حال ۱۷۲ تروریست از کشورهای مسلمان، اعتقاد متعارف مبنی بر اینکه افراد از طریق فرایند جذب و شستشوی مغزی به جهاد سلفی جهانی می‌پیوندند را زیر سؤال می‌برد و تشکیل یا تغییر پیوندهای اجتماعی را عنصری حیاتی‌تر تلقی می‌کند. به نظر او این گروه‌ها به جای درخواست اعضای احتمالی در مساجد یا القا در محل‌های آموزش، بیشترین اعتماد را به عضویت یافتن از طریق گسترش روابط اجتماعی موجود (مانند خانواده و دوستان) می‌کنند. تفسیر نویسنده از مطالعات موردی که به آنها دسترسی داشته، حاکی از آن است که نزدیک به ۷۵ درصد از مجاهدین دارای چنین روابط قبلی بوده‌اند. بنابراین او یک روند ورود به جهاد «از پایین» را مورد توجه قرار می‌دهد.

عسل^۲، نگر^۳ و رثمیر^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد تروریسم از روابط اجتماعی: جنبه تاریک سرمایه اجتماعی»، نشان دادند سرمایه اجتماعی که به طور گسترده از مولفه‌های مهم دموکراسی سالم محسوب می‌شود، می‌تواند به شکل‌گیری و گسترش تروریسم نیز کمک کند. نویسندگان یک گروه زیرزمینی یهودی که همواره در تلاش برای نابود کردن فلسطینیان از طریق اقدامات تروریستی بوده را با بهره‌گیری از روش کیفی (مصاحبه و...) مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که به هر میزان اعتماد، همبستگی و ارزش‌های مشترک در جامعه‌ای بالا باشد، تعداد گروه‌های تروریستی آن نیز افزایش پیدا می‌کنند.

عمار شمائلیه^۵ (۲۰۱۷) در کتاب «اعتماد و ترور: سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری از تروریسم به عنوان ابزار مقاومت»، با استفاده از روش «آزمون رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله‌ای»^۶ به چگونگی تأثیر اعتماد بر تصمیم «شهروند متضرر متواضع»^۷ برای پیگیری مجازات از طریق یک سازمان تروریستی یا واگذاری وظیفه به مشارکت‌کننده‌ای که از مکانیسم‌های کارآمدتر (قانونی)

1. Sageman

2. Asal

3. Nagar

4. Rethemeyer

5. Ammar Shamaileh

6. Two-Stage Least-Squares Regression Model

7. Unselfish Aggrieved Citizen's

برای مجازات استفاده می‌کند، می‌پردازد. این مدل نشان می‌دهد در کشورهای غرب آسیا که اکثر افراد به دنبال مجازات دولت هستند، از آنجا که به افراد خارجی اعتماد ندارند، به دنبال مکانیسم‌های مجازاتی می‌روند که قابل اطمینان‌تر باشند تا کارآمدتر. بنابراین، جستجو برای مکانیسم‌های قابل اطمینان‌تر (اعتماد به اعضای خانواده و دوستان) مجازات دولت باعث می‌شود تعداد گروه‌های تروریستی افزایش پیدا کنند.

۲. اعتماد و شدت خشونت اعمالی از سوی گروه‌های تروریستی

ناسیو^۱ و اوپنهایم^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه ضداجتماعی»^۳ در اعضای سابق گروه‌های مسلح غیردولتی: مطالعه موردی کلمبیا، با استفاده از داده‌های نظرسنجی ۱۴۵۸ عضو سابق گروه‌های شورشی و شبه‌نظامی در کلمبیا و ۶۸ مصاحبه عمیقی که با آنها انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافتند که بسیاری از گروه‌های مسلح غیردولتی، سازمان‌های تروریستی و... بسیار منسجم هستند و به همین دلیل شدت خشونت بیشتری در فعالیت‌های تروریستی اعمال می‌کنند. روابط بین اعضای این گروه‌ها با پیوند داخلی و همکاری قوی مشخص می‌شود که مانند خانواده از مکانیسم حمایت متقابل برخوردارند.

اسکات هلفشتاین^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و تروریسم»، با استفاده از روش کمی و داده‌های بانک اطلاعات جهانی تروریسم و تعیین متغیرهای کنترل، به این نتیجه دست می‌یابد که محیط‌های دارای سرمایه اجتماعی بالاتر، سازمان‌های تروریستی بیشتری تولید می‌کنند که خشونت نسبتاً کمتری دارند. در مقابل، در محیط‌هایی که سطح سرمایه اجتماعی آنها پایین است، گروه‌های کمتری شکل می‌گیرند، اما این گروه‌ها از خشونت بیشتری استفاده می‌کنند. این نتایج در مناطق مختلف طی یک دوره دوازده ساله کاملاً یکسان بوده است، با این استثنا که رابطه بین سرمایه اجتماعی و تشکیل گروه‌های تروریستی در آفریقا و غرب آسیا، در

1. Nussio

2. Oppenheim

۳. مفهوم «سرمایه ضداجتماعی» به این موضوع اشاره دارد که گروه‌هایی با روابط اجتماعی و الگوهای سازماندهی خود شکل می‌گیرند که هدف آنها امکان توسعه اقتصادی در جامعه را افزایش نمی‌دهد. به عبارت دیگر، به عنوان مثال گروه‌های تروریستی با اهداف سیاسی، ملی، مذهبی و غیره شکل می‌گیرند و اگرچه سرمایه اجتماعی در درون گروه بسیار بالاست (اعضای گروه به یکدیگر اعتماد دارند و برای رسیدن به اهداف گروه مشارکت می‌کنند)، اما نسبت به دیگر گروه‌ها بسیار بی‌اعتماد هستند. این امر یعنی سرمایه اجتماعی درون گروهی، روابط اجتماعی یا سرمایه اجتماعی برون گروهی را تضعیف می‌کند و امکان توسعه اقتصادی را سلب می‌کند

4. Scott Helfstein

سطوح متعارف مورد تأیید آماری قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، با وجود سطح پایین سرمایه اجتماعی در غرب آسیا، تشکیل گروه‌های تروریستی شدت گرفته است. این پژوهش در تبیین متغیر تشکیل گروه‌های تروریستی و شدت خشونت‌های عملی از سوی آنها با پژوهش حاضر اشتراک دارد، اما هدفش این است که به سطوح گروهی، نهادی و بین‌المللی سرمایه اجتماعی و به خصوص اعتماد به عنوان مولفه اصلی آن توجهی نکرده است (نقطه افتراق). علاوه بر این، افتراق زمان، مکان و روش را نیز بایستی در کنار افتراق سطوح مورد توجه قرار داد.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده	سال	مسئله یا سوال اصلی	نوع تحقیق	روش گردآوری داده	سطح تحلیل	یافته‌ها	متغیرهای اصلی
سپینچین	۲۰۰۴	شناخت فرایند شکل‌گیری و گسترش گروه تروریستی القاعده	تجربی	کیفی (مصاحبه)	موردی	عضوگیری القاعده عمدتاً از پایین به بالا و به صورت دعوت یکی از تروریست‌ها از اعضای خانواده یا دوستان خود صورت می‌پذیرد (روابط اجتماعی).	تعداد گروه‌های تروریستی/ اعتماد و مشارکت
ناسبو و اوپنهایم	۲۰۱۴	پیامدهای سرمایه ضداجتماعی گروه‌های مسلح غیردولتی	تجربی	کیفی (نظرسنجی و مصاحبه)	ملی	روابط بین اعضای سازمان‌های تروریستی با پیوند داخلی و همکاری قوی مشخص می‌شود و به دلیل عدم اعتماد به سایر گروه‌ها، در فعالیت‌های تروریستی شدت خشونت بیشتری اعمال می‌کنند.	شدت خشونت/ مشارکت و اعتماد
هلفشتاین	۲۰۱۴	تأثیر سرمایه اجتماعی بر تعداد گروه‌ها و شدت خشونت‌های عملی گروه‌های تروریستی	علی	کیفی (نظرسنجی و مصاحبه)	جهانی	محیط‌هایی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند سازمان‌های تروریستی بیشتری تولید می‌کنند که نسبتاً خشونت کمتری دارند. در مقابل، محیط‌هایی که سطح سرمایه اجتماعی آنها پایین است، گروه‌های کمتری شکل می‌گیرند، اما این گروه‌ها از خشونت بیشتری استفاده می‌کنند.	تعداد گروه‌ها و شدت خشونت/ اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی
عسل، نگر و ریشیر	۲۰۱۴	نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری گروه تروریستی	علی	کیفی	ملی	روابط اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد نقش مهمی در تأسیس یک سازمان تروریستی ایفا کرده است.	تعداد گروه‌ها/ اعتماد و شبکه‌های اجتماعی
شمائله	۲۰۱۷	دلایل انواع کنش سیاسی مانند تشکیل یا پیوستن به گروه‌های تروریستی	علی	کمی	جهانی	در کشورهای غرب آسیا که اکثر افراد به دنبال مجازات دولت هستند، از آنجا که به افراد خارجی اعتماد ندارند، به دنبال مکانیسم‌های مجازاتی می‌روند که قابل اطمینان‌تر باشند تا کارآمدتر (پیوستن به گروه‌های تروریستی).	تعداد گروه‌ها/ اعتماد

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

ب) مبانی مفهومی و نظری

پیش از سنجش رابطه اعتماد و تروریسم لازم است به مبانی مفهومی و نظری این متغیرها پردازیم و روابط آنها را در قالب یک الگوی تحلیلی تبیین کنیم:

۱. اعتماد

برای درک دقیق‌تر اعتماد لازم است ابتدا تحول مفهومی و نظری و سپس انواع، ابعاد و سطوح آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

فوکویاما اعتماد را انتظاری تلقی می‌کند که در جامعه از رفتار همیارانه، مسئولانه و مقرراتی بخشی از اعضای جامعه که مبتنی بر هنجارهای مشترک عام است، وجود دارد. بر اساس این تعریف اعتماد یک پیامد عملکرد هنجاری است (وثوقی و آرام، ۱۳۸۸: ۱۴۴). استدلال زتومکا با در نظر گرفتن فرایند جهانی شدن این است که اعتماد در متن کنش‌های انسان که جهت‌گیری معطوف به آینده مهم‌ترین ویژگی آن است، ظهور و بروز پیدا می‌کند. هر چقدر میزان کنترل بر کنش‌های آینده کمتر باشد، نیاز به اعتماد بیشتر می‌شود. اعتماد کردن به معنی شرط‌بستن بر کنش‌های کنترل‌ناپذیر سایرین و آینده نامعین است که همیشه با مخاطره همراه است (زتومکا، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۵).

گیدنز اعتماد در دنیای مدرن را با مفهوم غریبه آغاز می‌کند. او استدلال می‌کند در جوامع پیشامدرن، اجتماع محلی بر بنیان پیوندهای خویشاوندی استوار بود و افراد خارج از این دایره، غریبه تلقی می‌شدند. مدت‌ها طول می‌کشید تا غریبه‌ها خودی محسوب شده و اعتماد اجتماعی را جلب نمایند. به همین جهت، غریبه‌ها همواره مورد سوءظن اجتماع محلی بودند. در جوامع مدرن، ما با افرادی هم‌کنشی پیدا می‌کنیم که شناخت خوبی از آنها نداریم یا هرگز با آنها ملاقاتی نداشته‌ایم. مفهوم بی‌توجهی مدنی در اینجا مطرح می‌شود. وقتی رهگذران به یکدیگر نزدیک می‌شوند نگاهی به هم می‌اندازند، اما بی‌توجهی مدنی را به نمایش می‌گذارند. این بی‌توجهی با نادیده گرفتن دیگران یکی نیست، بلکه فرد به سایرین نشان می‌دهد که حضورشان را درک کرده است، با این حال، از هر گونه کنشی که مزاحمانه تلقی شود، اجتناب می‌کند. این نوع بی‌توجهی، پیش‌فرض کلی اعتماد و اساسی‌ترین نوع پایبندی چهره‌به‌چهره در مواجهه با غریبه‌ها در وضعیت مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۹۹: ۹۳).

۲. سطوح اعتماد

زتومکا سطوح اعتماد را در قالب لایه‌هایی قلمداد می‌کند که از روابط میان اعضای خانواده به عنوان عینی‌ترین روابط آغاز شده و تا اعتماد به کارایی نظام و غیره که انتزاعی‌ترین روابط شناخته می‌شود، ادامه پیدا می‌کند (زتومکا، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹). در این پژوهش، اعتماد در سه سطح بین‌فردی، عمومی‌یافته، نهادی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

(۱) **اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته:** دو نوع اعتماد بین‌فردی عبارتند از: بین‌فردی (خاص) و تعمیم‌یافته (عام). اعتماد بین‌فردی (خاص) خود را در روابط چهره‌به‌چهره نمایان می‌کند، در حالی که اعتماد تعمیم‌یافته به کسانی که با هم روابط چهره‌به‌چهره برقرار می‌کنند، محدود نمی‌شود بلکه این نوع از اعتماد، مرزهای محلی، قومی، همسایگی و خانوادگی را درمی‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد (محسنی تبریزی، معیدفر و گلایی، ۱۳۹۰: ۴۶).

(۲) **اعتماد نهادی:** میزان اعتماد اجتماعی در نظریه کلمن تحت تأثیر احساس عدالت در چهار بعد احساس برابری قانونی، توزیعی، مشارکتی و فرصتی است. شهروندان در احساس برابری قانونی باور دارند که نظام سیاسی همه را در برابر قانون یکسان تلقی می‌کند. احساس برابری توزیعی به این معنا است که حقوق شهروندی برای همه شهروندان توسط نظام سیاسی فراهم می‌شود. ثمربخشی سیاسی حاکی از احساس برابری مشارکتی است؛ به عبارت دیگر، رأی شهروندان بر تصمیمات دولتی تأثیرگذار می‌باشد. باور شهروندان به رعایت معیارهای شایستگی در سپردن نقش‌های سیاسی و اداری حاکی از احساس برابری فرصتی است. بهبود احساس برابری و عدالت در نزد اعضای جامعه باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی شده و به این وسیله اعتماد نهادی در جامعه افزایش می‌یابد (ثابت، ۱۴۰۰: ۶۳).

(۳) **اعتماد بین‌المللی:** اعتماد بین‌المللی عمدتاً در قالب سیاست خارجی و راهبردهای حکومت نمود پیدا می‌کند. به بیان دیگر، سیاست حکومت باعث می‌شود که یک کشور در فرایند جهانی شدن حل شود یا در مقابل آن مقاومت کند. اگر حکومت در صدد افزایش تعامل و مناسبات با جامعه بین‌المللی باشد که جنبه مثبت داشته باشد، اعتماد بین‌المللی افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. بنابراین، شهروندان نقش چندانی در این سطح از اعتماد نمی‌توانند ایفا کنند.

۳. انواع اعتماد

پاتنام ایده پیوند و پل زدن اعتماد را بر اساس تمایز گرانووتر^۱ بین پیوندهای قوی و ضعیف استوار کرد. اعتماد پیوندی (انحصاری^۲) به روابط اعتماد بین اعضای یک گروه مشابه اشاره دارد. اعتماد پل زدن (فراگیر)^۳ به روابط مبتنی بر احترام متقابل بین اعضای گروه‌هایی اشاره دارد که به نوعی متفاوت هستند، مثلاً بر اساس طبقه، گروه قومی، سن یا مذهب (Putnam, 2000: 20-21).

نوع ارتباطی اعتماد به عنوان هنجارهای احترام و شبکه‌های روابط اعتماد بین افرادی که در جایگاه‌های متفاوتی از قدرت یا اقتدار صریح، رسمی یا نهادینه‌شده در جامعه تعامل دارند، تعریف می‌شود. پل زدن اساساً یک استعاره افقی است. این نوع از اعتماد عمدتاً افرادی با موقعیت‌های اجتماعی برابر را به هم پیوند می‌دهد. سرمایه اجتماعی ارتباطی اساساً یک استعاره عمودی است. به این معنی که افرادی با قدرت‌های نابرابر را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Sztreter and Woolcock, 2004: 655).

۴. ابعاد اعتماد

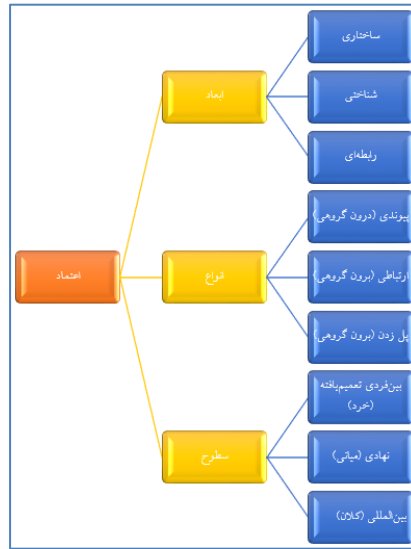
همچنان که «سرمایه اجتماعی ساختاری به ساختارهای اجتماعی نسبتاً عینی و قابل مشاهده بیرونی مانند شبکه‌ها، انجمن‌ها، نهادها، قوانین و رویه‌هایی که آنها را تجسم می‌کنند، اشاره دارد» (Grootaert & Van Bastelaer, 2002: 3)، اعتماد ساختاری نیز مبنای عضویت در انواع مختلف انجمن‌ها (سازمان‌های داوطلبانه) و شبکه‌سازی افراد با دوستان، اقوام و همکاران را تشکیل می‌دهد (Guillen, Coromina & Saris, 2011: 336).

عنصر شناختی اعتماد به منابعی اشاره دارد که فراهم‌کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک در میان گروه‌هاست. مهم‌ترین جنبه‌های این بُعد از اعتماد عبارتند از: زبان و قواعد مشترک و حکایات مشترک (تجربیات و خاطرات مشترک). بُعد رابطه‌ای اعتماد نیز توصیف‌کننده انواع روابط شخصی‌ای است که افراد با همدیگر به واسطه تاریخی از تعاملات گسترش داده‌اند و بر روابط خاصی همچون احترام و رفاقت که رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تمرکز دارد (Nahapiet & goshale, 1998: 253-255). در شکل زیر، انواع، ابعاد و سطوح اعتماد قابل مشاهده است:

1. Granovetter

2. exclusive

3. inclusive



شکل ۱: ابعاد، انواع و سطوح اعتماد

۵. تروریسم

اصطلاح ترور «برای اولین بار توسط ادموند برک^۱ در زمینه سیاسی استفاده شد که از حکومت انقلابی روبسپیر به عنوان یک حکومت وحشت صحبت کرد» (Schinkel, 2009: 183). بنابراین اولین استفاده از ترور در یک زمینه سیاسی به شکلی از حکومت از طریق ترس یا ارباب اشاره داشته، اما با گذشت زمان و تحولات جدید، تغییرات بسیاری در آن ایجاد شده است، «به‌طوری که امروزه بیش از ۲۰۰ تعریف در ادبیات تروریسم وجود دارد» (Matusitz, 2013: 2).

در نگرش برخی، تروریسم پدیده‌ای سیاسی است که به وسیله آن مهاجمان به قصد ایجاد و بهره‌برداری از ترس، افراد غیرنظامی را تهدید یا از خشونت علیه آنها استفاده می‌کنند (Stapley, 2009: 29). اشמיד (۲۰۱۱) پس از ۲۳ سال برای اصلاح تلاش‌های اولیه خود، تروریسم را چنین تعریف کرد: «دکترینی درباره اثربخشی مفروض شکل یا تاکتیک خاصی از خشونت سیاسی اجباری و ترس‌آفرین و یک رویه توطئه‌آمیز از اقدام خشونت‌آمیز محاسبه‌شده، نمایشی و مستقیم بدون محدودیت‌های قانونی یا اخلاقی که عمدتاً غیرنظامیان و غیرجنگجویان را هدف قرار می‌دهد و به دلیل تأثیرات تبلیغاتی و روانی آن بر مخاطبان مختلف و طرفین درگیری اعمال می‌شود» (Schmid, 2011: 86).

¹. Edmund Burke

تیلور^۱ نیز پنج ویژگی تروریسم را برای تشخیص آن از سایر خشونت‌های سیاسی عنوان کرده است که عبارتند از:

- استفاده از خشونت نه تنها برای تخریب اموال یا گرفتن جان، بلکه برای ایجاد وحشت در افرادی غیر از قربانیان اصلی خود؛

- تروریسم تاکتیکی است که معمولاً توسط افرادی به کار می‌رود که احساس می‌کنند قدرت کافی برای به‌چالش کشیدن افرادی که از نظر آنها دشمن‌شان هستند را ندارند (مثلاً با یک قیام توده‌ای)؛

- برخلاف جنگجویان چریکی، تروریست‌ها به دنبال تسخیر و حفظ قلمرو نیستند. به عنوان یک قاعده، تروریست‌ها احساس می‌کنند که منابع کافی (نیروی انسانی و تسلیحات) برای انجام یک کارزار نظامی تمام‌عیار ندارند. آنها خود را به اقدامات پراکنده مشغول می‌کنند، به این امید که در آینده به اشکال گسترده‌تر خشونت سیاسی الهام بخشند؛

- برخلاف ارتش‌های چریکی که ساختار فرماندهی متمرکزی دارند، سازمان‌های تروریستی معمولاً غیرمتمرکز هستند. گرچه غالباً یک رهبر وجود دارد که اهداف کلی را تعیین می‌کند، اما عملیات‌های خاص توسط گروه‌های کوچک به نام سلول‌ها انجام می‌شود که به طور مستقل عمل می‌کنند. علاوه بر این، برای حفظ امنیت، اعضای یک سلول حتی ممکن است هویت اعضای سلول‌های دیگر را ندانند؛

- تروریسم برای بقای خود نیازمند تبلیغات است. برای رسیدن به هدف ایجاد اضطراب و بی‌ثباتی گسترده، جزئیات یک اقدام تروریستی باید بین بیشترین تعداد مردم پخش شود. به همین دلیل، تروریست‌ها اغلب اهدافی را انتخاب می‌کنند که دارای اهمیت نمادین هستند تا حداکثر پوشش رسانه‌ای را تضمین می‌کنند (Taylor, 2002: 9-10).

گرچه محققان زیادی سعی داشتند تعریفی ارائه دهند که اکثر ویژگی‌های فوق را شامل شود، اما مشکل اصلی این است که هیچ‌کدام به همه ویژگی‌هایی که اجماع را حاصل کند، تعمیم نمی‌یابد. به عنوان مثال، از آنجا که پنتاگون مسلماً یک هدف غیرنظامی نیست، نتیجه مشکل‌دار تلقی حمله به مرکز تجارت جهانی به عنوان یک اقدام تروریستی وجود دارد. دو اقدام خشونت‌آمیز، یکی با هدف قراردادن غیرنظامیان و دیگری با هدف قراردادن ارتش (عمل جنگ)، ممکن است به اندازه کافی مشابه باشند تا با دستورالعمل‌های سیاسی یکسانی با آنها رفتار شود. بنابراین، هدف قراردادن غیرنظامیان به عنوان مشخصه اصلی تروریسم، سودمندی عمل‌گرایانه یک تعریف

^۱. Taylor

را به خطر مي اندازد. با در نظر گرفتن چالش فوق، ريتان¹ تروريسم را هر عمل يا الگوي خشونتي تعريف کرده است که:

- هدف اوليه يا نهايي، گروهی است که به عنوان یک کل تصور می شود؛
- اهداف فوری، اعضای گروه هدف هستند؛
- عضویت در گروه هدف وقتی کافی تلقی می شود که یکی از آنها را به یک هدف قانونی تبدیل کند؛
- خشونت علیه اعضای گروه هدف برای ایجاد تأثیر بر کل گروه (که ممکن است به معنای تأثیرگذاری بر رهبری ادراک شده گروه باشد) ابزاری است (Reitan, 2010: 265). در این پژوهش تعريف ريتان به عنوان مبنا قرار می گیرد.

۶. تروريسم جديد

وقایع یازده سپتامبر دو تغییر عمده در تجلی تروريسم ایجاد کرد. اول، تغییر از تروريسم قدیمی به سمت مظاهر جدید تروريسم که توسط بازیگران غیردولتی مشخص می شود. انجام حملات گسترده در سطح بین المللی با سلاح های غیرمتعارف، به ویژه توسط القاعده مظهر این تغییر است. دوم، نشان دهنده تغییر تروريسم از سطح مرزهای داخلی به تروريسم فرامرزی و استفاده از انواع فاجعه بارتر زور است. پخش گسترده یازده سپتامبر به بقیه جهان نیز ثابت کرد که مسافت دیگر عامل بازدارنده ای برای حملات تروريستی نیست (Matthee, 2019: 6-7).

۷. سطوح تروريسم

تروريسم را می توان در سه سطح داخلی، فراملی و بین المللی مورد بررسی قرار داد. تروريسم داخلی در یک کشور رشد کرده و اعمال می شود و تلفات آن محدود به همان کشور است (Seifi et al., 2020: 4).

تروريسم فراملی علیه اهدافی انجام می شود که از ملیت عاملان آن نیستند. عبور فیزیکی واقعی از مرزها ضروری نیست. تروريسم توسط گروه های خارجی بر روی شهروندان یک دولت دیگر نیز در این دسته قرار می گیرد. از نظر فنی، تروريسم بین المللی تروريسمی است که به یک بازیگر دولتی نیاز دارد. این عمل معمولاً توسط دولت انجام نمی شود، بلکه توسط جانشینان غیردولتی انجام می شود (Stapley, 2009: 24-25).

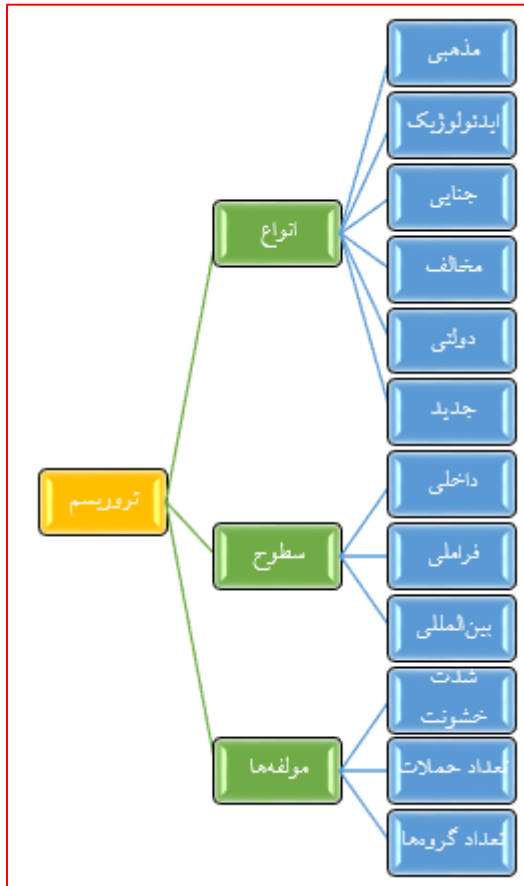
¹. Reitan

۸. انواع تروریسم

پژوهشگران حوزه تروریسم، دسته‌بندی‌های متفاوتی از تروریسم با مینا قرار دادن هدف، جهت‌گیری سیاسی، حملات و... انجام داده‌اند. هافمن^۱ (۲۰۱۷) درباره تروریسم قوم‌گرا/تجزیه‌طلب، بین‌المللی، مذهبی و دولتی بحث کرده است. لاکور^۲ (۲۰۰۶) نیز تروریسم راست افراطی، مذهبی، دولتی، «خارجی»^۳ و جنایتکار^۴ را مورد توجه قرار داده است. یکی از جامع‌ترین دسته‌بندی‌ها توسط مارتین^۵ (۲۰۱۷) انجام شده که هشت نوع آن را شناسایی کرده است که عبارتند از: دولتی، مخالف^۶، مذهبی، جنایی، بین‌المللی، جدید، ایدئولوژیک و تروریسم جنسیت -گزینشی^۷.

مارتین استدلال می‌کند که در میان انواع تروریسم مورد بحث، نوع مذهبی آن به یک مشکل جهانی تبدیل شده است. تروریسم مذهبی در طول دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت و برای به‌چالش کشیدن ثبات سیاسی بین‌المللی و داخلی در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ رشد کرد. روندهایی که در پایان قرن بیستم ایجاد شد، نشان می‌دهد که خشونت مذهبی همچنان جنبه اصلی تروریسم در قرن بیست‌ویکم خواهد بود. در سطح بین‌المللی، تروریست‌های مذهبی بسیاری از ملیت‌ها به طور مداوم به اهدافی که نماد منافع دشمن هستند، حمله کرده‌اند. برخلاف حملات نسبتاً گزینشی چپ‌گرایان سکولار در سال‌های گذشته، تروریست‌های مذهبی مانند القاعده ثابت کرده‌اند که منحصرأ قاتل هستند (Martin, 2017: 517-518).

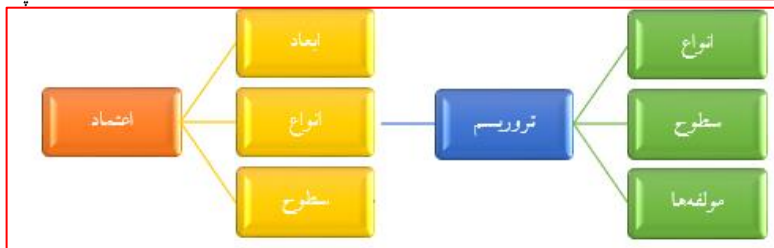
1. Hoffman
2. Laqueur
3. exotic
4. criminal
5. Martin
6. Dissident
7. Gender-Selective



شکل ۲: انواع، سطوح و مولفه‌های تروریسم

۹. الگوی تحلیل

همان‌طور که در شکل شماره ۳ نشان داده شده است، ابعاد، انواع و سطوح مختلف اعتماد می‌توانند تأثیرات مختلفی بر انواع و سطوح مختلف تروریسم داشته باشند. بر این اساس، الگوی تحلیل مقاله حاضر بر این مبنا استوار است که اعتماد و تروریسم نباید به عنوان یک کل در نظر گرفته شوند، بلکه باید با مشخص کردن معنا و مفهوم مدنظر و انواع و سطوح مختلف‌شان، متغیرهای تأثیرگذار بر آن‌ها را شناسایی کرد.



شکل ۳: الگوی تحلیل

ج) روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث رویکرد، کمی؛ از حیث زمان، دوره‌ای و از حیث جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های ثانویه (لگاتوم و مرکز داده ترویس جهانی یا استارت) بوده است. اعتماد و ترویس به ترتیب متغیر مستقل و وابسته پژوهش هستند. داده‌های جمع‌آوری شده با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

جامعه آماری مورد نظر ما کشورهای غرب آسیا هستند ولی از آنجا که تعداد آنها برای یک پژوهش زیاد است بر شش نمونه خاص تمرکز شده است. نمونه‌گیری بر اساس روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی «وارد»^۱ صورت پذیرفته است. در این روش، داده‌های اعتماد کشورهای غرب آسیا از مؤسسه لگاتوم در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ جمع‌آوری شد. سپس از طریق نرم‌افزار SPSS فرایند خوشه‌بندی وارد روی آنها پیاده شده است. در بخش کمی که بر اساس داده‌های مؤسسه لگاتوم (فرایند اعتماد) انجام شده است، با توجه به تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از خوشه‌بندی وارد، کشورهای غرب آسیا از حیث وضعیت اعتماد در سه خوشه دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از:

خوشه اول: قطر (۲۶)^۲، عمان (۲۶)، امارات (۳۷)، بحرین (۲۲)، کویت (۲۷) و عربستان (۴۹).

خوشه دوم: ایران (۷۵)، اردن (۷۷)، عراق (۱۰۰).

خوشه سوم: سوریه (۱۵۰)، یمن (۱۴۵)، ترکیه (۱۴۳) و لبنان (۱۲۹).

طبق نتایج خوشه‌بندی بر اساس روش وارد، برای انتخاب حجم نمونه از هر خوشه دو کشور انتخاب شده است.

^۱. Ward

^۲. رتبه هر کشور میانگین رتبه‌های آن کشور در طی سیزده سال گذشته (۲۰۰۷-۲۰۲۰) می‌باشد

۱) تعاریف عملیاتی

به منظور سنجش اعتماد در سطح «بین‌فردی تعمیم‌یافته»^۱ و نهادی از داده‌های مؤسسه لگاتوم (Prosperity, 2021) استفاده شده است؛ زیرا مؤسسه مذکور به عنوان معتبرترین و تنها مرکز سنجش اعتماد در کشورها در سطح جهانی قلمداد می‌شود. با این حال، تمرکز آن بر سنجش متغیر مذکور در سطح داخلی است. بنابراین، برای سنجش وضعیت اعتماد کشورها در سطح بین‌المللی، شاخص‌هایی توسط نویسندگان انتخاب شدند.

به منظور سنجش اعتماد در سطح خرد، شاخص اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته انتخاب شده است. مؤسسه لگاتوم به منظور سنجش اعتماد نهادی نیز شاخص‌های اعتماد به ارتش، حکومت ملی، سیستم قضایی و دادگاه‌ها، مؤسسات مالی و بانک‌ها، اعتماد عمومی به سیاست‌مداران و پلیس محلی را ملاک قرار داده است (Prosperity, 2021).

جهت سنجش اعتماد بین‌المللی، شاخص‌هایی انتخاب شدند که نشان می‌دهند میزان اعتماد یک کشور به جامعه بین‌المللی یا اعتماد جامعه بین‌المللی تا چه اندازه است. شاخص‌های مذکور عبارتند از میزان هزینه‌های نظامی (SIPRI, 2020)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (The World Bank, 2021) و فرار مغزها^۲ (Fund For Peace, 2021). میزان هزینه‌های نظامی نشان می‌دهد که کشور مذکور برای تأمین امنیت خود اصل خودیاری را در پیش گرفته و اعتماد اندکی به دیگران دارد. بنابراین، هزینه نظامی زیاد به منزله عدم اعتماد به سایر کشورها یا جامعه بین‌المللی است (اعتماد دولت به جامعه بین‌المللی یا سایر کشورها). همچنین، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز نشان می‌دهد که یک کشور تا چه اندازه مورد اعتماد دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و غیره است که آنها حاضرند سرمایه خود را به یک کشور وارد کنند (اعتماد جامعه بین‌المللی به یک دولت). در نهایت، مهاجرت شهروندان و فرار مغزهای یک کشور، به صورت سلبی وضعیت اعتماد را به نمایش می‌گذارد. این روند عمدتاً در کشورهای غیردموکراتیک به چشم می‌خورد که به نوعی این پیام را به جامعه بین‌المللی مخابره می‌کند که حتی شهروندان و نخبگان آن کشور اعتمادی به ساختارهای موجود و دولت آن کشور ندارند، بنابراین در نتیجه کاهش مشروعیت آن از میزان اعتماد به آن کشور کاسته می‌شود.

1. Generalized Interpersonal Trust

2. Human Rights and Rule of Law Index

جدول شماره ۲: سطوح، مولفه‌ها و شاخص‌های اعتماد

ابعاد	سطوح	شاخص‌ها	زیرشاخص	سال آغاز ارائه داده	مقیاس	طیف
اقتصادی	خرد (بین فردی)	اعتماد بین فردی	اعتماد بین فردی تعمیم یافته	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به ارتش	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به حکومت ملی	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
اجتماعی	میانی (مردم و حکومت)	اعتماد نهادی	اعتماد به سیستم قضایی و داده‌گاه‌ها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد به مؤسسات مالی و بانک‌ها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			اعتماد عمومی به سیاستمداران	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
سیاسی			اعتماد به پلیس محلی	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰۰
			مهاجرت شهروندان و فرار مغزها	۲۰۰۷	رتبه	۰-۱۰
فرهنگی	کلان (کشور با جامعه بین‌المللی)	اعتماد بین‌المللی	هزینه‌های نظامی	۱۹۸۸	عدد	مقدار
			سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۹۷۰	عدد	مقدار

سه متغیر تعداد گروه‌های تروریستی، میزان شدت خشونت‌های اعمالی و تعداد حملات آنها برای سنجش وضعیت تروریسم در غرب آسیا بر اساس ادبیات پژوهش استخراج شده است. تعداد گروه‌های تروریستی به این صورت سنجیده می‌شود که در دوره مورد مطالعه، چند گروه تروریستی در کشورهای انتخاب شده شکل گرفتند. وجود این گروه‌ها بر اساس داده‌های بانک اطلاعاتی تروریسم، صرفاً گروه‌هایی را شامل می‌شود که عملیات تروریستی انجام داده‌اند. میزان شدت خشونت‌های اعمالی گروه‌های تروریستی بر اساس تعداد کشته‌شدگان و مجروحین در عملیات‌های آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این شاخص با استفاده از رتبه‌بندی بانک

اطلاعاتی تروریسم که در قالب «آسیب‌پذیری از تروریسم» هر ساله ارائه می‌شود، سنجیده می‌شود. در نهایت، تعداد حملات آنها نیز در سه سطح ملی، فراملی و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. در جدول زیر، تعریف عملیاتی متغیرهای سه‌گانه تروریسم قابل مشاهده است:

جدول شماره ۳: تعریف عملیاتی مولفه‌های تروریسم

مولفه	تعریف عملیاتی
تعداد گروه‌ها	گروه‌هایی که فعالیت تروریستی داشته‌اند
شدت خشونت	تعداد کشته و زخمی‌ها
گستره فعالیت	تعداد حملات

یکسان‌سازی شاخص‌ها

همچنان که از نگاه اجمالی به جدول فوق هم می‌توان دریافت، همه شاخص‌های مورد نظر برای محاسبه سرمایه اجتماعی و تروریسم به صورت یکسان ارائه نشده‌اند. تفاوت در مقیاس و طیف سنجش از یک سو و تفاوت در تعداد کشورهای مورد سنجش (حتی در هر شاخص در سال‌های مختلف) مستلزم این است که قبل از اقدام به محاسبه سرمایه اجتماعی و تروریسم، نسبت به یکسان‌سازی آنها اقدام شود. در واقع از آنجا که روش ما برای سنجش سرمایه اجتماعی و تروریسم مبتنی بر استفاده از شاخص‌های ترکیبی است، پیش از هر چیز بایستی شاخص‌های مورد نظر را یکسان کرد. بدین منظور سعی می‌شود تمامی شاخص‌ها به رتبه تبدیل شوند و از مقیاس و طیف واحدی برای آنها استفاده شود.

با توجه به اینکه بیشتر شاخص‌های مورد نظر بر اساس صفر تا صد تعیین می‌شوند، بهترین روش برای یکسان‌سازی این است که سایر امتیازات مانند صفر تا ده یا صفر تا هفت نیز به صفر تا صد تبدیل شوند. در واقع، برای شاخص‌هایی که اصالتاً صفر تا صد محاسبه می‌شوند فقط یکسان‌سازی تعداد کشورها در سال‌های مختلف اتفاق می‌افتد، اما برای سایر شاخص‌ها ابتدا طیف موجود به طیف صفر تا صد تبدیل می‌شود و سپس یکسان‌سازی تعداد کشورها انجام می‌شود. مثلاً برای شاخص مهاجرت شهروندان و فرار مغزها که امتیاز کشورها از صفر تا ده محاسبه می‌شود، ده را صد، نه را نود و به همین ترتیب تمامی اعداد و ارقام را از صد محاسبه می‌کنیم. سپس زمانی که تمامی شاخص‌ها به رتبه تبدیل شدند، رتبه هر کشور تقسیم بر کل تعداد کشورها در آن رتبه‌بندی می‌شود و عدد به‌دست‌آمده ضرب در صد می‌شود. بدین ترتیب در هر سال و در همه شاخص‌ها این فرمول به کار گرفته می‌شود تا در نهایت همه رتبه‌ها از صد محاسبه شوند و یکسان‌سازی از نظر مقیاس، طیف و تعداد کشورهای رتبه‌بندی صورت پذیرد.

د) نتایج و یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در سه بخش یافته‌های توصیفی، تحلیلی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱) یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی مرتبط با اعتماد و تروریسم و مولفه‌های آنها به ترتیب زیر است:

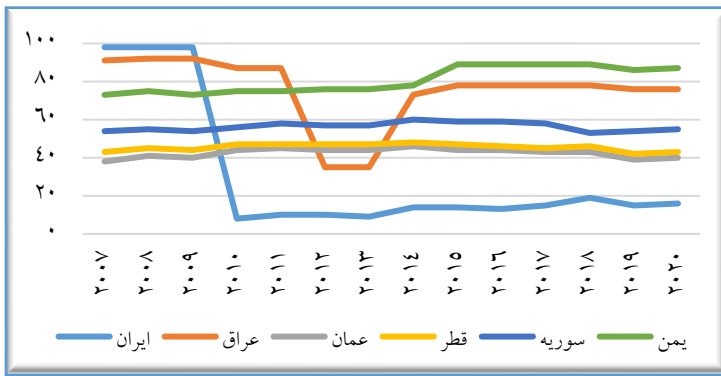
۲) اعتماد

یافته‌های اعتماد در سه سطح بین‌فردی، تعمیم‌یافته، نهادی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۳) اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، در اعتماد سطح خرد، ایران در سه سال یعنی از ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، میانگین رتبه ۹۸ را به خود اختصاص داده، اما در سال ۲۰۱۰ میانگین رتبه آن با سقوط ناگهانی به هشت کاهش پیدا کرده است. ایران پایین‌ترین سطح اعتماد خرد را در بین کشورهای مورد مطالعه پس از سال ۲۰۱۰ داشته است. در مقابل، بهترین میانگین رتبه ایران نیز در سال‌های مورد بررسی با نوزده به سال ۲۰۱۸ باز می‌گردد.

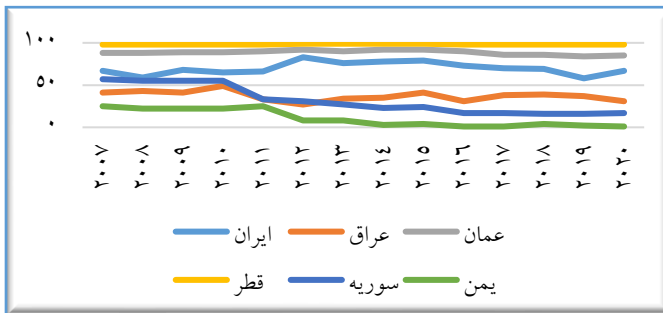
عراق با میانگین رتبه ۹۲ در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بهترین وضعیت را پس از ایران به ثبت رسانده است. در مقابل، بدترین وضعیت را با میانگین رتبه ۳۵ در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ پس از ایران در بین کشورهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده است. بهترین وضعیت سوریه نیز با میانگین رتبه ۶۰ در سال ۲۰۱۴ بوده است. بدترین وضعیت آن نیز به سال ۲۰۱۸ با میانگین رتبه ۵۳ باز می‌گردد. قطر و عمان نیز وضعیتی تقریباً مشابه داشته‌اند. میانگین رتبه آنها بین ۳۹ و ۴۸ در نوسان بوده است.



نمودار شماره ۱: روند اعتماد سطح خرد در کشورهای مورد مطالعه

۴) اعتماد نهادی

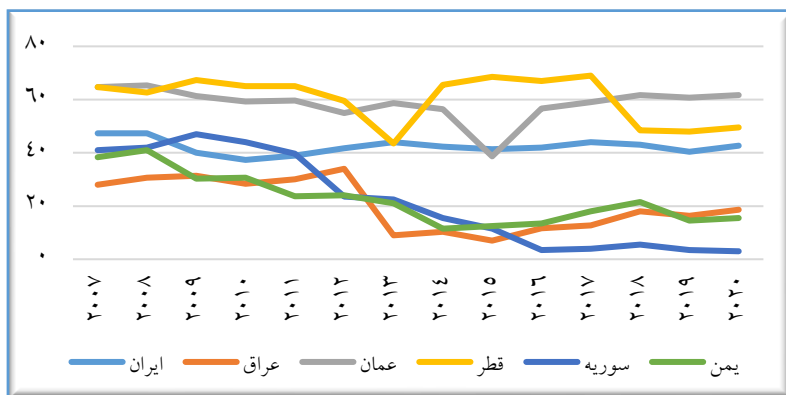
در اعتماد سطح میانی یا نهادی، برخلاف اعتماد سطح خرد، قطر و عمان بهترین میانگین رتبه را به ثبت رسانده‌اند. به طوری که قطر از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میانگین رتبه ۹۹ را به خود اختصاص داده است. در سایر سال‌ها، میانگین رتبه ۹۸ برای قطر به ثبت رسیده است. برای عمان نیز در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میانگین رتبه ۹۲ به ثبت رسیده است. بدترین وضعیت نیز در میان کشورهای مورد مطالعه با میانگین رتبه یک در سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰ به یمن اختصاص داشته است. بدترین میانگین رتبه ایران، عراق و سوریه به ترتیب ۵۵، ۲۷ و ۱۶ در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ بوده است. بهترین وضعیت ایران با میانگین رتبه ۸۳ به سال ۲۰۱۲ باز می‌گردد. در نمودار زیر، میانگین رتبه کشورهای مورد مطالعه از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ در سطح اعتماد نهادی نشان داده شده است:



نمودار شماره ۲: روند اعتماد سطح نهادی در کشورهای مورد مطالعه

۵) اعتماد بین‌المللی

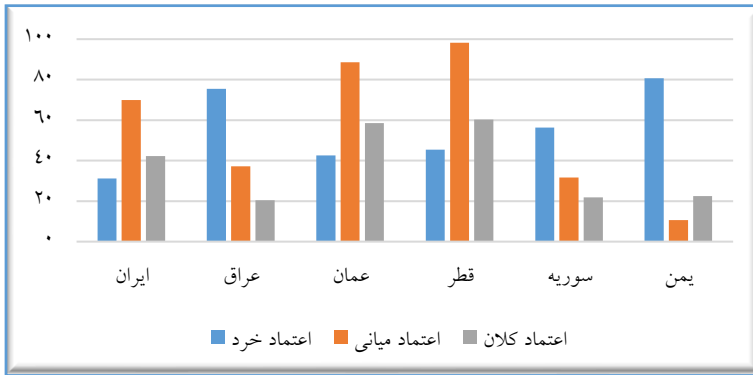
در سطح اعتماد بین‌المللی، قطر با میانگین رتبه ۶۹ در سال ۲۰۱۷، بهترین وضعیت را در میان کشورهای مورد مطالعه داشته است. در مقابل، سوریه با میانگین امتیاز سه در سال ۲۰۲۰، بدترین وضعیت را به ثبت رسانده است. البته میانگین رتبه قطر در سال ۲۰۱۳ به ۴۳ نیز کاهش پیدا کرده که ضعیف‌ترین وضعیت آن در طی سال‌های مورد مطالعه بوده است. بهترین وضعیت سوریه نیز با میانگین رتبه ۴۷ در سال ۲۰۰۹ به ثبت رسیده است. همان‌طور که در نمودار شماره ۳ قابل مشاهده است، اعتماد بین‌المللی سوریه، عراق و یمن از سال ۲۰۰۷ به بعد کاملاً نزولی بوده است. در این میان، تقریباً ایران روند باثباتی را طی کرده است. به عبارت دیگر، پایین‌ترین و بالاترین میانگین رتبه ایران به ترتیب ۳۷ و ۴۷ در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ بوده است. حتی میانگین رتبه عمان نیز از ۶۵ در سال ۲۰۰۸ به ۳۹ در سال ۲۰۱۵ کاهش پیدا کرده است.



نمودار شماره ۳: روند اعتماد سطح بین‌المللی در کشورهای مورد مطالعه

۶) میانگین اعتماد

همان‌طور که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است، قطر با میانگین امتیاز ۹۸ در اعتماد نهادی، بهترین وضعیت را به خود اختصاص داده است. در مقابل، یمن با میانگین امتیاز یازده ضعیف‌ترین وضعیت را داشته است. در اعتماد بین‌فردی تعمیم‌یافته، یمن و ایران به ترتیب با ۸۱ و ۳۱ بیشترین و کمترین امتیاز را به ثبت رسانده‌اند. در سطح اعتماد بین‌المللی، قطر و عراق به ترتیب با میانگین امتیاز ۶۰ و ۲۰ بیشترین و کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.



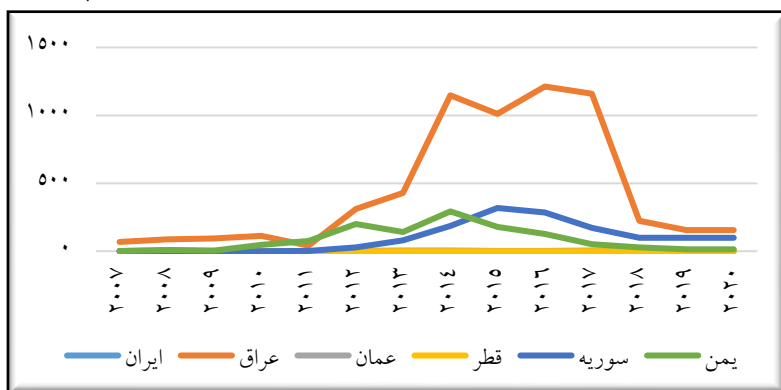
نمودار شماره ۴: میانگین اعتماد در کشورهای مورد مطالعه

۷) تروریسم

تغییر و تحولات تروریسم بر اساس سه شاخص گستره فعالیت (تعداد حملات)، شدت خشونت و تعداد گروه‌های تروریستی بدین ترتیب است:

گستره فعالیت (تعداد حملات)

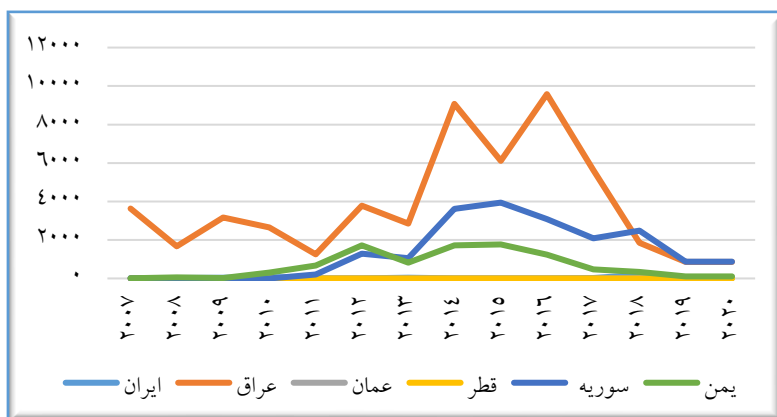
همان‌طور که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده، بیشترین تعداد حملات تروریستی در عراق رخ داده است، به طوری که تعداد حملات در سال ۲۰۱۶ به ۱۲۱۲ افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۷، ۶۸ حمله تروریستی در عراق به وقوع پیوسته است که کمترین تعداد در سال‌های مورد مطالعه بوده است. در قطر و عمان هیچ حمله تروریستی در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ به ثبت نرسیده است. حتی در سوریه نیز تا سال ۲۰۱۱ هیچ حمله‌ای رخ نداد. کمترین و بیشترین حملات تروریستی در ایران نیز به ترتیب با صفر و ۹ حمله به سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸ باز می‌گردد.



نمودار شماره ۵: روند تعداد حملات تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

شدت خشونت

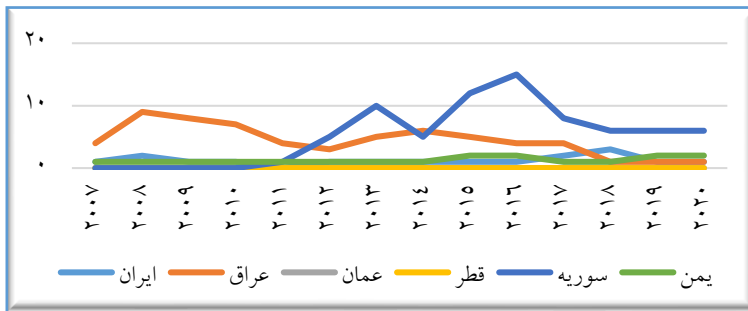
از حیث شدت خشونت، مجموع مجروحین و مرگ‌ها در عراق نسبت به سایر کشورها بسیار بالاتر بوده است. به طوری که حملات تروریستی در سال ۲۰۱۶، ۹۵۷۹ نفر مجروح و مرگ در پی داشته‌اند. در قطر و عمان نیز با توجه به اینکه هیچ حمله تروریستی رخ نداده، مجروح و کشته‌ای نیز برای آن وجود نداشته است. در ایران در سال ۲۰۱۸، ۱۸۷ نفر مجروح و کشته ثبت شده که بالاترین میزان تلفات این کشور در سال‌های مورد مطالعه بوده است. در نمودار زیر، مجموع مجروحین و مرگ‌ها در پی حملات تروریستی در هر سال برای کشورها نشان داده شده است:



نمودار شماره ۶: روند شدت خشونت گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

تعداد گروه‌ها

برخلاف تعداد حملات و شدت خشونت، بیشترین تعداد گروه‌های تروریستی در دوره مورد مطالعه در سوریه به ثبت رسیده است، به طوری که پانزده گروه در سال ۲۰۱۶ حملات تروریستی انجام داده‌اند. ذکر این نکته مهم است که گرچه ممکن است گروه‌های تروریستی زیادی در کشورها وجود داشته باشند، اما در پژوهش حاضر، گروه‌هایی محاسبه شده‌اند که حداقل یک حمله تروریستی انجام داده‌اند. در این راستا، برای شمارش تعداد گروه‌ها، تعداد کشته‌ها و مجروحین لحاظ نشده‌اند و فقط حمله به عنوان معیار قرار گرفته است. به عنوان مثال، گروهی تروریستی که ساختمانی را منفجر کند، اما کشته و زخمی در پی نداشته باشد نیز در زمره تعداد گروه‌های تروریستی لحاظ می‌شود. بنابراین، گروه‌های تروریستی که حملات تروریستی انجام ندادند، در زمره تعداد گروه‌های تروریستی لحاظ نشده‌اند. در ایران در سال ۲۰۱۸ سه گروه تروریستی به ثبت رسیده‌اند که بیشترین مقدار طی سال‌های مورد مطالعه بوده است. در نمودار زیر، روند تحول تعداد گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه نشان داده شده است:



نمودار شماره ۷: روند تحول تعداد گروه‌های تروریستی در کشورهای مورد مطالعه

مجموع و میانگین تروریسم

همان‌طور که در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است، در کل سال‌های مورد مطالعه، مجموع حملات تروریستی در عراق ۶۲۰۵ مورد بوده و میانگین آن نیز ۴۴۳ حمله در سال بوده است. بیشترین تعداد گروه‌های تروریستی نیز در مجموع با ۷۴ گروه در سوریه بوده است. بر این اساس، در هر سال بیش از پنج گروه در این کشور عملیات تروریستی انجام داده‌اند. در نهایت، بیشترین شدت خشونت با تقریباً ۵۳ هزار کشته و مجروح در عراق به ثبت رسیده که این مقدار به معنای آن است که تقریباً چهار هزار نفر در هر سال در این کشور آسیب دیده‌اند.

جدول شماره ۴: مجموع و میانگین تروریسم در کشورهای مورد مطالعه

کشور / متغیر	تعداد حملات		تعداد گروه‌ها		شدت خشونت	
	مجموع	میانگین	مجموع	میانگین	مجموع	میانگین
ایران	۴۴	۳	۱۷	۱/۲۱	۵۱۰	۳۷
عراق	۶۲۰۵	۴۴۳	۶۲	۴/۴۲	۵۲۹۴۹	۳۷۸۲
قطر	۰	۰	۰	۰	۰	۰
عمان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سوریه	۱۳۶۶	۹۷	۷۴	۵/۲۸	۱۹۴۸۰	۱۳۹۱
یمن	۱۱۸۰	۸۴	۱۸	۱/۲۸	۹۳۱۴	۶۶۵

یافته‌های تحلیلی

برای تحلیل یافته‌ها نخست برای تعیین جهت رابطه از آزمون همبستگی پیرسون بهره برده می‌شود، سپس برای تبیین اینکه چند درصد از تروریسم توسط اعتماد قابل توضیح است، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده می‌شود. ذکر این نکته مهم است که رابطه متغیرها نیز خطی می‌باشد.

تحلیل رابطه اعتماد و تروریسم بر اساس آزمون همبستگی

در جدول شماره ۵ رابطه سطوح مختلف اعتماد با مولفه‌های شدت خشونت، گستره فعالیت و تعداد گروه‌های تروریستی، نشان داده شده است. بر اساس مقادیر به دست آمده بین اعتماد نهادی و شدت خشونت با ضریب همبستگی (* $0/572$) و سطح معناداری ($0/032$)، می‌توان استدلال کرد رابطه در حد بالایی بین دو متغیر وجود داشته است. این مقادیر به این معناست که به هر میزان که اعتماد نهادی افزایش پیدا کرده، از شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته شده است.

با توجه به مقادیر حاصل شده بین اعتماد بین‌المللی و تعداد گروه‌ها، یعنی ضریب همبستگی (* $0/597$) و سطح معناداری ($0/024$)، می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معناداری وجود داشته است. بر این اساس، به هر میزان اعتماد بین‌المللی یک کشور افزایش پیدا کرده، تعداد گروه‌های تروریستی آن نیز افزایش یافته است. در نهایت، بین هر سه سطح اعتماد و گستره فعالیت یا تعداد حملات گروه‌های تروریستی نیز رابطه معناداری وجود داشته است. از آنجا که جهت رابطه مثبت است، می‌توان گفت که با افزایش سطح اعتماد، تعداد حملات تروریستی نیز افزایش پیدا کرده‌اند.

جدول شماره ۵: رابطه اعتماد و تروریسم

تعداد حملات		تعداد گروه		شدت خشونت		اعتماد و تروریسم
معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	
	۰/۵۴۷*	۰/۴۴۳	۰/۲۲۸	۰/۲۲۴	۰/۳۴۷	اعتماد بین فردی تعمیم یافته
۰/۰۰۰	۰/۸۱۵**	۰/۱۹۸	۰/۳۶۶	۰/۰۳۲	۰/۵۷۲*	اعتماد نهادی
۰/۰۰۰	۰/۹۱۰**	۰/۰۲۴	۰/۵۹۷*	۰/۱۰۲	۰/۴۵۵	اعتماد بین المللی

تحلیل رابطه اعتماد و تروریسم با استفاده از رگرسیون

در این بخش تلاش می شود تا نشان داده شود که سطوح مختلف اعتماد تا چه اندازه قادر به تبیین تروریسم هستند.

رابطه اعتماد و تعداد گروه های تروریستی

بر اساس مناسب ترین مدل حاصل شده از تحلیل رگرسیون گام به گام (جدول شماره ۶)، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۳۵۷) بیانگر این می باشد که ۳۶ درصد از واریانس متغیر تعداد گروه های تروریستی با اعتماد نهادی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین المللی، حدود (۰/۵۹۷) واحد در میزان تعداد حملات گروه های تروریستی تغییر حاصل شده است.

جدول شماره ۶: ضریب رگرسیونی اعتماد با تعداد گروه ها

گام	متغیر پیش بین	بتا	T	معناداری	R^2	R^2 تغییر	F	df
اول	اعتماد بین المللی	۰/۵۹۷	۲/۵۸۱	۰/۰۲۴	۰/۳۵۷	۰/۳۰۳	۶/۶۶۱	۱

رابطه اعتماد و تعداد حملات تروریستی

همان طور که در جدول شماره ۷ نشان داده شده است، بر اساس مناسب ترین مدل حاصل شده از تحلیل رگرسیون گام به گام، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۸۲۹) بیانگر این است که ۸۳ درصد از واریانس متغیر گستره فعالیت یا تعداد حملات با اعتماد بین المللی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین المللی، حدود (۰/۹۱۰) واحد در میزان تعداد حملات گروه های تروریستی تغییر حاصل شده است.

جدول شماره ۷: ضریب رگرسیونی اعتماد با تعداد حملات

گام	متغیر پیش‌بین	بتا	T	معناداری	R ²	R ² تغییر	F	df
اول	اعتماد بین‌المللی	۰/۹۱۰	۷/۶۲۷	۰/۰۰۰	۰/۸۲۹	۰/۸۱۵	۵۸/۱۷۰	۱

رابطه اعتماد و شدت خشونت گروه‌های تروریستی

بر اساس مناسب‌ترین مدل حاصل‌شده از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام (جدول شماره ۸)، مقدار R² به‌دست‌آمده (۰/۳۲۸) بیانگر این است که ۳۳ درصد از واریانس متغیر شدت خشونت گروه‌های تروریستی، با اعتماد نهادی تبیین شده است. همچنین، به ازای هر واحد تغییر در میزان اعتماد بین‌المللی، حدود (۰/۵۷۲-) واحد در میزان تعداد حملات گروه‌های تروریستی تغییر حاصل شده است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که به هر میزان که اعتماد نهادی افزایش پیدا کند، از میزان شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته می‌شود.

جدول شماره ۸: ضریب رگرسیونی اعتماد با شدت خشونت

گام	متغیر پیش‌بین	بتا	T	معناداری	R ²	R ² تغییر	F	df
اول	اعتماد نهادی	-۰/۵۷۲	-۲/۴۱۸	۰/۰۳۲	۰/۳۲۸	۰/۲۷۲	۵/۸۴۷	۱

یافته‌های استنباطی

بخشی از یافته‌های پژوهش با نتایج سیجمن، هلفشتاین و عسل، نگر و رثمیر اشتراک دارد. بدین صورت در جوامعی که اعتماد بیشتر باشد، تشکیل گروه‌های تروریستی سهل‌تر می‌شود، در مقابل، از میزان خشونت آنها کاسته می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های هلفشتاین از این جهت تفاوت دارد که او سرمایه اجتماعی را به عنوان یک کل و بدون در نظر گرفتن سطوح آن مورد سنجش قرار می‌دهد، در حالی که در این پژوهش، اعتماد در سطوح مختلف مورد سنجش قرار گرفته است.

بخشی از یافته‌های پژوهش با نتایج شمائلیه نیز اشتراک دارد. او تشکیل گروه‌های تروریستی را با ضریب پایین سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی مرتبط دانسته است؛ اما در این مورد که اعتماد نهادی از شدت خشونت گروه‌های تروریستی می‌کاهد، تفاوت وجود دارد. در این مورد، یافته‌های پژوهش با نتایج ناسیو و اوپنهایم اشتراک دارد.

نتایج و یافته‌های این پژوهش در این مورد که افزایش ضریب اعتماد بین‌المللی باعث افزایش تعداد گروه‌های تروریستی و حملات آنها در غرب آسیا شده، با همه پژوهش‌ها تفاوت دارد. احتمالاً این موضوع به ریشه دوانیدن فرهنگ اسلامی در این منطقه و تمایل ضداجتماعی حاکمان

سلطنتی در کشورهای غرب آسیا - حل شدن در فرایند جهانی شدن و گرایش به لیبرالیسم - بازمی‌گردد. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که چون نهادگرایی در این منطقه به بلوغ نرسیده است، شهروندان با تشکیل و پیوستن به گروه‌های تروریستی و افزایش دامنه حملات و شدت خشونت به این وضعیت پاسخ می‌دهند.

نتیجه‌گیری

تروریسم در غرب آسیا عمدتاً به صورت متغیری کلی و بدون نظرگرفتن مولفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، همواره سعی شده تا با استفاده از متغیرهای اقتصادی، سیاسی، روانشناختی یا فرهنگی به تبیین آن پرداخته شود. به همین جهت، تأثیر متغیرهای اجتماعی به‌ویژه اعتماد بر آن، مورد توجه چندانی قرار نگرفته است.

در این پژوهش با تمرکز بر اعتماد به عنوان یک متغیر اجتماعی و در نظر گرفتن سطوح مختلف آن، این نتیجه حاصل شد که سطوح مختلف اعتماد بر تعداد گروه‌های تروریستی، تعداد حملات و شدت خشونت اعمالی توسط آنها تأثیرات متفاوتی برجای می‌گذارد. به طوری که با افزایش اعتماد بین فردی تعمیم‌یافته، تشکیل یا تعداد گروه‌های تروریستی افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا گروه‌های تروریستی عمدتاً از بین آشنایان عضوگیری می‌کنند. همچنین این نتیجه به دست آمد که به هر میزان اعتماد نهادی در جامعه افزایش پیدا کند، از شدت خشونت گروه‌های تروریستی کاسته می‌شود؛ زیرا جامعه مدنی به عنوان سپری اجتماعی در مقابل آنها عمل می‌کند. یکی دیگر از یافته‌ها، رابطه میان افزایش تعداد گروه‌های تروریستی و حملات آنها با افزایش اعتماد بین‌المللی است. علت این موضوع احتمالاً به تضاد بین حکومت‌ها و شهروندان در منطقه غرب آسیا بازمی‌گردد؛ زیرا شهروندان مسلمان به سیاست خارجی حکومت‌ها (حل شدن در فرایند جهانی شدن و...) واکنش نشان می‌دهند.

فهرست منابع

- آذین، احمد و علی سیف‌زاده (۱۳۹۴)، «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۴)، ۲۷-۵۰.
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۶)، «برداشتی سازه‌انگاران از ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۷۷)، ۲۷-۶۰.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۳)، «علل گرایش به تروریسم انتحاری»، ماهنامه برآورد، شماره ۱۷-۱۸.

- ثابت، زینب (۱۴۰۰)، *اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: شهروندان شهر رشت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.
- خلیلی، رضا و سلمان دستافشان (۱۳۹۹)، «چارچوبی برای سنجش عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تروریستی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۳(۸۸)، ۷-۳۲.
- دمیرجان، کارون (۱۳۹۴)، «علل گرایش جوانان تاجیک به داعش از نگاه روزنامه آمریکایی»، *پایگاه خبری صدای ایران* به نقل از واشنگتن پست.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۹۱)، *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶)، «هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا؛ بررسی تحلیلی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۷)، ۱۱-۱۴۲.
- شیخی، احمد (۱۳۹۶)، *دلیل گرایش به داعش اعتقادی نیست، محرومیت و فقر است*، قابل دسترس در: <https://www.rajanews.com/news/274070/>
- صنوبر، ناصر (۱۳۹۳)، *اقتصاد تروریسم*، تهران: انتشارات بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس).
- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۵)، *تولید اهریمن عوامل پیدایش دولت اسلامی عراق و شام*، ترجمه فاروق نجم‌الدین، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- علی، بختیار (۱۳۹۴)، *داعش، خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی*، ترجمه سردار محمدی، تهران: انتشارات مرکز.
- کلانتری، کیومرث و فاطمه نوری (۱۳۹۳)، «تروریسم مذهبی در فضای سایبر و راهکارهای مقابله با آن»، *اولین کنفرانس فضای سایبری و تحولات فرهنگی*.
- کلاهچیان، محمود و عبدالمحمود محمدی‌لرد (۱۳۹۶)، «استراتژی بازیگران و مسئله تروریسم در غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۷)، ۶۱-۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹)، *تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا، سعید معیدفر و فاطمه گلایی (۱۳۹۰)، «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۱)، ۴۱-۷۰.
- نوربخش، یونس و منصور مهدی‌زاده (۱۳۹۴)، «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۲(۲)، ۲۳۹-۲۶۲.
- وثوقی، منصور و هاشم آرام (۱۳۸۸)، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۳۳-۱۵۳.
- Çinar, B. (2009). *The root causes of terrorism*. ME TU Studies in Development.
- Asal, V. H., Nagar, N. A., & Rethemeyer, R. K. (2014). Building Terrorism from Social Ties: The Dark Side of Social Capital. *Civil Wars*, 16(4), 402-424.
- Bozorgmehri, M. (2019) A Study on Motivations and Objectives of Leaders and Simple Fighters in ISIS: Difference or Similarity. *The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World*, Vol. 8, No, 31.

- Fund for Peace. (2021). Human Rights and Rule of Law Index, Available at: <https://www.googleadservices.com/pagead/aclk?sa=>
- Grootaert, C., & Van Bastelaer, T. (Eds.). (2002). *Understanding and measuring social capital: A multidisciplinary tool for practitioners* (Vol. 1). World Bank Publications.
- Guillen, L., Coromina, L., & Saris, W. E. (2011). Measurement of social participation and its place in social capital theory. *Social Indicators Research*, 100(2), 331-350.
- Gurr, T. (1970). *Why Men Rebel*, Princeton: Princeton University Press.
- Helfstein, S. (2014), Social Capital and Terrorism, *Journal of Defence and Peace Economics*, 4 (23), 363-380.
- Hoffman, B. (2017). *Inside terrorism*. Columbia university press.
- Laqueur, W. (2006). *The new terrorism: Fanaticism and the arms of mass destruction*. Oxford University Press.
- Martin, G. (2017). Types of Terrorism. In: *Developing Next-Generation Countermeasures for Homeland Security Threat Prevention*. IGI Global. 81-95.
- Mathee, S. (2019). *The Globalising nature of terrorism and the manifestations and implications of new terrorism* (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Matusitz, J. (2013). *Terrorism & Communication: A Critical Introduction*, SAGE Publications. Inc., London.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Academy of management review*, 23(2), 242-266.
- Nussio, E., & Oppenheim, B. (2014). Anti-Social Capital in Former Members of Non-State Armed Groups: A Case Study of Colombia. *Studies in Conflict & Terrorism*, 37(12), 999-1023.
- Prosperity. (2021). The Legatum Prosperity Index, Available at: <https://www.prosperity.com/>
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and schuster.
- Reitan, E. (2010). Defining terrorism for public policy purposes: The group-target definition. *Journal of Moral Philosophy*, 7(2), 253-278.
- Rotberg, R. I. (2002). The new nature of nation-state failure. *Washington quarterly*, 25(3), 83-96.
- Sageman, M. (2004). *Understanding Terror Networks*. University of Pennsylvania Press.
- Schinkel, W. (2009). On the concept of terrorism. *Contemporary Political Theory*, 8(2), 176-198.
- Schmid, A. P. (2011). The definition of terrorism. In *the Routledge handbook of terrorism research* (pp. 39-157). Routledge.
- Seifi, A., Motaghi, S., Ebrahim, S., & Ahmadi, M. S. (2020). *Effect of terrorism activities on capital flight in the Middle East*. In *E3S Web of Conferences* (Vol. 157, p. 03017). EDP Sciences.
- Shamaileh, A. (2017). *Trust and Terror: Social Capital and The Use of Terrorism as A Tool of Resistance*. Taylor & Francis.
- SIPRI. (2021). Military expenditure, Available at: <https://www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-and-military-expenditure/military-expenditure>
- Stapley, C. (2009). Terrorism: Its Goals, Targets, and Strategies. In *Terrorism's unanswered questions*. ABC-CLIO.
- START. (2019). *Islamist terrorist attacks in the world 1979-2019*, Available at: <https://data.fondapol.org/en/non-classe-en/islamist-terrorist-attacks-in-the-world-1979-2019-2/>
- Szreter, S., & Woolcock, M. (2004). Health by association? Social capital, social theory, and the political economy of public health. *International journal of epidemiology*, 33(4), 650-667.
- Taylor, B. J. (2002). *Opportunity and discontent: An analysis of mass political violence throughout the world from 1975 to 1994* (Doctoral dissertation, Loyola University Chicago).
- Taylor, R. (2002). *The history of terrorism*. Lucent Books.
- The World Bank. (2021). Foreign direct investment, net inflows (BoP, current US\$), Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD>



انستیتو مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 30 January 2024
 Accepted 02 June 2024
 Published online 07 September 2024

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 2, pp 147-176



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

An Analysis of Turkiye's Water Policy Towards Iran and Iraq, Using the Hypothetica and Swain Models

Reza Dolati ¹, Seyyed Abbas Ahmadi ^{2*}, Mohammad Bagher Ghalibaf ^{3*}, Mahmood Vasegh ^{4*}

¹ Ph.D. candidate of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

² Faculty member of Tehran University, Department of Political Geography, Tehran, Iran

³ Faculty member of Tehran University, Department of Political Geography, Tehran, Iran

⁴ Faculty member of Tehran University, Department of Political Geography, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: abbas_ahmadi@ut.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Dolati, R., Ahmadi, S. A., Ghalibaf, M. B., & Vasegh, M. (2024). An Analysis of Turkiye's Water Policy Towards Iran and Iraq, Using the Hypothetica and Swain Models. *Strategic Studies Quarterly*, 27(2), 147-176. doi: 10.22034/srq.2024.446294.4153



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Authoritarian policies that prioritize state power often hinder the development of constructive international relationships, fueling tensions and reducing opportunities for cooperation. This is particularly evident in the Middle East, where countries in the Tigris and Euphrates river basins are deeply affected. The region's unique geopolitical and hydropolitical context makes it especially vulnerable to such conflicts. In recent years, relations between Iran, Turkiye, and Iraq have grown increasingly complex due to various factors, including dam construction, persistent droughts, and Turkiye's authoritarian policies. These elements have heightened sensitivities in their relations, compounding the challenges of their already tumultuous history.

In such a complex environment, it becomes increasingly crucial to accurately understand and thoroughly analyze the ongoing regional processes. Additionally, forecasting future trends is critical for preventing international crises. A detailed examination of the impact of dam construction on the flow of the Tigris and Euphrates rivers, coupled with an assessment of the consequences of recurring droughts on the region's water resources, is essential. Analyzing the water policies of key regional players, particularly Turkiye, can also further enhance our understanding of the current situation and inform more effective responses.

Furthermore, exploring how these policies affect relations between neighboring countries can provide valuable insights. Through such studies, it is possible to propose solutions that promote more effective cooperation in water resource management. This could involve sharing information, creating joint mechanisms for managing water resources, and developing collaborative projects focused on sustainable usage. Ultimately, prioritizing cooperation over competition and hostility can foster a more constructive environment for addressing regional challenges. Achieving this, however, requires a shift in attitudes and broader policies among regional countries, but it can safeguard the long-term interests of all parties involved.

Methodology

Research methods generally fall into three categories: quantitative, qualitative, and mixed (a combination of both). This study employs a descriptive-analytical approach to assess and interpret the current situation. In the descriptive phase, data is gathered through library research, while the analytical one applies a deductive method, utilizing Peter Haggett's Hypothetica model and Ashok Swain model for data analysis. In the quantitative section, Food-Energy-Water (FEW) indicators are employed to demonstrate and derive key concepts.

The research process involves gathering information, conducting a thorough analysis of the collected data, and identifying patterns based on the assumptions of the two models. The final step is to pinpoint and articulate the challenges that need to be addressed to enhance the current situation. To clearly and comprehensively present the research findings, diagramming software is used to infer and illustrate the conceptual model. This model visually represents the relations and connections among various research elements. This integrated approach enables a deep, multifaceted examination of the topic and leads to a well-rounded and actionable analysis.

This mixed-method approach, which combines descriptive-analytical techniques with quantitative analysis using FEW indicators, offers a strong foundation for the study. It facilitates a thorough examination of the current situation while also enabling a data-driven analysis of trends and patterns. By integrating the Hypothetica and Swain models into the analytical process, the study gains a deeper interpretation of the data, revealing insights that might be overlooked when using a single methodological approach.

By clearly mentioning the existing challenges, this research goes beyond merely describing the current state—it also lays the groundwork for potential solutions and improvements. This forward-thinking approach significantly enhances the study's practical relevance, making it valuable for policymakers and stakeholders alike. The comprehensive methodology, which seamlessly integrates qualitative and quantitative approaches and is further supported by visual modeling, allows for a detailed and nuanced exploration of the topic. As a result, the research not only provides valuable insights but also establishes a strong foundation for future studies and practical applications.

Result and discussion

Authoritarian or power-centric policies focus on consolidating and expanding governmental authority, both within a nation and in its foreign relations. However, an excessive reliance on this approach can hinder constructive international engagement, often leading to tensions and even potential crises. The Middle East, particularly the Tigris and Euphrates river basins encompassing Iran, Türkiye, and Iraq, is especially vulnerable due to its unique geopolitical importance and the complex interplay of regional dynamics.

The findings reveal that Türkiye's unilateral and authoritarian management of water resources - primarily through large-scale dam construction and hydropower projects designed to enhance agricultural development - has deepened regional disparities and heightened tensions. Iraq's geographical disadvantages, combined with its limited financial and technological resources, have left it ill-equipped to effectively counter Türkiye's actions. The advanced dam projects in Türkiye, along with similar initiatives in Iran, have severely affected Iraq's water resources, exacerbating water scarcity and contributing to environmental degradation.

Türkiye's centralized and dominant approach to dam construction has worsened the region's water supply and demand imbalance. At the same time, internal conflicts and divergent water priorities between the Iraqi government and the Kurdistan Regional Government hinder a cohesive response to regional water disputes, underscoring significant organizational weaknesses within Iraq.

As Türkiye's influence expands, Iraq's vulnerabilities become increasingly evident, largely due to its central authority deficiencies and organizational weaknesses. Iraq faces significant consequences, including environmental degradation and threats to human life. However, Türkiye is also affected by its actions, such as diverting water from the Tigris and Euphrates, which disrupt Kurdish regions in Iraq and risk fueling unrest and instability.

The Swain model demonstrates that population growth, driven by the Food-Energy-Water (FEW) nexus, leads to resource depletion and heightened tensions. This growth further intensifies water scarcity and regional instability. As a result, population growth strategies centered around these components become increasingly costly and demand a fundamental reassessment by the countries involved.

An analysis of the Food-Energy-Water (FEW) components shows that Türkiye holds a relatively stronger position compared to Iran and Iraq, though this advantage may not be sustainable in the long run. However, with its abundant water reserves and extensive dam infrastructure, Türkiye is not on the verge of a water crisis. Iran, although better off than Iraq in terms of water resources, still confronts considerable challenges. Iraq, in the most vulnerable position, faces severe threats to its water supply, underscoring the serious security and environmental implications for the country.

Conclusion

Active and close cooperation between Iraq and Iran in managing water resources is crucial. This partnership can foster the creation of joint programs and strategies for water management, helping to maintain a balanced approach to resource usage while easing regional tensions. Through such collaboration, both countries can improve water security in the region by addressing risks and ensuring that the water needs of affected communities are met effectively.

At large, addressing barriers and challenges to sustainable and equitable water management in the region requires a multifaceted approach: 1) Strengthened regional cooperation; 2) Adoption of water-saving technologies; and 3) International interventions and mediation. By implementing these strategies collectively, the region can move toward more sustainable water management practices and reduce tensions in this geopolitically sensitive area

Keywords: *Authoritarian Policies; Geopolitics; International Crisis; Hypothetica Model; Swain Model.*



دانشگاه تهران
پژوهش‌های مطالعات آب

Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۲
اصلاح‌شده در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۴، صفحه ۱۴۷-۱۷۶



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تحلیل سیاست‌های آبی ترکیه در قبال کشورهای ایران و عراق با بهره‌گیری از مدل‌های های پوتیتکا و سوئین

رضا دولتی^۱، سیدعباس احمدی^{۲*}، محمد باقر قالیباف^۳، محمود وائق^۴

۱. کاندیدای دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: abbas_ahmadi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سیاست‌های اقتدارگرایانه با تأکید بر تقویت قدرت دولت‌ها، گاه مانع از تعامل سازنده بین کشورها می‌شود و زمینه‌ساز بروز تنش‌های بین‌المللی است. منطقه خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای حوضه آبریز دجله و فرات از مناطقی هستند که به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و هیدروپلیتیکی خاص، از این قاعده مستثنی نیستند. در دهه‌های اخیر، به‌رغم فراز و نشیب‌های تاریخی، روابط ایران، ترکیه و عراق به‌دلیل احداث سدها و خشکسالی‌های مکرر، از یک‌سو و سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه از سوی دیگر، حساس‌تر شده است. بنابراین لزوم آشکارسازی و تحلیل فرایندهای جاری در منطقه و پیش‌بینی روندها مهم و حائز اهمیت بوده است چراکه امکان جلوگیری از بحران‌های بزرگ را فراهم می‌کند. در همین راستا این مقاله با اتخاذ روش تحقیق آمیخته و ترسیم مدل مفهومی تلاش کرده است به این سؤال پاسخ دهد که اقدامات ترکیه در حوزه مدیریت آبی، از چه الگویی پیروی کرده و چه پیامدهایی برای همسایگان این کشور می‌توان متصور شد؟ در این پژوهش از مدل فرضی های پوتیتکا و مدل سوئین جهت بررسی شرایط استفاده شده است. فرضیه پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌های آبی ترکیه، اقتدارگرایانه بوده به‌گونه‌ای که کشورهای همسایه به‌ویژه ایران و عراق را با کمبود منابع آب و تنش روبه‌رو خواهد ساخت. نتایج نشان می‌دهد که در صورت ادامه روند کنونی، ایران در طولانی‌مدت و عراق در کوتاه‌مدت دچار بیشترین آسیب در امنیت آبی در مقایسه با سایر کشورها خواهند شد.

نوع مقاله

پژوهشی/اصلی

نحوه استناد به این مقاله:

دولتی، رضا، احمدی، عباس، قالیباف، محمدباقر، و وائس، محمود. (۱۴۰۳). تحلیل سیاست‌های آبی ترکیه در قبال کشورهای ایران و عراق با بهره‌گیری از مدل‌های های پوتیتکا و سوئین. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۲)، ۱۴۷-۱۷۶

doi:

10.22034/srq.2024.446294.4153



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

کلیدواژه‌گان: سیاست‌های اقتدارگرایانه، ژئوپلیتیک، بحران بین‌المللی، های پوتیتکا، سوئین.

مقدمه

امنیت منابع آب یکی از مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. کشورهای همسایه ترکیه، ایران و عراق با توجه به موقعیت‌های متفاوت جغرافیایی و هیدروپلیتیک خود، رویکردها و استراتژی‌های متمایزی را در قبال مدیریت منابع آب مشترک از جمله رودخانه‌های دجله و فرات در پیش گرفته‌اند. این امر زمینه‌ساز اختلافات و تنش‌های گسترده منطقه‌ای شده است. یکی از عوامل کلیدی در این زمینه، سیاست‌های اقتدارگرایانه و تمرکزگرایانه ترکیه در حوزه آب بوده است. ترکیه به عنوان کشور بالادست، با احداث سدهای متعدد و کنترل جریان آب رودخانه‌های مرزی، سهم آبی کشورهای پایین‌دست همچون عراق و سوریه را کاهش داده و چالش‌های جدی امنیتی و زیست‌محیطی برای آنها ایجاد کرده است. در این مقاله با بهره‌گیری از مدل‌های پوتیکا و سوئین، به تحلیل سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه در حوزه آب و تأثیرات آن بر کشورهای ایران و عراق می‌پردازیم. مدل‌های پوتیکا چارچوبی را برای درک پیچیدگی‌های هیدروپلیتیک و روابط میان کشورهای بالادست و پایین‌دست فراهم می‌کند. همچنین مدل سوئین به بررسی ارتباط میان امنیت آب، انرژی و غذا و تأثیرات متقابل آنها بر توسعه پایدار می‌پردازد. با این رویکرد می‌توان به درک عمیق‌تری از ریشه‌های اختلافات آبی و راهکارهای احتمالی برای کاهش تنش‌ها و دستیابی به همکاری‌های منطقه‌ای دست یافت. در دنیای امروز، سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی توسط کشورها به منظور حفظ و تقویت قدرت و اقتدار خود اتخاذ می‌شوند. برخی از این سیاست‌ها، به عنوان سیاست‌های اقتدارگرا^۱ شناخته می‌شوند که تمرکز اصلی آنها بر تقویت نقش و قدرت دولت‌ها است. این سیاست‌ها معمولاً با ایجاد و تحکیم نیروهای نظامی، توسعه صنعت نظامی، افزایش قدرت اقتصادی و تمدنی و کسب‌وکارهای استراتژیک صورت می‌گیرند؛ اما به‌رغم هدف قابل‌تحسین این سیاست‌ها، گاهی اوقات باعث می‌شوند تعاملات سازنده^۲ بین کشورها محدود شده و در نتیجه، تنش‌های خارجی و خشونت زاده شود. تمرکز بر تقویت قدرت دولت‌ها می‌تواند منجر به ایجاد رقابت‌های نابرابر و عدم توازن در قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شود. این مسئله می‌تواند به دنباله‌ای از واکنش‌ها و مقابله‌های نظامی بین کشورها منجر شده و در نهایت به تنش‌های جدی و حتی جنگ‌های بین‌المللی بینجامد. علاوه بر این، سیاست‌های اقتدارگرا می‌توانند به نوعی باعث تضعیف

1. Authoritarian policies

2. Constructive interactions

سیاست‌های همکاری و تعاون بین‌المللی شوند؛ زیرا در این سیاست‌ها، معمولاً تأکید بر منافع ملی و حفظ قدرت و نفوذ دولت‌هاست و ممکن است نیازمندی‌ها و آرزوهای دیگر کشورها را نادیده بگیرند.

در حال حاضر، منطقه خاورمیانه به عنوان یک منطقه حساس و پرتنش در صحنه بین‌المللی شناخته می‌شود. این منطقه که در آن کشورهای حوضه آبریز دجله و فرات قرار دارند، تحت تأثیر سیاست‌های اقتدارگرایانه قرار گرفته‌اند و این مسئله بر تعاملات بین‌المللی این کشورها نیز تأثیرگذار بوده است. این سیاست‌ها که بر تقویت قدرت دولت‌ها تکیه دارند، می‌توانند منجر به بروز تنش‌های بین‌المللی در منطقه شوند. یکی از نمونه‌هایی که نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌های اقتدارگرایانه در منطقه خاورمیانه است، روابط بین ایران، ترکیه و عراق است. این سه کشور در گذشته با تاریخچه‌هایی پیچیده و روابط متغیر با یکدیگر دست‌وپنجه نرم می‌کردند، اما در دهه‌های اخیر، به دلیل عوامل متعددی از جمله ساخت سدها و خشکسالی‌های مکرر، روابط آن‌ها به چالش کشیده شده است. رقابت بین این کشورها، منجر به افزایش حساسیت و تنش در روابط آن‌ها شده است. حکومت‌های اقتدارگرا در استراتژی خود به مسئله هیدروپلیتیک^۱ توجه ویژه داشته و از هر رویکردی برای تأثیرگذاری در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای استفاده می‌کنند.

پژوهش حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که اقدامات ترکیه در حوزه آبی با مؤلفه رشد جمعیت بر پایه FEW چه پیامدهایی برای منطقه داشته و چه پیامدهایی برای همسایگان این کشور می‌توان متصور شد؟ فرضیه این است که ترکیه با توجه به منابع آبی و سدهای فراوانی که در اختیار دارد، احتمال بحران آبی شدید را تجربه نخواهد کرد. این وضعیت باعث ارجحیت بیشتر منافع داخلی، انعطاف کمتر و اجتناب از همکاری‌های مؤثر با کشورهای همسایه از سوی این کشور شده است. در صورت فقدان رسیدگی و استمرار در این بی‌توجهی، ایران و عراق از لحاظ هیدروپلیتیک، در تالاب هورالعظیم مستقیماً دچار آسیب می‌شوند و مسائلی نظیر گردوغبار محلی در شهرهای ایران از جمله خوزستان بیشتر بروز خواهد داشت.

الف) پیشینه پژوهش

سیاست‌های آبی ایران، ترکیه و عراق به عنوان سه کشور همسایه در حوضه آبریز مشترک دجله و فرات، همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده است. مطالعات کلان‌شهر و همکاران در سال ۲۰۱۰ میلادی به بررسی الگوی بهره‌برداری بهینه از منابع آبی رودخانه‌های مرزی ایران و عراق

^۱. Hydropolitics

پرداخته است. باقری دولت‌آبادی و همکاران نیز در سال ۱۳۹۷ به ارزیابی شاخص بهره‌وری صرفه‌جویی در مصرف آب در ایران/ عراق از طریق تجارت مجازی آب با ترکیه پرداخته‌اند. علاوه بر این، تأثیر سدسازی‌های ترکیه بر امنیت آبی و محیط زیست ایران، بررسی آثار تغییر اقلیم بر منابع آبی منطقه توسط وارنر در سال ۱۳۹۰ و همچنین چالش‌های مدیریت منابع آبی مشترک مورد مطالعه سازمان‌های بین‌المللی مانند FAO در سال ۲۰۱۸، از دیگر محورهای مهم مطالعات انجام‌شده در این حوزه به شمار می‌روند. به طور خلاصه برخی از مهم‌ترین تحقیقات انجام‌گرفته درباره مسائل آبی سه کشور ایران، ترکیه و عراق در پیشنه تحقیقاتی به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول ۱: مهم‌ترین تحقیقات انجام‌گرفته پژوهش

نام اثر	گردآورنده	هسته بحث
ارزیابی شاخص بهره‌وری صرفه‌جویی در مصرف آب در ایران/عراق از طریق تجارت مجازی آب با ترکیه .	دولت آبادی ، ن. ، بنی حبیب ، م. ای. ، روزبهرانی، ا. و چتین ، ا. (۲۰۱۹). مجله اکوهیدرولوژی ایران، ۶ (۴) ، ۱۰۱۵-۱۰۲۷.	واردات محصولات کشاورزی می‌تواند یکی از مؤثرترین راهکارهای صرفه‌جویی در مصرف آب در ایران و عراق باشد. با رویکرد ارائه‌شده در این مقاله می‌توان سیاست‌های تجاری و تأثیرات تجارت این محصولات بر محیط را بهبود بخشید. علاوه بر این ، رویکرد ارائه‌شده در اینجا می‌تواند در شکل‌گیری سیاست‌های تجاری مبتنی بر صرفه‌جویی در منابع آب از طریق تبادل مجازی آب در جهان مؤثر باشد.
ارزیابی هیدروپلیتیک حوضه‌های غربی در ایران: یک مطالعه موردی در مورد زاب ، سیروان و الوند	نامی ، م. ، و محمدپور ، ا. (۲۰۱۰). مجله جغرافیا و توسعه منطقه‌ای ، ۸ (۱۴)	تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی ، بر ارزیابی سیاسی - سیاسی این حوضه‌ها و پیامدهای سیاسی آنها متمرکز است. در عین حال، تحقیق حاضر سعی در ارائه رویکردهای مناسب برای کاهش هزینه‌های سیاسی و اجتماعی اجرای این پروژه‌ها دارد.
تأثیر هیدروپلیتیک بر روابط عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات	کریمی و همکاران، مطالعات سیاسی جهان اسلام. دوره ۵، شماره ۱ - بهار ۱۳۹۵؛ صفحه (های) ۲۹ تا ۵۱.	این پژوهش توصیفی- تحلیلی نتیجه می‌گیرد که با توجه به شرایط موجود، توسعه پروژه‌های آبی توسط ترکیه یکی از موانع اصلی در راه دستیابی به اجماع هیدروپلیتیک در این حوزه است. با توجه به روابط فعلی سوریه و ترکیه در ناآرامی‌های اخیر در سوریه، ما همچنین باید منتظر تشدید درگیری‌ها بر روی حوزه آب باشیم.

<p>نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کشورهایی با ساحلی ضعیف (کشورهایی با سواحل آسیب‌پذیر) ، دارایی‌ها و ظرفیت‌های بازیگران خارجی مانند کشورهای حامی مالی و بانک جهانی را برای افزایش اهرم نیروگاه‌هایشان در مجتمع‌های هیدروپلیتیک بسیج می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که استراتژی‌های متعادل‌سازی قدرت سخت عمدتاً بی اثر هستند. آنها در دستیابی به توافقات مشترک آب مشترک موفق نیستند و درگیری را بیشتر می‌کنند. در مقابل ، استراتژی‌های متعادل‌سازی قدرت اقتصادی و قدرت نرم، مانند دسترسی به بازار و مشروعیت سیاسی، در ارتقای همکاری و جلوگیری از درگیری در مجتمع‌های نیروگاه سیاسی بسیار موفق هستند.</p>	<p>جنی آر. کهل، (۲۰۱۲). دانشگاه راتگرز، مجله تحقیقات سیستم‌های جهانی ، ۱۷ (۱) ، ۲۱۸-۲۳۵.</p>	<p>مجتمع‌های هیدروپلیتیک و قدرت نامتقارن: درگیری، همکاری و حاکمیت سیستم‌های بین‌المللی رودخانه مجله تحقیقات سیستم‌های جهانی</p>
<p>پروژه چند سد گاپ در جنوب شرقی آناتولی برای مهار آب از فرات و دجله ، واکنش، سازمان‌های غیردولتی اجتماعی و زیست‌محیطی و تخصصانی را که هدف آنها بین‌المللی است، به همراه داشت. بنابراین، وجود پتانسیل شکل‌دادن به سیاست حوضه ، اعتراض داخلی، حوضه‌ای و بین‌المللی بر سر «سد ایمن‌سازی» سد ایالسو در ترکیه ثابت شده است.</p>	<p>وارنر، ج. (۲۰۱۲). موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی: سیاست، حقوق و اقتصاد ، ۱۲ (۳) ، ۲۳۱-۲۵۰.</p>	<p>مبارزه بر سر سد ایلیسو ترکیه: پیوندهای امنیتی داخلی و بین‌المللی</p>
<p>بیشتر آب عراق از ترکیه (۷۱درصد) تأمین می‌شود توسط ایران (۹درصد) و سوریه (۴درصد). باقی‌مانده ، تنها ۸درصد ، از منابع داخلی است.</p>	<p>الانصاری، ن. (۲۰۲۱). علوم زمین و مهندسی ژئوتکنیک، ۱۱ (۲) ، ۱۵-۳۴.</p>	<p>منابع آب عراق</p>
<p>این مقاله در چارچوب مدل نموداری برای حل تعارض برای مدیریت سوبرداشت‌ها توسعه یافته است، برای دستیابی به بینش استراتژیک در مورد این درگیری‌ها و برای حل‌وفصل اختلافات احتمالی اختلافات استفاده می‌شود.</p>	<p>الجفری و همکاران، تصمیم‌گیری و مذاکره گروهی، ۲۸ (۲) ، ۳۰۵-۳۴۰.</p>	<p>تحلیل استراتژی منازعات هیدروپلیتیکی پیرامون سد بزرگ رنسانس اتیوپی</p>
<p>یافته‌های تحقیق حاکی از همبستگی بالای متغیرهای اقلیمی و به‌ویژه تبخیر-تعرق و دما با تغییرات زمانی آب در منطقه بوده است. بنابراین، تأثیر تغییرات اقلیم جهانی بر هیدرولوژی و محیط‌زیست حوضه، اهمیت و حساسیت بسیار بالای دریاچه‌های منطقه همچون رزازه، نرثار، حمرین و حبانیه را به تغییرات آب‌وهوایی برجسته می‌کند.</p>	<p>افسری، ر. برهانی، ک. جعفری، ش. (۱۴۰۳). ارزیابی تغییرات پهنه‌های آبی حوضه دجله و فرات مبتنی بر تحلیل سری زمانی عوامل محیطی مختلف. پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، ۵۶ (۲)، ۱۷-۳۲.</p>	<p>ارزیابی تغییرات پهنه‌های آبی حوضه دجله و فرات مبتنی بر تحلیل سری زمانی عوامل محیطی مختلف</p>

ب) نوآوری پژوهش

با بررسی منابع مذکور و سایر اسناد، مشاهده می‌شود که اکثر مطالعات انجام‌شده، تمرکز خود را بر روی تحلیل توصیفی یا بررسی صرفاً کمی گذاشته‌اند. در این مطالعات، بحث‌های کمی تنها به منظور تأیید فرضیه و اعطای اعتبار استفاده شده‌اند و تحلیل‌ها بر اساس دیدگاه نویسندگان و بدون بهره‌گیری از مفاهیمی مانند نظریه، الگوریتم یا مدل و بدون اهمیت به سیاست خارجی کشورها به انجام رسیده‌اند. در نتیجه، تحقیق جامعی که با تأکید بر اثرات سیاست خارجی اقتدارگرا و مدل‌های نظری ارائه شود، تاکنون به صورت کامل و جامع انجام نشده است. چنین تحقیقی نه تنها به بهبود دانش علمی کمک خواهد کرد، بلکه در عملکرد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نیز تأثیرات عمده‌ای خواهد داشت. این تحقیق می‌تواند به شناخت عمیق‌تری درباره رابطه پیچیده بین تصمیمات سیاست خارجی، پیامدهای آن‌ها و چارچوب‌های نظری که می‌تواند آن‌ها را توضیح دهد، کمک کند. با یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های نظری، الگوریتم‌ها و مدل‌ها در تحلیل، پژوهشگران می‌توانند نتایج دقیق‌تر و بیشتری درباره دنیای پیچیده سیاست خارجی به دست آورند. در این پژوهش از مدل‌های مفهومی استفاده شده که دارای مزایای زیر است:

- تسهیل در تفسیر یافته‌های پژوهش کیفی بدون نیاز به مواجهه با پیچیدگی‌های بیش از حد متون و معانی؛
- امکان تجزیه و تحلیل عمیق یافته‌ها و استخراج یک مدل و الگویی برای درک ساده‌تر؛
- امکان بررسی همه‌جانبه موضوع از طریق ترکیب مباحث در یک نگاه؛
- فراهم‌آوردن تصویر جامع و روشن از وضعیت موجود؛
- افزایش اعتبار و قابلیت تعمیم نتایج.

ج) روش تحقیق

به طور کلی سه نوع روش تحقیق برای انجام پژوهش وجود دارد: کمی، کیفی و آمیخته (ترکیبی). بخش اول این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تفسیر وضعیت و شرایط موجود می‌پردازد. در بخش توصیفی، اطلاعات موردنیاز با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شود، در حالی که بخش تحلیلی با استفاده از روش قیاسی و با تکیه بر دو مدل‌های پوتیتکا و سوئین، به تحلیل داده‌ها می‌پردازد. برای بخش کمی از شاخص‌های FEW جهت ترسیم و استنباط مفاهیم استفاده شده است. فرایند پژوهش شامل جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل

دقیق داده‌های گردآوری شده، الگویی با استفاده از مفروضات دو مدل و در نهایت شناسایی و بیان چالش‌های موجود در راستای بهبود وضعیت کنونی است. برای ارائه تصویری جامع و قابل درک از یافته‌های پژوهش، از نرم‌افزار دیاگرام^۱ برای استنباط و ترسیم مدل مفهومی استفاده شده است. این مدل، روابط و ارتباطات میان عناصر مختلف پژوهش را به صورت بصری نمایش می‌دهد. این رویکرد ترکیبی، امکان بررسی عمیق و چندجانبه موضوع را فراهم می‌آورد و به ارائه تحلیلی جامع و کاربردی منجر می‌شود.

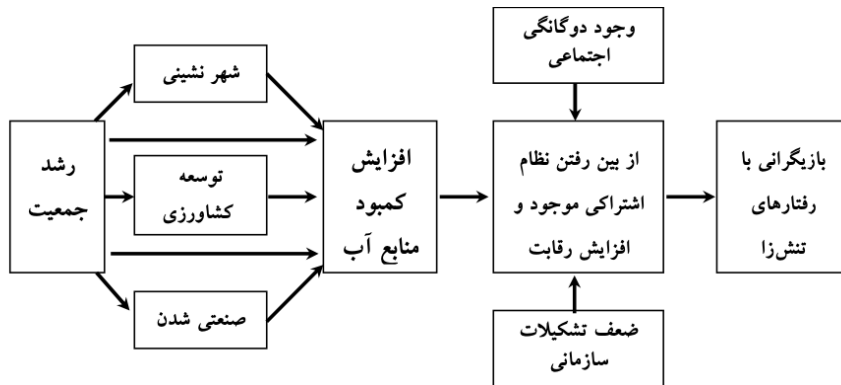
د) چهارچوب نظری

۱. مدل سوئین^۲

آشوک سوئین استاد تحقیقات صلح و درگیری، دانشگاه اوپسالا است. در سال ۲۰۱۷، وی به عنوان کرسی همکاری بین‌المللی آب در یونسکو منصوب شد. در مورد درگیری‌های آب مدلی را ارائه داده که علل چالش‌های بازیگران را بررسی می‌کند. وی در مقاله‌ای تحت عنوان، «نبردهای آب» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، بیان داشت که بسیاری بر این باورند که وابستگی جدی بسیاری از کشورها به تأمین آب خارجی ممکن است آنها را مجبور کند تا جهت محافظت یا حفظ چنین شرایطی، روش‌های حفظ امنیت ملی خود را تغییر جهت دهند چراکه آب تخصیص یافته از منابع آبی در توافقات مشترک موجود در بیشتر موارد قادر به تأمین تقاضای روزافزون نیست. از طرفی دامنه تقویت بیشتر آب رودخانه در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان به دلیل تأثیرات احتمالی تغییر آب و هوای جهانی در حال محدود شدن است. تغییرات آب‌وهوایی جهانی این امکان را دارد که در آینده نزدیک چشم‌انداز امنیت آب را به طرز چشمگیری تغییر دهد (Swain, 2015: 447).

1. Visual-paradigm app

2. Conceptual model of Ashok Swain



شکل ۱: مدل سوئین، منبع: مختاری هشی و قادری حاجت، ۱۳۸۶: ۴۶

از نظر سوئین، کمبود آب در سراسر جهان در حال افزایش و کیفیت آب به طور مداوم رو به زوال است؛ تنش روبه‌رشد جهانی آب، تهدیدی برای بقا و شکوفایی نسل‌های کنونی و آینده است و رشد جمعیت همراه با سه مؤلفه صنعتی‌شدن شتاب‌زده، شهرنشینی عظیم و افزایش فعالیت‌های کشاورزی به تقاضای منابع آب و همچنین آلودگی منابع آب منجر خواهد شد. سوئین رشد جمعیت را با سه مؤلفه شهرنشینی، توسعه کشاورزی و صنعتی‌شدن در ارتباط مستقیم می‌داند که محصول خروجی این سه مؤلفه، روند فزاینده کمبود منابع آب است (Swain, 2004: 18-20). با توجه به استدلال سوئین، می‌توان بیان کرد که کمبود منابع آبی موجب رقابت و تنش بین کشورها برای کنترل و تسلط بر آن منابع می‌شود. در این رقابت، دو عامل اصلی نقش مهمی ایفا می‌کنند:

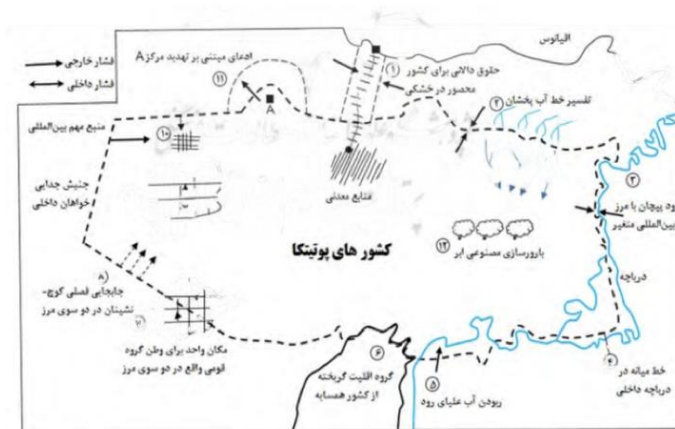
- ضعف تشکیلات سازمانی در یک کشور: اگر یک کشور دارای نهادها و ساختارهای ضعیف و ناکارآمد برای مدیریت منابع آبی باشد، این امر زمینه را برای رقابت و درگیری با کشورهای دیگر فراهم می‌کند.
- وجود دوگانگی اجتماعی: حضور گروه‌های قومی مختلف در دو طرف مرزهای کشورها و سابقه درگیری‌های قومی یا جنبش‌های استقلال‌طلبانه در این مناطق، موجب تشدید تنش‌ها و رقابت‌های بین کشورها بر سر منابع آبی می‌شود.

با وجود این دو عامل، سوئین معتقد است که ظهور بازیگرانی با رفتارهای تنش‌زا در این رقابت بر سر منابع آبی اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، کمبود آب و عوامل سیاسی-اجتماعی

زمینه‌ساز بروز تعارضات و درگیری‌های بین کشورها در این زمینه خواهد بود (Swain, 2015: 20).

۲. مدل فرضی «های پوتیتکا» - پیتر هاگت^۱

ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اغلب نقش مهمی در بروز تنش میان کشورها ایفا می‌کنند که می‌تواند منجر به درگیری و منازعه نیز شود. از آنجا که این عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در مقایسه با سایر علل تنش‌زا از ثبات و دوام بیشتری برخوردارند و دولت‌ها قادر نیستند در کوتاه‌مدت این تنش‌ها را حل و فصل کنند، شناسایی و طبقه‌بندی این دسته از عوامل ضروری است. در این بین علل و عوامل ریشه‌ای منازعات میان دولت‌ها و پیامدهای ناشی از آن، همواره از مباحث محوری نظریه‌های ژئوپلیتیک به‌شمار می‌رود. بر این اساس، نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک با ارائه نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون، تلاش کرده‌اند تا راهکارهایی برای کاهش و پیشگیری از درگیری‌های میان دولت‌ها ارائه دهند. یکی از نظریات برجسته در این زمینه، مدل فرضی «های پوتیتکا» اثر پیتر هاگت است که با بررسی عوامل داخلی تأثیرگذار بر رفتار خارجی دولت‌ها، تلاش می‌کند تا الگوها و دلایل منازعات میان آن‌ها را تبیین نماید (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). همانطور که در شکل ۲ قابل مشاهده است، عامل تنش در مؤلفه شماره ۵ مربوط به ربودن آب علیای رود توسط کشور بالادست بوده که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.



شکل ۲: عوامل آفریننده بیشترین تنش، منبع: صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸

¹. Model Peter Hoggets putitka

۳. بازتولید با شاخص FEW¹ در یک کشور

مفهوم بازتولید^۲ بیشتر در مقالات اقتصادی به کار می‌رود. در این پژوهش بازتولید به معنای بازنمایی و بازآفرینی روابط و پدیده‌های موجود در متن و انطباق با واقعیت به طور همزمان است. به عبارت دیگر، نویسنده در این متن تلاش کرده است وضعیت و روابط واقعی میان این کشورها را به طور دقیق با واقعیت وفق دهد و رخدادها را بازنویسی کند. این نمونه‌سازی و بازتولید اجتماعی همان چیزی است که منجر به «واقعیت» می‌شود (David and Simon, 2003: 10). برای بازتولید نیاز به شاخصی جهت انطباق است و در اینجا ما از شاخص FEW استفاده می‌کنیم. FEW به مفهوم پیوندهای تنگاتنگ و وابستگی متقابل بین سه منبع حیاتی غذا، انرژی و آب اشاره دارد و به این واقعیت اشاره می‌کند که این سه حوزه (غذا، انرژی و آب) به شدت به یکدیگر مرتبط هستند و نمی‌توان آنها را به صورت مجزا مدیریت کرد. به عنوان مثال، تولید غذا نیاز به آب و انرژی دارد و تأمین آب و تولید انرژی نیز به نوبه خود به غذا وابسته است. رویکرد FEW به دنبال یک دیدگاه جامع و یکپارچه برای رسیدگی به چالش‌های جهانی است. با بررسی این سه مؤلفه در یک کشور و مقایسه آن‌ها با یکدیگر می‌توان به یک جمع‌بندی در خصوص آینده کشورها و پیوندهای متقابل آن‌ها با یکدیگر پرداخت (Zhang et al., 2019: 215).

ه) چشم‌انداز ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک ترکیه، ایران و عراق

ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک ترکیه، ایران و عراق تحت پوشش مطالعات جغرافیایی است که به تأثیر متقابل جغرافیا، سیاست، امنیت و توسعه این کشورها بر هم می‌پردازد. از منظر ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک، ترکیه، ایران و عراق موقعیت‌های متفاوتی دارند که منجر به اختلافات و چالش‌های فراوانی در زمینه منابع آب مشترک شده است. با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان از سال ۲۰۰۲، سیاست خارجی این کشور رویکردی اقتدارگرایانه‌تر در پیش گرفت (Bengtsson, 2019: 18). در حوزه منابع آبی مشترک نیز ترکیه مواضع سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کرد؛ به گونه‌ای که با احداث سدهای متعدد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات، کنترل اصلی جریان آب این رودها را در اختیار گرفت (Kibaroglu, 2021: 193). این مسئله به کاهش شدید سهم آبی عراق و بروز چالش‌هایی برای ایران منجر شد.

1. Food-Energy-Water

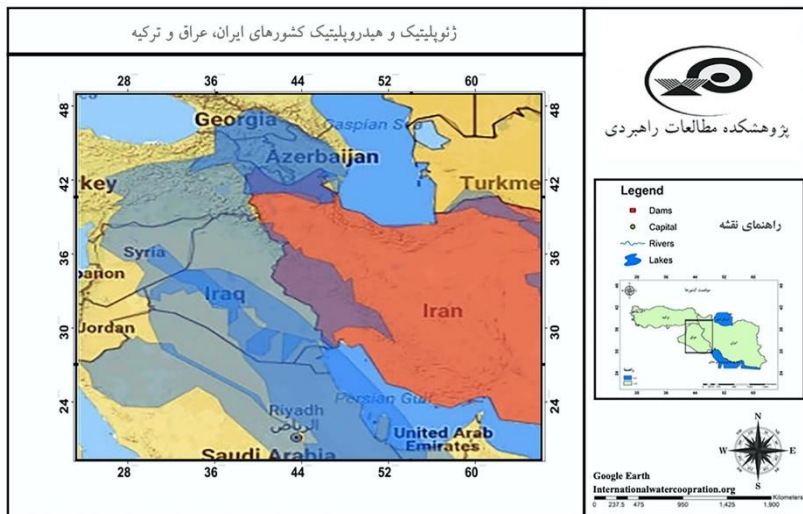
2. Reproduction

سوئین مطرح می‌کند که رشد جمعیت به همراه سه مؤلفه صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه کشاورزی، افزایش کمبود منابع آب در سراسر جهان را در پی داشته است. این کمبود آب به‌عنوان یک تهدید برای بقا و شکوفایی نسل‌های کنونی و آینده در نظر گرفته می‌شود (Swain, 2004: 36). از این رو، سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه در حوزه امنیت آبی، به ویژه اقداماتی مانند ساخت سدها و توسعه زیرساخت‌های آبی به‌منظور تأمین منابع آب برای کشاورزی و صنعت، می‌تواند باعث افزایش تنش‌های جهانی آب شود و این اقدامات می‌تواند با روابط ایران و عراق در این زمینه نیز هماهنگ شوند یا تضادهای بیشتری ایجاد کنند. در مجموع، می‌توان گفت ترکیه طی دو دهه گذشته، با تکیه بر سیاست‌های اقتدارگرایانه، کنترل منابع آبی منطقه را به ابزاری برای اعمال نفوذ و قدرت خود تبدیل کرده است (Kibaroglu et al., 2019: 142). یکی از این اختلافات که به تدریج ظهور کرد، اختلاف بر سر منابع آب بود که با رشد سریع جمعیت در قرن گذشته، شدت بیشتری یافت (Najafi and Vatanfada, 2013: 142).

به طور کلی، روابط میان کشورهای بالادست و پایین‌دست در حوزه هیدروپلیتیک، پیچیده است. هر مانعی باعث کاهش ارتباط و سوءتفاهم بیشتر شده، بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد و در نهایت می‌تواند به درگیری بالقوه منجر شود (Van Veenen, 2010: 2). با ادامه این روند، مشکلات آبیاری پیش خواهد آمد، به ویژه با توجه به اینکه ۶۰-۷۰ درصد منابع آب در کشاورزی مصرف می‌شود. در این شرایط، بخش کشاورزی کوچک شده، کشورهای پایین‌دست با چالش امنیت غذایی روبه‌رو خواهند شد، کشاورزان شغل خود را از دست خواهند داد و انتظار کاهش جمعیت و موج آوارگی می‌رود. این جابه‌جایی جمعیت می‌تواند پیامدهای شدید اجتماعی در پی داشته باشد و بار بیشتری بر مناطق پایین‌دست تحمیل کند. در درازمدت، هنگامی که این موج آوارگان از مرزها عبور می‌کنند و به عنوان مهاجر شناخته می‌شوند، این تأثیر حتی می‌تواند به مناطق بالادست نیز برسد. مهمترین شاخص در این چرخه همواره با یک تصمیم سیاسی (توسعه) آغاز می‌شود و با یک تصمیم سیاسی (درگیری) نیز پایان می‌یابد. رشد سریع جمعیت و افزایش نرخ شهرنشینی در خاورمیانه همراه با مدیریت ناکارآمد و بهره‌برداری نامناسب از منابع آبی، موجب تشدید بحران آب در این منطقه شده و برای حل این بحران، همکاری میان کشورهای منطقه ضروری است. این همکاری باید بدون دخالت قدرت‌های خارجی صورت گیرد تا بتوان به طور مؤثر و پایدار به مدیریت منابع آبی در خاورمیانه پرداخت (Moghadam, 2008: 282-284). در مورد این موضوعات به‌خصوص در قالب تحلیل سه کشور با توجه به شکل ۳ می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- **ترکیه:** ترکیه با موقعیت جغرافیایی مناسب در بالادست رودخانه‌های دجله و فرات، کنترل جریان آب این رودخانه‌ها را در اختیار دارد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲، ترکیه رویکردی اقتدارگرایانه در پیش گرفته و با احداث سدهای متعدد، جریان آب به کشورهای پایین‌دست را کاهش داده است. این امر ابزاری برای اعمال نفوذ و قدرت ترکیه در منطقه محسوب می‌شود.
- **ایران:** ایران از موقعیت میانی برخوردار است و هم در بالادست برخی رودخانه‌های فرعی و هم در پایین‌دست رودخانه‌های دجله و فرات قرار دارد. کاهش جریان آب این رودخانه‌ها توسط ترکیه، چالش‌هایی را برای ایران در زمینه‌های کشاورزی و محیط زیست ایجاد کرده است.
- **عراق:** عراق به عنوان کشور پایین‌دست، بیشترین آسیب را از کاهش جریان آب دجله و فرات متحمل شده است. این امر، امنیت آبی، کشاورزی و محیط زیست عراق را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

شکل ۳: ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک کشورهای ایران، عراق و ترکیه منبع؛ Zarei, 2020: 87

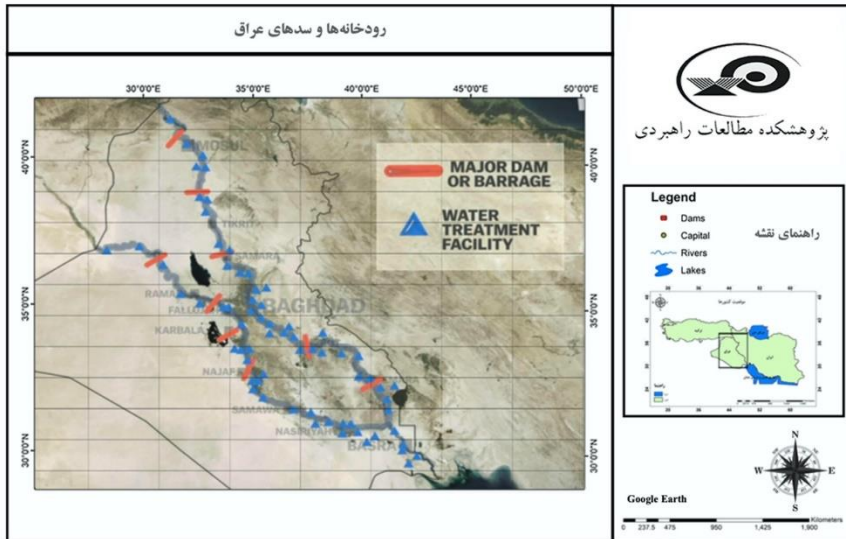


و) تحلیل استراتژی کشورهای عراق، ترکیه و ایران در سیاست‌های آبی

۱. استراتژی کشور عراق در قبال سیاست‌های آبی

عراق به عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای که بخش قابل توجهی از آب موردنیاز خود را از رودخانه‌های مرزی دریافت می‌کند، با چالش‌های زیادی در زمینه مدیریت منابع آب مواجه است. (Al-Obaidy and Al-Khateeb, 2013: 832). جمعیت عراق در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۶ میلیون و ۳۴۰ هزار نفر برآورد شده است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۵ به ۴۰ میلیون نفر افزایش یابد. ۶۷ درصد از کل جمعیت، شهرنشین هستند. با وجود این، متوسط رشد جمعیت در دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۰ در حدود ۳/۶ درصد تخمین زده شده است، اما مهاجرت کارگران خارجی و مشکلات اقتصادی شدید این نرخ را از سال ۱۹۹۰ کاهش داده است (UNEP, 2003). استراتژی کلی این کشور برای مقابله با این چالش‌ها را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد که اولین هدف عراق، حفظ حقوق آبی خود در رودخانه‌های مرزی مانند دجله و فرات است. برای این منظور، عراق تلاش می‌کند تا از طریق مذاکره و تعامل با کشورهای همسایه مانند ترکیه و سوریه که بر سر سهم آبی با آنها اختلاف دارد، بتواند این حقوق را تضمین کند. در کنار این موضوع، عراق در تلاش است تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ذخیره‌سازی و بهره‌برداری بهینه از آب‌های سطحی و زیرزمینی موجود در داخل خاک خود، به استقلال آبی بیشتری دست یابد. این امر از طریق سدسازی و راه‌اندازی شبکه‌های آبیاری صورت می‌گیرد. افزایش بهره‌وری در مصرف آب در بخش‌های مختلف به ویژه کشاورزی نیز یکی دیگر از اهداف استراتژیک عراق است. باید به این نکته اشاره کرد که پیش‌بینی‌های آینده کمبودهای بیشتر و کاهش منابع آب زیرزمینی را نشان می‌دهد. کمبود آب بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰ در رودخانه‌های دجله و فرات به دلیل افزایش تقاضا در کشورهای حاشیه رودخانه ایجاد شود (Al-Ansari, 2016: 146). بنابراین اکثریت آب در عراق تحت تأثیر پروژه گاپ قرار می‌گیرد، پروژه‌ای که هم‌اکنون از نظر کمی و کیفی باعث تغییر قابل توجهی در رژیم جریان فرات و تا حدودی دجله شده است. کاهش جریان فرات در حال حاضر باعث افزایش شوری در پایین‌دست رودخانه شده است و کشاورزی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد (Al-Obaidy and Al-Khateeb, 2013: 836). از طرفی بنابه گزارش سال ۲۰۱۴ کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل متحد نشان داد که شرایط آب نامناسب در اردوگاه‌های آوارگان وجود دارد و نظرسنجی‌های خانواده نشان می‌دهد که فقط بین ۲۵ تا ۵۹ درصد آب آشامیدنی کافی دارند (King, 2018). متأسفانه دولت عراق به علت مشکلات امنیتی

تاکنون نتوانسته است تلاش جدی برای رفع مشکلات آب انجام دهد (Abdulrahman, 2017: 2).



شکل ۴: رودخانه و سدهای عراق منبع؛ نگارندگان

به طور کلی، رودخانه‌های دجله و فرات بیش از ۹۸ درصد تقاضای آب عراق را برای اهداف مختلفی که با سایر کشورها مشترک است، تأمین می‌کنند و در نتیجه رشد جمعیت و توسعه اقتصادی در عراق، نیاز به منابع آبی در حال افزایش دارد (Abd-El-Mooty, 2016: 1). از این رو، دولت عراق ناگزیر است تا استراتژی جامعی را در قبال این چالش‌های آبی اتخاذ کند. این استراتژی شامل مواردی همچون تقویت دیپلماسی آب، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبی، توسعه منابع آب جایگزین، اصلاح الگوهای کشت، افزایش آگاهی عمومی و همکاری با جامعه بین‌المللی است. با ادامه روند کمبود آب و اعتراضات مردمی عراق نگران گسترش خشکسالی و کاهش سطح آب رودخانه‌های دجله و فرات به‌واسطه پایان پروژه‌های بزرگ سدسازی ترکیه، از جمله سد آتاتورک و سد ایلیسو است.

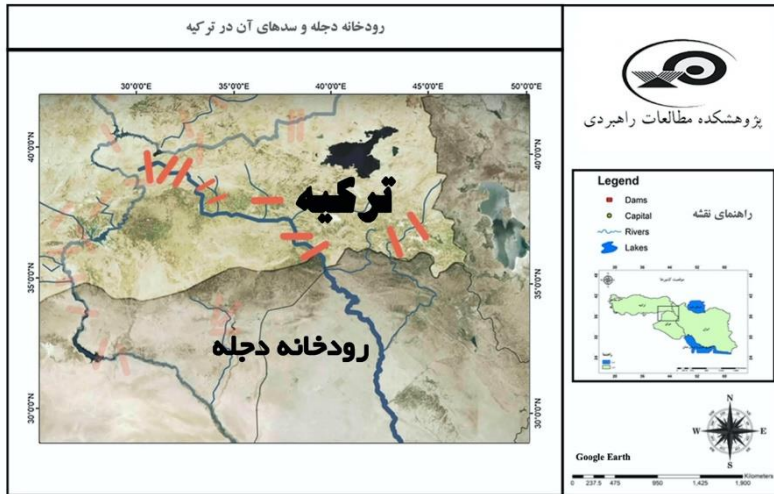
جدول ۲: استراتژی قوت و ضعف کشور عراق منبع: نگارندگان

ردیف	نوع	عنوان
۱	قوت	قانون اساسی و سیستم سیاسی بالقوه همراهی جامعه جهانی و کشورهای منطقه پتانسیل توریست مذهبی برای درآمدزایی
۲	ضعف	بیشترین منبع آب فرامیزی کمترین ذخیره آب در بین سه کشور واقع شدن در منطقه گرمایشی بالا ضعف تشکیلات سازمانی وجود چندگانگی اجتماعی کشاورزی سنتی و کم بازده جمعیت رو به افزایش و کمی صنعتی شدن غیر اصولی

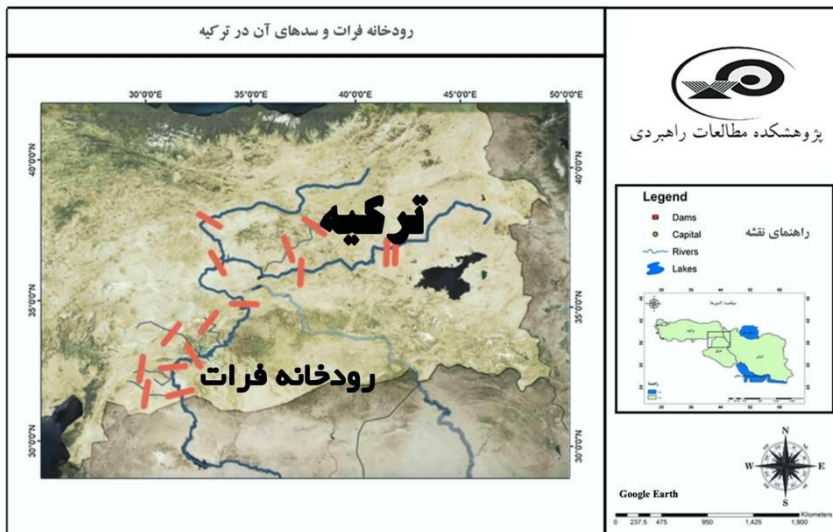
۲. استراتژی کشور ترکیه در قبال سیاست‌های آبی

ترکیه با موقعیت جغرافیایی مناسب در بالادست رودخانه‌های مهم دجله و فرات، کنترل اصلی جریان آب این رودخانه‌ها را در اختیار دارد. این امر به ترکیه قدرت هیدروپلیتیک قابل توجهی در منطقه بخشیده است. با این حال، استفاده ترکیه از این قدرت با اقداماتی همچون احداث سدهای متعدد و کاهش جریان آب، منافع کشورهای پایین دست را به چالش کشیده است (Sakal, 2022: 294). با روی کار آمدن اردوغان در سال ۲۰۰۲، به خصوص از ۲۰۱۴ سیاست خارجی ترکیه رویکرد اقتدارگرایانه تری یافت (Aras, 2019: 4-5). در این راستا ترکیه سعی کرد منابع آبی مشترک با همسایگان خود را به عنوان ابزاری برای تقویت قدرت خود به کار گیرد (نادری و دیگران، ۱۴۰۲). پس از ۲۰۰۲ دولت ترکیه با جدیت بیشتری شروع به اجرای طرح‌های بلندپروازانه توسعه آب موسوم به پروژه جنوب شرقی آناتولی (GAP) کرد که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود. این پروژه شامل ۲۲ سد، نوزده نیروگاه برق آبی و کانال‌های آبیاری شبکه‌ای برای رودخانه‌های دجله و فرات است (Al-Obaidy and Al-Khateeb, 2013: 836). متأسفانه ترکیه در قبال سیاست‌های آبی، استراتژی مشخصی را دنبال می‌کند که به جای رویکرد جامع و متوازن، بر افزایش ساخت سدها و استفاده حداکثری از منابع آبی به عنوان ابزار قدرت متمرکز است. این استراتژی فاقد توجه به دیپلماسی آب، استفاده پایدار از منابع و رعایت حقوق کشورهای پایین دست می‌باشد. بنابراین ترکیه نیازمند یک استراتژی جامع و متوازن در قبال سیاست‌های

آبی است تا بتواند از یک سو منافع ملی خود را تأمین کند و از سوی دیگر، همکاری‌های منطقه‌ای را حفظ نماید.



شکل ۵: رودخانه دجله و سدهای آن در کشور ترکیه منبع: نگارندگان



شکل ۶: رودخانه فرات و سدهای آن در کشور ترکیه منبع: نگارندگان

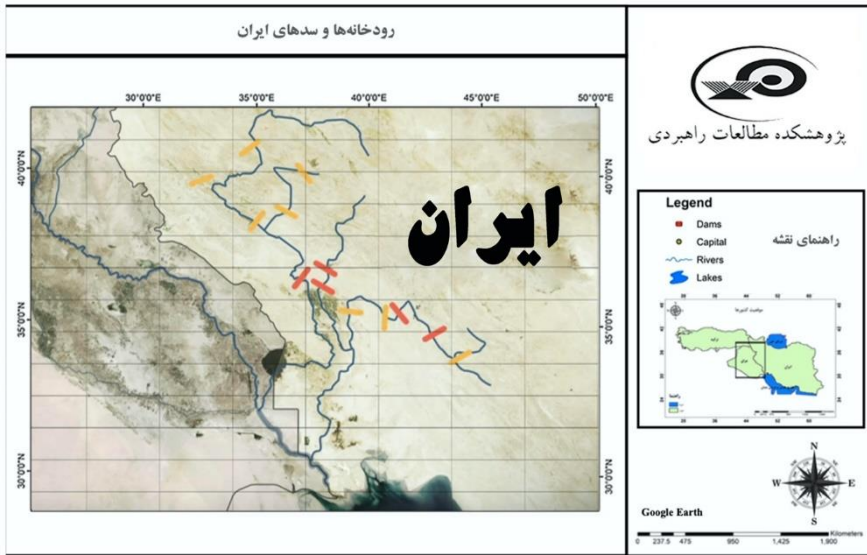
جدول ۳. استراتژی قوت و ضعف کشور ترکیه منبع: نگارندگان

ردیف	نوع	عنوان
۱	قوت	قانون اساسی و سیستم سیاسی بالفعل بالادستی منابع آب توانایی‌های تکنولوژیکی کنترل و مدیریت منابع آب سیستم سیاسی مقتدر در پیش‌برد اهداف پتانسیل توریست گردشگری برای درآمدزایی بیشترین ذخیره آب در بین سه کشور واقع شدن در منطقه گرمایشی پایین‌تر قدرت تشکیلات سازمانی کشاورزی صنعتی و پر بازده جمعیت روبه‌افزایش و کیفی سدسازی و صنعتی شدن اصولی
۲	ضعف	عدم همراهی جامعه جهانی و کشورهای منطقه ایجاد مشکلات برای همسایه جنوبی و ناامنی روبه‌گسترش امکان مهاجرت و تنش نظامی وجود دوگانگی اجتماعی

۳. استراتژی ایران در قبال سیاست‌های آبی

ایران با توجه به موقعیت میانی خود در حوضه‌های آبریز مشترک با همسایگان، هم در بالادست برخی رودخانه‌های فرعی و هم در پایین دست رودخانه‌های اصلی مانند دجله و فرات قرار دارد. این موقعیت ویژه، ایران را با چالش‌های دوگانه‌ای در زمینه سیاست‌های آبی مواجه کرده است. از یک سو، باید حقوق خود را در دسترسی به آب‌های سرچشمه گرفته از کشورهای بالادست مطالبه کند و از سوی دیگر، نیازهای کشورهای پایین دست خود را نیز مدنظر قرار دهد. از طرفی ایران عمدتاً از یک خشکسالی اقتصادی رنج می‌برد که ورشکستگی آبی نامیده می‌شود، جایی که تقاضای آب بیش از منبع طبیعی آب است. یکی از دلایل این مشکلات، وابستگی‌های بین کشورهای منطقه به رودخانه‌های فرات و دجله است (Madani, 2014: 4). ایران نگرانی‌های خاص خود را در رابطه با کاهش منابع آب خود دارد. در طول سال‌ها، تغییرات جهانی آب و هوایی ایران را بی تأثیر نگذاشته است (Al-Obaidy and Al-Khateeb, 2013: 834). همانند عراق، کشور ایران نیز از الگوهای ساختاری نادرستی نسبت مدیریت آب رنج می‌برد که بر تشدید شرایط می‌افزاید. از نظر تئوری، این مشکل می‌تواند با برقراری تعادل بین عرضه و تقاضای آب، حل شود

(Madani, 2014: 4). ایران در تلاش برای مقابله با اثرات وخامت اوضاع، اقدامات گسترده‌ای در زمینه برنامه‌ریزی آب انجام داده است. تا بهار ۱۳۹۶، در مجموع ۶۴۷ سد در کشور به بهره‌برداری رسیده است (وصال و تجریشی، ۱۳۹۸: ۲۴۹). این پروژه‌ها اثرات چشمگیری بر مناطق مرکزی و جنوبی عراق داشته‌اند (Abdulrahman, 2018: 31).



شکل ۷: رودخانه‌ها و سدهای کشور ایران منبع؛ نگارندگان

با توجه به شکل ۷ می‌توان بیان کرد، ایران علاوه بر خشکسالی، نگران گسترش مولدهای تولید ریزگرد در مناطق غربی و جنوبی این کشور و همچنین در خاک عراق است و استراتژی ایران حفظ وضع موجود و جلوگیری از بحران ریزگردها است که به طور خلاصه اهداف ایران حفظ شهرنشینی و عدم ناامنی در غرب ایران و جلوگیری از مهاجرت مردم و خالی از سکنه‌شدن مناطق غرب و جنوب غرب و نهایت افزایش جمعیت در صورت امکان است. بنابراین با توجه به استراتژی ایران، این کشور نیازمند یک استراتژی کارآمدتری در حوزه آبی است که رویکردهایی چون دیپلماسی آبی، مدیریت یکپارچه منابع آب، بهره‌وری آب و همکاری‌های منطقه‌ای را دربرگیرد. این استراتژی باید متضمن تأمین نیازهای داخلی و حفظ حقوق ایران در عین مسئولیت‌پذیری در قبال همسایگان باشد.

جدول ۴: استراتژی قوت و ضعف کشور ایران منبع: نگارندگان

ردیف	نوع	عنوان
۱	قوت	بالادستی منابع آب توانایی‌های تکنولوژیکی کنترل و مدیریت منابع آب سیستم سیاسی مقتدر در پیش برد اهداف پتانسیل توریست گردشگری برای درآمدزایی قدرت تشکیلات سازمانی
۲	ضعف	ایجاد مشکلات برای همسایه غربی و نامنی رو به گسترش امکان مهاجرت و تنش نظامی پدیده ریزگردها واقع شدن در منطقه گرمایشی بالا کشاورزی سنتی و کم‌بازده جمعیت رو به افزایش و کیفی-کمی سدسازی و صنعتی شدن غیراصولی

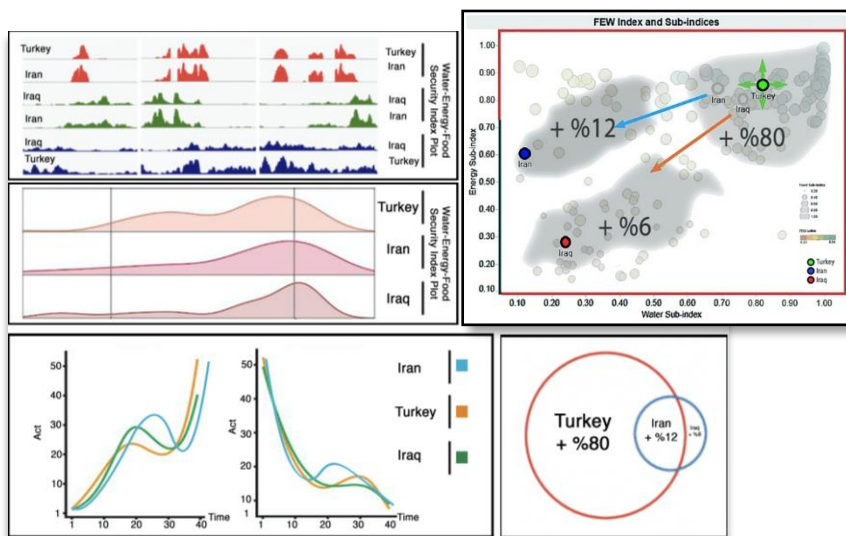
۴. تحلیل استراتژی همزمان هر سه کشور در قبال امنیت آبی

مسئله امنیت آبی و دسترسی به منابع آب مشترک، یکی از چالش‌های اصلی در روابط میان ترکیه، ایران و عراق محسوب می‌شود. ترکیه به عنوان کشور بالادست، به دنبال استفاده حداکثری از منابع آب برای توسعه بخش کشاورزی و اقتصادی است، حتی اگر به کاهش سهم کشورهای پایین دست مانند عراق و سوریه منجر شود (Rashid et al., 2022: 2701). عراق که ۹۸ درصد نیازهای آبی خود را از دجله و فرات تأمین می‌کند، با چالش جدی کاهش این منابع آبی فرامرزی مواجه است (Zarei, 2020: 84) و از پدیده‌های متعاقب آن مانند طوفان گرد و غبار رنج می‌برد. همچنین وقوع دو خشکسالی شدید در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ و ۲۰۰۷-۲۰۰۹ باعث تشدید وضعیت بحرانی شده است (Darvishi Bolorani, 2024: 2). گزارش‌های فائو حاکی از افزایش جمعیت و کاهش منابع آب تجدیدپذیر در این سه کشور از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ است که می‌تواند پتانسیل درگیری بر سر آب را افزایش دهد. بنابراین، ایجاد توافقات دوجانبه بر اساس گفتگوهای سازنده میان کشورهای بالادست و پایین دست ضروری به نظر می‌رسد. مطابق با گزارش‌های فائو، شاخص‌های FEW با رشد جمعیت از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ افزایش یافته است که می‌تواند پتانسیل درگیری بر سر آب به ویژه در منابع آب فرامرزی را افزایش دهد. طبق گزارش فائو، جمعیت ایران، عراق و ترکیه در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ افزایش یافته است. همچنین، کل منابع آب تجدیدپذیر ایران، عراق و ترکیه در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ کاهش یافته است. نکته جالب در این

گزارش درصد برداشت آب شیرین در این کشورها است. بر خلاف ترکیه و ایران، درصد برداشت آب شیرین در عراق از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ کاهش یافته است. دلیل این امر را می‌توان پروژه‌های بالادستی ساخت و توسعه دانست که باعث کاهش تعادل منابع آبی فرامرزی دجله و فرات می‌شود که ۹۸ درصد را تأمین می‌کرد. بنابراین نیازهای ملی عراق در زمینه آب، ایجاد توافقات دوجانبه بین کشورهای بالادست و پایین دست بر اساس گفتگوهای پیوندی را ضروری کرده است (Zarei, 2020: 93).

جدول ۵: پارامترهای FEW مربوط به ایران، عراق و ترکیه منبع؛ Zarei, 2020: 90

پارامترها	ایران	عراق	ترکیه
شاخص غذا، آب و انرژی	۰.۶۸	۰.۶۵	۰.۷۵
زیرشاخص مواد غذایی	۰.۵۳	۰.۴۵	۰.۶۱
دسترسی به غذا	۰.۳۲	۰.۲۷	۰.۳۷
در دسترس بودن غذا	۰.۸۸	۰.۷۴	۱.۰۰
زیرشاخص انرژی	۰.۸۴	۰.۸۰	۰.۸۴
دسترسی به انرژی	۰.۹۷	۰.۹۷	۰.۹۷
در دسترس بودن انرژی	۰.۷۲	۰.۶۶	۰.۷۲
زیرشاخص آب	۰.۶۹	۰.۷۶	۰.۸۲
دسترسی به آب	۰.۹۳	۰.۸۶	۰.۹۷
در دسترس بودن آب	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰
ظرفیت تطبیقی آب	۰.۳۵	۰.۵۲	۰.۵۶



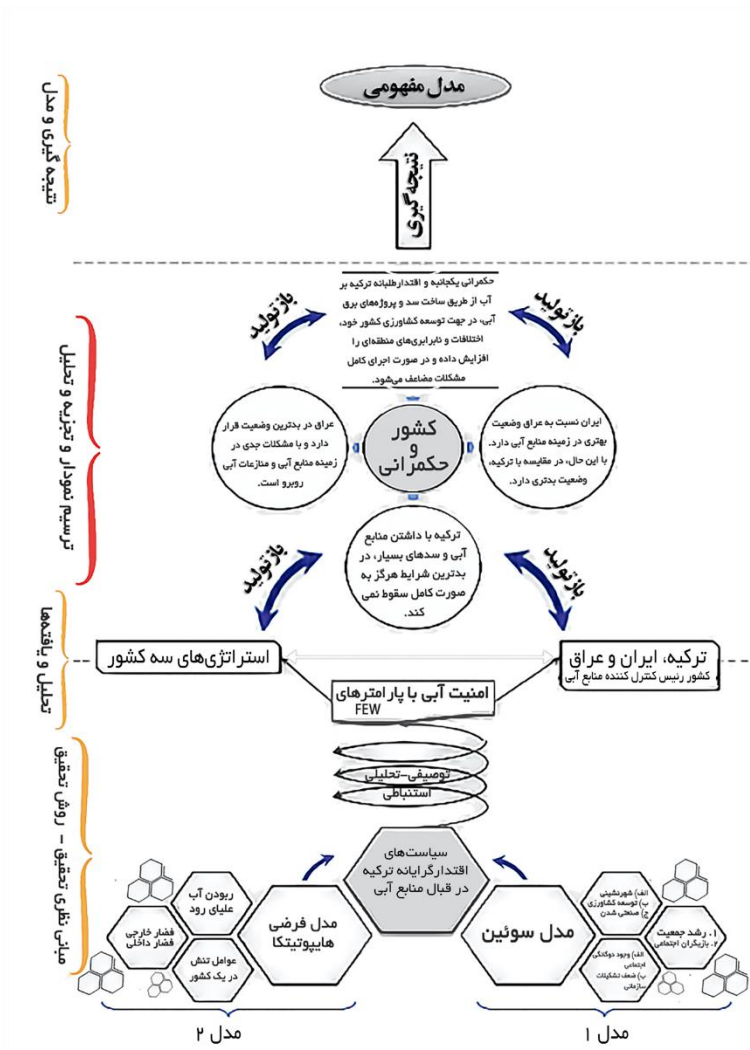
شکل ۸: وضعیت سه کشور با توجه به شاخص FEW نسبت به هم (منبع: نگارندگان با نرم افزار دیاگرام و APS 2024)

با توجه به شکل ۸ می‌توان بیان کرد که ترکیه، ایران و عراق در زمینه‌های آب، انرژی و غذا دارای وضعیت‌های مختلف هستند. ترکیه به عنوان کشور بالادست، در موقعیت بهتری نسبت به ایران و عراق قرار دارد. این کشور با وجود برخی چالش‌ها، در معرض بحران آبی نیست و سیاست‌های مدیریت آبی نسبتاً مؤثری دارد. ترکیه حدود ۸۰ درصد از منابع آبی منطقه را در اختیار دارد و با ساخت سدهای متعدد توانسته است تا حدود زیادی بر این منابع آبی تسلط داشته باشد. همچنین، این کشور از فناوری‌های نوین در بهره‌برداری از منابع آبی استفاده می‌کند و با برنامه‌ریزی مناسب، تا حد زیادی از چالش کمبود آب در امان مانده است.

در مقابل، وضعیت ایران و عراق به مراتب نامساعدتر است. ایران با داشتن تنها ۱۲ درصد از منابع آبی، با چالش جدی کمبود آب روبرو است. این مسئله به‌ویژه در نواحی مرکزی و شرقی کشور، که عمدتاً مناطق خشک و کم‌آب هستند، بیشتر قابل مشاهده است. همچنین، تشدید تغییرات اقلیمی و افزایش دمای هوا در این مناطق، موجب کاهش بیشتر منابع آبی ایران شده است. عراق نیز با وضعیت بدتری روبرو است. این کشور تنها ۶ درصد از منابع آبی را در اختیار دارد و به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های ترکیه در زمینه مدیریت آب قرار گرفته است. این مسئله موجب بروز مشکلات جدی برای عراق در تأمین نیازهای آبی کشاورزی، صنعت و مصارف شرب

شده است. در کوتاه‌مدت، عراق می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود در مجامع بین‌المللی، بخشی از مشکلات خود را پیگیری و حل کند. اما ایران به دلیل محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و کمبود امکانات دیپلماتیک، در طولانی‌مدت با چالش‌های جدی‌تری روبرو خواهد بود و وضعیت آبی این کشور از عراق نیز بدتر خواهد شد.

شکل ۹: نمودار مفاهیم و روابط پژوهش منبع: نگارندگان



همانگونه که در شکل ۹ قابل مشاهده است، پژوهشی در زمینه بررسی سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه در منابع آبی منطقه انجام شده که در قالب چهار بخش اصلی ارائه شده است. در بخش اول، مبانی نظری و روش تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. این بخش خود شامل دو زیربخش است. در زیربخش نخست، از دو مدل مختلف استفاده شده است تا استناد کتابخانه‌ای را به طور دقیق بررسی کنند. در زیربخش دوم به استنباط پرداخته شده است، برای این کار از شاخص FEW (غذا، انرژی و آب) برای کشورهای ترکیه، ایران و عراق استفاده شده تا وضعیت این کشورها را از منظر امنیت آبی تبیین و پیش‌بینی کنند. این بخش با ترسیم مدل مفهومی-دیگرامی انجام شده است.

در راستای توضیح مدل‌ها باید اشاره کنیم که دو مدلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شامل مدل سوئین و مدل‌های پوتیتکا هستند. این دو مدل، به درک سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه در قبال منابع آبی کمک شایانی کرده‌اند. مدل سوئین بر این اساس استوار است که کمبود منابع آبی موجب رقابت بین کشورها برای تسلط بر آن منابع می‌شود و در این رقابت، دو عامل مهم نقش ایفا می‌کنند: ضعف تشکیلات سازمانی در یک کشور و وجود دوگانگی اجتماعی. در این بین مدل فرضی‌های پوتیتکا نیز به بررسی این موضوع پرداخته است که ربودن آب علیا چه تبعات سنگینی برای کشورهای زیر دست دارد.

در میانه تحقیق استراتژی سه کشور مورد بررسی قرار گرفته و از طرفی بررسی امنیت آبی با استفاده از شاخص FEW نشان داده است که کشور و حکمرانی در هر سه کشور ترکیه، ایران و عراق با اشکالاتی مواجه هستند. به عبارت دیگر، ضعف تشکیلات سازمانی و وجود دوگانگی اجتماعی در این کشورها به عنوان عوامل مهم در رقابت بر سر منابع آبی شناسایی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در حوزه مدیریت و حکمرانی آب در این کشورها وجود دارد که نیازمند توجه و اقدام جدی است. در مجموع، این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای و استفاده از ابزارهای تحلیلی متنوع، به شناسایی چالش‌های موجود در حوزه مدیریت منابع آبی در کشورهای ترکیه، ایران و عراق پرداخته است و پس از بررسی به بازتولید روابط و مدل مفهومی رسیده است. با توجه به شکل ۸ و شکل ۹ می‌توان بیان کرد در این مطالعه، روابط موجود میان این سه کشور به صورت دقیق بازتولید شده است.

نتایج این بازتولید از منابع کتابخانه‌ای و یافته‌های FEW تأیید می‌کند که ترکیه توانسته است کنترل و تسلط خود بر منابع آبی را افزایش دهد و این امر موجب شده است که وضعیت عراق روزبه‌روز بدتر شود. در واقع، بستن منابع آبی توسط ترکیه، عراق را در موقعیت ضعیف‌تری

قرار داده است. از سوی دیگر، ایران هرچند از نظر وضعیت آبی در میانه این دو کشور قرار دارد، اما در بلندمدت آسیب‌پذیرتر از عراق است چراکه از عرصه دیپلماسی آبی محروم است. در واقع، ضعف ایران در حوزه دیپلماسی آبی، موجب می‌شود که این کشور نتواند به اندازه کافی برای حفظ و تأمین منابع آبی خود تلاش کند و در رقابت با کشورهای دیگر در این زمینه موفق نباشد. این در حالی است که کشورهایی مانند ترکیه با برخورداری از قدرت سیاسی و دیپلماتیک بیشتر، توانسته‌اند موقعیت خود را در این زمینه تقویت کنند. بنابراین، به‌رغم اینکه ایران در حال حاضر در موقعیت بهتری از عراق قرار دارد، اما در بلندمدت و با ادامه این روند، آسیب‌پذیرتر از عراق خواهد بود. علاوه بر این، اقتدارگرایی ترکیه در این زمینه مشکلات را تشدید کرده است. این کشور هم قدرت سیاسی دارد و هم قدرت آبی، بنابراین توانسته است موقعیت خود را تقویت کند و بر رقبای خود برتری یابد.

نتیجه‌گیری

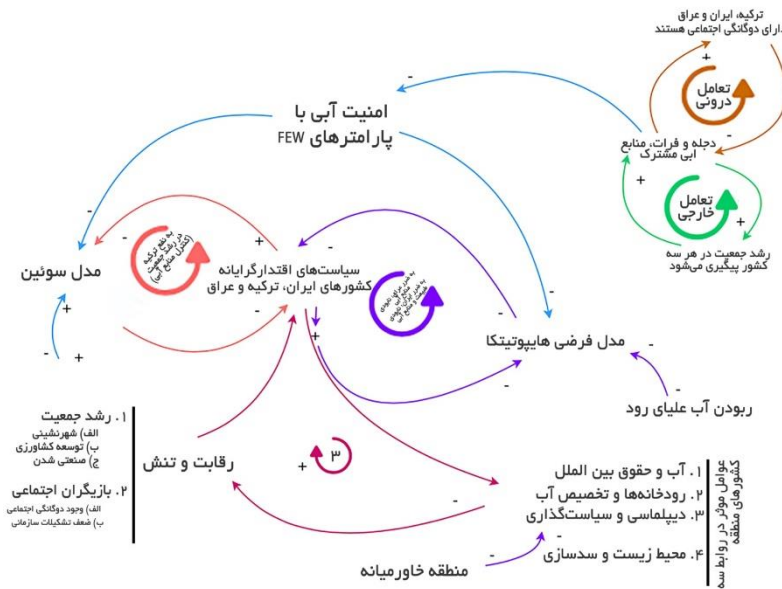
سیاست‌های اقتدارگرایی یا همان سیاست‌های پایداری اقتدار دولت در حکمرانی، به حفظ و تقویت قدرت و اقتدار دولت در داخل کشور و در روابط خارجی آن تأکید دارند. این گرایش ممکن است در برخی موارد، به نداشتن تعامل سازنده با کشورهای دیگر، تضاد و تعارض بین دولت‌ها منجر شده و در نهایت ممکن است مقدمات بحران‌های بین‌المللی را فراهم کند. یکی از مناطق بسیار حساس از نظر تعاملات، منطقه خاورمیانه است، به‌خصوص کشورهای حوضه‌های آبی دجله و فرات، در کشورهای ایران، ترکیه و عراق، که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود همواره در طول تاریخ دارای حساسیت و جایگاه ویژه‌ای هستند. در دوره‌های تاریخی، روابط بین این سه کشور دارای فراز و نشیب بوده است، اما در دهه‌های اخیر این حساسیت‌ها به دلیل اقداماتی مانند ساخت سدهای عظیم و مواجهه با خشکسالی‌های فراوان، به ویژه در نتیجه سیاست‌های اقتدارگرایانه ترکیه در رهانکردن آب از سدها، بیش از پیش افزایش یافته است. در تحلیل‌های یافته‌شده از مدل سوئین نتایج نشان می‌دهد که حکمرانی یک‌جانبه و اقتدارطلبانه ترکیه در مسئله آب، از طریق ساخت سدها و پروژه‌های برق آبی، در جهت توسعه کشاورزی خود، اختلافات و نابرابری‌های منطقه‌ای را افزایش داده و در صورت اجرای کامل، مشکلات را مضاعف می‌کند. پروژه‌های پیشرفته سدسازی در ترکیه و موارد مشابه آن در ایران، منجر شده است که زیرساخت‌های منابع آب عراق به شدت آسیب ببیند و از توان طبیعی خود چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی، کاسته شود. به عبارت دیگر سیستم مقتدر و یکپارچه

ترکیه در حمایت برای احداث سد جهت تولید برق در منطقه مدیترانه، باعث پیشبرد این امر مهم شده و عدم تعادل در تأمین آب و تقاضا در منطقه را تشدید کرده است.

در مدل سوئین رشد جمعیت یکی از شاخصه‌های اصلی شکل‌گیری بحران است. در این بین، دلیل ترکیه توسعه کشاورزی و به تبع آن رشد جمعیت است. همانند ترکیه، ایران نیز به دلیل جمعیت بالای خود مجبور به اتخاذ سیاست مشابه سدسازی شده است. از طرفی در مدل‌های پوتیتکا ربودن آب علیا یکی از بحران‌آفریننده‌ترین مسائل بین‌المللی است. با سدسازی‌های غیراصولی و نوع استراتژی پیاده‌شده از دو کشور ایران و ترکیه، آب علیای کشور عراق از دست رفته است و این کشور را مستقیماً دچار تأثیر کرده و به صورت غیرمستقیم بر خود ایران و ترکیه نیز اثر گذاشته است.

در نهایت می‌توان بیان کرد که ترکیه می‌خواهد کنترل غالب منابع آبی منطقه را به دست بگیرد. طبق مدل سوئین اگر ضعف تشکیلات سازمانی و وجود دوگانگی اجتماعی در کشورهای منطقه وجود داشته باشد، نظام اشتراکی موجود از بین می‌رود و رقابت تنش‌زا می‌شود. از طرفی کشورهای عراق، ایران و ترکیه دوگانگی اجتماعی دارند و همچنین عراق بعد صدام دارای ضعف تشکیلات سازمانی است. طبق این مدل، تنش اجتناب‌ناپذیر است و دیر یا زود رخ خواهد داد. ترکیه به صورت اقتدارگرایانه‌ای بدون توجه به خواسته‌های سایر کشورها عملیات سدسازی را انجام می‌دهد. در نهایت می‌توان بیان کرد نیاز به منابع آب در ترکیه، ضعف تشکیلاتی در عراق، وجود دوگانگی اجتماعی در هر سه کشور، ربودن آب علیا توسط ترکیه به احتمال بسیار بالایی در طولانی‌مدت نظام اشتراکی موجود را از بین می‌برد و با افزایش رقابت، بازیگرانی با رفتارهای تنش‌زا که می‌توانند بحران‌های بین‌المللی ایجاد کنند، شکل می‌گیرند.

شکل ۱۰: مدل مفهومی پژوهش منبع: نگارندگان



فهرست منابع

- صادقی، سیدشمس‌الدین، زینب شریفی، سمیرا مرادی و حمیدرضا حشمتی جدید (۱۳۹۹). مدل هاگت و تحلیل منازعات منطقه‌ای: مطالعه موردی جنگ ایران و عراق، پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی، ۵(۱)، ۹۵-۱۲۴.
- مختاری هشی، حسین و مصطفی قادری حاجت (۱۳۸۷). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵م مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۴(۱۱)، ۳۶-۷۴.
- نادری، محمد، مهناز گودرزی و سید جواد امام‌جمعه‌زاده (۱۴۰۲). تأثیرات سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی ایران، امنیت ملی، ۱۳(۵۰)، ۱۵۵-۱۸۴.
- وصال، محمد و محمدسعید تجریشی (۱۳۹۸). اثرات اقتصادی سدسازی در ایران، تحقیقات منابع آب ایران، ۱۵(۱)، ۲۴۷-۲۵۶.
- Abd-El-Mooty, Mohamed Rawya Kansoh and Ahmed Abdulhadi (2016). Challenges of water resources in Iraq, *Hydrology Current Research*, 7 (260), 2.
- Abdulrahman, Salam Abdulqadir (2017). Natural resources in Kurdistan and the legitimacy of their exploitation by the regional authority: water, oil and gas, *International Journal of Environmental Studies*, 74(6), 1013-1030.
- Abdulrahman, Salam Abdulqadir (2018). The drying up of the Lower Zab River and future water disputes between Iran, Kurdistan Region and Iraq, *International Journal of Environmental Studies*, 75(1), 29-44.
- Al-Ansari, Nadhir (2016). Hydro-politics of the Tigris and Euphrates basins. *Engineering*, 8(3), 140-172.
- Al-Obaidy, Abdol hameed M. Jawad and Mukdad Al-Khateeb (2013). The challenges of water sustainability in Iraq, *Eng. & Tech. Journal*, 31(5), 828-840.
- Alexander, David and Simon Archer (2003). On economic reality, representational faithfulness and the 'true and fair override'. *Accounting and Business Research*, 33(1), 3-17.
- Aljefri, Yasir M., Liping Fang, Hipel Keith W. and Kaveh Madani (2019). Strategic analyses of the hydropolitical conflicts surrounding the grand Ethiopian renaissance dam, *Group Decision and Negotiation*, 28(2), 305-340.
- Aras, Bulent (2019). The crisis and change in Turkish foreign policy after July 15, *Alternatives*, 44(1), 6-18.
- Aydin, Mustafa (2020). Grand strategizing in and for Turkish foreign policy: Lessons learned from history, geography and practice, *Journal of International Affairs*, 25(2), 203-226.
- Bengtsson, Carl (2019). *The End of 'Turkish Exceptionalism': Turkish foreign policy re-orientation during Erdoğan's era*, Swedish Defence University, Available online: <http://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:1328026/FULLTEXT01.pdf> (accessed on 08 July 2019).
- Darvishi Bolorani, Ali, Masoud Soleimani, Ramin Papi, Nastaran Nasiri, Najmeh Neysani Samany, Saham Mirzaei and Ali Al-Hemoud (2024). Assessing the role of drought in dust storm formation in the Tigris and Euphrates basin. *Science of The Total Environment*, v. 921 p.171193, 1-31.
- Brett, Walton (2013). *Groundwater Pumping a Major Cause of Declining Water Storage in the Middle East*, Circle of Blue, Available online: www.circleofblue.org/2013/world/report-groundwater-pumping-a-major-cause-of-declining-water-storage-in-middle-east, (accessed on 13 February 2013).
- Dowlatabadi, Narges Khatoon, Mohammad Ebrahim Banihabib, Abbas Roozbahani and Öner Çetin (2019). Assessment of Water Saving Efficiency Index in Iran/Iraq through Virtual Water Trade with Turkey, *Iranian journal of Ecohydrology*, 6(4), 1015-1027.

- Kehl, Jenny R. (2011). Hydropolitical complexes and asymmetrical power: Conflict, cooperation, and governance of international river systems, *Journal of World-Systems Research*, 17(1), 218-235.
- KIBAROGLU, Aysegul (2021). *BUILDING A REGIME FOR THE WATERS OF THE EUPHRATES-TIGRIS RIVER BASIN*, BRILL.
- Kibaroglu, Aysegul, Waltina Scheumann and Annika Kramer (2019). *Turkey's water policy: National frameworks and international cooperation*, Springer Nature.
- WebSite: King, Marcus (2018). A Watershed Moment for Iraqi Kurdistan: Subnational Hydropolitics and Regional Stability, *Climate Diplomacy*, Available online: <https://climate-diplomacy.org/magazine/environment/watershed-moment-iraqi-kurdistan-subnational-hydropolitics-and-regional>, (accessed on 25 May 2018).
- Madani, Kave (2014). Water management in Iran: what is causing the looming crisis?, *Journal of environmental studies and sciences*, 4(4), 315-328.
- Moghadam, Valentine (2008). *Population growth, urbanization, and the challenges of unemployment. Understanding the Contemporary Middle East*, 3rd edn. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Najafi, Alireza and Jabbar Vatanfada (2013). Transboundary water management improvements, the way forward in the middle east; case study: transboundary water management of iran and neighbors, *Geopolitics Quarterly*, 8(4), 135-155.
- Nami, Mohammad and Ali Mohammadpour (2010). Hydropolitical Assessment of the Western Basins in Iran: A Case Study on Zab, Sirvan, and Alvand, *Journal of Geography and Regional Development*, 8(14), 133-165.
- Rashid, Hiwa, Asmar Abdul Rahim and Haslinda Mohd Anuar. (2022). Water Projects by Turkey and Iran: The Impacts on the Right of Iraq to Access Equitable Share of Water. *resmilitaris*, 12(3), 2699-2721.
- Rateb, Ashraf, R. Scanlon Bridget, Schmie Hannes Müller and Emad Hasan (2021). How Severe is Water Stress in the Middle East and North Africa Region?, *EGU General Assembly*, 14(2), 21-49 <https://doi.org/10.5194/egusphere-egu21-13724>
- Sakal, Halil Burak (2022). The risks of hydro-hegemony: Turkey's environmental policies and shared water resources in the South Caucasus, *Caucasus Survey*, 10(3), 294-323.
- Swain, Ashok (2004). *Managing Water Conflict: Asia, Africa and the Middle East*, Routledge.
- Swain, Ashok (2015). Water wars, *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*, ElsevierEditors.
- Van Veenen, Jelle (2010). Dealing with Miscommunication, Distrust, and Emotions in Online Dispute Resolution. *SSRN on Elsevier*. Available online: papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1626212 (accessed on 28 September 2019).
- Warner, Jeroen (2012). The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and international security linkages, *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, 12(3), 231-250.
- WebSite: IAU (2010). Water in Iraq Factsheet, Available at: <https://www.iraqicivilsociety.org/wp-content/uploads/2014/02/Water-Factsheet.pdf> (accessed on 1 March 2013).
- WebSite: UNEP (2003). Desk Study on the Environment in Iraq, Available at: <https://www.unep.org/resources/report/desk-study-environment-iraq>, (accessed on 22 October 2003).
- WebSite: World Bank (2010). Human Development Report - 20th Anniversary, Editions washington WB Group, Available at: <https://www.undp.org/publications/human-development-report-2010>, (accessed on 11 September 2013).
- Zarei, Mohanna (2020). The water-energy-food nexus: A holistic approach for resource security in Iran, Iraq, and Turkey, *Water-Energy Nexus*, (10)3, 81-94.
- Zhang, Peipei, Liming Zhang, Yan Chang, Min Xu, Yue Hao, Sai Liang and Can Wang (2019). Food-energy-water (FEW) nexus for urban sustainability: A comprehensive review. *Resources, Conservation and Recycling*, 142, 215-224.